



تهیه و تنظیم از ناصر غلامی

زمینه پیدایش بانکداری در ایران

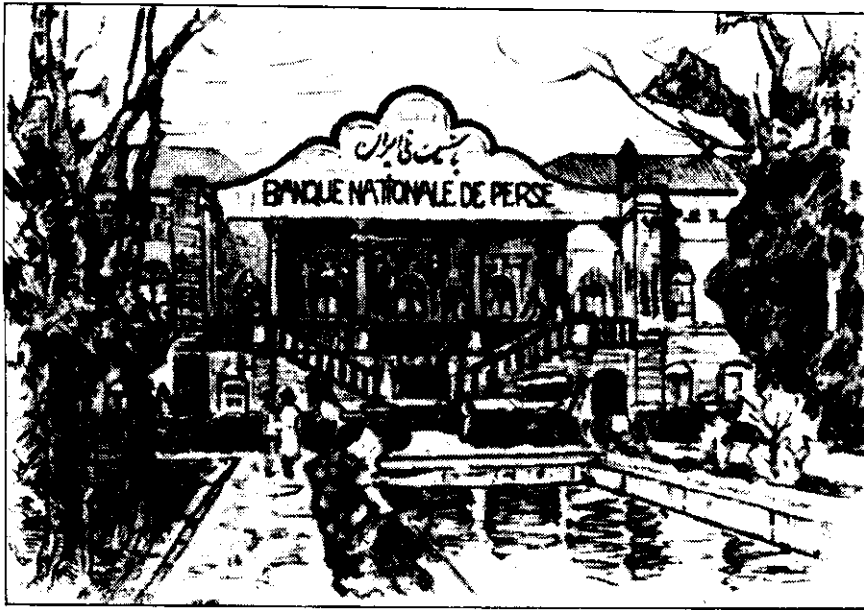
۱- دوران پیش از ۱۲۶۶؛ وضع
اقتصادی و بانکداری

تعطیل شد. اوژن فلاندن مأمور سیاسی دولت فرانسه در دربار ایران، وضع کاشان را در سال ۱۲۱۹ شمسی (۱۸۴۰ میلادی) چنین تشریح می‌کند: «کاشان چندین کارخانه پارچه بافی دارد لیکن واردات انگلیس که از سی سال قبل روبه تزیاید گذاشته است. روز بروز از تعداد این کارخانه‌ها می‌کاهد. با اینکه هنوز کارگاههایی دایر است، انسان از نمایش قسمت عمده آن که بائر افتاده متأثر می‌شود. باعث حیرت است، شهری که در زمان صفویه شهر صنعتی بوده امروزه چنین وضعی درآید. دیگر کارخانه‌ای که دویا سه هزار کارگر، مانند دو قرن پیش داشته باشد، وجود ندارد».

این تحول عظیم رسته‌های اقتصاد ایران را از هم گسیخت. پس راه چاره می‌باید جست. فراگیری تکنیک نو و هماهنگی با تحول زمان ضروری و ورق بزیند

ایران تا آغاز انقلاب صنعتی اروپا در قرن هیجدهم از کشورهای (در معنای صنعت دستی سنتی) به شمار می‌رفت. صنعت نساجی، بخصوص پس از گشایش راههای دریایی به مراحل عالی رسید و یکی از مهمترین منابع درآمد مردم این سرزمین را تشکیل می‌داد، تا آنکه قرن نوزدهم فرارسید و تکنیکی جدید که اساسش بر استفاده از نیروی بخار و ماشین بود در جزایر بریتانیا پدید آمد. اقتضای نیروی جدید نبود کردن صنایع دستی و کارگاههایی بود که براساس تکنیک قدیم و بازوی انسان استوار بود. در این جدال، البته صنایع ایران نیز از خطر زوال مصون نماند. در نتیجه کارگاهها و کارخانه‌های معظم کاشان، یزد، کرمان و مشهد یکی بدنبال دیگری

سال ۱۲۶۶ آغاز کار بانک جدید شرق و سال ۱۳۰۷ تاریخ تأسیس بانک ملی ایران است. نظریه اهمیت این دوسرفصل مشخص در طرح تاریخ بانکداری ایران، این مبحث خلاصه را به سه دوره تقسیم می‌کنیم:



حیاتی بود. عباس میرزای نایب السلطنه نخستین بار عده‌ای را جهت فراگرفتن علوم جدید، مخصوصاً صنایع نساجی و شیمیایی، به لندن فرستاد. میرزا تقی خان امیرکبیر صدراعظم بلند آوازه ناصرالدینشاه با تأسیس دارالفنون و استخدام معلمان اتریشی در این راه گام بزرگی برداشت و مقدمات آموزش و پرورش گروهی پر شمار را با هزینه اندک فراهم ساخت.

به طور اجمال می‌توان نیمه اول قرن نوزدهم را دوره اُفول اقتصادی ایران و سالهای نخست نیمه دوم را دوره مقاومت و تلاش برای رهایی از انحطاط با موفقیت نسبی دانست.

وضع صرافی

وضع ترانزیتی ایران و واقع بودن آن بر سر راه شرق و غرب، طبعاً ایجاب می‌کرد که آزادی رفت و آمد و تجارت در این سرزمین حکمفرما باشد، بر این اساس، نه تنها از گذشته، آزادی کامل برای تجارت و عبور کاروانها وجود داشت بلکه از لحاظ پولی نیز کشور ایران از وضع خاصی برخوردار بود، زیرا کاروانهای شرقی با انواع پولهای آسیایی کاروانهای غربی با همه گونه پولهای مناطق اطراف مدیترانه نیازمندیهای خود را در ایران تهیه می‌کردند و این جریان سبب رواج اقسام پولهای جهان در ایران گردید. در داخل ایران نیز مسکوکات طلا و نقره از روزگاران قدیم ضرب شده بود و قانون عرضه و نقاضا بر آن حکومت می‌کرد. با رواج پولهای مختلف در ایران، بدون آشنایی با مشخصات مسکوکات و بدون اطلاع از رابطه ارزش فلزات با یکدیگر کسب و معامله میسر نبود. پس وجود افراد بصیر به این گونه امور ضرورت پیدا می‌کرد.

آرامش سیاسی و رونق تجاری دوره صفویه صرافای ایران را که از احتیالات ناشی از حمله مغول لطمه فراوان دیده بود جان تازه و رونق بسیار بخشید و

این رونق ادامه داشت تا اینکه در نیمه دوم قرن نوزدهم، هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر نوع کار، توسعه چشمگیری پیدا کرد.

از مراکز عمل صرافای آن ایام می‌توان به ترتیب درجه اهمیت، شهرهای تبریز، مشهد، تهران، اصفهان، شیراز و بوشهر را نام برد.

از این دوره عملیات صرافان بیس از پیش در کارهای بازرگانی انجام می‌شد و هر چند عده‌ای همچنان به مبادله پولهای فلزی با کارگشایی با وثیقه اموال منقول و غیرمنقول اشتغال داشتند ولی تنزیل بروات و تصفیه محاسبات بازرگانان با نقاط مختلف کشور و خارج از کشور کار عملی و اصلی صرافان را تشکیل می‌داد.

هر تاجر با صراف معینی حساب جاری داشت. بازرگانان هنگام خرید کالا اغلب براتی به وعده نسبتاً طولانی به عهده صراف خود صادر و به فروشنده تسلیم می‌کردند. دازنده برات قبل از سررسید موعد، آن را نزد صراف تنزیل می‌کرد و بهای کالای خود را نقداً دریافت می‌داشت و بدین نحو، صراف اعتباری که گاه مدت آن تا پنج سال می‌رسد به بازرگان اعطا می‌کرد از جمله عملیاتی که از ابداعات این دوره صرافای باید محسوب شود، نشر بیجک است. بیجک سندی بود که صراف ضمن آن وصول مبلغی را اعلام می‌کرد و به وعده کوتاه و یا غالباً عندالمطالبه تعهد پرداخت می‌نمود و معمولاً در مقابل بروات تضمینی بازرگانان صادر می‌شد و بر وجه، میزان معروفیت و اعتبار صراف در بازار رواج می‌یافت. کار بیجک در صرافای نیز در

وضع پولی ایران آن روز درخور توجه بسیار است. زیرا در مراکز رونق بازرگانی، بویژه تبریز، اصفهان و شیراز این گونه اسناد از وسایل مهم پرداخت به شمار می‌رفت و قسمت عمده معاملات به وسیله آن انجام می‌گرفت. بدین ترتیب انتشار بیجک علاوه بر آنکه سود سرشاری عائد صرافان می‌کرد وسیله‌ای برای رفع مضيقه پولی بازار بوده و از آثار کمبود مقدار مسکوک در جریان می‌گاست.

کم کم در کار صرافان رشته‌های تخصصی پیدا شد به طوری که بعضی فقط به مبادله پولها و جمعی به دادن و لم در مقابل وثیقه می‌پرداختند و صرافان مهم کارشان به خرید و فروش و تنزیل بروات و سایر معاملات مربوط به اوراق تجاری منحصر بود.

پیدایش این تخصص که نتیجه رشد و گسترش کارها و اوضاع و احوال اقتصادی بوده است در عین آنکه حکایت از رونق شغل صرافای می‌کند، باید نقصی در سیستم صرافای اواخر این دوره تلقی شود، زیرا عدم تمرکز به نوبه خود مانع سرعت جریان امور و حل و فصل مستقیم محاسبات بوده است.

از نکات درخور توجه در این دوره حاکمیت عرف و عادت بر امور صرافای است. زیرا در ایران قانونی برای این گونه امور (همچنانکه برای امور دیگر) وجود نداشت و دولت نیز مطلقاً مداخله نمی‌کرد. کلیه صرافان در صدور حواله و برات و قبول آن آزاد بودند و برای نشر بیجک و رواج آن و مقدار موجودی لازم هیچ گونه مقرراتی نبود و تنها عرف و سنت صرافای که در طول زمان پدید آمده بود و اعتماد عمومی، حدود کار صراف را تعیین می‌کرد.

با آنکه وضع عمومی و شرایط کار در آن زمان روی هم رفته رضایتبخش بود و صرافی ایران در معرض رقابت بانکهای بزرگ خارجی قرار نداشت، کشور در آن زمان برای بنیادگذاری صنایع بزرگ نیازمند سرمایه فراوان بود و سیستم صرافی کشور با تمام قدرت و دامنه خود آمادگی تأمین این مقصود را نداشت.

۲- دوره ۱۲۶۶ تا ۱۳۰۷، وضع بانکداری

سال ۱۲۶۶ (۱۸۸۸ میلادی) در تاریخ بانکداری ایران دارای اهمیت خاصی است زیرا

برای نخستین بار در این سال یک مؤسسه خارجی که مجهز به تکنیک جدید بانکداری بود در ایران فعالیت خود را آغاز کرد. این فعالیت موارد زیر را در برمی گرفت:

بانک جدید شرق

این بانک که مرکزش در لندن و حوزه عملش در مناطق جنوب آسیا بود، در سال ۱۲۶۶ بدون تحصیل امتیازات خاص کار خود را در ایران آغاز کرد. ابتدا در تهران، در بنایی که بعدها مقر بانک شاهنشاهی گردید شعبه اصلی خود را آماده ساخت و سپس شعبه‌هایی در شهرهای تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، رشت و بوشهر دایر کرد و بلافاصله به عملیات گوناگونی که تا آن زمان در صرافی ایران سابقه نداشت دست زد. این بانک در مقابل سپرده ثابت سود پرداخت می‌کرد و به موجودی حساب جاری که برای نخستین بار در ایران معمول گردید، بهره‌ای معادل ۲/۵ درصد می‌داد. این بانک از همان ابتدا با رقابت شدید و دامنه‌دار موفق صرافی ایران که سود سرشاری از این راه به دست می‌آوردند روبه‌رو شد.

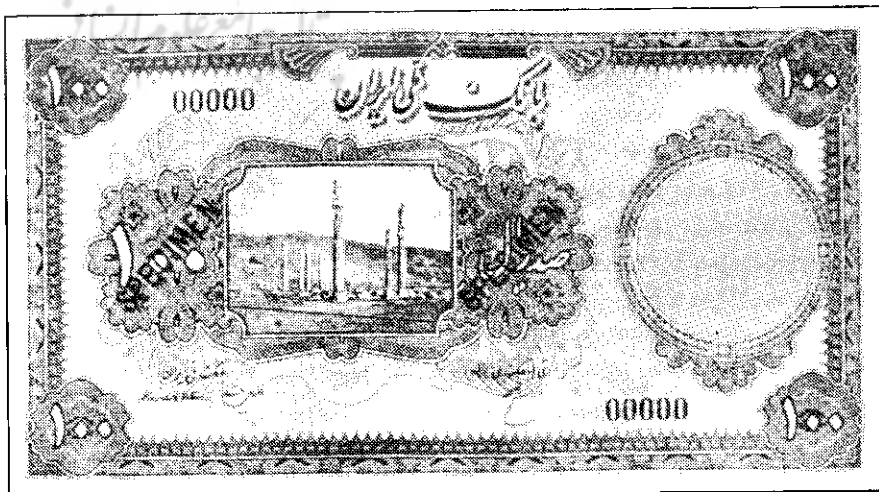
در گرماگرم این رقابت حریف جدید و نیرومندی جانشین بانک جدید شرق شد.

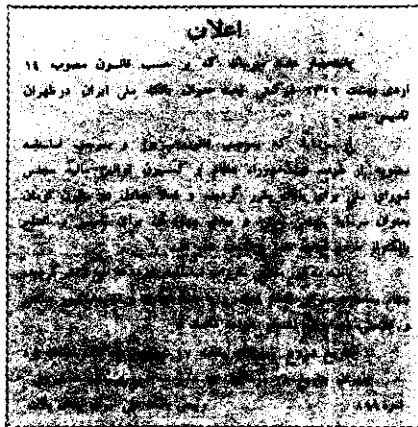
بانک شاهنشاهی ایران

این بانک در سال ۱۲۶۷ (۱۸۸۹ میلادی) به موجب امتیازی که از طرف ناصرالدین‌شاه به بارون جولوس دوروینتر (موسس خبرگزاری رویتر) اعطا شد به وجود آمد. رویتر قبلاً موفق شده بود امتیازی به مدت هفتاد سال برای احداث خطوط آهن و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی و یک رشته کارهای دیگر به دست آورد.

حق انحصاری نشر اسکناس که شاید اهمیت و

ورق بزنید





اعلان تشکیل بانک ملی ایران

تحصیل امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی شد. یکی از اتباع روسیه به نام ژاک پولیاکوف، پیشنهاد آوردن سرمایه و تأسیس بانک استقراضی در ایران را داد. این پیشنهاد در سال ۱۲۶۹ (۱۸۹۰ میلادی) قبول شد و به موجب امتیازنامه‌ای که از طرف ناصرالدینشاه صادر گردید برای مدت ۷۵ سال به شخص نامبره اجازه دایر کردن شرکتی به نام «انجمن استقراضی ایران» داده شد.

ژاک پولیاکوف پس از تحصیل امتیاز، شرکتی سهامی با سرمایه ۱۸۷۵۰۰۰ رنات (تقریباً پانصد هزار تومان) تشکیل داد. این شرکت به آرامی تمام و بی آنکه محافل ملی ایران از ناحیه آن خطری احساس کنند به وجود آمد و کار خود را آغاز کرد.

پس از مدتی صدراعظم دولت روسیه تصمیم به مداخله در امور بانک گرفت و تا سال ۱۲۷۷ (۱۸۹۸ میلادی) کلیه سهام بانک استقراضی به بانک دولتی پترزبورگ منتقل شد و در معنی تحت اداره وزارت دارایی روسیه درآمد. از این تاریخ بانک استقراضی که مرکز آن پترزبورگ تعیین شده بود به دستگاهی کاملاً سیاسی تبدیل شد.

بانک در وامها و اعتباراتی که در اختیار تجار و افراد می‌گذاشت توجهی به جنبه بازرگانی و سود آن نداشت و غالباً از این ابزار در خدمت هدفهای سیاسی استفاده می‌کرد، بدین نحو که اعتبارات هنگفتی با تسهیلات گوناگون عرضه می‌کرد و سپس ناگهان فشار فوق العاده‌ای برای وصول آن وارد می‌آورد و چون مقررات کاپیتولاسیون در ایران وجود داشت نمایندگان سیاسی دولت روسیه دخالت می‌کردند و عرصه را بر بدهکاران، که بیشتر غیربازرگان و از رجال کشور بودند تنگ می‌ساختند تا از سر درماندگی به اوامر و خواسته‌های روسیه تن دردهند. مؤسسه مزبور تا زمان انعقاد عهدنامه بهمین ماه ۱۲۹۹ (۱۹۲۱ میلادی) بین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی به کار خود ادامه داد و از ۲۲ مرداد ماه ۱۳۰۱ به دولت ایران تحویل داده شد.

بانک استقراضی روس از تاریخ واگذاری به دولت، «بانک ایران» نام گرفت و سرانجام در سال

تأثیر آن در اقتصاد کشور به درستی در نظر اولیاء امور روشن نبود نیز به رویت داده شد.

سهام بانک جهت تأمین سرمایه چهار میلیون لیره‌ای آن در بورس لندن عرضه گردید و ظرف چند ساعت پانزده برابر سرمایه مورد نیاز تعهد گردید. محافل مالی لندن در تشخیص بوی کباب از راه دور شامه تیزی داشتند.

در این زمان (۱۲۶۹ مطابق با ۱۸۹۰ میلادی) بانک با خرید تأسیسات بانک جدید شرق به بهای بیست هزار لیره فعالیت خود را آغاز کرد. در نخستین سال، مجموع اسکناس در گردش به پنجاه هزار لیره انگلیسی معادل یک صد و پنجاه هزار تومان بالغ شد.

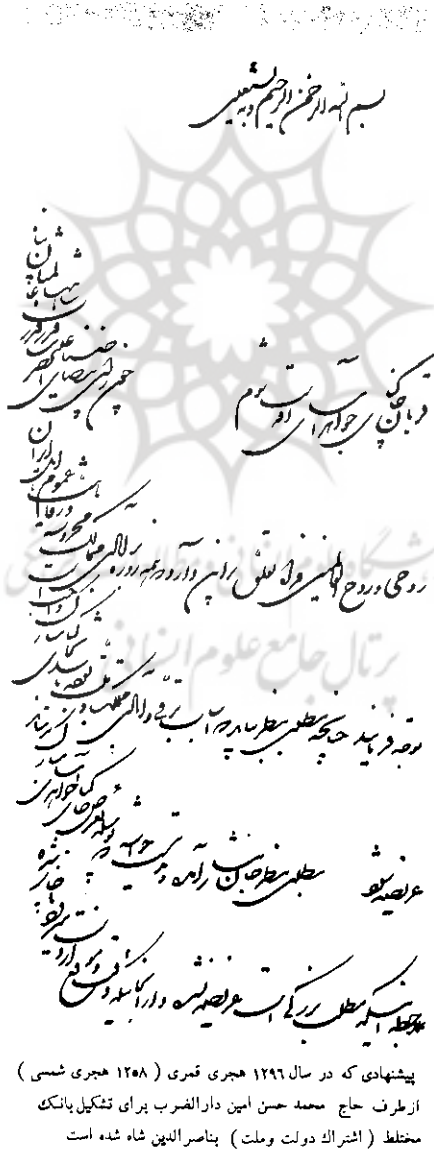
تمرکز حسابهای دولت و وجود خزانه در بانک شاهنشاهی و دخالت مؤسسه مزبور در کلیه نقل و انتقالات کشوری و لشکری، از جمله پرداخت حقوق مأموران دولت و افراد قشون بتدریج اسباب استیلائی بانک را بر امور مالی کشور فراهم ساخت.

بانک شاهنشاهی ایران در زمینه تجارت بین المللی خدمت مفیدی به صنایع انگلستان انجام می‌داد، بدین معنی که با سیاست اعتباری خود، موجب توسعه بازار کالای آن کشور در ایران می‌شد. ضمناً صدور محصولات کشاورزی مورد نیاز صنعت کشور انگلستان را تا حد امکان تشویق می‌کرد. این عمل بانک برای توسعه قدرت اقتصادی بریتانیا پر ارزش بود.

این وضع تا زمان تشکیل بانک ملی ایران ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰ میلادی) حق نشر اسکناس از طرف دولت ایران باز خرید شد. و بانک شاهنشاهی جنبه دولتی خود را از دست داد. بانک مزبور با همین نام تا بهمن ماه ۱۳۲۷ از سایر حقوق امتیازنامه خود برخوردار بود و از آن تاریخ که مدت شصت ساله امتیاز منقضی شد تا مرداد ۱۳۳۱ بدون امتیاز و حقوق خاص با نام «بانک انگلیسی در ایران و خاورمیانه» به فعالیت خود در ایران ادامه داد.

بانک استقراضی ایران

پس از آنکه بارون جولیبوس دورویرتر موفق به



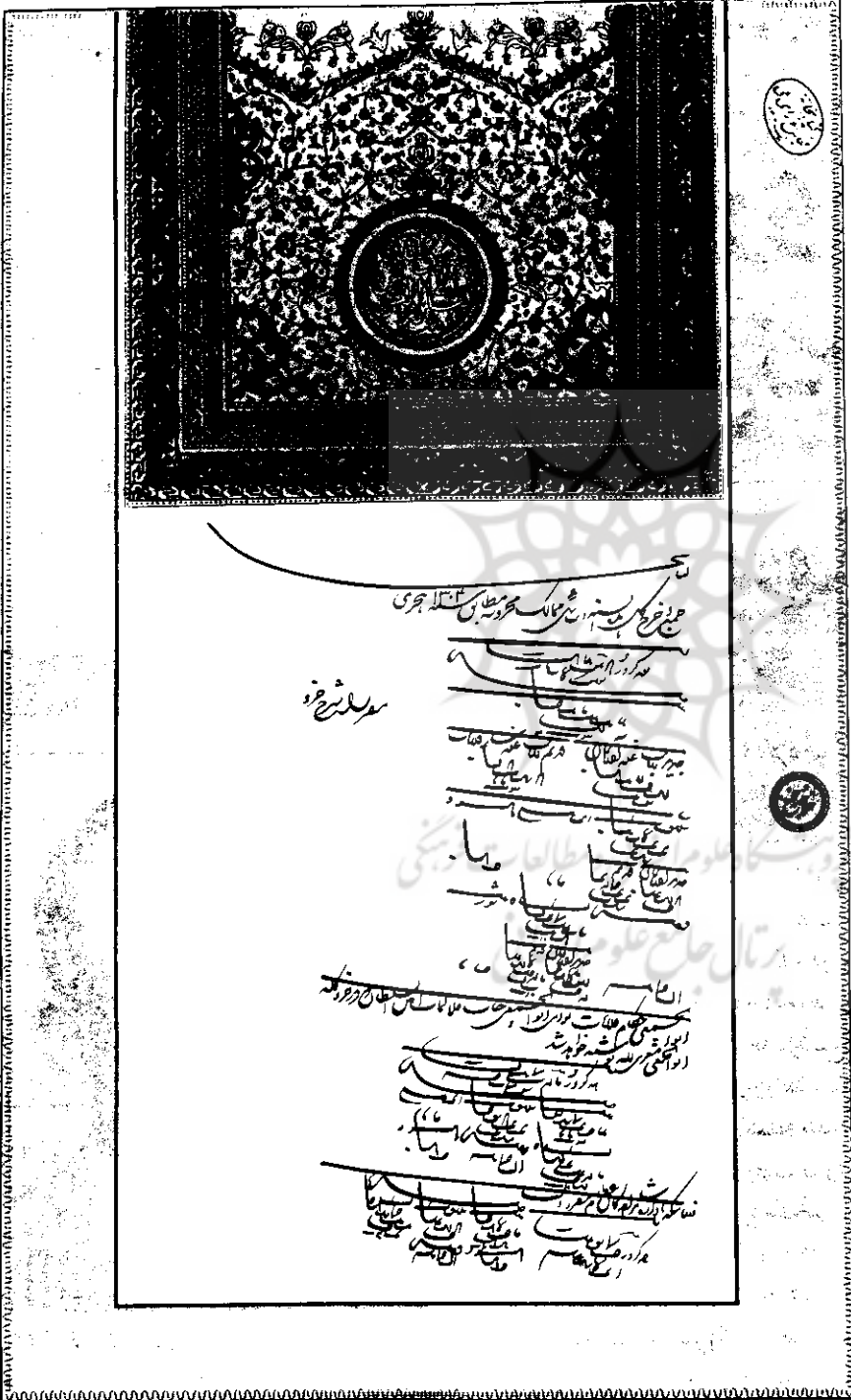
۱۳۱۲ به موجب قانون اجازه تأسیس بانک فلاحی و صنعتی (بانک کشاورزی ایران) ضمیمه بانک مزبور شد.

چنانکه ملاحظه شد کار صرافتی که تا سال ۱۲۶۶ در این سرزمین رونق داشت پس از استقرار بانکهای خارجی و سلطه آنها بر امور، دچار بحرانی عمیق شد و بدین ترتیب مؤسسات صرافتی هریک به صورتی کنار رفتند و تنها مؤسسه بانکی که در ایران باقی ماند بانک شاهنشاهی ایران بود. بانک مزبور با تهی شدن میدان از رقیبان تقریباً کلیه امور بانکی را قبضه کرد و تنها مرجع بانکی افراد و دولت شد. البته دو مؤسسه کوچک بانکی با سرمایه و هدف محدود به نام بانک پهلوی قشون در سال ۱۳۰۴ و مؤسسه رهنی ایران در سال ۱۳۰۵ به وجود آمد. لیکن تا سال ۱۳۰۷ ایران همچنان فاقد یک سیستم بانک ملی بود. بانک پهلوی قشون در چند باب مغازه واقع در خیابان سپه (گذر تقی خان) آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۰۵ بانک پهلوی ایران نام گرفت و از سال ۱۳۱۶ بانک سپه نامیده شد. ابتدا تنها نمایندگی وزارت جنگ را داشت و بانک مختص ارتش بود. سپس به فعالیتهای بانکی عمومی پرداخت. علاوه بر مؤسسات فوق الذکر بانک عثمانی در سال ۱۳۰۱ و بانک روس و ایران در سال ۱۳۰۵ تشکیل و در تهران و بعضی شهرها فعالیت داشتند.

۳- تأسیس بانک ملی ایران

فکر تشکیل بانک با اسلوب جدید در ایران، همراه با فکر تشکیل بانک دولتی ظاهر شده است در سال ۱۲۵۸ (۱۲۹۶ هجری قمری) یعنی ده سال قبل از تشکیل بانک شاهنشاهی پیشنهادی از طرف حاج محمدحسن امین دازالضرب یکی از صرافان بزرگ تقدیم ناصرالدین شاه شد، اما این طرح که در صورت اجرا شاید مجالی برای خارجیان در این زمینه باقی نمی‌گذاشت جامه عمل نپوشید و بانک شاهنشاهی ایران به شرحی که گذشت بصورت بانک دولتی در ایران مستقر شد.

با استقرار مشروطیت دوران شهامت ملی بقیه در صفحه ۱۰۵



صفحه اول « کتابچه جمع و خرج مملکتی » مربوط به سال ۱۳۰۴ هجری قمری

قانون عملیات

بانکداری بدون ربا

بررسی تجربی

راهیابیها

■ مهمترین کارکرد قوانین اقتصادی تنظیم روابط مردم با یکدیگر، مردم با نهادهای اجتماعی، مردم با دولتها و همچنین ایجاد تضمینهای کافی برای اجرای سیاستهای کلان اقتصادی در هرزمینه است. قانون پولی و بانکی و قوانین و مقررات مربوط به آن نیز از این قاعده برکنار نیست. قانون عملیات بانکی بدون ربا هم، بدون آنکه وظیفه تنظیم کلیه روابط پولی و بانکی جامعه را عهده دار باشد، آقا، به دلیل نقشی که در چارچوب نظام پولی و بانکی و سرانجام در نظام اقتصادی جامعه دارد، به طور طبیعی در کنار سایر قوانین مربوط، کارکردهای مشابهی دارد اگرچه موضوع اصلی آن، اجرای موازین فقهی و شرعی؛ یعنی حذف ربا (بهره) از روابط و نظام اعتباری جامعه باشد.

بنابراینچه گفته شد، بررسی آثار اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا — دست کم در چارچوب نحوه اجرای آن تا کنون — بر مسائل پولی، مالی، بازرگانی و اقتصادی، مستلزم سنجش کارآیی این قانون درهریک از زمینه های پیشگفته است.

متأسفانه شواهد عینی و ملموس و ارزیابیهایی که البته جملگی بایه تجربی دارند، حاکی از آن است که قانون عملیات بانکی بدون ربا تا زمان حاضر از کارآیی مناسبی برخوردار نبوده و بدرستی به هدفهای خود دست نیافته است. با این حال هنوز کارگزاران نظام بانکی و کارشناسان مسائل مالی و اقتصادی ازبیم یا



غلامرضا سلامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار علوم انسانی

به بهانه اینکه انتقاد کردن از این قانون سبب تضعیف دولت و قانونگذاران می‌شود، یا به این دستاویز که چنین کاری موجب سوءاستفاده افراد مغرض می‌گردد، از بررسی و اظهار نظر درباره آن خودداری کرده‌اند. حال آنکه مطرح کردن مشکلات و بررسی آنها یا انتقاد از روشهای نامطلوب انجام کارها یا حتی سیاستهای کلی دولت در زمینه‌های مختلف، چنانچه با نیتی نیکخواهانه انجام شود، کمکی درخور توجه به جامعه خواهد بود.

مقاله حاضر که بر پایه برداشتهای تجربی نگارنده تنظیم شده است می‌کوشد تا مشکلات و نارساییهای اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا را، از دیدگاه کارشناسی مالی و اقتصادی بررسی کرده آن را به رأی و نظر صاحب نظران و کارشناسان بگذارد، تا شاید جامعه ما از این رهگذر به راه‌حلهای کارآمد و سنجیده‌تری در جهت بهبود بخشیدن به نظام بانکداری کشور و دستیابی به هدفهای قانون یاد شده برسد. ■

نگاهی به قانون عملیات بانکی بدون ربا

در قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) یکی از بنیادین‌ترین مفاهیم و مفردات آن یعنی «ربا» تعریف نشده است، که این مسئله سبب بروز مشکلات بسیاری در زمینه تدوین آیین‌نامه‌ها و دستور عمل‌های اجرایی مربوط شده و به طور تبعی دستیابی به هدفهای نظام بانکداری بدون ربا را دشوار ساخته است. با در نظر داشتن این بزرگترین نقص و با استناد به مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا، اینکه به بررسی آن می‌پردازیم.

ورق بزنید

دست رفته نیز تحمیل شده است. برای روشنتر شدن مطلب به زمانهای دور برمی گردیم، یعنی به زمانی که مسکوکات طلا و نقره به عنوان وسیله مبادله به کار می رفتند ولی نقش آنها منحصر به این مورد نبود بلکه هر دوی این فلزات به خودی خود نیز دارای ارزش بوده و به عنوان کالا قابل خرید و فروش بودند؟ در چنین نظامی اگر ارزش مبادله ای مسکوکات طلا و نقره از ارزش معاملاتی این دو فلز کمتر می شد چه اتفاق می افتاد؟ مسلماً سکه ها را ذوب می کردند و به صورت کالا به معامله می گذاشتند برعکس اگر ارزش مبادله ای مسکوک طلا و نقره از ارزش معاملاتی آنها بیشتر می شد، در این صورت مقدار زیادی طلا و نقره تبدیل به سکه می گردید، بد نحوی که همواره ارزش برابری مسکوکات محفوظ می ماند. در چنین وضعیتی اگر شخص مثلاً یکصد سکه طلا به دیگری قرض می داد و قرار می گذاشت که پس از یک سال، یکصد و پنجاه سکه طلا دریافت کند، آیا واقعاً چنین توافقی عادلانه بود؟ مسلماً خیر. زیرا شخص وام دهنده بدون اینکه زحمتی متحمل شده با ریسکی را پذیرفته باشد در عرض یک سال دارائیش یک برابر و نیم می شد. به همین دلیل در مکاتب الهی و بخصوص در مکتب اسلام ربا مذموم و معامله مبتنی بر آن حرام شمرده می شود.

باید توجه داشت که در همان زمان اگر وام دهنده یکصد سکه خود را به شخص دیگری می داد که مثلاً محموله ای را خریداری کند و به شهر دیگری برده و بفروشد و در پایان سود معامله را به نسبت مورد توافق تقسیم کند، و در این جریان حتی بیش از پنجاه سکه طلا و طی مدت کمتری نصیبش می شد، این سود کاملاً حلال و مشروع بود، زیرا شخص مفروض به عنوان صاحب سرمایه ریسکی را می پذیرفت، در حالی که در این معامله، عامل، بدون پذیرفتن خطر از دست دادن سرمایه، کار را انجام می داد و به فرض اینکه کاروان مورد هجوم راهزنان قرار می گرفت و محموله از بین می رفت عامل از مسئولیت بری بود. همین مثال را می توان در مورد مزارعه و مساقات نیز به کار برد. در مورد مشارکت وضع به علت میزان خطر پذیری شریک عامل به نسبت حصه مشاع وی اندکی متفاوت بود.

این وضع ادامه داشت تا قرن پانزدهم میلادی که بدلیل سرازیر شدن ذخایر طلای آمریکای جنوبی به

بند (۱) ماده (۱) قانون یاد شده یکی از هدفهای نظام بانکی را چنین تعریف کرده است:

«استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصادی کشور.»

همچنین در بند ۹ همین ماده آمده است که: «اعطای وام و اعتبار بدون ربا (بهره) طبق قانون مقررات.»

برای بررسی تحقق «حق و عدالت» در این قانون، فرض می کنیم شخصی مبلغی وام دریافت کرده تا با آن مثلاً تعدادی آپارتمان مسکونی بسازد و پس از فروش این آپارتمانها وام خود را بی کم و کاست بپردازد. آیا می توان گفت که در این صورت عدالت در مورد وام دهنده اجرا شده است و آیا وی میزان وامی را که پرداخت کرده است دریافت می کند.

مسلماً در شرایط تورمی جواب منفی است، صرف نظر از اینکه به وام دهنده هزینه فرصت از

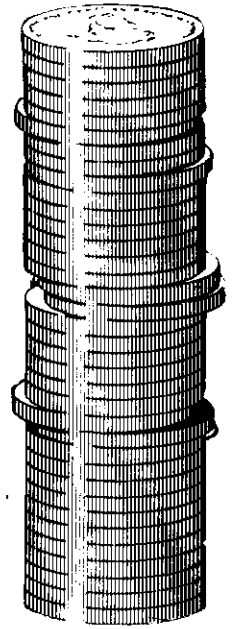
اسپانیا و سپس سایر کشورهای اروپایی طلا ارزش معاملات خود را تا حدود زیادی از دست داد و در نتیجه قیمت سایر کالاها نسبت به طلا افزایش یافت و اولین دوران تورم ناشی از ازدیاد نقدینگی روی داد. بعدها که دولتها فلزات گرانبها را در کنترل خود قرار دادند و حتی دست به چاپ پول کاغذی زدند، باز هم این پول هر چند ارزش ذاتی نداشت ولی به دلیل وابستگی به طلا دارای ارزش اعتباری بود که دست کمی از طلا نداشت. بدین ترتیب که واحد پول هر کشور نماینده مقدار معینی طلای خالص بود که دولتهای انتشار دهنده بولهای کاغذی آن مقدار را تضمین کرده بودند.

در ایران حتی تا سال ۱۳۱۲ نظام پولی کشور بر پایه نقره استوار بود و سکه استاندارد قران نقره شمرده می شد. طبق اصلاحیه قانون واحد و مقیاس پول مصوب اسفند ۱۳۱۰ بانک ملی ایران مجاز شد که از اول فروردین سال ۱۳۱۱ از نایبه مسکوک طلا یا شمش طلا یا اسعار خارجی خودداری کند و تنها مکلف بود اسکناس را به ریان نقره تبدیل کند.* بنابراین حتی تا حدود نیم قرن پیش در ایران پول تنها وسیله مبادله نبود و به اعتبار پستوانه فلزی خود دارای ارزش بود. به همین دلیل طی تمام قرن نوزدهم میلادی کاهش ارزش قران نقره ۴۱۰٪ بوده است. یعنی رقمی در حدود ۱/۴ درصد در سال که آن هم بیشتر به خاطر کاهش جهانی بهای نقره بوده است.**

پس از تحولات بنیادی در علم اقتصاد و نظریه های آن در اروپا، پستوانه فلزی ارزش خود را از دست داد و قدرت و ثبات اقتصادی جایگزین آن شد. در ایران بدون جایگزینی چنین پستوانه ای، درصد پستوانه فلزی رفته رفته کاهش یافت. طبق قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ جمع طلا و ارزی که به عنوان پستوانه اسکناس تعیین شده است معادل ۲۵ درصد ارزش اسکناسهای منتشر شده است ولی حتی به نظر نمی رسد این میزان پستوانه نیز رعایت شده باشد. با مقایسه میزان طلای قانونی در یک ریان طی سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۰ به صحت این مدعا پی می بریم. طبق بند ب ماده یک قانون

* اقتصاد ایران: ج. بابریز

** به نقل از مقاله سرمایه داری در ایران مجله رونق، شماره ۱۱



پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ «یک ریال برابر ۱۰۸۰۵۵٪ گره طلای خالص» تعیین شده است. حال اگر بخواهیم ارزش امروزی ریال را بررسی کنیم مشاهده می‌کنیم که با این میزان طلای خالص می‌توان ۱۵۰ ریال به دست آورد. به عبارت دیگر طی ۱۹ سال ارزش برابری ریال نسبت به طلا حدود ۱۵۰۰۰ درصد کاهش یافته است. هر چند این کاهش معادل حدود ۳۰ درصد در سال بوده است، ولی به دلیل افزایش نرخ بین‌المللی طلا، متوسط نرخ تورم سالانه در ایران طی بیست سال گذشته کمتر از میزان کاهش ارزش برابری ریال و طلا و حدود ۱۶/۳ درصد است.

حال با توجه به آنچه در این مقدمه بیان شد، اگر کاهش واقعی ارزش سالانه پول حیران‌شود، آیا می‌توان نام ریال بر آن گذاشت؟ بدیهی است که پاسخ به این پرسش به عهده کارشناسانی است که با مبانی فقه اسلامی آشنایی کامل داشته باشند.

با توجه به تعریفی که در ماده ۱۵ آیین‌نامه تسهیلات اعطایی بانکی از فرض الحسنه شده است به نظر می‌رسد دست‌اندرکاران تدوین این آیین‌نامه کاهش ارزش پول را در نظر قرار داده‌اند، این ماده چنین بیان می‌کند: «فرض الحسنه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (فرض دهنده) مقدار معین از مال خود را به طرف دیگر (فرض گیرنده) تملیک می‌کند که فرض گیرنده مثل یا در صورت امکان قیمت آن را به فرض دهنده رد نماید» همین تعریف با اندکی تفاوت در ماده ۶۴۸ قانون مدنی

آمده است: «فرض عقدی است که به موجب آن احد از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعدد رد مثل، قیمت بوم‌الزاد را بدهد.»

ولی واقعاً ارزش وامی که امسال اعطا می‌شود در سال آینده چه مقدار خواهد بود؟ آیا ارزش ۱۰۰۰ ریال امسال برابر ارزش ۱۰۰۰ ریال سال گذشته است؟ این سؤالی است که اگر پاسخ داده شود بسیاری از مشکلات سیستم بانکی کشور حل خواهد شد. حال به فرض اصرار بر اینکه جبران کاهش ارزش پول در حکم ریاست به طرح سؤالات اساسی زیر می‌پردازیم:

آیا تجهیزات منابع پولی در نظام بانکداری ما بر پایه اصول اولیه طرح شده در قانون بنا نهاده شده است؟

طبق تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا: «سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک و... مورد استفاده قرار می‌گیرد.» و طبق ماده ۵ همین قانون: «... منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده «۳»، این قانون براساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات تقسیم خواهد شد.»

به نظر می‌رسد آیین‌نامه تجهیز منابع پولی اندکی فراتر از قانون رفته و تکلیف منافع حاصل از عملیات را روشنتر ساخته باشد. ماده ۱۰ آیین‌نامه چنین می‌گوید: «به هیچیک از سپرده‌های دریافتی تحت عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده از قبل به عنوان سود پرداخت نخواهد شد. منافع حاصل از عملیات موضوع ماده ۹ براساس قرارداد منعقد، متضمن وکالت بین بانک و سپرده‌گذار متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های

سرمایه‌گذاری پس از وضع سپرده‌های قانون مربوط و رعایت سهم منابع بانکی به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات تقسیم خواهد شد.»

تبصره ۱- حق الوکاله به کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری از سهم منافع سپرده‌گذاران کسر خواهد شد. میزان حداقل و حداکثر حق الوکاله به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید.

تبصره ۲- در قراردادهای منعقد بین بانک و سپرده‌گذار قید مصالحه منافع مصرف مشاع سپرده نحوه محاسبه و پرداخت منافع الزامی است. به طور خلاصه منافع سپرده‌گذار، سهم مشاعی از کل منافع ناشی از عملیات بانک در به کارگیری سپرده‌های مدت‌دار است که این سهم از تسهیم به نسبت کل منافع عاید شده به حاصل ضرب مدت و مبلغ هر سپرده به دست می‌آید. با توجه به مطالب فوق، ملاحظه می‌شود:

ورق بزنید

قانون عملیات بانکداری بدون ربا بررسی تجربی، راهبایها

۱- قانون هیچ امتیازی بین سپرده کوتاه مدت و بلندمدت از نظر نحوه محاسبه و فرمول محاسبه قائل نشده است. همچنین قانون هیچ تفاوتی بین سپرده‌های یکساله و دو ساله... و پنج ساله از این بابت قائل نیست. حال چگونه است که نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند ۶/۵ تا ۱۳ درصد در نوسان باشد؟ اگر این سود واقعاً به علت تقسیم منافع است که در این صورت وجود نرخ، آن هم نرخ در نوسان معنی پیدا نمی‌کند.

۲- با توجه به طبیعت بعضی از عملیات مانند مشارکت حقیقی و مشارکت مستقیم، سودآوری این عملیات گاه سالها به درازا می‌کشد. طی این مدت بسیاری از سپرده‌گذاران، سپرده و سهم سود خود را دریافت و با بانک قطع رابطه کرده‌اند. بنابراین به دلیل فوق و دلایل دیگر ناچار سهم سود سپرده‌گذار معادل سهم واقعی سود او نخواهد بود.

۳- اجرای فصل دوم قانون عملیات بانکی و آیین‌نامه تجهیز منابع مستلزم به کارگیری سیستم حسابداری مناسبی است که بانکها باید از آن پیروی کنند و حساب منابع خود و منابع سپرده‌گذاران و حساب منافع حاصل از به کارگیری سپرده‌های مدت‌دار و بالاخره سهم سود هر سپرده‌گذار را لافل در پایان یک دوره مالی مشخص سازند. بدیهی است که بانکها فاقد چنین سیستمی هستند و در نهایت ناچار از برآورد نرخ ثابت می‌شوند.

۴- بانکهای مختلف دارای مدیریت متفاوت و در نتیجه دارای کارایی متفاوت هستند، بنابراین پرداخت سهم سود مساوی در بانکهای مختلف نشانگر آن است که این سود از پیش تعیین شده و منطبق بر رقم واقعی سود نیست.

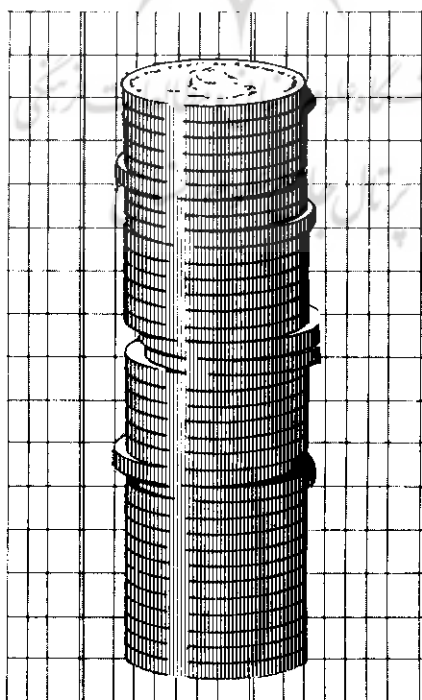
۵- میزان حداقل و حداکثر حق الوکاله بانک باید به وسیله شورای پول و اعتبار تصویب شود و سپرده‌گذار از میزان آن مطلع گردد. ولی در عمل چنین موضوعی تحقق نمی‌یابد.

۶- طبق ماده ۶۶۸ قانون مدنی وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد. ولی مشاهده می‌شود حتی ترازنامه و حساب سود و زیان بانکها جزو اسناد محرمانه درآمده و گزارشهای مالی و حسابرسی دربرگیرنده جزئیات عملیات هرگز در اختیار سپرده‌گذاران قرار نمی‌گیرد.

۷- سود سپرده‌های مدت‌دار در عمل تثبیت شده است و حتی برای زمانهای بلندمدت (۵ ساله)

فعلاً هر سه ماه یک بار سود پرداخت می‌شود و جالب اینکه بدون به کارگیری سیستم حسابداری مناسب، سود قطعی و سود علی‌الحساب حتی یکصدم درصد نیز تفاوت پیدا نمی‌کند.

۸- با توجه به اینکه در صنعت بانکداری بین‌المللی استانداردی برای تفاوت بین بهره پرداختی و بهره دریافتی پدید آمده است و این تفاوت در اغلب کشورهای صنعتی در مورد بهره سپرده‌های بلندمدت در مقایسه با بهره اعتبارات اعطایی به طور متوسط حدود ۲ درصد است لکن در ایران این تفاوت با در نظر گرفتن بالاترین سود پرداختی (۱۳ درصد) در مقابل بالاترین سود دریافتی بانکها (۲۵ درصد) به ۱۲ درصد بالغ می‌گردد. با این حال واقعیت امر این است که بانکها بیش از مقداری که از به کارگیری سپرده‌های مدت‌دار عایدشان می‌شود بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌کنند، که این خود می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی مانند کم‌توجهی به استقلال بانک مرکزی، ایفای نقش تعدیل‌کننده ثروت توسط بانک مرکزی و عدم امکان استفاده بهینه از منابع بدلیل مشکلات ناشی از مقررات عملیات بانکی بدون ربا باشد. بنا به آنچه گفته شد به طور قطع می‌توان گفت سود



پرداختی به سپرده‌گذاران در واقع سود به مفهوم متعارف آن نیست.

آیا اعطای تسهیلات در زمان حاضر، براساس اهداف اولیه قانونی استوار است

از ۱۲ نوع تسهیلات اعطایی بانکها بدون شک قرض الحسنه در عمل بر مفاد و مقررات قانون بانکداری بدون ربا منطبق‌تر است و صرفاً از محل منابع بانکها تأمین می‌شود. بعکس خرید دین که اصولاً در قانون بانکداری بدون ربا مندرج نیست، به نظر می‌رسد مورد اختلاف اهل فن بوده و مدتی است از طرف بانکها اعمال نمی‌شود. در مورد مزایه، مساوات و جعالمه، با اینکه از عقود سنتی مبتنی بر شرع است و با اینکه در قانون بانکداری بدون ربا به عنوان شیوه‌های اعطای تسهیلات قلمداد شده است اطلاق تسهیلات بانکی به آنها صحیح به نظر نمی‌رسد و عملاً نیز تاکنون کاربردی نداشته است. قلمداد کردن مشارکت حقوقی و مشارکت مستقیم در گروه تسهیلات اعطایی شاید بیشتر ناشی از اشتباه در طبقه‌بندی سرفصلهای قانون بوده باشد، زیرا هر چند که این دونوع مشارکت وسیله‌ای جهت به کارگیری منابع بانکها و سپرده‌گذاران است، لکن تسهیلات به مفهومی که در قانون عملیات بانکداری بدون ربا از آن مراد می‌شود، نیست.

بنابراین در این مقاله فقط به بررسی سه نوع از پنج نوع تسهیلات باقی مانده، یعنی خرید سلف، فروش اقساطی و مضاربه می‌پردازیم. با توجه به مشابهت ماهوی بین فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک و مضاربه با مشارکت مدنی، از بحث پیرامون این دو عقد خودداری می‌گردد.

۱- خرید سلف

طبق ماده ۱۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم، جهت سرمایه‌گذاری در گردش واحدهای تولیدی، «آن قسم از تولیدات این واحدها را که سهل‌البیع باشد بنا به درخواست آنها پیش خرید نمایند». و طبق ماده

۴۴ آئین نامه تسهیلات اعطایی بانک: «قیمت پیش خرید محصولات تولیدی توسط بانکها با توجه به عوامل مؤثر در تعیین قیمت، از جمله پیشبینی قیمت فروش آنها در سررسید تحویل و همچنین سود بانک تعیین خواهد شد. در هر حال قیمت پیش خرید نباید از قیمت نقدی این گونه محصولات در زمان انجام معامله بیشتر باشد.»

با توجه به مطالب فوق، در شرایط تجاری و واقعی فاعداً مراحل انجام کار به شرح زیر خواهد بود:

۱ - قابلیت فروش کالا با توجه به عوامل زمانی و مکانی و کشش بازار و سرعت فروش، توسط خبره کار، مشخص شود.

۲ - ریسک نوسانات قیمت در نظر گرفته شود.

۳ - با توجه به بررسیهای فوق، قیمت فروش پیشبینی شود و با در نظر گرفتن سود معقول بانک، قیمت پیش خرید مشخص گردد.

۴ - پس از انجام معامله، کالا در سررسید تحویل خریدار شده و طی مدت معقولی به فروش برسد.

۵ - بدیهی است که خرید کالا در سررسید، توسط فروشنده اولیه موقعی منطقی به نظر می رسد که خرید کالای پیش فروش شده و فروش مجدد آن دارای سود معقولی باشد که در این صورت انجام نشدن این کار برای خریدار اصلی منطقی به نظر نمی رسد.

۶ - با توجه به متفاوت بودن کالاها از دیدگاههای گوناگون، بدیهی است که پیشبینی سود در مورد هر کالا متفاوت خواهد بود.

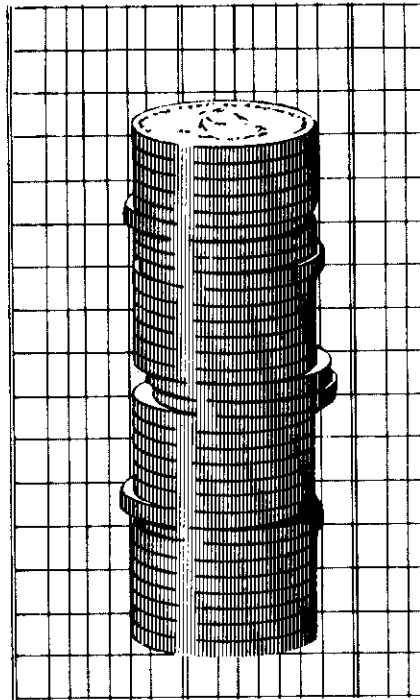
حال ببینیم در عمل نحوه برخورد بانکها با این نوع معامله چگونه است:

۱ - هیچ کار کارشناسی بر روی کالا انجام نمی شود و توجهی به سرعت و قابلیت فروش و کشش بازار نمی گردد، زیرا از ابتدا مشخص است که کالا درست در روز تحویل فروخته خواهد شد.

۲ - به همین دلیل به ریسک نوسانات قیمت توجه نمی شود.

۳ - تحویل کالا صورت نمی گیرد و اصولاً ممکن است کالایی به این میزان و با مشخصات مورد توافق توسط فروشنده تولید نشده باشد.

۴ - وجه فروش فرضی کالا در سررسید تحویل توسط فروشنده (خریدار) به بانک تسلیم می شود.



بدهکار و بانک را بستانکار می کند، بدون اینکه اصولاً نسبتی از بابت پیش فروش و فروش کالای فرضی مورد معامله انجام دهد و سرانجام در سررسید، حساب تسهیلات و هزینه های مالی را بدهکار و حساب صندوق را بستانکار می کند.

نحوه برخورد بانک و دریافت کننده تسهیلات و مقایسه آن با مقررات پیشبینی شده برای معاملات سلف نشاندهنده تفاوتی است که بین هدفهای عقد سلف بعنوان یکی از عقود پیشبینی شده در قانون عملیات بانکداری بدون ربا، با واقعیت آن در عمل وجود دارد.

۲- فروش اقساطی

فروش اقساطی و اجاره به شرط (یا با اختیار) تملیک در عرف متداول در کشورهای غربی، بهره گیری از پول محسوب می شود، نه یک مبادله صرف. به همین لحاظ طبق استانداردهای حسابداری متداول در این کشورها، در موقع فروش کالا به صورت اقساطی حساب فروش فقط به میزان قیمت نقدی کالا بستانکار می شود و مابه التفاوت قیمت نقدی و نسیه کالا در حسابی تحت عنوان «بهره سالهای آینده» (سنوات آتی) بستانکار می شود. آنگاه در هنگام پرداخت هر قسط، معادل آن قسط حساب صندوق بدهکار و حساب خریدار اقساطی بستانکار و همزمان، معادل بهره قسط مربوط، حساب بهره سالهای آینده بدهکار و حساب سود و زیان بستانکار می شود، و در صورتی که خریدار قبل از موعد اقدام به واریز بدهی خود کند، به میزان بهره باقی مانده (با اندک تفاوتی) بستانکار خواهد شد. با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت:

۱ - سود حاصل از اعتبار فروش اقساطی مستقل از سود فروش است و انعکاسی در حساب عملکرد فروشنده ندارد.

۲ - سود حاصل از اعتبار فروش اقساطی با زمان بازپرداخت آن متناسب است. مواد ۱۰ الی ۱۲ و همچنین بند الف ماده ۱۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا به عقود فروش اقساطی و اجاره بشرط تملیک اختصاص داده شده است، آنچه از ورق بزنید

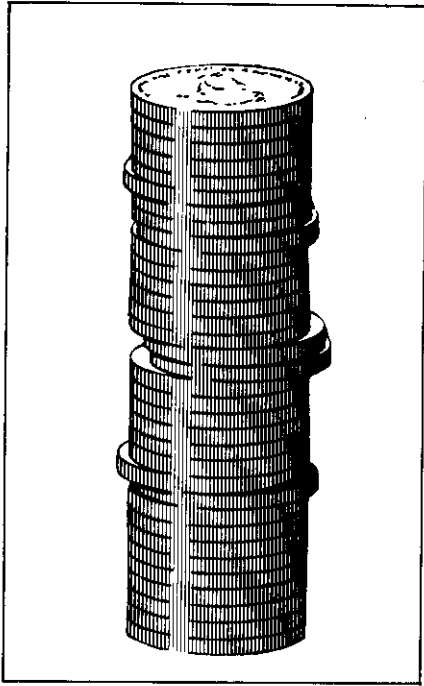
۵ - هیچ بررسی توسط بانک در مورد قیمت واقعی فروش در سررسید انجام نمی شود. و حتی اگر قیمت بازار کالا در سررسید بیش از قیمت فروش پیشبینی شده باشد. بازم بانک علاقه ای به تحویل و فروش کالا به غیر نشان نمی دهد.

۶ - عملاً بانکها به عنوان خریدار در تعیین سود معامله دخالتی ندارند بلکه حداقل و حداکثر سود ثابت برای معاملات سلف، بدون توجه به تنوع کالاها از طرف بانک مرکزی (مصوبه شورای پول و اعتبار) تعیین و به بانک ابلاغ می شود. این سود ثابت با عامل زمان نسبت مستقیم دارد و به هیچ عامل دیگری وابسته نیست.

حال بد نیست اندکی نیز به نحوه برخورد فروشنده با قرضیه، دست کم از دیدگاه حسابداری بپردازیم:

در شرایط عادی تجاری، فروشنده هنگام عقد قرارداد سلف و دریافت وجه می باید حساب صندوق را بدهکار و حساب پیش فروش را بستانکار کند و در هنگام تحویل کالا، باید حساب پیش فروش بدهکار و حساب فروش به همان میزان بستانکار شود و در نتیجه تخفیف تجاری ناشی از پیش فروش کالا در حساب عملکرد تأثیر گذاشته باعث کاهش سود ناویژه گردد. ولی آنچه در عمل اتفاق می افتد (و اجتناب ناپذیر نیز می باشد) این است که فروشنده وجوه دریافتی را به عنوان تسهیلات دریافتی نگاهداری کرده مانند سایر تسهیلات در پایان دوره مالی حصه جاری سود مربوط را با عنوان هزینه مالی به حساب سود و زیان

قانون عملیات بانکداری بدون ربا بررسی تجربی، راهیابیها



این مواد می‌توان استنباط کرد، این است که قانونگذار عمل فروش اقساطی را فروش صرف و سود ناشی از آن را سود فروش تلفی کرده است. ماده ۱۱ قانون جین می‌گوید:

«بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات، اموال منقول را بنا بدرخواست مشتری و تعهد اومینی بر خرید و مصرف و یا استفاده مستقیم مال یا اموال مورد درخواست خریداری نموده و با اخذ تأمین به صورت اقساطی به مشتری بفروشند.»

از طرف دیگر طبق نظر قانونگذار عامل زمان در تعیین میزان سود ناشی از فروش اقساطی مؤثر نیست. با تعمق در بند ۳ ماده ۲۰ قانون بردستی این استنباط می‌توان صحه گذاشت: طبق این بند تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله، از وظایف بانک مرکزی به‌شمار آمده است. تعاریف انجام شده در مواد ۴۷ و ۴۹ آیین‌نامه تسهیلات بانکی در تبعیت از همین برداشتهاست.

ماده ۴۷ - منظور از فروش اقساطی عبارت است از واگذاری عین به بهای معلوم به غیر، به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین دریافت شود.

ماده ۴۹ - قیمت فروش اقساطی کالاهای موضوع ماده ۴۸ با توجه به قیمت تمام شده و سود بانک تعیین خواهد شد.

با مقایسه ماده ۴۷ فوق با مواد ۳۳۸ و ۳۴۱ قانون مدنی ملاحظه می‌شود که فروش صرف بودن این تسهیلات از نگاه قانون محرز بوده است.

ماده ۳۳۸ - بیع عبارت است از تملک عین به عوض معلوم.

ماده ۳۴۱ - بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط و نیز ممکن است که برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تأدیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود. حال اگر انطباق تعاریف فوق را بپذیریم آنگاه باید پذیرفت که طبق آنچه در ماده ۳۶۲ قانون مدنی آمده است:

«به مجرد وقوع بیع، مشتری مالک مبیع و بیاع مالک ثمن می‌شود.»
از مقایسه آنچه در مورد هدف قانون بانکداری

بدون ربا گفته شد با آنچه از فروش اقساطی متعارف بیان شد نتیجه می‌شود که دو مفهوم جداگانه از فروش اقساطی موجود است و لذا باید دو برخورد جداگانه با آن به عمل آید. ولی در عمل مشاهده می‌شود که هم برخورد بانک و هم برخورد مشتری با این معامله بیشتر به مفهوم متعارف (از نوع غربی آن) نزدیک است. بدین ترتیب که:

۱ - بانک مرکزی براساس مصوبات شورای پول و اعتبار، حداقل و حداکثر سود قطعی تسهیلاتی را که سود آنها در زمان اعطای تسهیلات اعتباری تحقق می‌یابد (فروش اقساطی، معاملات سلف و اجاره به شرط تملیک) براساس درصد در سال تعیین می‌کند. در حالی که طبق قانون، این سود را می‌بایست براساس درصدی از قیمت تمام شده کالا تعیین کند.

۲ - با این که کل سود در زمان اعطای تسهیلات تحقق یافته است بانکها سود را به نسبت زمان استفاده مشتری از هر قسط تعیین و به حسابها منظور می‌کنند، در صورتی که می‌بایست کلاً در زمان اعطای تسهیلات به حساب سود و زیان بانک منظور شود.

۳ - در صورتی که مشتری قبل از موعد بدهی خود را وارز کند بانکها قسمتی از سود را به تناسب زمان از وی دریافت نمی‌کنند. در حالی که در فروش قطعی انجام شده، به مجرد وقوع بیع، ثمن به مالکیت بایع درآمده و مشتری حقی در آن ندارد و اگر لازم شود، به دلیل زود پرداخت، مبلغی به وی برگشت شود به علت ارتباط آن با زمان، این برگشت تخفیف نقدی خواهد بود.

۴ - مشتری در حسابهای خود حساب خرید یا دارایی ثابت را به میزان قیمت خرید نقدی کالا بدهکار می‌کند و سود بانک را به عنوان هزینه مالی، در حساب هزینه سالهای آینده بدهکار کرده و هر سال به نسبت زمان سهمی از آن را به حساب سود و زیان منتقل می‌نماید. در حالی که طبق آنچه از قانون استنباط می‌شود کل قیمت خرید اقساطی می‌بایست به حساب خرید یا دارایی ثابت منظور نشود.

۵ - درست است که فرمها و قراردادهای صادر شده به وسیله بانکها مؤید خرید کالا یا دارایی است، لیکن در عمل خریدی توسط بانک صورت نمی‌گیرد و حتی بانک کالا یا دارایی را رؤت نکرده

و چه بسا اصولاً کالا یا دارایی در کار نباشد، و یا حتی خریدی توسط مشتری انجام نشود و فقط صورتحسابی ردوبدل گردد و در نهایت وجه تسهیلات به عنوان یک وام متعارف مورد استفاده مشتری قرار گیرد.

۳ - مضاربه

مضاربه و مشارکت مدنی برخلاف فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، در تاریخ بازرگانی ما، سابقه و تجربه‌ای به نسبت طولانی دارد و قبل از پیدایش شخصیت‌های حقوقی در ایران، شرکت‌های عملی از این دوره و عقود مزارعه و مساقات صورت می‌گرفت.

مضاربه و مشارکت مدنی عقود است ذاتاً غیر ربوی و هر چند سرمایه‌گذار فقط از سرمایه خود استفاده می‌کند و هیچ عاملیتی در انجام امور شرکت ندارد با این حال به دلیل وجود ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری یا عدم النفع، اطلاق ربایی بودن به این معاملات مورد ندارد.

با این وصف شرایط عملی که اکنون در این نوع معاملات توسط بانکها به کار می‌رود این تردید را پدید می‌آورد که عملیات انجام شده، آنچه مراد از این عقود است مطابقت ماهوی، و اگر ندارد و تطابقی هست بیشتر شکلی است.

برای اثبات این مدعا لازم است یکی از این عقود، یعنی مضاربه را تحلیل کنیم. طبق ماده ۹ قانون عملیات بانکی بدون ربا «بانکها می‌توانند

به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی در چهارچوب سیاستهای بازرگانی دولت، منابع لازم را براساس قرارداد مضاربه در اختیار مشتریان با الویت دادن به تعاونیهای قانونی قرار دهند.»

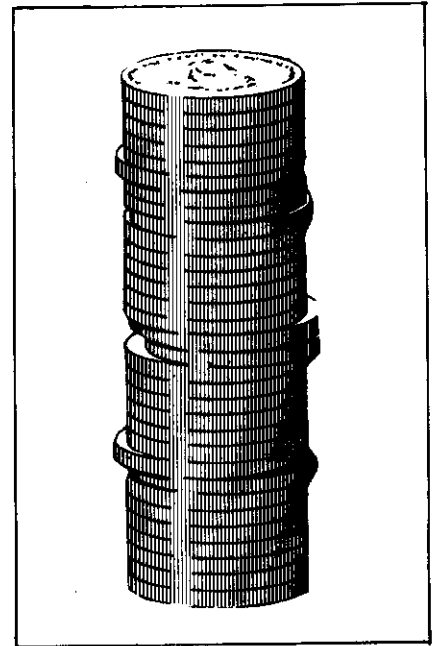
قانون عملیات بانکی بدون ربا تعریفی از مضاربه به عمل نیآورده است و بنابراین، فرض این است که این تعریف و شرایط مضاربه به قانون مدنی احاله شده است. طبق ماده ۵۴۶ قانون مدنی:

«مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشد. صاحب سرمایه مالک و عامل مضاربه نامیده می شود.»

براساس همین تعریف، این نامه تسهیلات اعطایی بانکی در ماده ۳۶ خود مضاربه را با اندک تفاوتی چنین تعریف کرده است:

«مضاربه قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده دار تأمین سرمایه (نقدی) می گردد، با قید اینکه طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در سود حاصل شریک باشند.»

از این تعریفها چنین برمی آید که برای زیان تعیین تکلیف نشده است و واقعیت نیز چنین است و قانون به طور صریح تکلیف زیان را مشخص نکرده است ولی به استناد ماده ۵۵۶ قانون مدنی می توان



به طور ضمنی چنین استنباط کرد که زیان برعهده مالک است. ماده ۵۵۶ چنین می گوید:

«مضاربه در حکم امین است و ضامن مال مضاربه نمی شود، مگر در صورت تفریط یا تعدی.» با این حال می توان در قرارداد شرط گذاشت که زیان مالک توسط مضاربه جبران شود، به ترتیبی که در ماده ۵۵۸ قانون مدنی به شرح زیر آمده است:

«اگر شرط شود که مضاربه ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نخواهد شد عقد باطل است مگر اینکه به طور لزوم شرط شده باشد که مضاربه از مال خود به مقدار خسارت یا تلف مجاناً به مالک تملیک کند.» از آنچه در فوق بیان شد می توان نتیجه گرفت:

۱ - سود مضاربه، به نسبت معینی که از پیش تعیین می شود، بین مالک و مضاربه تقسیم می شود.

۲ - زیان مضاربه متعلق به مالک است مگر اینکه ضمن عقد خارج لازم مضاربه قبول کند که کاهش سرمایه مالک را به مالک مصالحه نماید.

۳ - مضاربه به هر حال ضامن جبران عدم النفع مالک نیست و نمی تواند سود او را تضمین کند.

شاید به نظر برسد طبق ماده ۵۶۰ قانون مدنی بتوان شرطی را در قرارداد مضاربه گنجانند که به موجب آن مضاربه حتی ضامن جبران عدم النفع مالک باشد ولی با توجه به اینکه طبق ماده ۵۵۳ قانون مدنی مضاربه می تواند مطلق باشد و طبق آن عامل می تواند هر قسم تجارسی را که صلاح بداند انجام دهد، در این صورت هر معامله ربایی را می شود در قالب یک قرارداد مضاربه گنجانند که این خلاف فرض است. بنابراین چنین شرطی باطل است.

حال ببینیم نحوه برخورد بانک و استفاده کننده از تسهیلات، با قرارداد مضاربه چگونه است و چگونه باید باشد:

۱ - بانک مرکزی براساس مصوبات شورای پول و اعتبار حداقل سود مورد انتظار تسهیلاتی را که سود آنها در آینده تحقق می یابد (شامل مضاربه و مشارکت مدنی) براساس درصد در سال تعیین می کند. بنابراین هر سه عامل بهره یعنی نرخ، زمان و تضمین در دستورات عملیهای بانک مرکزی وجود دارد. در حالی که باید برای انواع تجارت حصه سود بانک و تاجر مشخص و حداکثر مدت متعارف آن تعیین شود.

۲ - بانک اعطاء کننده تسهیلات هیچ نوع نظارتی در به کارگیری سرمایه توسط تاجر به عمل نمی آورد بنابراین درست در پایان مدت قرارداد فرض بر این قرار می گیرد که تجارت انجام شده و سود دقیقاً طبق آنچه پیشبینی شده است (در حال حاضر بین ۲۲ تا ۲۵ درصد در سال) تحقق یافته و تاجر متعهد است سهم سود بانک را که در واقع تضمین شده است همراه با اصل سرمایه پرداخت کند. البته در عمل، برای مطابقت شکلی قضیه، بانکها تاجر را موظف می کنند، طی مدت قرارداد مبالغی را به عنوان حاصل فروش به حساب بانک واریز کند که در این صورت استفاده بانک از سرمایه به کار برده شده به نسبت زمان بیش از سود پیشبینی شده خواهد بود. در اینجا توضیح این نکته ضروری است که از نظر شکلی و قراردادی سود بانک به وسیله تاجر تضمین نمی شود، لیکن در قراردادهای منعقد شده جهت مضاربه ماده ای گنجانده شده که به موجب آن در صورت تخلف عامل از هریک از مفاد قرارداد، وی ناچار است سود بانک را به میزانی که بانک معین می کند بپردازد و چون از دیدگاه تاجر این عملیات صرفاً یک نوع عملیات اعتباری متعارف است در عمل بسیاری از بندهای قرارداد توسط تاجر به اجرا در نمی آید و تاجر در عمل همان سود پیشبینی شده را می پردازد.

۳ - همان طور که در فوق اشاره شد، تاجر به طور قطع و یقین مضاربه را نوعی وام کوتاه مدت تلقی کرده و سود پرداختی به بانک را به عنوان هزینه مالی در حسابها عمل می کند، در حالی که در یک مضاربه واقعی تاجر می بایست عملیات این شرکت عملی را در حسابهای جداگانه به ثبت می رساند و سود و زیان آن را مشخص و سود یا زیان بانک را از حساب سود بستانکاری بدهکاری می نمود و به فرض تضمین سرمایه، بانک زیان مضاربه را به حساب سود و زیان کل منتقل می کرد. که البته در عمل با توجه به تضمین سود، بازهم ناچار می شد سود تضمین شده بانک را در صورت کاهش سود نسبت به سود پیشبینی شده و یا منجر شدن عملیات به زیان، این تفاوت را از طریق سرفصل هزینه های مالی (بهره) به حساب سود و زیان کل منتقل کند، زیرا محل جبران دیگری برایش وجود ندارد. روی همین اصل

بقیه در صفحه ۱۰۵



میزگرد

(به ترتیب حروف الفباء)

شرکت کنندگان:

■ حسین جوان

رئیس شعبه بانک تجارت

■ هوشنگ خستویی

مدیر گروه حسابرسی بانکها در سازمان حسابرسی و مدرس.

■ مجمدرضا فاطمی

عضو هیئت مدیره بانک سپه و مدرس

■ بهرام فتحعلی

عضو هیئت مدیره بانک کشاورزی.

■ دکتر حسین عبده تبریزی

استاد رشته مدیریت مالی در دانشگاه

■ علی یاسری

معاون علمی و پژوهشی مؤسسه بانکداری ایران

■ دکتر سید علی اصغر هدایتی

عضو هیئت علمی مؤسسه بانکداری ایران

تهیه و تنظیم*:

مجید میراسکندری

محمد شلیله

* برنامه ریزی و برگزاری این میزگرد با مشاورت و مساعدتهای
بیدریغ قزاق هوشنگ خستویی انجام شده است.

خستویی:
من از طرف مجله حسابداران از موافقت آقایان با شرکت و حضور در این میزگرد تشکر می‌کنم و اجازه می‌خواهم بحث امروز را آغاز کنیم. همچنانکه آقایان اطلاع دارند موضوع بحث ما برای این شماره، حسابداری و بانک است. البته ما خود به رغم

انتخاب این عنوان واقفیم که به علت وسعت و گستردگی فعالیتهای بانکی و آثار آن بر اقتصاد به طور عام و بر امور بازرگانی و مالی به طور خاص، محدود کردن بحث در چارچوب عنوان بالا، اگر امکانپذیر باشد، دست کم در مدت زمان محدود ما عملی نیست. ضمن آنکه در جریان بحث، به طور طبیعی مسیر گفتگوها به زمینه‌ها و مقوله‌های دیگر نیز کشیده خواهد شد. اما در عین حال، از آنجا که هدف از تشکیل میزگردهایی مانند این مورد، تنها طرح کلی زمینه‌های بررسی شدنی و تحقیق و پیگیری در هر مقوله است، عنوان یاد شده را چندان دور از تحقق‌پذیری ندانستیم. همچنین باید اضافه کنم که اختصاص یک شماره از مجله حسابداران به

موضوع بحث یاد شده، به این دلیل است که اولاً حسابداران به طور مشخص از اعضای فعال جامعه اقتصادی شمرده می‌شوند و از این نظر کار آنها سنجش و ارزیابی آثار مالی فعالیتهای اقتصادی و جمع‌آوری و پردازش اطلاعات مربوط و تهیه گزارشهای مالی برای استفاده کنندگان از آنهاست. و ثانیاً اعضای این حرفه، در زمینه عمل و اجرای امور مربوط به بانکداری چه به عنوان کارکنان و حسابداران بانکها و چه به عنوان حسابدار در سایر مؤسسات اقتصادی، ناگزیر از بررسی، شناخت و تصمیمگیری نسبت به رویدادهای مالی ناشی از عملیات بانکی هستند؛ که این دوکارکرد، حسابدار ورق بزنید

بررسی دگرگونی در نظام

بانکداری

ایران

بانکداری



هدایتی:

— حذف بهره از نظام بانکداری سنتی به این مفهوم نیست که ما نظام بانکداری اسلامی را به مفهوم وسیع و دقیق آن پیاده کرده ایم، بلکه حذف بهره فقط یک گام در اسلامی کردن بانکهاست.

در زمان حاضر یک نظر رادیکال بر آن است که باید عقود چهارده گانه در یک عقد و آنهم مشارکت مدنی متبلور شود.

عقود انجام می‌گیرد به مثابه وام می‌اندیشد؟ سوم؛ نظام بانکداری بدون ربا در کشور ما، به طور تصادفی، همزمان با تصویب قانون ملی شدن بانکها ایجاد شده و در نتیجه این پرسش را پیش کشیده است که آیا بانک اسلامی لزوماً باید ملی، یا به تعبیری، دولتی باشد و باید در همین شکل به فعالیت خود ادامه دهد؟ چهارم؛ به رغم ملی شدن یا ملی بودن بانکها در زمان حاضر، با توجه به اینکه اصل ۴۴ قانون اساسی بر وجود سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد، آیا بانکها یا مؤسسات بیمه نیز باید همچون صنایع مادر و استراتژیک به صورت مالکیت عمومی اداره شوند و در اختیار دولت باشند؟ پنجم؛ آیا بانک اسلامی باید تنها به عنوان واسطه وجوه، (Financial Intermediary) منابع مالی مورد نیاز سرمایه گذاران را از طریق نقل و انتقال وجوه تأمین کند یا آنکه به اقتضای رسالت خود، به عنوان وکیل و شریک در به کار گرفتن سپرده‌های سرمایه گذاری نیز فعالیت خواهد کرد؛ یعنی آنکه، این گونه بانکها از نظر نوع فعالیت فقط واسطه و تأمین کننده وجوه هستند یا شرکت سرمایه گذاری (Investment Cooperation) یا هر دو؟ ششم؛ آیا از تاریخ اجرای نظام جدید بانکداری تحلیلی از آثار اقتصادی—اجتماعی آن با استفاده از روشهای علمی تحقیق صورت گرفته است که بتوان از این طریق تغییرات شاخص‌های کلان اقتصادی و پیامدهای قضیه در کل اقتصاد ایران را بررسی کرد، و دریافت که بر مبنای اطلاعات و مفروضات موجود، چه اتفاقاتی در آینده پیش خواهد آمد؟ هفتم؛ با توجه به اینکه اجرای نظام بانکداری بدون ربا همزمان با مسائل جنگ و مشکلات اقتصادی جامعه بوده و سیاست پولی و بانکی را تحت تأثیر سیاستهای مالی قرار داده است، و تغییر برخی از مواد قانون عملیات بانکی بدون ربا را با توجه به سیاستهای پولی به همراه داشته است، آیا با توجه به این مسایل باز هم می‌توان گفت که بانک اسلامی به عنوان حافظ منافع سپرده گذاران و سرمایه گذارها است و آیا در این صورت استقلال بانک مرکزی تأمین می‌شود. هشتم؛ آیا بافت کنونی بانکهای ما با توجه به ترکیب ارکان سیستم بانکی، مجمع عمومی و شورای عالی مشترک از جهت ایجاد انگیزه و رقابت بین بانکها توجیه پذیر است؟ یا بهتر

را بر آن داشت که یکی از شماره‌های خود را به این مقوله اختصاص دهد. بعلاوه از زمان تغییر در نظام بانکی ایران در سال ۱۳۶۳ تاکنون، فرصتی برای بررسی این تغییرات و آثار آن بر حسابداری فراهم نیامده است. با توجه به آنچه عرض کردم و نظر به وقت کم و مسائل زیادی که باید بررسی شود، جلسه را در اختیار آقایان قرار می‌دهم.

هدایتی:

بنده به سهم خود از تشکیل این میزگرد تشکر می‌کنم. برداشت من این است که این میزگرد بیشتر به جنبه‌های کاربردی بانکداری توجه خواهد کرد و بر این اساس، سعی می‌کنم با طرح سئوالهایی که به نظر می‌رسد به مسائل اساسی و بنیانی سیستم جدید بانکی مربوط باشد برخی از خطوط کلی بحث را مطرح کنم. اما پیش از آن به نکته‌ای اشاره می‌کنم که از نظر ما، یعنی خود من و آقای یاسری، که از مرکز آموزش بانکداری در این میزگرد شرکت کرده ایم، بسیار مهم است: ما در این مرکز، همیشه احساس می‌کنیم که به عقیده و راهنمایی استادان بسیار نیازمندیم و از این رو شنیدن نظر آقایان برایمان بسیار مغتنم است. اما برگردم به مطالبی که می‌خواستیم عنوان کنیم.

اول؛ بانکداری بدون ربا در برداشت عمومی با نظام بانکداری اسلامی مترادف گرفته می‌شود در حالی که عامل ربا فقط به عنوان یک عامل از نظام بانکداری ربوی یا نظام بانکداری سنتی (Traditional Banking System) کنار گذاشته شده است؛ حذف این عامل از نظام بانکداری سنتی به این مفهوم نیست که ما نظام بانکداری اسلامی را به مفهوم وسیع و دقیق آن پیاده کرده ایم، بلکه فقط یک گام در اسلامی کردن بانکهاست؛ بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی هر یک مقوله‌ای جداگانه است. دوم؛ آیا مفاهیم و مبانی سیستم جدید بانکی ایران در فرهنگ اقتصادی ما جا افتاده است؟ یعنی آیا این طرز فکر که می‌گوییم در نظام جدید بانکی، بانک به عنوان امین، وکیل یا شریک عمل می‌کند، مورد پذیرش و باور همگانی قرار گرفته یا جامعه ما همچنان به عملیات بانکی که در قالب

است که هر بانک دارای مجمع عمومی و شورای عالی جداگانه‌ای برای خود باشد. نهم؛ آیا تنوع و تعدد ابزارهای مربوط به اعطای تسهیلات در سیستم جدید، یعنی عقود ۱۴ گانه که از نظر مدیریت پرتفوی بانک در مسئله توزیع ریسک موجه است، از جهات دیگر، بویژه از جهت سهولت دسترسی به منابع بانک یا اجتناب از تداخل آنها مناسب است و آیا زمان بررسی و تجدیدنظر در این ابزارها فرانسیده است؟ در زمان حاضر یک نظر رادیکال بر آن است که باید این ابزارهای چهارده گانه در یک ابزار، آن هم مشارکت مدنی متبلور شود. اما در این حال، آیا در عمل ابزار کارسازی خواهد بود؟ بد نیست در اینجا یادآوری



خستویی:

بنظر می‌رسد که باید در آنچه به عنوان نظریه زیربنایی بانکداری بدون ربا شناخته می‌شود براساس ملاحظات فقهی و شرعی مجدد بررسی شود.

یکی از مشکلاتی که استفاده‌کنندگان از تسهیلات با آن روبرو هستند، روشهای حسابداری مربوط است.

کنم که از میان ۱۴ ابزاری که برای تسهیلات اعتباری پیش بینی شده است، دو مورد مزاعه و مساقات در زمان حاضر هم کاربرد ندارد. حتی در بانک کشاورزی نیز با آنکه این دو نوع عقد با ماهیت فعالیتهای آن سازگارتر است، کاربرد ندارد. دهم؛ آیا برداشتن سقف اعتباری، به صرف اینکه تسهیلات اعتباری می‌تواند در ایجاد یا اعاده رونق و توسعه اقتصادی نقش داشته باشد، می‌تواند به عنوان یک عامل، نادیده گرفتن عوامل دیگر یا آثار غیرمستقیم یا جانبی تغییر این متغیر را توجیه کند؟ و به فرض وجود انگیزه سرمایه‌گذاری یا ظرفیت مناسب برای جذب اعتبارهای آزاد شده به کوتاه مدت، در مورد تأثیر این عامل بر سایر عوامل و از همه

مهمتر بر تورم موجود در اقتصاد، مطالعه کافی شده است؟ یازدهم؛ با توجه به اینکه در زمان حاضر قوانین و مقررات ناظر بر سیستم بانکی در مجموعه‌ای یکجا گردآوری نشده و این مسئله مشکلاتی را در عمل پدید آورده است، آیا برای رفع این مشکل اقدام مؤثری شده است؟ دوازدهم؛ آیا تأثیر نظام جدید بانکی بر عملیات مربوط به بانکداری بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است؟ سیزدهم؛ آیا مسئله همکاری و هماهنگی سایر مؤسسات و بخشهای اقتصاد کشور با سیستم بانکداری اسلامی کاملاً حل شده است؟ چهاردهم؛ آیا در مؤسسات اقتصادی ما، نظام کنونی حسابداری روشهای خود را با ماهیت رویدادهای مالی ناشی از عملیات بانکی بدون ربا تطبیق داده است یا هنوز مؤسسات اقتصادی در موقع تهیه صورت حساب سود و زیان، هزینه‌های تأمین منابع مالی را، با عنوان هزینه مالی (هزینه بهره) طبقه‌بندی می‌کنند و در صورت حساب خود به همین عنوان نشان می‌دهند؟

عده.

بیخشد آقای دکتر، نشان دادن هزینه تأمین منابع، تحت عنوان هزینه مالی در راستای نظام بانکداری بدون ربا در چارچوب روشهای حسابداری، مشکلی ایجاد نمی‌کند. حسابداران در این باره با مشکلات دیگری مانند مشکلات ثبت عقود روبرو هستند. در محدوده کار حساب‌برسان هم مشکلاتی وجود دارد، آنچه شما مطرح کردید مقوله‌ای بسیار گسترده است و البته مسائل اساسی هم در آن وجود دارد. اما من فکر می‌کنم که مهمترین مسئله در میان آنچه شما مطرح کردید آن، پرسش دیگری است که به آن اشاره کردید در این مورد که آیا بانک اسلامی واسطه‌جوه است یا در فعالیتهای تجاری-صنعتی مشارکت می‌کند و اینکه آیا بیشتر یک شرکت سرمایه‌گذاری است یا واسطه‌جوه. هدایتی:

در زمان حاضر بر اساس تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، اعطای تسهیلات از طریق ۹ نوع عقد به عنوان «عقود مختلفه معینه» در چارچوب قانون مدنی (باب سوم از کتاب دوم جلد اول) انجام می‌شود. که البته دو مورد از این عقدها منطبق بر مقررات قانون تجارت است. آقایان اطلاع دارند که وقتی ما از مشارکت صحبت می‌کنیم،

منظورمان دو نوع مشارکت، شامل مشارکت مدنی و حقوقی است که به‌طور طبیعی اولی در چارچوب قانون مدنی و دومی در چارچوب قانون تجارت قرار می‌گیرد. بعلاوه، با توجه به اینکه فروش اقساطی به فروش اقساطی مواد اولیه، وسایل و لوازم و مسکن تقسیم می‌شود، آن ۹ عقد به ۱۲ عقد تبدیل می‌شود و چنانکه ملاحظه می‌فرمایید و از مفاد تبصره ماده ۳ برمی‌آید بانکدار اسلامی می‌تواند به‌عنوان وکیل، امین و شریک از سپرده‌هایی که به‌طور مشاع توسط سپرده‌گذاران به بانک سپرده می‌شود، در عقود مختلفه معینه در ۱۲ نوع عقد یا به عبارت دیگر در یکی از روشهای ۱۲ گانه اعطای تسهیلات استفاده کند. البته در اصل این عقود ۱۴ نوع است، که یکی از آنها قرض الحسنه است؛ که رابطه بانک و مشتری در این مورد از لحاظ حقوقی بر مبنای رابطه داین و مدیون است و بانک این اختیار را دارد که سپرده‌های قرض الحسنه را در چارچوب قوانین و مقررات مربوط، به مصارف پیشینی شده برساند. بنابراین منابع بانک اسلامی از منابع متعلق به سپرده‌گذار و منابع متعلق به بانک تشکیل می‌شود. سپرده‌های قرض الحسنه از این دیدگاه و در این تقسیم‌بندی جزء منابع بانک بشمار می‌آید؛ یعنی سپرده‌هایی که جزء منابع بانک طبقه‌بندی می‌شود از لحاظ حقوقی بر رابطه داین و مدیون، و منابع سپرده‌گذاران از این نظر بر رابطه وکیل و موکل مبتنی است. و براساس آنچه گفته شد بانکدار اسلامی نقش شریک را ایفا می‌کند. اما اینکه آقای دکتر عبیده پرسیدند که نقش بانکدار اسلامی مشارکت است یا واسطه‌جوه، ما در نظام بانکداری اسلامی فرض را بر شریک بودن بانک می‌گیریم. تقسیم منافع بین سپرده‌گذار و بانک براساس مشارکت در سود و زیان (PIS) انجام می‌گیرد. اما در عین حال اطلاع دارید که، به‌عنوان نمونه، در زمان حاضر بانک سپه در کنار نقشی که به عنوان واسطه‌جوه و نقل و انتقال آن ایفا می‌کند، شرکتی برای سرمایه‌گذاری هم تأسیس کرده است که به شکل بسیار کارآیی هم دارد فعالیت می‌کند. بانکهای دیگری هم، مانند بانک مسکن، دست به این کار زده‌اند. حال، ما می‌توانیم برای بانکها نقش واسطه‌جوه را قابل بشویم که بتوانند در کنار آن شرکتهای سرمایه‌گذاری ایجاد کنند.

دو بزیند

بانکداری

نقش بانک وجود داشته است. حتی واژه «چک» از زبان پهلوی گرفته شده است؛ و حکیم ابوالقاسم فردوسی این واژه را به معنای معاهده و تصدیقنامه به کار برده است:

به قیصر سپارم همه یک به یک

از این پس نوشته فرستیم و چک
اما چنانکه همه آقایان می دانند، به رغم سابقه طولانی بانکداری سنتی، بانکداری بدون ربا، بدون سابقه قبلی، یکباره در ایران ایجاد و اجرا شد و شاید در بین کشورهای اسلامی تنها ایران و پاکستان و بعد سودان، دارای چنین نظامی باشند. البته استقرار این نظام در پاکستان نزدیک به سه چهار سال طول کشید درحالیکه در ایران بسیار سریع انجام شد.

شاید همین سرعت سبب شد که پیشبینی مشکلات اجرایی امکانپذیر نشود و بررسی و حل و فصل آنها به زمان اجرا موکول گردد. نتیجه آنکه برای کامل کردن نظام بانکداری اسلامی در جریان عمل و از مسیر آزمون و خطا، باید بهای سنگینی نیز پرداخت. به عقیده من مشکلات بانکداری ما بیش از آنکه مبنای نظری داشته باشد جنبه کاربردی دارد. در زمان حاضر با توجه به اینکه نظام بانکداری هر کشوری جزئی از نظام بانکی بین المللی شمرده

می شود، چون در جوین المللی موجود نرخهای بهره، نرخ ارزها و نرخهای تورم و سود شناور و دائماً در اثر دگرگونی سیاستهای اقتصاد کلان کشورها، در حال دگرگونی است، بانکداران ما در نگرانی به سر می برند و فکر می کنند چگونه می توانند از وجوه سپرده گذاران که بانک را وکیل خود کرده و منابع مالی خود را در اختیار آن گذاشته اند و انتظار دارند با توجه به نرخ تورم به بازده مناسبی دست یابند، حفاظت کنند. یا به عبارت دیگر آنها به این مسئله فکر می کنند که نرخ سود متغیر را با چه تدبیری می توان اعمال کرد که جنبه ربوی نداشته باشد.

به نظر من در زمان حاضر مهمترین مشکلی که بانکداری ما با آن روبروست همین است و البته کاملاً هم منطقی و بجاست. یادآور شوم که این نگرانی تنها به نظام بانکداری ما محدود نمی شود، در کشورهای دیگری هم که این نوع بانکداری را به طور کامل یا به موازات بانکداری سنتی پیاده کرده اند همین مشکل به چشم می خورد. اتفاقاً اخیراً که آقای پروفیسور نیتنهاوس Nienhaus استاد دانشگاه بوخوم Bochum آلمان که به دعوت

خستویی:

آقای هدایتی، بانکها در زمان حاضر کدام نقش را ایفا می کنند، واسطگی وجوه، با مشارکت را؟ هدایتی:

این پرسش مسئله بسیار مهمی است که من ترجیح می دهم از آقای یاسری تقاضا کنم به آن پاسخ بدهند.

خستویی:

البته من شخصاً فکر می کنم که بانک اسلامی بیشتر در بازار سرمایه فعالیت می کند. هدایتی:

من هم زمانی این مسئله را با آقای یاسری در میان گذاشتم، چرا که فکر می کردم باید از نظر تکنیکی مشکلاتی ایجاد کند. اما آقای یاسری در این باره تحلیلی ارائه کردند که نشان می داد مشکلی به وجود نمی آورد. البته به یاد داشته باشیم که بحثهای ما در چارچوبی نظری انجام می گیرد.

خستویی:

شما در جریان هستید که هم اکنون بانک مسکن و بانکهایی مانند آن در بازار سرمایه فعالیت می کنند. یاسری:

من برای ادامه بحث پیشنهاد می کنم اگر موافق باشید سعی کنیم از جزء به کل برسیم. سئوالی که الان مطرح است یک سئوال کلی است. البته ما حتماً باید اشکالات بانکداری فعلی را بررسی کنیم و بعد به عنوان نتیجه گیری نظر بدهیم که آیا بانک اسلامی باید واسطه وجوه باشد یا درست مثل یک بانک تخصصی، باید در بازار سرمایه هم فعالیت کند. به این منظور فکر می کنم بهتر است نگاهی به تاریخ بانکداری بکنیم. بانکداری سنتی چند هزار سال سابقه و در واقع تجربه را پشت سر گذاشته است. پیدایش بانکداری در جهان را به دوران تمدن بابل نسبت می دهند. در قوانین حمورابی ششمین پادشاه از اولین شاهان بابل قدیم که دوران او به حدود دوهزار سال قبل از میلاد برمی گردد، مقرراتی برای وامدهی و وامگیری و قبول سپرده های تجاری وضع شده بود. برمی آید، در کشور ما نیز به اقتباس از بابلیها، در اوایل پادشاهی هخامنشیان نهادی با

بانک مرکزی ایران از کشور ما بازدید کردند، و در سایر کشورهای اسلامی نیز در مورد بانکداری اسلامی مطالعات تطبیقی انجام داده اند، وجود این اشکالات را در کشورهای دیگر هم تایید می کردند و می گفتند که این مشکل منحصر به ایران نیست.

به هر صورت، سئوال اصلی که باید به آن جواب داد این است که در شرایط تغییر دائمی متغیرهای اقتصادی چگونه می شود نرخ سود و نرخ بازده ثابتی برای سپرده گذار تعیین کرد، به شکلی که هم منافع بانک و هم منافع سپرده به عنوان واسطه وجوه مطرح می شوند. یعنی سیستمی که وجوه را از صاحبان سپرده می گیرد و به عنوان امین و وکیل وی آن را در اختیار سرمایه گذار قرار می دهد. این همان نقشی

است که بانک در مفهوم سنتی و غربی خود دارد و به جای آنکه سپرده گذار خود، به طور مستقیم، با سرمایه گذار روبرو شود، بانک در نقش واسطه این کار را انجام می دهد و اشکال ما در عمل در همین جاست؛ زیرا بانک خودش را حافظ سپرده سپرده گذاران، از نظر حفظ قدرت خرید آن، می داند

و به این دلیل ناگزیر است این منابع را بخاطر کسب سود در اختیار سرمایه گذاران بگذارد و البته معمولاً سعی دارد که پس از خاتمه معاملات، هرچه زودتر خودش را هم از میانه کار کنار بکشد، زیرا کار بانک، به عنوان واسطه وجوه، اداره پول است. در صورتی که اگر بخواهد به عنوان بانک اسلامی وارد بازار اقتصاد شود، باید وارد تمام معاملاتی که در بازار یا در واقع در اقتصاد انجام می گیرد، شود. بنابراین پرسش دیگری در اینجا مطرح می شود و آن

اینکه آیا بانکهای ما آن تخصص یا دانش را دارند که به عنوان شریک یا سرمایه گذار وارد بازار بشوند؟ یا آموزشهایی که تاکنون داده شده است تنها مربوط به آشنایی با عقود اسلامی بوده است. لازم می دانم در اینجا نکته ای را اضافه کنم و آن اینکه بانکهای ما در زمان حاضر در جایی که نقش واسطه وجوه را ایفا می کنند درست مشابه بانکهای سنتی عمل می کنند، با این تفاوت که در بانکداری سنتی از ابزار نرخ بهره استفاده می شود ولی در بانکداری اسلامی ابزاری که در اختیار است عقود اسلامی است. البته این حرف به این معنی نیست که عقود جای بهره را گرفته است، بلکه عقود ابزاری برای ایفای نقش واسطه است. یعنی بانک به کمک



یاسری:

بانکداری سنتی چند هزار سال سابقه و در واقع تجربه را پشت سر گذاشته است. پیدایش بانکداری در جهان را به دوران تمدن بابل نسبت می دهند.

واژه «چک» از زبان پهلوی گرفته شده است؛ و حکیم ابوالقاسم فردوسی این واژه را به معنای معاهده و تصدیقنامه به کار برده است:

به قیصر سپارم همه یک به یک
از این پس نوشته فرستیم و چک



عبده:

در بانکداری سنتی، بانک در برابر درآمندی که به دست می آورد مخاطراتی را می پذیرد که به آن مخاطرات مالی یا Financial Risk می گوئیم و بنابر آنچه که گفته شد در نظام بانکداری فعلی مخاطرات بازرگانی هم به آن اضافه می شود.

آنچه که گفته شد در نظام بانکداری فعلی، مخاطرات بازرگانی هم به آن اضافه می شود. یاسری:

به نظر من باید این دو نقش را از هم تفکیک کنیم و جداگانه به بررسی هر کدام بپردازیم؛ چون مشکلات ما، در زمان حاضر، در آنجاست که بانک واسطه وجوه است. و چنانکه گفتم بانکداری ما در این نقش از یک طرف می خواهد ارزش منابع سپرده گذار را حفظ کند و از طرف دیگر مهارت‌های لازم برای به کار انداختن این منابع در بازار را ندارد. بنابراین، تا این زمان منابع سپرده گذار را از او گرفته و سعی کرده افرادی پیدا کند و در چارچوب عقود، با آنها در کوتاه مدت مشارکت یا مضاربه و یا...

عقود اسلامی پول را از سپرده گذار می گیرد و در اختیار سرمایه گذار می گذارد. این نقش به جای خود مستلزم داشتن یک رشته مهارت‌هایی ست. حال اگر بانک وارد بازار واقعی اقتصاد بشود ناگزیر است که به یک رشته مهارت‌های دیگر نیز دست پیدا کند. البته در این صورت لزوماً ناچار نیست که به مشارکت با سایر سرمایه گذاران دست بزند، بلکه می تواند خودش وارد کار بشود و درست مثل یک شرکت سرمایه گذاری عمل کند.

عبده:

در بانکداری سنتی، بانک در برابر درآمندی که به دست می آورد مخاطراتی را می پذیرد که به آن مخاطرات مالی یا Financial Risk می گوئیم و بنابر

کند. عقود را که بررسی کنیم، می بینیم غیر از مسکن و دو سه مورد دیگر بقیه بسیار کوتاه مدت است و مشکل ما-آنطور که گفتم، فقط در همین مورد است، یعنی آنجا که بانک نقش واسطه وجوه را دارد، نمی تواند پیش بینیهایی بلندمدت داشته باشد.

جوان:

من می خواهم روی بعضی نکاتی که در اینجا مطرح شد تاکید کنم و مواردی را که به ذهنم می رسد تذکر بدهم. تاکید من بیشتر بر نظری است که آقای دکتر هدایتی به آن اشاره کردند و آن شکل گیری نظام بانکداری بدون ربا در زمان جنگ است و تأثیری که شرایط اقتصادی زمان جنگ بر جریان استقرار نظام بانکداری داشته است. و همچنین بر نظر آقای یاسری و جوان بودن این نظام. اما در مورد مشکلاتی که آقایان تا این قسمت از بحث مطرح کردند، ما باید برای رفع اینها تلاش بسیار وسیعی بکنیم. در زمان حاضر کسانی که به نحوی با بانکها تماس دارند از کار آنها در کلیه زمینه ها رضایت ندارند. کسانی که از تسهیلات بانکی استفاده می کنند می گویند با تعرفه های جدید هزینه استفاده از تسهیلات با هزینه تأمین سرمایه از این طریق بسیار گران است. توصیه جدی من برای حل بخشی از این مشکلات آموزش کارکنان بانکها و آشنا کردن جامعه با بانکداری بدون رباست. کارمند شعبه با تجربه انجام امور بانکداری سنتی حالا عملاً کارمند اداره یا مؤسسه سرمایه گذاری شده است و خوب برای او این کار بسیار مشکل است. و البته آموزش او هم زمانی مفید است که انگیزه کافی داشته باشد.

هدایتی:

اشکالات زیاد است و من آنها را در سه گروه طبقه بندی می کنم. یک گروه از آنها را با عنوان «سئوالات»، گروه دیگر را «ایرادات» و گروه سوم را «شبهات» می نامم. متعدد بودن عقود خودش باعث شده است که مقداری تشتت فکری به وجود آید. برای رفع این مشکلات باید یک رشته اصلاحات ساختاری صورت گیرد. مثلاً در شرایط فعلی مشترک بودن مجمع عمومی بانکها امکان رقابت بین بانکها را تا حدودی از بین برده است. این مسئله به نظر من مسئله ای ساختاری است.

ورق بزیند

بانکداری

هدایتی:

آقای فتحعلی! ما نمی‌توانیم بانکداری اسلامی را پدیده‌ای مجرد به‌شمار آوریم. بانکداری اسلامی جزئی از مجموعه فرهنگ و معارف اسلامی است. اما من مطلب آقای خستویی را در مورد کم و کاستی‌های آموزش به‌طور نسبی تأیید می‌کنم. اما اگر همین حد از آموزش هم مورد توجه دانشجویان، کارمندان بانکها و حتی مدیران قرار بگیرد، قاعدتاً نباید اشکالی باقی بماند. نکته دیگری را هم باید یادآوری کنم: بخشی از این اشکالات و شبهات

سرچشمه می‌گیرد. و اتفاقاً اشکالات و گرفتاریهای موجود هم زاینده بی‌توجهی به «مبانی» و در درجه بعد بی‌توجهی به مفاهیم است. حتی در کاربرد اصطلاحات مربوط تعمق نمی‌کنیم و گرنه نباید اشکال زیادی وجود داشته باشد. و اگر هم باشد باید تصحیح بشود.

عبده:

فکر می‌کنم که آقای یاسری مشکلات سیستم بانکداری را بیشتر در چارچوب مسائل کاربردی و این را به دلیل جوان بودن سیستم تلقی می‌کنند.

برخی اشکالات، مربوط به آیین‌نامه است. البته قانون عملیات بانکی بدون ربا از جمله قوانینی بوده که در شورای نگهبان بدون تغییر اساسی تصویب شده است و در مدت زمان اجرای آن فقط بعضی از مواد تغییر کرده است. ناگفته نماند که آیین‌نامه‌ها و دستورعمل‌های مربوط، به دلیل شرایط زمان تصویب قانون نسبتاً شتابزده تدوین شده است. اما با طرح مسئله آموزش باید این را بگویم که متأسفانه آموزش بانکداری بدون ربا به‌طور گسترده انجام نشده، یا کافی و عمیق نبوده است.

خستویی:

آقای دکتر هدایتی به مسئله آموزش اشاره کردند. به نظر من، ما هراندازه آموزش بدهیم اگر در عمل کاربرد نداشته باشد، بی‌نتیجه خواهد بود. بعنوان مثال کارمندی که آموزش دیده باشد، و عقد مشارکت مدنی هم برای او تشریح شده باشد در عمل به هنگام بستن قرارداد مربوط و تصمیم‌گیری درباره اعطای آن به مشتری مطلقاً نیازی به محاسبه قیمت مشارکت مدنی یا قیمت فروش و سود حاصل ندارد. او مفادیر زیادی سود را به عنوان استفاده از سرمایه براساس تعلق زمانی و روزشمار، محاسبه و منظور می‌کند. در تسهیلات کوتاهمدت اتفاق افتاده است که مثلاً در مورد کارخانه قند، نیشکر در اختیار کس دیگری بوده و کارخانه موظف بوده است که محصولش را به سازمان قند و شکر بدهد. محصول این کارخانه به وسیله یکی از بانکها خرید سلف شده است. و این شکل از اعطای تسهیلات، سلف واقعی نیست.

فتحعلی:

من با توجه به گفته‌های آقایان فکر می‌کنم ما در بانکداری امروز خود با بحران هویت روبرو هستیم. حتی بحث یکساعته ما تا این ساعت، وجود این مسئله را تأیید می‌کند. آیا بانکداری بدون ربا همان بانکداری سنتی است که ربا از آن حذف شده است یا اصلاً چیز دیگریست من فکر می‌کنم حل این گونه مسائل زیربنایی اولویت دارد؛ بقیه مسائل فرعی است.

فتحعلی:

آیا بانکداری بدون ربا همان بانکداری سنتی است که ربا از آن حذف شده است یا اصلاً چیز دیگریست.

اگر بعضی از مشکلات امروز بانکداری ما متأثر از بانکداری بدون ربا باشد، مشکلات دیگری هست که در سیستم بانکداری سنتی نیز وجود داشت.

عبده:

من فکر می‌کنم در این بحثها گاهی چنین فرض می‌شود که ما از همه مناسبات جهانی آزاد و فارغیم. در حالی که همه‌مان پذیرفته‌ایم که در چارچوب مناسباتی قرار داریم که دنیا برامان تعیین کرده است.

جنبه شخصی، فردی و موردی دارد و با عرض معذرت سطحی است، به طوری که اگر شخص مقداری روی مسائل بانکداری بدون ربا تعمق کند می‌تواند پاسخ اشکالات و سئوالات را شخصاً برطرف کند. البته در بیشتر موارد مسئله دوجانبه است؛ از یک طرف کارمند در فراگیری مطالب کوششی نمی‌کند و از طرف دیگر، گهگاه هم آموزش سطحی انجام می‌گیرد و به محتوا نمی‌پردازد.

جوان:

من برای بانکداری بدون ربا تعبیر بانکداری نوین را به کار می‌برم. یعنی به نظر من عقود اسلامی سیستم جدیدی در بانکداری است.

هدایتی:

بله سیستم جدیدی است که از فقه اسلامی

آقای فتحعلی اشاره به وجود یک بحران هویت کردند و گفتند که مسئله عمق بیشتری دارد: مشکل ساختاری است. آقای هدایتی هم به نظر می‌رسد ترکیبی از این دو مشکل را تشخیص داده‌اند. من فکر می‌کنم در این بحثها گاهی چنین فرض می‌شود که ما از همه مناسبات جهانی آزاد و فارغیم. در حالی که همه‌مان پذیرفته‌ایم که در چارچوب مناسباتی قرار داریم که دنیا برامان تعیین کرده است. بر همین مبنا مناسبات بانکداری ما نیز مستقل از مناسبات تجاری حاکم بر دنیا نیست. بسیاری از این مناسبات تجاری بر ما تحمیل می‌شود. در زمان حاضر، خود ما به هیچ وجه نقشی در شکل دادن به این مناسبات نداریم. در صنعت هم تعیین کننده نیستیم، در تجارت نیز تعیین کننده و

یاسری:

به رغم سابقه طولانی بانکداری سنتی، بانکداری بدون ربا، بدون سابقه قبلی، یکباره در ایران ایجاد و اجرا شد و شاید در بین کشورهای اسلامی تنها ایران و پاکستان و بعد سودان، دارای چنین نظامی باشند.

اموری هم که وامدهی و وامگیری در میان نبوده است، عمدتاً خدمات بانکی، بانکها بسیار کند عمل کرده اند. بانکها می توانستند دامنه کار خود را گسترش دهند، و خدمات جدید بانکی عرضه کنند؛ منعی هم در کار نبوده، تطابقی هم نمی باید صورت می گرفته، اشکال شرعی هم وجود نداشته؛ با این همه، این فعالیتها بسط نیافته، و این خدمات به جامعه ایرانی عرضه نشده است.

روی این کم کاری باید تأکید کرد، چون در جلسه های مشابهی که من شرکت می کنم، عمده

قالب دهنده نیستیم. بنابراین، در آن بخش عظیمی از بانکداری مان که در چارچوب مناسبات جهانی است، واقعاً اگر هم چیزی برای گفتن داشته ایم، عملاً نتوانسته ایم عرضه کنیم. یعنی بواقع، در توان نظام بانکی ما نبوده که مناسبات تازه ای پدید آورد. در چارچوب مناسبات قدیم داریم زندگی می کنیم. اگر هم بیایم بانکداری را به دو دوره قبل و بعد از انقلاب تقسیم کنیم. در حوزه ای که مربوط به خارج از ایران است، تفاوتها بسیار اندک است. از آن هم فراتر اینکه آن مناسبات تجاری که نظام بانکداری جزئی از آن است نیز به همان شکلی که از گذشته ها به ما تحمیل شده بود، هنوز رواج دارد: همان سیستم مبادله، ارز، نقل و انتقال بانکی... حال، ما می خواهیم مفاهیم جدیدی را داخل این چارچوب بیاوریم - مفاهیمی که برای خودمان هم هنوز کاملاً جا افتاده نیستند - بر همان سیستم قدیم سوار کنیم.

البته، کار بانکها در نظر من نهایتاً قرض دادن و گرفتن است. تمام ابزارهای جدید در سیستمهای مختلف، هر اندازه هم پیچیده باشند، سرانجام به این دو فعل ساده خلاصه می شوند، و از این رو تحلیل عملیات و سردرآوردن از مناسبات بظاهر بسیار پیچیده بانکی چندان از قدرت و توان ما خارج نیست. اما این فعل با قید جدید «غیر ربوی» بودن، ابعاد تازه ای می یابد و در بافت بانکداری جهانی - اگر بخواهیم برآستی بدان مفهوم وفادار بمانیم - بدشواری تنیده می شود. اما در آنجا هم که فعالیتها هیچ ارتباطی با ربوی بودن ندارد، آزاد است، مشکل فقهی ندارد، مثلاً بخش خدمات، کار عمده ای عرضه نشده است و عقب افتادگیها جدی است. در

یاسری:

به عقیده من مشکلات بانکداری ما بیش از آنکه مبئای نظری داشته باشد، جنبه کاربردی دارد.

در شرایط تغییر دائمی متغیرهای اقتصادی چگونه می شود نرخ سود و نرخ بازده ثابتی برای سپرده گذار تعیین کرد، به شکلی که هم منافع بانک و هم منافع سپرده گذار حفظ شود.

بحث بر سر این است که یک نیاز بانکی چگونه با بانکداری غیر ربوی تطبیق داده شود. مثلاً در این نظام بانکی، چه ابزاری جای اوراق قرضه بیخطر بنشیند که ایراد شرعی هم نداشته باشد؟ آیا می شود این کار را با خرید دین تطبیق داد؟ اما در حوزه خدمات غیر اعتباری بانکها که این مشکلات وجود نداشته است. پس چرا در اینجا هم بسیار عقب افتاده تر از روش امروز دنیا، عمل می شود؟ در مقایسه با روزهای اول انقلاب اسلامی، دنیای بانکداری تکنولوژی بسیار پیچیده تری دارد و خدمات پیچیده تری عرضه می کند. این خدمات را سیستم بانکی ما نمی تواند عرضه کند.

از این موضوع که بگذریم، مسئله ربا و برداشت و طرز تلقی ما از مفهوم این کلمه، جدا از جنبه فقهی آن که طبعاً بنده هیچ دانشی در آن ندارم، در چهارچوب معیارهای عدالت اجتماعی که جمهوری اسلامی در آن راستا می خواهد حرکت کند، درخور تعمق است. ما چگونه می خواهیم به پس انداز پیرزنی که ۵ هزار تومان حقوق بازنشستگی می گیرد، در شرایطی که بانک مرکزی خود رقم تورم را دو رقمی و تا حد ۲۰٪ اعلام می کند، مثلاً ۱۳٪ سود بدهیم و این را درآمدی عادلانه برای او به حساب آوریم. جمهوری اسلامی با اتکا به مفهوم عام عدالت چگونه مراقبت خواهد کرد که حق این آدم ضایع نشود. برای او ابزار چندان مهم نیست، اینکه چه ابزاری و چه قراردادی به او بدهیم چندان اهمیت ندارد، بلکه حفظ قدرت خرید او مهم است. ما باید جوابی برای این قضیه داشته باشیم، چون در جامعه اسلامی قرار است قدرت خرید مردم حداقل تضعیف نشود. این یک معیار عام عدالت است و در تمامی بحثهای اقتصاد رفاه مطرح می شود. هر متخصص اقتصاد رفاه مسئله بهره را از دیدگاه عدالت اجتماعی و قدرت خرید هم می بیند. اینجاست که باید گفت چهارچوب، زمینه ها، و مسیر تاریخی فعالیتها ربوی، و در واقع خود تعریف «بهره» و فلسفه مخالفت با ربا به نظام اقتصادی حاکم بر جامعه برمی گردد و در آن نظام و با توجه به موقعیت تاریخی و مسئله پول و بویژه نوع آن، باید به مسئله نگرست تا تضادهایی از آن دست که در مثال «پیرزن» من بدان اشاره شد، پیش نیاید.

اگر به دلیل مشکل ربا، بانکها عمدتاً به سمت بانکداری سرمایه گذاری، یا شرکتهای سرمایه گذاری راهنمایی شوند، که در این جلسه حداقل یکی از پیشنهادها بود، و خارجها هم در آن سابقه طولانی دارند، باید بدانیم که این مهارت expertation و تخصص جداگانه ای است که شاید بانکهای ما فعلاً فاقد آن باشند. من واقعاً فکر نمی کنم که اولین وظیفه بانک شرکت سرمایه گذاری شدن باشد. بنده بین شرکت سرمایه گذاری ملی ایران، شرکت سرمایه گذاری سازمان صنایع ملی ایران، و شرکت سرمایه گذاری بنیاد و سایر شرکتهای سرمایه گذاری با بانک قائل به تمایز هستم. البته، گرایش کلی در دنیا این است که مؤسسات مالی همه نوع کالایی ورق بزنند

بانکداری

کارایی در سیستم بانکی نمی بینیم. برای نتیجه گیری مجموعه عرایضم را چنین خلاصه می کنم: یک، در حوزه نظری، تبیین کارکشته ای باید مناسبات تجاری و به تبع آن بانکی حاکم بر دنیا را تحلیل کند و بر مناسبات بانکی ما تطبیق دهد. در مورد ارائه خدمات بانکی هم که بظاهر مشکل قانونی و فقهی نداشته ایم، بسیار کم کار شده است. در مجموع نظر من این است که کارایی سیستم بانکی بسیار پایین است.

فاطمی:

من باید از مجله حسابدار تشکر کنم که به مسئله بانکداری پرداخته است. من با همه گرفتاریها معمولاً این مجله را حتماً می خوانم و خوشبختانه شماره های جدید آن پربارتر و تخصصی تر است. در ابتدا فکر می کردم چون نشریه مربوط به مقوله حسابداری است در این میزگرد بیشتر مسائل مالی و حسابداری بانکداری مطرح خواهد شد، حال آنکه آنچه تا حال مطرح شده، بیشتر جنبه های اقتصادی، فقهی و بانکداری کاربردی داشته است. بنابراین به نظر من بهتر بود افراد دیگری نظیر مسئولان بانک

نبوده که حالا با ابزار جدید عقود اسلامی اهداف قدیم دنبال شود و بدتر از همه، نقب زیر نقب زده شود که با این ابزار نارسا برای آن اهداف، همان مسیرهای گذشته پیموده شود. انسان از سیستم بانکی دولتی توقع دارد که مسائل کلان اقتصاد را در نظر داشته باشد. بسیاری می گویند که این سیستم بانکی گران و پرهزینه است؛ بار نیروی انسانی اضافه دارد و کیفیت و کارایی آن پایین است. و مسئله آخر اینکه اگر می خواهیم به این سیستم کارایی بدهیم، در شرایطی که همه آنها اعضای یک مجموعه اند و تیم دولت اند، چگونه می توانیم عامل رقابت را وارد کار کنیم. چگونه می توانیم افزایش کارایی را با ساخت دولتی فعلی عملی کنیم. بانکها باید باهم رقابت کنند و این رقابت نباید صوری باشد. حتی در زمینه کارکردها و وظیفه های مدیریتی، مثلاً در حوزه بازاریابی، این تبلیغاتی که الان بانکهای مختلف انجام می دهند آن قدر شبیه به هم است و آن قدر در سطح جریان دارد، که فرد نگران حوزه های جدیتری چون اعطای اعتبارات می ماند. حتی در حوزه تبلیغات نیز اثری از

داشته باشند و روند از تخصصی شدن به سمت تنوع خدمات بانکی است. به هر حال، جزء داراییهای بانکها مقداری هم سهام وجود دارد، و بانکها هر کدام بدنه ای مرکب از سهام و اوراق قرضه دارند. اما این هنوز رقم بسیار کوچکی از داراییهایی است که بانکها دارند. هنوز مجموعه بزرگ داراییهایی بانک اعتبارات اعطایی است. در همین حوزه اعطای اعتبارات، اگر بخواهیم به عمق برویم و در سطح نمایم، باید مسئله عدالت اجتماعی را دوباره وارد محاسبه کنیم. اعتقاد من بر این است که در طول سالهای بعد از انقلاب، در اعطای این اعتبارات کارایی وجود نداشته است. گرایش و ذهنیت این بوده که حالا بانک هر چه زودتر در چهارچوب عقود اسلامی، سرمایه گذاری کند و بازده برگرداند. در حالی که آن چهارچوب قطعاً قیوداتی نظری و بینشی داشته است. چنین در نظر





فاطمی:

ما بدون ایجاد تغییر مناسب در قانون پولی و بانکی نمی‌توانیم نظام بانکی را تغییر بدهیم.

اگر ما در بانکهای فرضاً غربی - اروپایی، سپرده بگذاریم و از این بابت از آنها بهره بگیریم، اشکال شرعی ندارد، چرا که گرفتن ربا از غیرمسلمان جایز است. البته از کشورهای اسلامی نمی‌توانیم بهره بگیریم.

مرکزی نیز در این میزگرد شرکت می‌کردند. همچنین مدیران اجرایی بانکها و مدیران مؤسسات اقتصادی که در این چندسال مشتری بانکها بوده‌اند و نیز حسابداران و اقتصاددانان شاید لازم باشد که میزگرد دیگری نیز برای تکمیل مباحث میزگرد امروز با شرکت کسانی که از آنان یاد شد تشکیل شود. ناگفته نماند که من حسابدار یا در واقع حسابرس هستم که پس از انقلاب به سیستم بانکی پیوسته‌ام. با این مقدمه اجازه می‌خواهم که نظر خود را در مورد بحثهایی که تاکنون انجام شد، بیان کنم. برابر آنچه از علما یاد گرفته‌ایم مسائل از نظر شرع مقدس دنیوی و دینی یکی مسائلی که به‌طور همیشگی پابرجا یا ابدی هستند؛ از قدیم بودند، اکنون هستند و در آینده

هم خواهند بود، مانند نماز، روزه و سایر احکام مشابه. و دیگری مسائلی که در زمانی بخصوص ممکن است پیش آید، و در گذشته یا وجود نداشته یا به شکل دیگری وجود داشته است. ممکن است در زمان حاضر وجود داشته باشد و در آینده نباشند. یا شاید تغییر شکل پیدا کنند و مانند اینها نظیر بانکداری و بیمه، که به شکل فعلی آن در گذشته و در صدر اسلام وجود نداشته است. به این نوع امور، مسائل مستحدثه می‌گویند. در نتیجه اطلاق نام بانکداری «اسلامی» بر این امر، به دلیل اینکه

عبده:

ما چگونه می‌خواهیم به پس انداز پیرزنی که ۵ هزار تومان حقوق بازنشستگی می‌گیرد، در شرایطی که بانک مرکزی خود رقم تورم را دو رقمی و تا حد ۲۰ درصد اعلام می‌کند، مثلاً ۱۳ درصد سود بدهیم و این را درآمدی عادلانه برای او به حساب آوریم.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

در صدر اسلام بانکداری وجود نداشته است، توجیه‌پذیر نیست؛ چنانکه قانونگذار هم به این مسئله توجه داشته و بر این نوع بانکداری در لایحه مربوط، بانکداری بدون ربا نام نهاده است. وقتی هم که در سال ۱۳۶۳ قانون بانکداری بدون ربا وضع شد، تنها دستیابی به یک هدف موردنظر بود و آن هم حذف ربا از نظام بانکداری بود که از نظر اسلام حرمت ابدی دارد. نتیجه آنکه یک جراحی در بیکر نظام بانکی ما صورت گرفت و پیشینی شد که رابطه بین بانک و سپرده‌گذار و بانک و استفاده‌کنندگان از تسهیلات و سرمایه‌گذار در قالب عقود که با قوانین شرع مغایرت نداشته باشد، برقرار شود. اما این کار نیاز به مطالعات گسترده‌ای از جنبه اقتصادی،

مالی، حقوقی، فقهی و بانکی داشت. همچنین لازم بود که سایر قوانین مرتبط با بانکداری نیز متناسب با نظام پیشینی شده بانکی تغییر کند و با آن هماهنگ شود. با اینکه کار بسیار زیادی به وسیله چند تن از علمای طراز اول و فقهای محترم شورای نگهبان، بعضی مدیران عامل بانکها و متخصصان بانک مرکزی و سایر بانکها انجام شد، باز نیاز به بررسیهای بیشتری وجود داشت. در واقع به حکم ضرورتی که مسئولان کشور احساس می‌کردند، قانون بانکداری بدون ربا در مدت یک سال و نیم تدوین شد. به

فاطمی:

نظام بانکداری کنونی ما همان نظام بانکداری سنتی است که فقط عامل ربا از آن حذف شده است.

مدیران بانکها چندان در تصمیمگیریهایشان آزادی عمل ندارند. مثلاً در انتخاب جوایز، مبلغ آن و حتی در نوع سپرده‌هایی که از مشتری قبول می‌کنند، محدودیت دارند. گاهی این محدودیت‌ها زیاد است.

عبارت دق‌فتر کار در سال ۱۳۶۰ آغاز شد، در سال ۱۳۶۲ پایان یافت و قانون از اول سال ۱۳۶۳ به اجرا درآمد. در حالی که قانون مدنی، قانون تجارت و قانون پولی و بانکی و دیگر قوانین مربوط به همان صورت سابق باقی مانده است. ما بدون ایجاد تغییر متناسب در قانون پولی و بانکی نمی‌توانیم نظام بانکی را تغییر بدهیم. و چون قانون پولی و بانکی تغییر نکرده است، از تغییر نکردن قانون پولی و بانکی می‌توان استنباط کرد که قرار است نقش بانک همان باشد که پیش از این بوده است. چون قانون پولی و بانکی همان است که بوده؛ فقط قانون نحوه اداره امور بانکهاست که به دلیل ملّی شدن بانکها ورق بزید

بانکداری

در بعد از انقلاب وضع شد و چنانکه آقایان استحضار دارند جنبه مالی ندارد و تنها سازمان و مدیریت بانکها و ارتباط آنها با دولت را مشخص کرده است. این قانون مقدم است بر قانون عملیات بانکی بدون ربا و ملاحظه ای می فرماید که حتی قانون مربوط به نحوه اداره امور بانکها هم قانونی است که قبل از وضع قانون عملیات بانکی بدون ربا وجود داشته است. علاوه بر بانکداری گذشته دنیوی بانک وجود داشت، یکی بانکهای توسعه ای مانند بانک صنعت و معدن، بانک توسعه کشاورزی، بانک توسعه و سرمایه گذاری و مانند آنها که سرمایه گذاری و مشارکت می کردند و کمتر واسطه و جوه بودند، در مواردی هم که این نقش را داشتند، به منظور تأمین منابع برای سرمایه گذاریهای خود بانک بود چه از طریق وجوهی که از خارج از مملکت به صورت ارزی تأمین می کردند و چه از راه وجوهی که از داخل و با هدف هدایت آن به سوی سرمایه گذاری تهیه می گردید. نوع دیگر بانکهای تجاری بود که کار آنها جمع آوری وجوه از مردم و به کار گرفتن آن در معاملات کوتاه مدت و بعضاً میان مدت بود. قانون عملیات بانکی بدون ربا این دو نقش را از هم تفکیک نکرده است. در نتیجه همه بانکها با توجه به عقود جدید بکسان و همانند شدند و بانکهای تجاری مانند بانک ملی، سپه و مانند اینها، هم وارد سرمایه گذاری و مشارکت و فعالیتهای مربوط به بانکهای تخصصی و توسعه ای شدند و هم البته نقش قبلی خود یعنی واسطگی را حفظ کردند. اگر چه فعالیت بیشتر این بانکها هنوز هم بر روی معاملات کوتاه و میان مدت و در واقع واسطگی متمرکز است، ولی به هر حال تنظیم سیاستها و امور نظام بانکی به عهده بانک مرکزی جمهوری اسلامی است. بانک مرکزی است که باید بگوید آیا بانک تجاری می تواند در زمینه سرمایه گذاری فعالیت کند یا نه و اگر باید در این زمینه فعالیت کند تا چه اندازه و با چه سیاستی این کار را انجام دهد. بانک مرکزی، در حال حاضر در قسمت هایی این کار را می کند مثلاً می گوید در بخش کشاورزی یا در بخش صنعت به این میزان فعالیت شود، اما مشخص نمی کند که از

این میزان تا چه حد در زمینه سرمایه گذاری بلندمدت و تا چه حد در زمینه سرمایه گذاری کوتاه مدت یا سرمایه در گردش مصرف گردد. حال آنکه به نظر من مهمتر از تعیین میزان حجم فعالیت در هر بخش به صورت کلی، میزان تخصیص منابع به سرمایه گذاریهای بلندمدت، زیربنایی و توسعه ای هر بخش است. که در این خصوص هنوز سیاستهای دقیق و نظارت شده ای تعیین نشده است. در زمان حاضر با توجه به اینکه بانکها در هر دو بخش، یعنی واسطگی و جوه و سرمایه گذاری فعالیت می کنند، مقداری سهام دارند، مقداری در سرمایه گذاریها مشارکت می کنند و حال آنکه این با سیاستهای دولت در شرایط حاضر منافات دارد. چرا که به هر حال بانکها اگر نگویم دولتی، لاقول ملی هستند و به هر صورت کنترل آنها در دست بخش عمومی است. و سیاست دولت این است که سرمایه گذاریها از بخش عمومی خارج شود و به بخش خصوصی منتقل گردد. و در نتیجه بانکها باید سهام سرمایه گذاری-هایشان را عرضه کنند. پس در این صورت بانکها در برابر سپرده گذارانی که از بانکها انتظار دریافت سود دارند و فرض بر این است که منابع سپرده گذاران را برای مشارکت با سرمایه گذاران دیگر به کار می گیرند، چه نقشی ایفا می کنند. در این شرایط نظر دولت هم این است که بانکها صرفاً واسطه و جوه باشند. و به نظر من ماهیت این عقود با واسطگی و جوه سازگار نیست. به این دلیل که بانکها نمی توانند در خرید و فروش اقساطی مشارکت کنند با معاملات سلف انجام دهند، بدون اینکه هیچ نقش یا اختیاری نسبت به کالای خریداری شده داشته باشند. این اشکال ماهوی وجود دارد. یعنی در موضوع عقد، بین اجرا و ماهیت آن تضادی هست. به طور خلاصه کار ما در این چند سال تبدیل بانکداری از صورت ربوی به صورت غیر ربوی بوده است. اما از این مهمترین نکته از نظر فقهی و شرعی که بگذریم از نظر مسائل اجرایی در کاربرد و در سایر مواردی که به آن اشاره کردم با مشکل روبرو هستیم و بسیاری از مسائل در برده ابهام قرار دارد. اگر از نظر بعضی هم ابهامی وجود نداشته باشد، از نظر من، به عنوان کسی که چندسال است در این کارم، به آن اندازه که اشاره کردم ابهام وجود دارد. اما یکی از تفاوتهای بزرگی که بین بانکداری سنتی و بانکداری بدون ربا وجود دارد این است که

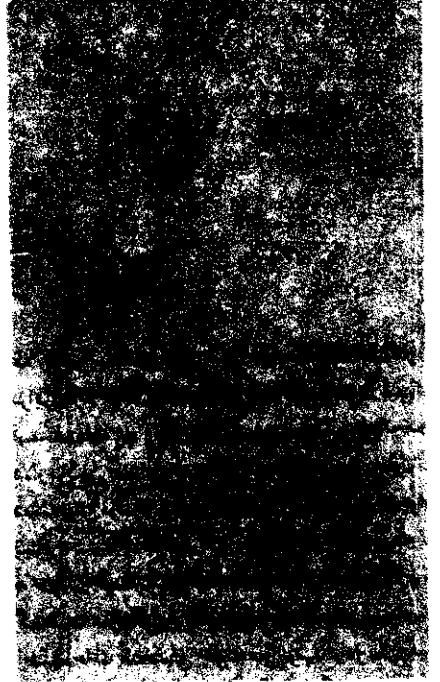
در بانکداری ربوی سنتی، بانک در ماهیت معاملات دخالتی نمی کرد. از وامگیرنده وثیقه ای یا حتی سفته ای می گرفت و کار تمام می شد. در حالی که این خصوصیت - نظارت - به صورت ذاتی در بانکداری بدون ربا وجود دارد و البته امتیاز بزرگی برای بانکداری بدون ربا است که بانکها بنا به دلایلی مانند نبود تخصص یا آموزش نداشتن یا علاقه مند نبودن ذینفعان بخوبی از آن استفاده نمی کنند. در حالی که این مهمترین سیستم نظارتی در مصرف منابع است، عاملی که در بانکداری ربوی سنتی وجود نداشت.

خستویی:

یکی از مشکلاتی که در زمان حاضر وجود دارد، همان مکانیزم نظارت است که بسیار ضعیف است.

فاطمی:

که البته علتها وجود این ضعف نیاز به بررسی دقیق دارد که خود محتاج زمان بیشتر و فرصت دیگری است. اما اینکه گفته شد نظام بانکداری کنونی ما با نظام جهانی سازگار نیست؛ چنانکه پیش از این هم گفتم، نظام بانکداری بدون ربا به طور اصولی در کلیت خود شکل خیلی متفاوتی با بانکداری ربوی سنتی ندارد که با نظام جهانی بانکداری سازگار نباشد. باز می گویم نظام بانکداری کنونی ما همان نظام بانکداری سنتی است که فقط عامل ربا از آن حذف شده است. و عقود اسلامی جایگزین معاملات ربوی گردیده است. حتی قانون پولی و بانکی تغییری نکرده است. ارتباط ما با بانکداری بین المللی با دو محمل برقراری شود، یکی با محمل اعتبارات اسنادی و دیگری با پروات اسنادی که در هر دو مورد اصلاً ربا جایی ندارد. این را تقریباً همه جای دنیا پذیرفته اند، ما هم پذیرفته ایم. اما ممکن است معاملاتی با کشورهای دیگر داشته باشیم که ربا در آنها مطرح باشد، مثل مورد وام گرفتن و وام دادن که مسائل مربوط به این موارد هم از نظر شرعی حل شده است. یعنی اگر ما در بانکهای، فرضاً غربی- اروپایی، سپرده بگذاریم و از این بابت از آنها بهره بگیریم اشکال شرعی ندارد، چرا که گرفتن ربا از غیرمسلمان جایز است. البته از کشورهای اسلامی نمی توانیم بهره بگیریم که در این خصوص هم تاکنون موردی بیش نیامده است. و دادن ربا به کشورهای غیراسلامی نیز



غیرمسلمان در شرایط اضطرار و ضرورت است و اشکال شرعی ندارد. همچنین در مورد آثار ربوی فعالیت شعب بانکهای ما در خارج از کشور نیز وضع از همین قرار است. وجود شعب ما در کشورهای خارجی - غیرمسلمان - ضروری است؛ این شعب بناگزی طبق عرف و قوانین بین المللی در چهارچوب مقررات بانکهای آن کشورها فعالیت می کنند و بنابراین آثار ربوی فعالیت های مربوط به شعب ما، از نظر شرعی بلامانع است. مطرح شد که استفاده از

نیروی انسانی بانکها به همین نسبت اضافه نشده است.

خستویی:

من در تأیید صحبت شما یک نکته اضافه می کنم و آن اینکه قوانین و مقررات پولی و بانکی مقرر داشته است که تعداد کارکنان بانکها باید با سرمایه بانک و جمعیت و... که بانک مرکزی آن را تعیین می کند تناسب داشته باشد و ما در بررسی هایی که در بانکها انجام داده ایم به افزایش نیروی انسانی خارج از این ضابطه برخوردیم.

عبده:

این را که آقای فاطمی گفتند تخصص در زمینه نحوه مصرف وجوه از بین رفته است آن را من کاملاً درک می کنم. این تخصص قبلاً سمت گیری و جهت دیگری داشت. بانکدار فرا می گرفت که اعتبار وامگیرنده و توانایی کسانی را که در عرصه تجارت و صنعت فعالیت می کردند، ارزیابی کند. وارد ماهیت معاملات نمی شد. این تخصص حالا شکل دیگری باید داشته باشد و آن عمل کردن در بازار به عنوان سرمایه گذار است. بانکدار سنتی حداکثر

فاطمی:

بازنشسته شدن تعداد زیادی از کارکنان بانکها و خروج بسیاری از متخصصان از کشور سبب شد که بانکها مغزش از آنچه بود کوچکتر شد و جسمش نیز به آن اندازه که در این زمان باید باشد، نیست.

در صورت ضرورت و در شرایطی که این ضرورت تشخیص داده شود، باز بلامانع است. در زمان حاضر این کار را می کنیم و اشکال شرعی هم ندارد.

خستویی:

آیا در عملیات مربوط به اعتبارات اسنادی ربا وجود ندارد؟

فاطمی:

ملاحظه فرمایید، زمانی که ما برای اشخاص داخل کشور اعتبار باز می کنیم اگر شخص صد درصد مبلغ اعتبار را خودش تأمین کند بانک به عنوان جاعل عمل می کند و چنانکه می دانید جاعل کسی است که کاری را در برابر گرفتن مبلغی پول - مزد - برای دیگری انجام می دهد. همچنانکه در این حالت بانک در برابر گرفتن مبلغی به عنوان کارمزد برای مشتری اعتبار اسنادی باز می کند و خدمات مربوط به آن را انجام می دهد. اما در حالتی که شخص صد درصد مبلغ اعتبار را از بانک تأمین می کند و تسهیلات می گیرد، مسئله با عقد مضاربه تطبیق می کند و چنانکه بخشی از مبلغ اعتبار را تسهیلات بگیرد این کار در قالب عقد مشارکت مدنی صورت می گیرد و در هر حالت ربوی نیست. و اما در زمینه این نوع عملیات بانکی معمولاً این مسئله مطرح می شود که اگر بانک کارگزار زودتر از آنکه مبلغ اعتبار توسط خریدار و بانک کارگزار او، که هر دو در فرض ما طبیعی است که ایرانی هستند، به بانک کارگزار فروشنده واریز گردد، به ذینفع پرداخت شود، طبیعی است که مقداری سود یا بهره از ما خواهد گرفت. در این حالت تکلیف چیست؟ این هم جزو شرایط اضطراری است. چون اگر ما در حسابمان پول داشتیم که تأمین شده بود. پس پیدا است پول نداشته ایم که آنها می بردارند، یعنی اضطرار؛ و چنانکه گفته شد این پرداخت بهره به

فاطمی:

دادن ربا به کشورهای غیراسلامی نیز در صورت ضرورت و در شرایطی که این ضرورت تشخیص داده شود، باز بلامانع است.

تسهیلات بانکی در ایران گران و هزینه های بانکها بالاست. باید بگویم که این مسئله عمومی نیست. و به نوع سازمان و تشکیلات بانکها بستگی دارد. بانکهایی که با سیستمهای قدیمی و ساختار دولتی اداره می شوند و بوروکراسی غیرکارآ دارند، به طور طبیعی به این گونه اشکالات دچار می شوند، اما ممکن است بعضی بانکها که از جهات بالا وضع بهتری داشته باشند، هزینه آنها به همان نسبت پایینتر خواهد بود. بعلاوه این مسئله به عوامل بسیار پیچیده و متعددی مربوط می شود که بسادگی نمی توان نسبت به آن قضاوت کرد. گفته شد که بانکهای ما نیروی انسانی مازاد دارند، این هم نه عمومیت دارد و نه حتی واقعیت است. اگر به رشد جمعیت بعد از انقلاب اسلامی نگاه کنیم، یا اگر گسترش جوامع شهری را در نظر بگیریم، یا اگر به رشد میزان نیاز و استفاده مردم از خدمات بانکی در این سالها توجه کنیم - که سیاستهای دولت نیز در آن مؤثر بوده است - خواهیم دید که حجم عملیات و خدمات بانکها به علت ارائه خدمات خاص مانند توزیع کوپن چندین برابر شده است. در حالی که

بخشی از خطر مالی را می پذیرفت و خطر تجاری را کلاً روی سرمایه گذار تمرکز می داد. در نظام بانکداری جدید ظاهراً قرار نیست که چنین باشد. بانکدار در معرض هردو خطر است و این تخصص می طلبد که بازده مناسب با این خطرها حاصل آید.

فاطمی:

به هر صورت بازنشسته شدن تعداد زیادی از کارکنان بانکها و خروج بسیاری از متخصصان از کشور، سبب شد که مغز بانکها از آنچه بود کوچکتر شد و جسمش نیز به آن اندازه که در این زمان باید باشد، نیست. و این خود یکی از دلایلی است که

ورق بزنید

بانکداری



بانکها نمی‌توانند دست کم در همه جا خدمات کافی و مناسب به جامعه بدهند. ما در این بخش بنا به دلایل متعددی نتوانستیم استانداردهای خودمان را حفظ کنیم، چه رسد به اینکه آن را بهبود ببخشیم و از جمله آن دلایل تعدادی را که اینجا در نظر دارم، برمی‌شمارم، که عبارتند از: بانکها از بخش خصوصی به بخش عمومی منتقل شدند، کارکنان بانکها انگیزه‌های خود را - البته بیشتر در زمان جنگ - به عللی مانند درآمد کم، اختیارات ناکافی، ارتقای شغلی بوقوع و مانند آن، از دست دادند. و از سوی دیگر حجم کارشان، به دلایلی که پیش از این گفتیم به‌طور متوسط ۲۰ برابر افزایش یافت. این رقم آماری است و از طریق بررسیهای انجام شده به دست آمده است.

عبده:

منظور حجم ربالی است؟

فاطمی:

نخیر، منظور من حجم کارهاست؛ تعداد مراجعات، میزان فعالیتها، تعداد سندهایی که می‌زنند، میزان پولی که تحویل می‌گیرند یا تحویل می‌دهند، حجم پولی که می‌شمارند و همینطور تا حجم سپرده‌ها و وامها و مانند آن. دلیل دیگر نارسایی بانکها در ارائه خدمات، نداشتن تجهیزات و ابزارهای لازم برای کار است که این تنگنا در اثر مسائل اقتصادی، جنگ و مشکلات ارزی به وجود آمد. جالب است بدانید که بانکها، که خودشان تخصیص دهنده و گرداننده امور ارزی کشور هستند، به خودشان ارز کافی تخصیص داده نمی‌شد یا بسیار کم داده می‌شد. بنابراین نتوانستند تجهیزات جدیدتر تهیه کنند. علاوه ابزارها و وسایل سابق هم به دلیل فرسودگی بتدریج از رده خارج می‌شد. البته در زمان حاضر با توجه به بهبود درآمدهای ارزی و با توجه به دیدگاههای وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی تأکید زیادی هست که این عقب‌ماندگی هرچه زودتر جبران شود و با آنکا به بودجه‌ای که به این کار اختصاص داده شده است، و براساس بررسیهای انجام شده در این باره، امیدواریم هرچه زودتر به این ابزار و وسایل

مجهز بشویم. مذاکرات متعددی در این باره انجام شده و قراردادهایی هم بسته شده است. برخی از این اقلام رسیده و برخی هم در راه است. هم اکنون ما در بانک خودمان نزدیک به صد شعبه را به سیستمهای مکانیزه مجهز کرده‌ایم و در مرحله بعدی همه شعبه‌های تهران در یک شبکه به هم متصل خواهند شد و بعدها هم قرار است با اضافه کردن دستگاههای جانبی سرویسهای شبانه‌روزی و خودکار به مشتریان ارائه کنیم که به شهرستانها و سراسر کشور نیز گسترش خواهد یافت. به نکته دیگری هم باید اشاره کنم و آن اینکه مدیران بانکها چندان در تصمیمگیریهایشان آزادی عمل ندارند. مثلاً در انتخاب جواز، مبلغ آن و حتی در نوع سپرده‌هایی که از مشتری قبول می‌کنند، محدودیت دارند. گاهی این محدودیتها زیاد است. البته امیدواریم با توجه به سیاستهای دولت در اجرای برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کارهای تحقیقی و علمی در مورد ارزیابی نظام بانکی امروز کشور انجام گیرد و این نظام به جهتگیریهای بهتر و ضوابط مشخصتری هدایت شود. و آخرین مسئله‌ای که باید به آن بپردازم، مسئله سیاستهای بانکی و عدالت اجتماعی است. که اگر آن را به این مفهوم در نظر بگیریم که دست کم بتواند ارزش پول سپرده‌گذار را حفظ کند، و نیز سود بیشتری را برای سپرده‌گذار تأمین کند، این مسئله تا حدودی با مسائل اقتصادی، سیاستهای دولت و خط مشی بانک مرکزی و مسائل شرعی روبرو می‌شود. مثلاً اگر مسئله تورم را آقایان قضا حل کنند که بنابه تحقیق در جامعه صدر اسلام به این شکل وجود نداشته است، و از مسائل مستحدثه است، مقداری از مشکل ما در سیستم بانکی برطرف می‌شود؛ و سرانجام ما با محدودیتهای شدید ناشی از نداشتن قوانین حقوقی، تجاری و مدنی مناسب مواجهیم، و همچنین بیش از این به رهنمودهای فقهی و شرعی نیاز داریم.

خستویی:

به هر صورت این مسایل همه نشان می‌دهد که نظام بانکی ما باید بازنگری شود. به نظر می‌رسد که باید آنچه به عنوان نظریه زیربنایی بانکداری بدون ربا شناخته می‌شود براساس ملاحظات فقهی و شرعی مجدداً بررسی شود. آقایان به خاطر دارند که پس از اعلامیه ۱۵ اوت ۱۹۷۱ که طبق نظریه نیکسون پایه

طلا به عنوان منشاء ارزش پول کنار گذاشته شد، در برابر هر ۳۶ دلار یک اونس طلا می‌دادند. این قیمت، بعد به ۸۰۰ دلار رسید، دو مرتبه تا ۴۰۰ دلار پایین آمد و به هر صورت قدرت خرید پول دستخوش نوسان شدیدی شد تا آنکه نظریه‌ای بر بنیاد مکتب اقتصادی کینز مطرح شد که «بهره» به خودی خود ارزشی نیست، بلکه در اصل بهای گذشت دارنده پول است که از مصرف آن برای احتیاجات شخصی چشم می‌پوشد و در نتیجه مستحق آن است که با اعطای آن به دیگری، بها یا جایزه این گذشت را بگیرد. به هر حال به نظر می‌رسد اگر مبانی نظریه‌های مختلف به شکل علمی و منطقی تحلیل شود ممکن است راه‌حلهای روشنی به دست آید.

عبده:

در این صورت آن تنها تفاوت بین بانکداری قدیم و جدید هم با این تعبیر از بین می‌رود.

خستویی:

در سازهایی که من کار می‌کنم روی این مسئله کار شده است و در صورتی که شکل عملی کار روشن شود، تدوین روش حسابداری مناسب برای آن کارآسانی است.

عبده:

روش حسابداری مسئله‌ای نیست.

خستویی:

اتفاقاً یکی از مشکلاتی که استفاده کنندگان از این تسهیلات دارند، روش حسابداری مربوط است. عبده:

این مشکل بیشتر به خاطر ناهماهنگی قوانین است، چون پیش گرفتن روش حسابداری جدید برای بانکها مشکل مالیاتی و احتمالاً مشکلات دیگری ایجاد می‌کند و به همین دلیل است که روشهای مربوط در چارچوبهای سابق مانده است.

خستویی:

مثلاً مشارکت مدنی در واقع به سرمایه‌گذاری مشترک Joint Venture نزدیک است. اما در عمل با این عقد مانند تحصیلات اعتباری برخورد می‌شود. حتی خود ما هم در رعایت میناق تعدیل کننده رجحان محتوا بر شکل، این نوع برخورد را برای مشارکت مدنی کافی دانستیم. در حالی که واقعاً این طور نیست. اگر مؤسسه‌ای سهم شرکت خود را به صورت غیر نقد در میان می‌گذارد و بخشی از



مخاطرات مالکیت خود را به بانک منتقل می‌کند و بانک هم سهم نقدی خودش را می‌گذارد و سرمایه جدیدی را تشکیل می‌دهند، این کار دقیقاً یک مشارکت است و مشارکت مدنی است، که در قوانین ما هم پیش بینی شده است و باید برای آن اظهارنامه مالیاتی جداگانه تنظیم و ارائه کرد. در پایان هم که سهم بانک از سرمایه گذاری به فروش می‌رسد، بانک می‌تواند در پایان کار آن را به فروش اقساطی تبدیل کند، ولی در آن لحظه سود مربوط را می‌توان شناسایی و اندازه گیری کرد. در حالی که در زمان حاضر با آن مانند تسهیلات اعتباری برخورد می‌شود و بخشی از سود تعلق گرفته را به عنوان هزینه مالی شناسایی می‌کنند. بویژه در مؤسسات قبل از بهره برداری که می‌تواند قسمتی از قیمت تمام شده باشد که در این حال شدت وضع را دگرگون می‌سازد. حتی به رغم آنکه مفاد قراردادهای برخی بانکها نحوه نگهداری حسابهای عقد فیما بین را به تصریح روشن کرده است و در این قراردادها پیش بینی شده است که نگهداری حسابها باید به نحوی باشد که بتوان اطلاعات لازم و جداگانه را از آنها استخراج کرد. اما در عمل این کار انجام نمی‌شود. در عقد مضاربه مشخص است که مشارکت باید چگونه انجام گیرد. کالا متعلق به کسست و در صورتهای مالی در کدام طبقه قرار می‌گیرد و مانده مربوط در کجا باید افشا شود. که برای استفاده کننده قابل استفاده باشد. اما مشکلات مؤسسات استفاده کننده از تسهیلات در

نیازهای استفاده کنندگان را مرتفع سازد، نظر مثبتی دارد و صنعت بانکداری هم می‌داند که بانک یک مؤسسه اقتصادی خاص (Exact Company) است و از این جهت موارد خاصی که باید افشاء شود و تابع مقررات خاص خویش است. در نتیجه ضمن در نظر گرفتن این ویژگیها صورتهای مالی آن در عین حال باید بر اساس اصول متداول حسابداری و صورت تغییرات بر اساس نقدی Cash Activity باشد، و صورت سود و زیان و سود انباشته و ترازنامه اش نیز بتواند پاسخگویی همه سئوالها باشد.

فتحعلی:

چون ضیف وسیعی از مشکلات سیستم بانکی

فتحعلی:

انتظارات روزافزون مردم از بانکها و فقری که در جهات مختلف گریبانگیر بانکها شده است، ربطی به مکانیزم عملیات بانکداری بدون ربا ندارد؛ هر سیستم دیگری هم که بود با این مشکلات روبرو می‌شد.

آموزش حسابداری عقود کار ساده‌ایست. کارکنان بانکها هم افراد منضبطی هستند؛ اگر روش کار معلوم بشود و اجرای آنرا بخشنامه بکنیم، دقیقاً رعایت می‌کنند.

فتحعلی:

اینکه سپرده گذار ۶ یا ۸ درصد می‌گیرد و تورم ۳۰ یا ۴۰ درصد است، مشکل سیستم بانکی نیست، ممکن بود بانک خصوصی باشد و همین وضع به وجود بیاید. سیستم بانکی اگر جنگ نبود و مشکلاتی که از آن یاد شد وجود نداشت، خیلی خوب جواب می‌داد.

به بحث گذاشته شد. من نظر خودم را بسیار فهرست وار ارائه می‌دهم. اگر بعضی از مشکلات امروز بانکداری ما متأثر از بانکداری بودن ربا باشد، مشکلات دیگری هست که در سیستم بانکداری سنتی نیز وجود داشت. انتظارات روزافزون مردم از بانکها و فقری که در جهات مختلف گریبانگیر بانکها شده است، ربطی به مکانیزم عملیات بانکداری ندارد؛ هر سیستم دیگری هم که بود با این مشکلات روبرو می‌شد. به رغم آمارهای موجود که ممکن است اطلاعات راقبینه‌ای را در اختیار مردم بگذارد عامه مردم معتقدند که خدمات بانکها کافی نیست، کند، که و گران است و با تأخیر انجام ورق بزیند

این زمینه‌ها بیشتر از بانکهاست. بخصوص که صورتهای مالی بانکها در زمان حاضر بر اساس مصوبات سال ۱۳۴۳ شورای پول و اعتبار تهیه می‌شود که در بسیاری موارد با اصول متداول حسابداری مغایر است و ما بناچار در موقع حسابرسی به صورت یک «بند» (مشروط) با آن برخورد می‌کنیم. البته چنانچه بانکها بخواهند صورتهای مالی خود را بر اساس اصول متداول حسابداری تهیه کنند در این صورت با قوانین بولی و بانکی که رعایت آن برای بانکها الزامی است مغایر خواهد بود. در زمان حاضر هم بانک مرکزی درباره این روش که بر رسیهای لازم در مورد صورتهای مناسب مالی برای بانکها انجام شود تا این صورتهای به نحوی تهیه شود که

بانکداری

می شود. افزایش حجم نقدینگی جامعه و بانکها، جایگزین شدن اسکنا سهای ریز با اسکناسهای درشت و دست زدن به عملیات محدود به جای عملیات گسترده و متنوع، در هر سیستم دیگری اتفاق می افتاد همین مشکلات را به وجود می آورد. زمانی استفاده از کامپیوتر حتی در کشورهای پیشرفته بسیار نادر بود، اما امروز این وسیله جزئی از زندگی روزمره آنهاست، در حالی که ما هنوز کار را شروع نکرده ایم. فقر نیروی انسانی بسیار شدید است؛ بانکهای تخصصی یا به عبارت بهتر توسعه ای هنوز بدرستی در کشور ما شناخته شده نیست و بانکداری بدون ربا یا اسلامی یا نظام نوین بانکی نه برای مردم روشن است و نه برای بانکها. با هر مشتری که در این باره صحبت کنید خواهد گفت کلاه شرعی درست کرده اند. کارکنان بانکها هم عقود را تشریفاتی می دانند و معتقدند کار باید بر اساس رابطه با مشتری صورت بگیرد و خود راههای دور زدن و میان بر رفتن را به مشتری نشان می دهند. در نتیجه مجموعه این رفتارها، این ذهنیت را به وجود می آورد که عده ای در سیستم بانکی نشسته اند و سعی کرده اند تا ظاهر قضیه را عوض کنند. به رغم همه اشکالات، اما، من اعتقاد دارم که سیستم بانکداری بدون ربا با مجموعه عقودی که ایجاد کرده است انعطاف پذیری **Flexibility** کافی برای روبرو شدن با هر وضعیتی را فراهم آورده است. من از دیدگاه نظری هر کدام از عقود را که بررسی کردم دیدم جوابگوی یک نیاز خاص است. اگر چه ممکن است که هنوز دستور عملهای اجرایی نیازمند بررسی و بازنگری باشند. اما چگونه ممکن است بینش تمامی ۱۵۰۰۰ نفر کارمندان ۱۸۰۰ شعبه بانکهای کشور، یک به یک، عوض شود. چقدر کلاس باید گذاشت، چقدر این کلاسهای اجباری تأثیر دارد، نتیجه اینکه کارمند پس از دیدن دوره آموزشی دو مرتبه به سرکار خود برمی گردد. و همان کارهای قبلی را انجام می دهد. این تفاوت بین تئوری و عمل باید روشن شود و به واقعتهای کاربردی نیز توجه شود. استحضار دارید که بانک از بدو پیدایش نقش ویژه ای داشته است که از آن

نمی توان دوری کرد و آن نقش واسطگی وجوه است. منتها در کنار این نقش برای پر کردن برخی خلأها، موجود جدیدی هم به نام بانکهای توسعه ای پدید آمده است. در کشورهای پیشرفته هم هنوز نمونه های بانکهای تخصصی وجود دارد و اما به نظر می رسد که ما تا آینده های دور به این بانکها نیاز داشته باشیم. یک مسئله دیگر؛ در زمان حاضر این این است که نوعی رقابت بین بانکها به وجود آمده است، به این صورت که فلان بانک تعداد شعب خود را بسرعت تا، فرضاً، سه برابر افزایش می دهد، سعی می کند وجوه بیشتری جمع کند و با بانک دیگری رقابت کند، بانک الف منطقه ای در کار ساختمان مشارکت می کند، بانک دیگر هم دست به همین کار می زند یعنی بسیار ناشیانه عمل می کنند و در کار یکدیگر مزاحمت ایجاد می کنند. یک عده محدود متخصص در کار بانکداری باقی مانده است؛ هر کس سعی می کند متخصص بانک دیگر را به بانک خودش بکشاند، سرانجام هم آن فرد متخصص سراز کار آزاد درمی آورد. عامه مردم هم درک روشنی نسبت به بانکداری بدون ربا ندارند. آنها می گویند قبلاً ۱۲٪ می دادیم حالا ۲۰٪ و یادشان نیست که جنسی را که قبلاً ۲۵ هزار تومان می خریده اند حالا به یک میلیون تومان رسیده است. با تمام این مسائل، ما با سپرده گذار می خواهیم چکار کنیم؟ خیلی روشن است که سپرده گذار با این درصدی که می گیرد، انگیزه کافی برای سپرده کردن مازادش ندارد. قرض الحسنه چیست؟ ما در این مورد به جای اینکه بعد معنوی آن را توضیح بدهیم، برای تشویق مردم به این کار جایزه می گذاریم و جوایزی هم در نظر گرفته ایم که بندرت کسی به آن می رسد. سپرده گذاری در بانکداری بدون ربا به نظر من یعنی نوعی شریک شدن. ولی ما ۸ درصد سود در نظر می گیریم اما آنجایی هم که سود معامله ممکن است ۱۰۰ درصد یا ۲۰۰ درصد باشد، به سپرده گذار چیزی اضافه نمی دهیم. خود بانک هم در فکر نیست که بگیرد. و به این ترتیب در عمل کار را به طرف بهره سوق می دهیم و، خوب، این کار اشکال دارد. حال تصور بفرمایید بانکی که در سال بیش از ۵۰۰ هزار فقره تسهیلات می دهد، اگر برای هر کدام قرار باشد فقط ۴ برگ فرم در سیستم به جریان بیفتد، در این صورت به چه حجمی از عملیات نیاز دارد و چگونه می توان سیستمی به وجود آورد که

کنیه آن ۵۰۰ هزار فقره قرار داد را بتواند به عنوان قراردادهای جداگانه بررسی کند و سود و زیان عملیات مربوط را حساب کند، سهم بانک را برآورد و بقیه را بدهد. به نظر غیرممکن می رسد. روشی که فعلاً برای این کار به فکر ما رسیده است، استاندارد کردن است، به نحوی که بتوان با تقریب عمل کرد. مثلاً بگیریم برای این عملیات ۸ درصد و برای آن دیگری ۱۵ درصد و... زمانی که مسئله حرام بودن بهره و ربا را بررسی می کردم، دیدم که در بسیاری جاها؛ پیش از ما و حتی در جوامع غربی هم این مسئله وجود داشته، حال اینکه چرا و چطور بهره را انتخاب کرده اند و خیلی جدی هم به آن متکی شده اند، به نظر رسید که احتمالاً تعدد موارد موجب این کار که در واقع نوعی استاندارد کردن است شده است، به هر حال وضع فعلی حکم می کند که سریعتر دست به کار بشویم و راهی پیدا کنیم. اگر می بینیم از این مجموعه عقدهای ۱۲ گانه فقط از سه مورد آن استفاده می شود، این سه مورد را بیشتر بررسی کنیم و نظام ساده تری را شکل بدهیم و اگر ضرورت دارد، بانکهای تخصصی و توسعه ای را کاملاً از بانکهای تجاری تفکیک کنیم. اشاره شد که ارزش پول آدمی که بازنشسته است چگونه باید حفظ شود. رسالت بانک چه در نقش سرمایه گذار و چه در نقش واسطه وجوه این نیست. البته چنانچه بانک و مجموعه ارکان کشور بخوبی کار کنند، قاعدتاً آن فرد بازنشسته هم نباید مشکل حادی داشته باشد. در مورد نحوه نگهداری حسابهای عقود هم باید بگویم که آموزش حسابداری کار ساده ای است. کارکنان بانک هم افراد منضبطی هستند؛ اگر روش کار معلوم شود، و اجرای آن را بخشنامه بکنیم، دقیقاً رعایت می کنند. مشکل، اما، آن دوگانگی است که کارمند بانک احساس می کند و برای مشتری توضیح می دهد، اما آنچه را به مشتری می گوید خود بروشنی درک نکرده است یا کاملاً باور ندارد. در کنار این مسائل؛ مشکل جذب نیروی انسانی مطرح است در این مورد، با روشهای حسابداری که مربوط به چهل سال پیش است روبرویم. آمارها و اطلاعات یکنواخت نیست و تعریف واحدی ندارد، طبقه بندی حسابها ناپسامان است. بعلاوه عقود اسلامی انعطاف پذیری زیادی دارد، نه در عملیات بانکی داخلی و نه در عملیات بین المللی از این نظر به عقیده من مشکلی وجود



جوان:

تمام بانک در شعبه خلاصه می‌شود. اگر بهترین دستور عملها و آئین‌نامه‌ها هم که تهیه و تدوین بشود، باز هم در نهایت شعبه است که باید توانایی به کار بستن آنها را داشته باشد.

ندارد. بلکه ناآشنایی یا بی‌تجربگی در مورد اجرای عملیات بانکداری بدون ربا، با مجموعه مسائل دیگر مانند مسائل اقتصادی، نیروی انسانی و مانند اینها پیوند خورده و کار را پیچیده‌تر کرده است و بسیاری ممکن است فکر کنند که مجموعه این مشکلات از ذات بانکداری بدون ربا برمی‌خیزد. مجمع عمومی مشترک هم به نظر من به رغم داشتن مزایای متعدد، اما به علت صورت تمرکزی آن ممکن است کم‌کم همه بانکها را به شعب یک بانک واحد تبدیل کند. کار بانک ابتکار و خلاقیت می‌طلبد. البته تردیدی نیست که هماهنگی بین بانکها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

عبده:

آقای فاطمی گفتند تفاوت بانکداری سنتی و بانکداری بدون ربا این است که در بانکداری سنتی بانک در ماهیت معامله دخالت نمی‌کند، ولی در بانکداری بدون ربا دخالت در ماهیت معامله خصیصه‌ای ذاتی است. و آقای فتحعلی گفتند که در عمل و بنا به تجربه، دخالت در ماهیت معاملات

برای بانکی که در سال ۵۰۰ هزار مورد تسهیلات اعطایی داشته باشد، عملی نیست. پس در این صورت به استاندارد کردن گرایش داریم، و استاندارد کردن در این مورد یعنی آنکه نرخ متغیر سود را به نرخ ثابت بهره تبدیل کنیم.

فتحعلی:

در باره آنچه گفتیم کمی توضیح می‌دهم. در چارچوب عقود، به عنوان مثال مشارکت مدنی، فرض این است که اگر سود یا زیانی حاصل شد، به نسبت سرمایه‌های شرکا تقسیم شود. حال اگر دو نفر در یک زمینه مشابه تسهیلات بگیرند ولی به دلیل نحوه مدیریت و شرایط کاری متفاوت یکی سود و دیگری زیان داشته باشد، طبق مقررات - یا به عبارت دیگر شرایط عقد مفروض - روش این است که بانک در سود اولی و زیان دومی شریک باشد. حرف من این است که اگر تعداد این معاملات، دو، پنج و حتی ده تا بود و به نسبت هم با یکدیگر مشابه بودند، اجرای مقررات عملی بود ولی وقتی تعداد بسیار زیاد و چشمگیر باشد، دیگر عملی نیست که شما نتیجه عملیات مربوط به هر یک از تسهیلات را محاسبه کنید، سود یا زیان دقیق آن را حساب کنید و... بنابراین به جایی می‌رسید که ناگزیر می‌شوید مدلها و نرخهای استاندارد داشته باشید. در این صورت به مشتری خواهید گفت، طبق استانداردهای بانک این نوع عملیات به صورت متعارف این قدر باید سود بدهد. پس این قدر را بانک برمی‌دارد و بقیه... از این راه ما به نرخهای ۸ و ۹ درصد می‌رسیم و البته ممکن است چه از نظر مجریان این روش در بانک و چه از نظر استفاده کننده این درصدها، نرخهای بهره تلقی شود.

عبده:

به نظر شما، این مسئله با فلسفه بانکداری بدون ربا مغایرتی ندارد؟

فتحعلی:

در بعضی موارد مغایرت پیدا می‌کند. البته اگر اشتباه نکنم گویا بانک مرکزی یا بانک دیگری راه حلی برای این مسئله پیدا کرده است که در سند مربوط می‌نویسند: «ما می‌دانیم این معامله سود معتناهی خواهد داشت اما ما از آن را به می‌کنیم و ۱۲ درصد می‌گیریم. البته این کار با ماهیت عقود چندان سازگار به نظر نمی‌رسد. دست کم می‌توان گفت که سهل‌انگاری است. که من بدانم معامله

مربوط ۳۰ درصد سود دارد ولی ۱۲ درصد بگیرم. عبده:

از بیان شما می‌توان نتیجه گرفت که بانکداری بدون ربا با بانکداری تخصصی همخوانی بیشتری دارد. فتحعلی:

بله، همین‌طور است.

فاطمی:

در واقع بانکداری بدون ربا از اساس بانکداری تخصصی است. فتحعلی:

آقای فاطمی گفتند که رسالت بانکداری تخصصی اعطای تسهیلات بلندمدت و سرمایه‌گذاریهای اساسی است. اما وقتی که در عقود دقت می‌کنیم، می‌بینیم در این زمینه مشکل داریم. زیرا در شرایطی که ما در آن به سر می‌بریم عملیات احداث یک ساختمان یا سفارش یک سری ماشین‌آلات یا آماده کردن مقدمات اجرای یک پروژه زمانی بسیار طولانی می‌طلبد و کاری که به طور متعارف باید در ۱۲ ماه به انجام برسد، چهار-پنج سال می‌کشد. بعد آقای خسروی هم می‌گویند هزینه‌های قبل از بهره‌برداری پذیرفتنی نیست. با این وضع، به رغم آنکه بانکداری بدون ربا به بانکداری توسعه‌ای سوق پیدا می‌کند، ولی طول مدت عملیات آنقدر زیاد است که دیگر نمی‌توان مسئله تأمین مالی طرحها را حتی با تسهیلات بلندمدت حل کرد. در نتیجه ناگزیر از مشارکت می‌شویم و منابع بانک در جاهایی معطل می‌شود. بعد بانکها کم‌کم به این کارها عادت می‌کنند و در جاهای مختلف دست به سرمایه‌گذاری می‌زنند و هر کدام یک امپراتوری برپا می‌کنند. بعد از مدتی باز دوباره می‌گوییم که کار مردم را باید به دست مردم داد... به هر صورت به نظر من بانکداری بدون ربا سنخیت بسیار زیادتری با بانکداری توسعه‌ای دارد تا با بانکداری تجاری.

خسروی:

جالب است که در زمان حاضر برخی از بانکهای تخصصی و توسعه‌ای که از تواناییهای به نسبت بیشتری از سایر بانکهای مشابه برخوردارند، هنوز دارند در بازار سرمایه فعالیت و تأمین مالی می‌کنند، در حالی که بانکهای بازرگانی هم بدون داشتن ورق بزنند

بانکداری

نحوی به دوش سپرده گذار منتقل می شود؟

فاطمی:

چرا تصور می شود که بانکها از تورم سود می برند، در حالی که دقیقاً از تورم متضرر می شوند، چرا که ارزش داراییهای آنها (پرتفوی) — یعنی وجوه نقد و اوراق بهادار — به طور مرتب در اثر تورم کاهش پیدا می کند. پس در واقع در اثر تورم سودی نمی برند تا بتوانند به سپرده گذاران سود بیشتری بدهند. مسئله دیگر این است که بانکها تسهیلات را به نرخهای شناور به استفاده کنندگان از تسهیلات نمی دهند. بلکه به دلیل، و از جمله سیاستهای اقتصادی دولت در زمینه عدالت اجتماعی یا در نظر گرفتن وضع اکثریت افراد جامعه، تسهیلات خود را با نرخهای بسیار کمتری از نرخ تورم اعطا می کنند. به عنوان مثال به کلیه کارمندان دولت، وام مسکن با سود ۷ درصد و در مدت ۲۵ تا ۳۰ سال می دهند، یا به گروه دیگری تسهیلات را با نرخ ۴ درصد می دهند. در بخش کشاورزی اعطای تسهیلات با نرخ ۶ درصد است و همیشه، حتی در زمان حاضر، به این بخش اقتصادی سوبسید هم پرداخت می شود. تازه امسال هم که نرخهای بالاتری تعیین شده، این نرخها فقط برای بخش خدمات است که بیش از ۲۰ درصد پرتفوی بانکها را تشکیل نمی دهد و تأثیر در خور توجهی در سودآوری کل سیستم بانکی ندارد. بنابراین سیستم بانکی آن درآمد لازم را نداشته است که به موکلین خود بدهد. البته امسال درآمدها، بویژه در بخش بازرگانی، بالاتر می رود و به همین دلیل سود سپرده گذاران را هم تغییر داده شده است و تا ۱۳ درصد، آن هم به صورت علی الحساب و ماهانه پرداخت می کنند. حتی ممکن است در آخر سال از ۱۳ درصد هم بیشتر بشود. بعلاوه با توجه به اینکه همین ۱۳ درصد نیز در دوره های سه ماهه و یک ماهه پرداخت می شود، نرخ مؤثری شاید به ترتیب ۱۳/۸ تا ۱۵ درصد بشود. اما آنچه در اینجا نادیده گرفته می شود، صد درصد معافیت مالیاتی درآمد سپرده گذاران از محل سودهای دریافتی از بانکها است. یعنی درآمد بدون ریسک بدون مالیات، که من فکر می کنم در هیچ بخش دیگری، حتی در بخش بازرگانی هم نتوان بدست آورد. بنابراین در شرایط فعلی، این نرخ سود، بویژه با توجه به اینکه بنا به پیشبینی های انجام شده، ممکن است بالاتر هم برود، نسبتاً عادلانه

تواناییهای مشابه وارد بازار سرمایه شده اند، به عنوان مثال بانک تجاری وارد معاملات دامپروزی می شود...

فتحعلی:

بازار ما را هم خراب می کنند. دامپرور آمده و می گوید شما خیلی دنگ و فنگ دارید و من پیش فلان بانک می روم به نظر من در زمان حاضر بانکها بیشتر ابزار کمکهای اجتماعی دولت هستند و این کار هم هزینه برمی دارد.

خستویی:

یک نوع هزینه ملی.

فتحعلی:

به نوعی بله.

خستویی:

خوب اگر هزینه ملی است چرا باید بردوش نظام بانکی باشد؟

فتحعلی: چون بانکها دولتی هستند و این هزینه هم در واقع به عهده دولت است.

خستویی:

به هر حال برای بانکها ساختار بد مالی ایجاد می کند.

فتحعلی:

دقیقاً. اگر بانکهایی که از این جهت به طور نسبی آسیب دیدند ترازنامه شان را منتشر کنند، این مسئله — ساختار بد مالی آنها — مشخص خواهد شد.

یاسری:

به نظر من این بار به دوش سپرده گذاران است. وقتی شما تورم ۳۰ تا ۴۰ درصد دارید و به سپرده گذار فقط ۶ درصد می دهید، آن هزینه را در عمل سپرده گذار متحمل می شود. مطالعات بین المللی و مخصوصاً مطالعات صندوق بین المللی پول نشان می دهد که بانکداری بدون ربا به طور کلی سودآوری بیشتری نسبت به بانکداری سنتی دارند بعلاوه از زیات بیشتری هم برخوردار است. حال تورم ۳۰-۴۰ درصد هم شرایطی را بوجود می آورد که قاعدتاً به سودآوری بیشتری کمک می کند. پس چگونه است که به سپرده گذار ۶ درصد سود می دهند، آیا جز این است که هزینه های یاد شده به

است. بعلاوه نرخ تسهیلات اعطایی به کلیه بخشهای تولیدی نیز در حدود ۱۲-۱۳ درصد است. دولت می خواهد بخشهای تولیدی را تشویق کند. البته اینکه آقای یاسری گفتند دلیل این وضع این است که بانکها دولتی است، بنده قبول دارم. شاید اگر نظام بانکی ما خصوصی بود، سعی می کرد تمام اعتبارات را در بخش بازرگانی متمرکز کند.

یاسری:

من حالت ایده آل را در نظر گرفتم. مسئله ای که در مورد تورم وجود دارد، در عقود اسلامی هم مصداق دارد. شما فروش اقساطی یعنی نیمی از کل عقود اسلامی بانکها را در نظر بگیرید. وقتی بانک کالایی را می خرد و یک سال بعد می فروشد اگر تورم کشور ۳۰-۴۰ درصد باشد، باید این نرخ رشد بر روی قیمت فروش بانک هم عمل شود، در غیر اینصورت بانک اسلامی کالای خریداری شده را مجبور است به قیمتی کمتر از قیمت روز بفروشد. لذا در حالت ایده آل وقتی تورم هست، سود بانک هم باید بالا برود. حال اگر به علت دولتی بودن بانکها، این کار انجام نمی شود، مسئله دیگری است.

خستویی:

آقای یاسری بانکها از این نظر محدودیت دارند برای اینکه باید قیمت خرید و فروش معلوم باشد.

یاسری:

خوب، این به دلیل دولتی بودن بانکهاست.

عبده:

نظر شما این است که بانکها می توانند غیردولتی باشند؟

یاسری:

می توانند غیردولتی باشند و می توانند سودآور باشند. و یا لاف از طریق ایجاد شرکتهای مستقل و تخصصی سرمایه گذاری موقتاً از مشکلات بوروکراسی دولتی خلاصی یابند. من می گویم اگر بانکهای ما در زمان حاضر سودآور نیستند، ربطی به خصلت بانکداری اسلامی ندارد.

فتحعلی:

بانکهای ما در چند سال گذشته عملیات دولتی را سوبسید کرده اند. تبدیل سیستم بانکی به نظام بدون ربا مقارن بود با تحول عظیم و انقلابی که در جامعه ما روی داد و بعد هم ۸ سال جنگ. اینکه سپرده گذار ۶ یا ۸ درصد می گیرد و تورم ۳۰ یا ۴۰



درصد است، مشکل سیستم بانکی نیست. ممکن بود بانک خصوصی باشد و همین وضع به وجود بیاید. سیستم بانکی اگر جنگ نبود و مشکلاتی که از آن یاد شد وجود نداشت، خیلی خوب جواب می داد. حال اگر چه سودآور نبوده یا سودآوری کم بوده، اما به قافله تورم نیز نیوسته، بر مشکلات دامن نزده و نرخ اعتبارات را بالا نبرده است. اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی روبه بهبود و ثبات بگذارد آنوقت سیستم بانکی می تواند کارایی بالاتری از خود نشان بدهد.

عبده:

حتی با دولتی بودنش؟

فتحعلی:

در جامعه ما، از بچه های دبستانی که از پدر خود یاد می گیرند، تا افراد بالغ و بزرگ فکر می کنند دولتی شدن مترادف است با رخوت، محافظه کاری و از دست رفتن تحرک. نه تنها بانک دولتی، بلکه هر دستگاه دیگری هم، اگر خصوصی باشد در بعضی زمینه ها می تواند بهتر کار کند. اما این مسئله برمی گردد به ریشه ها و زمینه های عمیقتر تاریخی، اجتماعی و بین المللی.

جوان:

بزرگترین مشکل ما به نظر من تربیت نکردن نیروی انسانی کارآمد است. باید به شعبه و کارمند شعبه درست نگاه کرد. تمام بانک در شعبه خلاصه می شود. اگر بهترین دستور عملها و آیین نامه ها هم تهیه و تدوین بشود، باز هم در نهایت شعبه است که باید توانایی به کار بستن آنها را داشته باشد و تازه اگر

شعبه از این توانایی برخوردار باشد اما برخورد سنجیده و درستی با مردم نداشته باشد، موفقیت درخور توجهی به دست نمی آید. از این گذشته با تمام این مشکلات، بدون ایجاد تحول اساسی در اجرای نظام بانکداری بدون ربا، کاری از پیش نمی رود. و به نظر من اولین گام در این مورد، دادن اختیار به بانکها برای تعیین سود سپرده گذارهاست تا بانکها هم بتوانند با بررسی وضع خودشان میزان سود سپرده ها را تعیین کنند هر یک در یک محیط رقابتی به جلب سپرده اقدام کنند. بانک مرکزی هم بر کار بانک نظارت کند. این کار در کارمنداها هم انگیزه ایجاد می کند. مردم هم می توانند تصمیم بگیرند. من فکر می کنم نارضایتی مردم به علت طرز کار و برخورد بانکها با مسائل آنها نیست، بلکه شاید بیشتر به دلیل توجیه نبودن آنهاست. و البته این وظیفه به عهده مسئولان شعب است که مشتری را توجیه کنند و تصورات نادرست او را از بین ببرند. در بازنگری دستور عملها هم باید ز یاد دقت بشود. اگر برای انجام هر کاری دستورالعملی در ۴۵ صفحه بنویسیم، ممکن است کارکنان آن را مطالعه نکنند، یا اگر هم مطالعه کنند به علت نداشتن انگیزه کافی بدقت آن را به کار نیندند. اگر سیستمهای تشویقی به وجود بیاید آنگاه کارایی نیروی انسانی به همان میزان افزایش خواهد یافت.

فاطمی:

الان دست بانکها برای پرداخت سود بیشتر باز است. در زمان حاضر بانکها با توجه به برآورد سودآوری بیشتر می توانند با اجازه بانک مرکزی به

صورت علی الحساب یک درصد. بیشتر سود بدهند. اما راه دیگری را هم قانون پیش بینی کرده که هنوز تحقق نیافته است. و آن این که سرمایه گذاران می توانند در طرحهای مشخصی مشارکت کنند. چنانکه استحضار دارید، روش فعلی بر این است که سرمایه گذار سپرده خود را نزد بانک می گذارد، بانک هم آن را به صورت مشاع در فعالیتهای مختلفی به کار می اندازد و سود حاصل را به نسبت مدت و مبلغ سپرده گذاران بین آنها تقسیم می کند. ولی راه دیگری که از آن یاد شد این است که سپرده گذار، خود معین کند که پولش در طرح مشخصی سرمایه گذاری بشود که سود آن اگر بیشتر بود، فقط بین سپرده گذارانی تقسیم بشود که در آن طرح مشخص سرمایه گذاری کرده اند. راه دیگر هم، گرفتن سپرده برای طرحهای مشخص است که باید روی آن کار بشود. کارهای دیگری هم می شود کرد که در دست بررسی است. در مورد خصوصی کردن یا نکردن بانکها هم که آقای دکتر عبده به آن اشاره کردند، نمی شود بصراحت قضاوت کرد. همان طور که برای عمومی کردن یا ملی کردن بانکها دلایلی وجود داشته است و اگر این کار نمی شد زاینهای هنگفتی به مردم و جامعه وارد می آمد و بانکها ورشکسته می شدند، در مورد خصوصی کردن هم باید همه جوانب سنجیده شود. در حال حاضر با توجه به تغییر شرایط مملکت و سیاستها و دیدگاههای حاکم، شاید بررسی در مورد ایجاد مؤسسات پولی و بانکی خصوصی ضروری باشد.

بقیه در صفحه ۵۳

ورشکستگی بانک اعتبارات و تجارت بین المللی

BCCI (1)

The Economist
July 13-19, 1991

دکتر مهدی تقوی



است.

اما مسئله به همین جا خاتمه نمی‌یابد. بیش از یک میلیون سپرده گذار این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا مقامات پولی این کلاهبرداری را زودتر کشف نکردند و چرا برای نجات بانک، از یکی از مالکان ثروتمند آن، یعنی شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، امیر دویبی که بزرگترین سهامدار بانک است، کمک نگرفتند. و از همین دیدگاه می‌گویند مقامات پولی باید روشهای مناسبتری برای مقابله با بانکهای مشکوک پیدا کنند.

بانک اعتبارات و تجارت بین المللی که زاینده فکریک بانکدار پاکستانی یعنی آقا حسن عبدی است و به یکی از بزرگترین نهادهای مالی خصوصی تبدیل شده است، هنگام توقف عملیات، داراییهایی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار داشت. دویخس اصلی

داراییهای بانک را توقیف کردند. در روزهای بعد مقامات پولی ۶۲ کشور باقیمانده که بانک در آنها فعالیت می‌کرد نیز عملیات بانک را در محدوده کشورهای خود متوقف کردند. اکنون شبکه وسیع بین المللی بانک که به وسیله یک مجتمع بزرگ در لوکزامبورگ کنترل می‌شد، در اختیار مدیران تصفیه

۱ - هفت کشور صنعتی بزرگ که بانک در آنها فعالیت دارد.

بانک اعتبارات و تجارت بین المللی (بی‌سی‌سی‌آی - BCCI)، بزرگترین بانکی نیست که در سالهای اخیر ورشکست می‌شود، اما قدیمیترین آنهاست. در حقیقت بانک ورشکست نشده است بلکه در روز ۵ ژوئیه ۱۹۹۱ پس از آنکه مقامات پولی دریافتند که سالهاست مدیران آن به کلاهبرداری اشتغال دارند، فعالیت آن را متوقف کردند. مقامات پولی همزمان در هفت کشور،





BCCI (2)

از زمان گزینش مطالب این شماره تا آخرین مراحل آماده‌سازی آن شاهد قضاوت‌های به نسبت متفاوتی در مورد علت و عوامل ورشکستگی بانک BCCI توسط کارشناسان مختلف بوده‌ایم. درحالی که قضاوت نهایی در این مورد به رأی دادگاه‌های بین‌المللی بستگی دارد. حسابدار نیز به رغم انعکاس این خبر و نقطه نظرهای پیرامون آن در نظر دارد قضاوت‌های آینده و آراء و نظریه‌های احتمالی دادگاه‌های مربوط را به اطلاع خوانندگان خود برساند.

بی‌سی‌سی‌آی شرکت سهامی جنایت با مسئولیت نامحدود...

مقدمه

● در فاصله دیده از خواب گشودن تا شب هنگام و دوباره به خواب رفتن رویدادهای گونه‌گون ناخوشایندی در جهان سیاست و اقتصاد رخ می‌دهد یا زمینه آن آماده می‌شود که مستقیم یا غیر مستقیم بر زندگی مردمان جهان یا دست کم گروهی از آنان تأثیر می‌گذارد؛ از این میان می‌توان از دسیسه‌ها و زدوبندهای بین‌المللی عوامل انحصارات جهانی یاد کرد که قرار است برای همیشه پنهان و پوشیده بماند، اما گهگاه برخی زان میان از پرده بیرون می‌افتد و برملا می‌گردد. در این حال نیز باز کارگردانها و گردانندگان این رویدادها به دستگیری رسانه‌های گروهی وابسته پیشاپیش افکار عمومی جهان چندان در اغواگری می‌کوشند تا

مردمان از بررسی و تعمق جدی در این موارد بازمانند. نتیجه آنکه ما چرا فراموش می‌شود و جامعه بین‌المللی یا مردم جهان از تجهیز خود به هشجاری بیشتر غافل می‌شوند و در بر همان پاشنه می‌چرخند.

ورشکستگی بانک تجارت و اعتبارات بین‌المللی BCCI یکی از این زدوبندهاست که رسانه‌ها در زمان حاضر با هزاراگر و مگر اغواگرانه به آن می‌پردازند. اما به رغم این وضع، حسابدار ترجمه و چاپ مقاله حاضر را مفید دانسته است.

بیگمان تشکلهای تخصصی و حرفه‌ای باید در جهت حمایت از حقوق مردم جامعه خود و جهان به ارزیابیهای دقیقتری از این قبیل رویدادها بنشینند و به واکنشهای جدی و مناسب در این باره‌ها برخیزند.



مسئله بانک تجارت و اعتبارات بین‌المللی ماجرایی بیش از یک رسوایی مالی است. برخی از دولتها به سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی خود اجازه داده‌اند که برای خدمت به هدفهای ملی با این بانک مراوده داشته باشند. این سازمانها باید توضیح دهند که چرا بعد از اطلاع از عملیات تبهکارانه بانک چشم خود را بستند، عملیاتی که به بسیاری از شهروندان عادی کشورهای مختلف آسیب رسانیده است.

اما از سویی هم تمامی شایعاتی که در مورد بانک بر سر زبانهاست درست نیست، این شایعات را برخی محافل یا به خاطر هدفهای ملی یا هدفهای شخصی ساخته و پرداخته‌اند.

این نکته شگفت‌آور نیست که بانک مشتریان بسیاری در سراسر جهان داشت که برخی از آنان فاسد و در مقابل، گروهی دیگر انسانهای عادی و شریفی هستند: در بین مشتریان این بانک، فروشندگان مواد مخدر، تروریستها و دیکتاتورهای سرنگون شده به چشم می‌خورد اما برخی از وکلای مشهور آمریکا نیز از مشتریان بانک شمرده می‌شوند. سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) نیز در این بانک حساب داشت، اما آیا درباره فعالیتهای غیرقانونی بانک هم چیزی می‌دانست؟ اگر پاسخ مثبت است، پس چرا در این زمینه کاری انجام نداده است آنچه تقریباً قطعی است این است که در دهه ۱۹۸۰ سیا از طریق این بانک به شورشیان افغانستان کمک کرده است. همچنین از حسابهای بانک برای پرداخت به کنترهای نیکاراگوئه (ضد انقلابیهای دست راستی) استفاده شده است. اما دانیل اورنگا (رئیس جمهوری انقلابی نیکاراگوئه) و مانوئل نوریگا (دیکتاتور سرنگون شده پاناما) نیز در این بانک حساب داشته‌اند.

از این گذشته این امکان وجود دارد که تماس نوریگا با تولید کنندگان و فروشندگان مواد مخدر پانامایی که از بی‌سی‌سی‌سی‌آی (بانک تجارت و اعتبارات بین‌المللی) برای گم کردن رد پولهای فروش مواد مخدر استفاده می‌کردند، بخشی از طرح سیا برای نفوذ در کار خرید و فروش مواد مخدر بوده است.

شکی نیست که سیا از این بانک در موارد دیگر



نیز استفاده کرده است. در اواسط دهه ۱۹۸۰، سیا می‌دانست که بانک به عملیات غیرقانونی دست می‌زند. برای مثال در سال ۱۹۸۶، گزارش کوتاه در این باره تهیه کرده بود.

مسئله دیگر این است که کاملاً امکان دارد که مقامات ارشد سیا چیزی درباره همکاری این سازمان با بانک نمی‌دانسته باشند. در دهه ۱۹۸۰، امکان دارد تصمیم درباره افتتاح حساب بانکی در بانک تجارت و اعتبارات بین‌المللی و نقل و انتقال وجوه از طریق آن به وسیله کارکنان عادی سیا گرفته شده باشد. به علاوه، این نخستین باری نیست که سیا با بانکی که به فعالیتهای غیرقانونی اشتغال دارد کار می‌کند. در دهه ۱۹۷۰ کشف شد که بانک نوگان هند در استرالیا نیز به فعالیتهای غیرقانونی اشتغال دارد. سیا در آن زمان دریافت که در این بانک حساب دارد و بی‌سروصدا حسابهای خود در این بانک را بست. اما کار بستن حسابها در چنین شرایطی سرعت ممکن نمی‌گردد. امکان دارد که همین مسئله یعنی طولانی بودن فرایند بستن حسابها باعث شده باشد که وزارت دادگستری آمریکا به مقامات بانکی در فلوریدا فشار آورند که جواز فعالیتهای بانک را در این ایالت تمدید کند. احتمال دارد که سیا با شناخت میزان وسیع درگیری خود با بانک، کوشیده باشد این روابط را پنهان کرده باشد. یک احتمال دیگر این است که دستگاه اداری آمریکا می‌خواسته است افشای رسوایی را تا زمانی که همه ارتباطات سازمانهای اطلاعاتی با بانک قطع شود به تعویق اندازد. قطع فعالیتها در آن زمان احتمالاً نیازمند عقب‌نشینی شوروی از افغانستان، از

بین بردن کنترل مواد مخدر در کلمبیا و پایان جنگ خلیج (فارس) بوده باشد. ممکن است سیا از عملیات غیرقانونی بانک اطلاع داشته اما به منظور پی‌گیری هدفهای خود از افشای آنها خودداری کرده باشد. ولی اگر می‌دانست که بانک به کلاهبرداری نیز اشتغال دارد افشای این قضیه می‌توانست کمک بزرگی به سپرده‌گذاران شمرده شود. مسئله دیگر این است که افشای عملیات بانک برای سیا نمی‌توانست چندان بیخطر نیز باشد، چون معمولاً شرکای فاسد بیخطر نیستند.

در انگلستان، سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی کشور با بانک درگیر نبودند. اما گفته می‌شود که سازمان ضدجاسوسی انگلستان (معروف به ام‌آی-۶) چهاربنج سال پیش می‌دانست که ابونضال، که سازمان وی در غرب هدفهای بسیاری را مورد حمله قرار داده با بانک سروکار دارد.

مدیر شعبه بارک لین بانک در لندن، بنام غسان احمدقاسم ادعا کرده است که سمیر نجم‌الدین، مشاور مالی ابونضال، در سال ۱۹۸۱، با سپرده‌گذاری مبلغی در حدود ۳۰ میلیون لیره استرلینگ حسابی در این شعبه باز کرده است. نجم‌الدین از این شعبه بانک بعنوان دفتر کار خود استفاده می‌کرده است. سپس ابونضال خود نیز در این شعبه حساب باز کرده است. از این دو حساب جهت پرداخت برای خرید اسلحه، از جمله از شرکت رویال اردنانس در سال ۱۹۸۵، استفاده شده است.

براساس گزارشی که سازمان امنیتی فرانسه تهیه کرده است، دولت کویت در سال ۱۹۸۷ مبلغ ۶۰ میلیون دلار به حساب ابونضال در این بانک واریز کرده است.

مدیر سابق شعبه بارک لین بانک (آقای قاسم) ادعا می‌کند که در سال ۱۹۸۷ سازمان ام‌آی-۶ از وی درباره ارتباط ابونضال با بانک بازجویی کرد، و وی تمامی اطلاعات را در اختیار این سازمان قرارداد. سپس آقای قاسم به شعبه کنزینگتون بانک انتقال یافته است. وی می‌گوید که حزب الله لبنان نیز در این شعبه حساب داشته است. اما ارتباطات قاسم با گروههای مزبور و اینکه وی در

بقیه در صفحه ۵۶

حسابداری عقد مشارکت مدنی توسط اشخاص طرف قرارداد بانک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برای عملیات یاد شده مورد توجه حسابداران قرار گرفت. اقا به دلایلی مانند چگونگی اجرای قانون، آئین نامه ها و دستورعمل های اجرایی مربوط، وجود دیدگاههای متفاوت در مورد ماهیت عقود یاد شده و بررسی نشدن موضوع به صورت منسجم و متشکل توسط حسابداران متخصص، تاکنون روشهای پذیرفته شده ای برای حسابداری عملیات بانکی بدون ربا تدوین نشده است.

از زمان تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۶۳، که مقرر می دارد کلیه عملیات بانکی در قالب عقود اسلامی انجام شود، دستیابی به روشهای حسابداری مناسب

یکی از عقدهای پیش بینی شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا، عقد «مشارکت مدنی» است که استفاده از آن در میان سایر عقود رایجتر است و بررسی روش حسابداری مربوط به آن در چارچوب اصول متداول حسابداری ضروریت به نظر می رسد. هدف از تنظیم این مقاله نیز بررسی روش حسابداری این عقد، و پیشنهاد روش حسابداری مربوط به آن است. ●

۱. مشارکت مدنی» یا «شرکت مدنی»

قبل از تصویب قانون تجارت، تشکیل شرکت در چهارچوب مقررات قانون مدنی^۱ امری متداول بوده است؛ با تصویب اولین قانون تجارت در سال ۱۳۱۱، تشکیل شرکتهایی که دارای شخصیت حقوقی باشند نیز مورد شناسایی و حمایت قانون قرار گرفت. بدین ترتیب شکلی دیگر از مشارکت به عنوان «شرکت اشخاص» در کنار «شرکت اموال» به وجود آمد. با این تفاوت که شرکتهای مدنی به رغم دارا بودن شخصیت حسابداری، از شخصیت حقوقی برخوردار نبودند و برای به ثبت رساندن آنها در مرجع ثبت شرکتها در هنگام تأسیس نیز الزام قانونی وجود نداشت. اما پس از تصویب نخستین قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ به دلیل شناسایی قانونی از شکل حمایت شده تری از مشارکت که تحولات اقتصادی و اجتماعی و گسترش فعالیتهای بازرگانی آن را ایجاب می کرد، مشارکت در قالب مقررات قانون تجارت متداولتر شد. و از این زمان به بعد مشارکت در چهارچوب قانون مدنی صرفاً مشارکت صاحبان حرفه ها، صاحبان مشاغل و پیشه وران با یکدیگر را دربرگرفت. به هرحال شرکتهای مدنی و مقررات مربوط، با ویژگیهای خاص خود، که در قسمتهای بعدی این مقاله به برخی از آنها اشاره می شود، به عنوان یکی از اشکال مشارکت، تنظیم کننده روابط شرکای تجاری با یکدیگر بوده است و هنوز نیز در مواردی که در بالا از آن یاد شد، مورد استفاده قرار می گیرد.

با در نظر گرفتن آنچه درباره شرکتهای مدنی گفته شد، و بنا بر تعریفی که ماده ۵۷۱ قانون مدنی از شرکتهای مدنی به عنوان «اجتماع حقوق مالکین متعدد در شئی واحد به نحو اشاعه» به دست داده است و مقایسه آن با تعریفی که در دستورعمل اجرایی عقد مشارکت مدنی آمده است، می توان نتیجه گرفت که «مشارکت مدنی» مورد نظر قانون عملیات بانکی بدون ربا، همان مشارکت در چارچوب قانون مدنی است. ماده (۱) دستورعمل اجرایی عقد مشارکت مدنی مقرر می دارد:

۱. قانون مدنی،

«مشارکت مدنی عبارت است از درآمیختن سهم الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد، به نحو مشاع، به منظور انتفاع، طبق قرارداد» مقایسه تعریف قانون مدنی از شرکتهای مدنی با تعریف مشارکت مدنی در دستورعمل اجرایی عقد مشارکت مدنی، یکسان بودن آنها را بروشنی آشکار می سازد، بعلاوه قبول تعریف فوق در این دستورعمل، در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا مطابقت آن با موازین شرع را نیز تایید می کند. همچنین در ماده (۳) دستورعمل عقد مشارکت مدنی آمده است: «شرکت مدنی در صورتی تشکیل و تحقق خواهد یافت که شرکا طبق قرارداد سهم الشرکه نقدی خود را به حساب مخصوص که در بانک برای شرکت افتتاح می گردد واریز نمایند و...». که این خود دقیقاً بر ویژگیهایی مانند ضروری نبودن ثبت شرکتهای مدنی در مرجع ثبت شرکتها و مشارکت شرکاء در «مال» در عقد مشارکت مدنی به عنوان زمینه مشارکت که پیش از این به عنوان خصیصه های شرکتهای مدنی در قانون مدنی از آنها یاد شد، منطبق است.^۲ همچنین چون موضوع مشارکت مدنی مشخص و مدت آن نیز محدود است، از این نظر نیز با شرکتهای مدنی موضوع قانون مدنی همانند است. بنابراین با وجود آمدن این نوع مشارکت - مشارکت مدنی - شخصیت حسابداری مربوط نیز شکل می گیرد. ضمن آنکه در بیشتر موارد، مفاد و شرایط پیشبینی شده در قراردادهای مشارکت مدنی، در اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بر مفاد مواد ۵۲۶ الی ۵۸۸ قانون مدنی در باب احکام شرکت نیز منطبق است.

با در نظر گرفتن آنچه گفته شد مصرف منابع مالی در زمینه مشارکت مدنی توسط بانکها و اشخاص جنبه سرمایه گذاری داشته و با توجه به مشخص بودن موضوع مشارکتها در هر مورد و مدت زمان آن، که به طور معمول از یک تا سه سال است، می توان ارزش هریک از مشارکتها را با عنوان سرمایه گذاری جاری در ترازنامه طبقه بندی کرد و نشان داد.

۲. به زعم نگارنده مشارکت مدنی در عین حال با مشارکتهای متداول در بازرگانی بین المللی که Joint Venture (سرمایه گذاری مشترک) نامیده می شود یکسان به نظر می رسد.

۲. روش حسابداری مشارکت مدنی در چارچوب اصول متداول حسابداری

پس از انعقاد قرارداد مشارکت مدنی بین اشخاص (حقیقی و حقوقی) و بانکها، طرفهای بانک در قرارداد باید قدرالسهم خود اعم از نقد یا غیرنقد را به عنوان سرمایه گذاری شناسایی کنند و چنانکه گفته شد با همین عنوان آن را در ترازنامه مؤسسات خود نشان دهند.

در زمان حاضر، به دلایل گوناگون؛ از جمله سهولت کار و یا حتی با استناد به موازین حسابداری مانند میثاق تعدیل کننده «رجحان محتوا بر شکل» اقلام مربوط به عقد مشارکت مدنی بدرستی در صورتهای مالی اشخاص طرف قرارداد نشان داده نمی شود. همچنین اشخاص طرف قرارداد بانک قدرالسهم غیر نقدی خود را در مشارکتهای مدنی تولیدی، به رغم تغییر شکل مالکیت آنها به مالکیت مشاع، همچنان با عنوان «اموال، ماشین آلات و تجهیزات» طبقه بندی می کنند و فقط به نشان دادن قدرالسهم نقدی بانک در ترازنامه با عنوان تسهیلات دریافتی اکتفا می کنند.

به نظر نگارنده نحوه به حساب گرفتن و گزارشگری رویدادهای مالی مربوط به قراردادهای مشارکت مدنی، چنانکه در زمان حاضر انجام می شود و در بالا از آن یاد شد، صحیح و واقعی نیست. بعلاوه چنانچه داراییهای غیرجاری اشخاص به عنوان قدرالسهم در قرارداد یاد شده به مشارکت گذاشته شده باشد، طبقه بندی این اقلام و نشان دادن آن به عنوان دارایی غیرجاری واقعیت رویداد را به نحو «مطلوب» نشان نمی دهد و حتی در صورتی که قدرالسهم غیر نقدی اشخاص با قیمت ارزیابی به مشارکت گذاشته شود و قیمت ارزیابی بیشتر از خالص ارزش دفتری یا کمتر از آن تعیین بشود، در این حالت، تفاوت مبلغ دفتری دارایی و قیمت ارزیابی آن باید به عنوان سود یا زیان تحقق یافته رویداد سرمایه گذاری شناسایی، اندازه گیری و ثبت شود.

ورق بزنید

حسابداری عقد مشارکت مدنی توسط اشخاص طرف قرارداد بانک

قدرالسهم شرکت در مشارکت مدنی ایجاد شده.....

مشارکت مدنی xxx

سرمایه شریک (بانک) xxx

قدرالسهم بانک (شریک مشارکت) در مشارکت مدنی ایجاد شده... و عنداللزوم

مشارکت مدنی xxx

بستانکاران مشارکت xxx

و در پایان سال نحوه نمایش سرمایه گذاری در ترازنامه بشکل زیر خواهد بود:

ریال ریال

مشارکت مدنی xxx

کسر میشود:

قدرالسهم شریک xxx

بستانکاران xxx

قدرالسهم شرکت در مشارکت مدنی xxx

و براساس آن در یادداشت‌های همراه صورتهای مالی مطالب و اطلاعات لازم افشاء خواهد شد.

اگر چه مفاد و شرایط عام قرارداد مشارکت مدنی در مجموعه دستورعمل‌های عملیات بانکی بدون ربا مشخص گردیده لیکن در حال حاضر بانکهای کشور برای انواع مشارکت مدنی و درج شروط متفاوت در آنها از فرمهای متفاوت استفاده می‌کنند. محتمل است به علت وابسته بودن بعضی از اشخاص طرف قرارداد بویژه شرکتهای تحت پوشش بانکها به بانکها و ذی نفوذ بودن بانکها به سبب داشتن اکثریت سهام مواردی در قراردادها گنجانده شود که منطبق بر دستورعمل‌های اجرایی مربوط به عملیات بانکی بدون ربا نباشد. بدین جهت پیشنهاد کمیته ای مستقل، مرکب از صاحب نظران حقوقی و مالی بانکها، حسابداران و عنداللزوم آگاهان به فقه اسلامی زیرنظر شورای عالی بانکها تشکیل شود تا در مورد رنوس مطالب انواع قراردادها مشارکت مدنی و یا یک شکل و یکسان کردن متون قراردادها مورد استفاده بررسی و اقدام کنند. بدیهی است پس از نهایی شدن موضوع و تصویب آن، استفاده از متون قراردادی یکسان الزامی خواهد بود. در همین راستا ضرورت خواهد داشت دستورعمل نگهداری حسابهای مشارکت مدنی و نحوه ارائه آن در صورتهای مالی به صورت رهنمودی عام توسط مراجع باصلاحیت تهیه و به صورت الحاقیه لازم‌الرعایه در متن قرارداد گنجانده شود و مجریان و عاملان اداره امور شرکت مدنی ملزم به رعایت آنها باشند. ■

۳) عملیات حسابداری عقد مشارکت مدنی و نحوه نمایش آن در صورتهای مالی اشخاص استفاده کننده از این عقد

هرگونه عملیات مشارکت و رویدادهای مالی آن به صورت مجزا در دفتر مذکور ثبت خواهد شد.

در پایان سال مالی، مشارکت مدنی به عنوان دارایی جاری طبقه بندی و در ترازنامه انعکاس می یابد و روش نگهداری حساب مشارکت در رویه های حسابداری و خلاصه عملیات و اطلاعات لازم به صورت مناسب در یادداشت‌های پیوست افشاء خواهد شد.

روش دوم - ممکن است به زعم بعضی از حسابداران روش اول در برگزیده ثبت کلیه رویدادهای مالی مشارکت مدنی در دفاتر اصلی نباشد و این امر بویژه در حالتی که اشخاص طرف قرارداد بانک در عقد مشارکت مدنی خود مجری اداره مشارکت باشند کامل و مناسب نخواهد بود. در پاسخ به این موضوع باید گفت قانونگذار در قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ به موجب تبصره ۶ ماده ۸۰، مشارکتهای مدنی را مشمول مقررات بخش مشاغل دانسته است. بنابراین اشکالی در مورد اخذ دفاتر مخصوص برای مشارکت به نظر نمی رسد. همچنین در تبصره ماده ۱۰۱ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ نیز چنین امری مورد توجه قرار گرفته است و بنابراین روش اول درست به نظر می رسد. با این حال برای در نظر داشتن این امر هم می توان به طریق زیر اقدام نمود:

عملیات حسابداری قراردادهای مشارکت مدنی و نحوه نمایش آن در ترازنامه اشخاص طرف قرارداد مشارکت مدنی می تواند به یکی از روشهای زیر انجام شود:

روش اول - پس از امضای قرارداد و لازم‌الرعایه شدن آن آرتیکل زیر در دفاتر طرف قرارداد بانک ثبت خواهد شد:

مشارکت مدنی xxx
بانک/ اموال، ماشین آلات و تجهیزات xxx
قدرالسهم قرارداد مشارکت مدنی با بانک... که نقداً در حسابجاری شماره..... نزد شعبه..... بانک..... واریز شده./
قدرالسهم غیرنقدی تقویم شده قرارداد مشارکت مدنی با بانک..... طبق قرارداد شماره..... مورخ.....

در این روش ثبت آرتیکل دیگری بخصوص در مورد قدرالسهم بانک ضرورت نخواهد داشت منتهی مشارکتهایی که به عاملیت اشخاص طرف قرارداد بانک صورت می پذیرد به صورت جداگانه در دفاتر پلمبه یا غیرپلمبه دیگری ثبت و نگهداری می شود. ثبت اولیه دفتر مذکور چنین خواهد بود.

بانک xxx	قدرالسهم بانک xxx	مشارکت مدنی xxx
	قدرالسهم شرکت xxx	بانک/ دارایی xxx

نمونه‌ای واقعی

آیا نظام بانکی هرگز با بحران روبرو خواهد شد؟

● در خلال بحران دهه ۱۹۳۰ بسیاری از بانکهای امریکایی ورشکست شدند. با افزایش برداشت سپرده گذاران، بانکهای بیشتری با مشکل نقدینگی روبرو شدند. اینها قادر به پاسخگویی به تقاضای مشتریان خود نبودند. هنگامی که بانکی ورشکست می‌شود، مشتریان بانک پول خود را از دست می‌دهند و در بسیاری از موارد ورشکست می‌شوند. بنابراین ورشکستگی بانک می‌تواند اثر تعیین کننده‌ای بر فعالیتهای اقتصادی داشته باشد. بدین جهت است که حفظ اعتماد اهمیت دارد. در سالهای ۷۳-۱۹۷۲ قیمت املاک افزایش یافت. شرکتهای ساختمانی تمایل بیشتری به دریافت وام و خرید املاک که بعداً می‌توانست وثیقه خوبی برای وام باشد، نشان دادند. گروهی از بانکها مقادیر زیادی به اینها وام دادند. افزایش تقاضا برای املاک باعث افزایش قیمت آنها شد و فعالیت در این رشته را بسیار سودآور کرد و تقاضا برای وام را بیشتر افزایش داد: هنگامی که حباب ترکید، املاک با قیمتهای بیش از قیمت حقیقی بلندمدت مبادله می‌شدند، برخی از بانکها دریافتند که بیش از آنچه باید به شرکتهایی که در این رشته فعالیت می‌کنند، وام داده‌اند. داراییهای این شرکتهای دیگر نمی‌توانست با قیمتهای آنچنان بالا که وام دریافتی را جبران کند، به فروش رود. بنابراین بانک مرکزی بریتانیا مجبور شد از طریق ارائه وام به این بانکها به کمک آنها بشتابد.

در نتیجه این وضع، طرح «قایق نجات» ارائه شد. این طرح بیمه سپرده‌هاست که در آن بانکها مشارکت دارند. در آینده اگر بانکی ورشکست شود، سپرده گذاران در آن بانک پول خود را پس خواهند گرفت. وجود طرح «قایق نجات» تا حدی حفظ اعتماد به بانکها را تضمین می‌کند.

در حقیقت هنگامی که ورشکستگی بعدی رخ داد، یعنی بانک جانسون متی در سال ۱۹۸۴ دچار مشکل شد، بانک مرکزی به سادگی اداره بانک را به طور کامل برعهده گرفت. این بانک بسیاری وامهای پرمخاطره داشت و مطالبات مشکوک الوصولش بیش از حد بود (مطالباتی که هرگز بازپرداخت نمی‌شدند). بانک مرکزی که اداره نامناسب بانک را احساس کرده بود، به جای وام دادن به مدیران بانک، اداره کامل بانک را خود بدست گرفت و بعدها کشف سوءاستفاده مدیریت نادرست بانک را تأیید کرد. تنها پرسش این بود که چرا بانک مرکزی قبلاً از طریق نظارت عادی این مسئله را کشف نکرده است؟

پرسشها:

- ۱- چرا حفظ اعتماد به بانکها اهمیت فوق العاده ای دارد؟
- ۲- چرا گاه بانکها بیش از حد وام می‌دهند؟
- ۳- چگونه می‌توان از ورشکستگی بانکها جلوگیری کرد؟

* Jahnson Matthey Bankers

مأخذ: اقتصاد نوشته ماندرو مایوز
ترجمه: مهدی تقوی و عبدالله کوثری،
فصل بیستم، صفحه ۶۹۵.

دو چیز بود که مرا پیر کرد و کشت
بیداد عشق بود و بسلاهی معلمی

نظام الدین ملک

نگاهی بر سلوک علمی و تحقیقاتی

حسن سجادی نژاد

دهم شهریور ماه سومین سالگرد درگذشت زنده یاد حسن سجادی نژاد بود. بدون شک استاد حسن سجادی نژاد در شمار چهره های درخشان و ماندنی در تحقیقات حسابداری ایران است، از آنها که نمی توان به آسانی جایگزینی برایش یافت. نام و خاطره سجادی نژاد به دلیل کثرت آثار و میراث عظیمی که از خود به جای گذاشته است در فرهنگ حسابداری ایران جاودان خواهد ماند.

سجادی نژاد از ابتدا خود را به انضباطی سخت در کارهایش خود داده بود. چه بسیار که برای یافتن پاسخ سئوالی ساعاتی دراز وقت صرف می کرد. کمتر شخصیت علمی را در حسابداری ایران می یابیم که دارای جامعیتی مانند سجادی نژاد باشند. وی علاوه بر حسابداری، در سایر رشته ها نظیر: ادبیات فارسی و عرب، قوانین مالی و تجاری و ریاضی و آمار، اطلاعاتی گسترده داشت.

درباره زندگی و آثار زنده یاد حسن سجادی نژاد آنچه گفتنی است از جانب دوستان و همکاران وی گفته شده است؛ در اینجا برای بزرگداشت او، با ارائه نمونه هایی از دستنوشته هایش مروری می کنیم بر سلوک علمی و تحقیقاتی زنده یاد حسن سجادی نژاد.

سجادی نژاد درباره مشکل ایجاد زبان مشترک بین جامعه حسابداران می نویسد:



۱۹ (A)

دستنویس زیر بخشی است از فصل مربوط به هزینه‌یابی یکنواخت در جلد دوم کتاب اصول هزینه‌یابی و روشهای حسابداری صنعتی که هنوز به چاپ نرسیده است:

از طرف دیگر این اثر در دهه‌ی ۱۳۴۰ در ایران به نظر می‌رسد که یکی از اساتید معاصر
(استاد دکتر محمود صباغی) ~~تالیف~~ کرده و با عنوان "توانایی زبان فارسی" به
علی سروکار داشته، ضمن مقاله‌ی خیلی مختصری به بررسی این زبان فارسی پرداخته و
۱۳۵۰ ه. ش. در کتاب ~~موضوعات~~ صباغی در سال ۱۳۶۶ ه. ش. معادل آن را
در زبان عربی (مانند سایر زبانهای سامی) با داشتن ۲۵۰ واژه‌ی اصلی
در هر صفت و چهار حرفی و استفاده از نظم ابواب این زبان می‌توان حد اکثر دو میلیون
واژه را نام برد اما در صورتی که شماره واژه‌های موجود بنابر هر کدام
رشته اصلی و ۲۲۵ میلیون خواهد شد که در واقع تعداد واژه‌های گوناگون است که می‌توان بدست آورد
این زبان وجود داشته باشد و در واقع تعداد واژه‌های گوناگون است که می‌توان بدست آورد
هر یک از دو زبان واژه‌های معنی دارند و گاه واژه‌های گوناگون است که می‌توان بدست آورد
نویسندگان هر یک از این دو زبان در بیان مفاهیم و معنی واژه‌های گوناگون است که می‌توان بدست آورد
واژه معانی مفهوم لغت می‌تواند هر دو را در بر گیرد و در واقع واژه‌های گوناگون است که می‌توان بدست آورد
سازمان دولتی طلب جام هم این را می‌گیرد آنچه خود راست زبانها می‌گیرد
که در یکی از اشعار در زبانها صد و بیست و دو واژه است و این واژه‌ها را
مقایسه کنیم با آن‌ها حکایت کنیم که اینها صد و بیست و دو واژه است و این
بسیار گویان حداقل واژه‌ها را می‌تواند بسیار بیشتر از این کار شود و باید نتایج
مقایسه کنیم و اینها را مقایسه کنیم و در هر کدام می‌تواند بسیار بیشتر از این کار شود
فازنده شانس و برندگان شانس نیست نظر مطلب و دوست است که در این باره
هم بر داد زنند که لطف طبع و سخن گفتن در می‌داند
ز شرف دگش حافظ کسی بود آنجا که لطف طبع و سخن گفتن در می‌داند

ورق بزیند

س

شرکت

C

Company

ماخذ:

۲۱۴

تاریخ: ۱۳۶۵

۱۵۱

اساسنامه شرکت تضامنی

موضوع ماده ۴ (رج) نظامنامه قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳)
 اساسی که باید به تقاضای نامت شرکت تضامنی ضمیمه شود عبارتند از:
 ۱- یکصد درصد از شرکت نامه
 ۲- یکصد درصد از اساسنامه شرکت (که اگر باشد)
 ۳- ترتیب ای نامها، مدیر شرکت، حاکم از پرداخت تمام سرمایه
 سایر این شرکتها می تضامنی قانوناً استیجاب به اساسنامه دارند
 ولی اگر قرار می بین شرکت باشد که استیجاب به تعیین تکلیف باشد
 در اساسنامه قید می شود.

استاد حسن سجادی نژاد در اواخر عمر پربارش
 کارنوشتن فرهنگ اصطلاحات حسابداری را شروع
 کرد اما متأسفانه این کار ناتمام ماند. تعداد
 اصطلاحات فیش شده استاد حدود ۲۰۰ عنوان
 است که در زیر نمونه هایی از آن ارائه می شود.
 امیدواریم موفق شویم بقیه اصطلاحات فیش شده
 استاد را هم بتدریج در اینجا به چاپ برسانیم.

مزیدهای کنیواخت در واقع یکی از مضامین آیه شریفه "الذین یستمعون القول
 فیتبعون احسنه" است که امیدواریم در جلد بعدی از آن در ضمیمه تقدیر
 اولی و بعد از آن در ضمیمه بعدی در مورد این آیه شریفه توضیح بیشتری
 در اختیار شما قرار دهیم.

موانع معنی دار و منطقی بین مباح عملی شرکت هر عضو یک صنعت برقرار کرد
 و اداره کنندگان صنایع مزبور در زمره خودمندان اهل شایسته که در آیه
 شریفه بدانها اشارت و تمایز است در آیه شریفه "اولوا الالباب" چنانکه بعدی شایسته
 را هم بسوی عاقبت ضمیر می رود و راهی بسوی عاقبت الیون مخفی است.

دنباله

**نگاهی بر سلوک
 علمی و تحقیقاتی
 حسن سجادی نژاد**

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱۷) فیتبعون احسنه (۱۸) اولوا الالباب (۱۹) الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولوا الالباب الذین
 هداهم الله و اولئک هم اولوا الالباب (سوره زمر - قرآن کریم)
 پس (ای محمد) تو سیدگان ما را بشارت ده. آنان که سخن را می شنوند و سلوحتین
 آن را پیروی میکنند، آنانند که خداوند را همانی شان کرده و آنان مسلمانانند.

حق برار در مجمع عمومی باشد) و با توجه به وضع بارها به باران
 شرکت یا گروه سرمایه گذار در موقعیتی باشد که نفوذ عمده
 روی شرکت داشته اعمال کند.
 در هر دو حالت از ضروریات اصلاح است که شرکت یا گروه سرمایه
 گذار (مسئولاً از طریق عضویت در هیئت مدیره) در تصمیم گیری
 راجع به سیاست تجاری و مالی به تنهایی به تصمیم گیری
 شرکت داشته باشد. *Shareholder of Company*
 صاحبان سهام

C

س

سیاهه و صورت خرید با صورت حساب یا *Consular Invoice*
 در کشورهای کمیسور مقصد، صورت گلازی و سکا (دسته بار) کشورهای کشور مقصد
 ماخذ:

۲۳

۱۳۹۵

رضد علم امتحان

شرکت وابسته *associated company*
 طبق تعریف ستره . SSAP.1
 یک شرکت (که شرکت و هم یک شرکت یا گروه سرمایه گذار
 در تعدادی شرکت وابسته آن شرکت یا گروه سرمایه گذار یعنی مقصد
 (الف) نفع شرکت یا گروه سرمایه گذار عملی باشد یک شرکت
 یک شرکت هم یا کمتر سهم داشته باشد یا
 (ب) نفع شرکت یا گروه سرمایه گذار در شرکت وابسته برای
 مدت طولانی و قابل ملاحظه باشد (یعنی مثلاً کمتر از ۲۰ درصد
 میزان)

C

س

Constituent Company

شرکت وابسته و شرکت تابعه و شرکت جزو اصلی
 ماخذ:

۲۴

۱۳۹۵

رضد علم امتحان

مؤید در زبان انگلیسی اصطلاح *articles of partnership*
partnership را بر این *agreement* که هر یک از این مجموعه
 اولی را اساسنامه و دومی را شرکت نامه اصطلاح کرده ایم

C

ص

Comparative Statements

صورت مقایسه ای
 ماخذ:

۲۴

۱۳۹۵

رضد علم امتحان

تهیه و تنظیم:

هوشنگ خستویی

محمد شلیله

گفتگو با مدیرعامل بانک صادرات: آقای ولی الله سیف

یک دهه تجربه قانون عملیات بانکداری بدون ربا

معرفی نامه آقای ولی الله سیف

■ از دانشکده حسابداری شرکت نفت با درجه فوق لیسانس فارغ التحصیل شدم. قبل از انقلاب مدتی به عنوان رئیس حسابداری و پس از آن به عنوان مدیرمالی در یک شرکت خصوصی کار می کردم. بعد از انقلاب مدتی عضو هیئت مدیره مرکز تهیه و توزیع فلزات بودم. مسئولیتهای مختلفی در وزارت بازرگانی داشتم. با وزارت صنایع و وزارت صنایع سنگین همکاری می کردم و مدتی است که با نظام بانکی کشور همکاری دارم. پیش از این در بانک ملت بودم و در زمان حاضر هم مدیرعامل بانک صادرات هستم ■

■ شلیله: به دست دادن تصویری از وضعیت کنونی سیستم بانکداری به خوانندگان ایجاب می کرد که هر چه بیشتر به حوزه عمل و واقعیت بانکداری نزدیک شویم؛ در این چارچوب، به نظر ما، گفتگو با دست اندرکاران سیستم بانکداری و شنیدن حرف و نظر آنان یکی از راههای دستیابی به هدف یاد شده است. خوشبختانه شما به عنوان





اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا از اول سال ۱۳۶۳ شروع شد. در آغاز اجرای این قانون مسئولان سیستم بانکی تا اندازه‌ای از این نگران بودند که شاید اجرای قانون یاد شده موجب بی اعتمادی مردم نسبت به بانکها بشود، همچنین از این بیم داشتند که مبادا سیستم جدید نتواند خوبی جوابگوی نیازهای سیستم اقتصادی کشور باشد و همین نارسایی سبب کاهش سپرده‌ها شود. اما خوشبختانه در همان سال اول اجرای قانون، نه تنها سپرده‌ها کاهش نیافت بلکه به میزان دور از انتظاری افزایش هم پیدا کرد. تطبیق وضعیت بانکها با قانون عملیات بانکی بدون ربا در زمینه سپرده‌های بانکی بسیار سریع انجام شد و مردم در زمان تعیین شده، به بانکها مراجعه کردند و سپرده‌های خود را به انواع جدیدی که در قانون عملیات بانکی بدون ربا پیشبینی شده بود، تبدیل کردند. اما در زمینه تسهیلات اعطایی، به دلیل اینکه وامهای پرداختی در زمان گذشته، در هنگام اجرای قانون جدید به موجب قرارداد مربوط در سالهای آینده باز پرداخت می شدند، تطبیق وضعیت ورق بزنید

سایر فعالیتهایی که اولویت بالاتری داشت، فارغ شدند، سیستم بانکی کشور مورد بررسی قرار گرفت و بررسیهای انجام شده به تدوین و سرانجام تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا انجامید. البته ناگفته نماند که قبل از تصویب این قانون، در اوایل انقلاب - سال ۱۳۵۸ - قانون ملی شدن بانکها از تصویب شورای انقلاب گذشته، و به اجرا درآمده بود و تعداد بانکهای کشور در نتیجه ادغام در یکدیگر و تأسیس دو بانک جدید - بانکهای تجارت و ملت - از حدود ۴۷ یا ۵۰ بانک به ۹ بانک تقلیل یافت. بعضی از بانکها هم به همان صورت قبلی باقی ماندند، مانند بانکهای ملی، صادرات، رفاه کارگران و... در بانک صادرات هم تغییراتی ایجاد شد و بانکهای استان از آن جدا شد. و بانک صادرات به عنوان سهامدار بانکهای استان، اداره امور مجامع بانکهای استان را عهده دار شد. و البته همچنان با نام بانک صادرات به فعالیت خود در استان مرکزی و تهران ادامه داد. مجموع این تغییرات مشکلات زیادی در کار بانکها پدید آورد و تا بازگشت آنها به وضعیت عادی، یکی دو سال طول کشید.

مدیرعامل بانک صادرات، که شبکه گسترده‌ای در سراسر کشور دارد، بهتر می‌توانید مسائل و مشکلات اجرایی بانکداری کنونی ما را توضیح بدهید. بنابراین ضمن تشکر بسیار از اینکه دعوت ما را برای این گفتگو پذیرفتید، خواهش می‌کنم ابتدا دیدگاه خودتان را در مورد سیستم بانکداری بدون ربا بیان کنید.

سیف: بهتر است ابتدا بر وضعیت بانکداری در اوایل انقلاب اسلامی و تحولاتی که در سالهای اخیر در این زمینه روی داده است مرور کوتاهی بکنیم. به نظر می‌رسد که پس از هر انقلابی که در هر جامعه‌ای روی می‌دهد. به طور معمول بانکهای آن کشورها هم تا اندازه‌ای از تحولاتی که رخ می‌دهد، تأثیری می‌پذیرند. به عنوان مثال ممکن است گروهی از مردم به بانکها مراجعه کنند و سپرده‌های خود را از بانکها بردارند و مانند اینها. اما خوشبختانه پس از انقلاب، در ایران اعتماد مردم به بانکها پابرجا ماند و از این جهت مشکلی برای بانکها ایجاد نشد و کارها تقریباً به روال عادی ادامه داشت. تا آنکه سه - چهار سال پس از انقلاب، و پس از آنکه اولیای امور از سامان دادن به

یک دهه تجربه قانون عملیات بانکداری بدون ربا

تسهیلات یاد شده با قانون جدید به آسانی و سرعت عملی نبود و مسئولان زمان تقریبی ۵ سال را برای این کار پیشبینی کردند، که در این مدت بخش زیادی از مطالبات سابق بانکها وصول شد. در مواردی، بانک با وامگیرندگان وارد مذاکره شد و بر سر تبدیل وامهای سابق به تسهیلات جدید با وامگیرندگان توافق شد. در زمان حاضر فقط مطالبات معوق و مشکوک یا غیرقابل وصول بانکها از دوره سابق بانکداری با مقررات جدید تطبیق داده نشده است. نکته درخور توجه اینکه تحولات سیستم بانکی در زمان جنگ، در شرایط بحران اقتصادی و مشکلات مالی دولت روی داد. در این زمان بانکها نیز مانند سایر سازمانها و مؤسسات، ناگزیر بودند که به دولت کمک کنند. به این دلیل بانکها دست به کارهایی زدند که در شرایط عادی و معمولی به انجام آنها مبادرت نمی‌کنند؛ از جمله، اعطای کمکهای خاص، اعطای تسهیلات با بازدهی کم و پرداخت قرض الحسنه. البته در قانون عملیات بانکی بدون ربا اعطای قرض الحسنه به واجدین شرایط پیشبینی شده است، منتها قرض الحسنه‌های پرداختی در زمان جنگ در واقع نوعی کمک خاص به حساب می‌آمد. همچنین بانکها بارها به کمک مردم آسیب دیده از حوادث پیشبینی نشده، مردم مناطق جنگی و مانند آن شتافتند. بانکها پروژه در زمانهای خاص نیز به موجب تبصره‌های معینی از قانون بودجه، با ضمانت سازمان برنامه و بودجه موظف به اعطای تسهیلات ویژه یا قرض الحسنه شدند. انجام این قبیل فعالیتهای غیراقتصادی بانکها را با مشکلاتی مالی و اقتصادی روبرو کرد.

شلیله: چنانکه اطلاع دارید، مخاطبان مجله ما بیشتر حسابدارها هستند، کسانی که چه در نقش حسابدار مؤسسات اقتصادی و چه به عنوان حسابدار بانکها و همکاران شما، در زمینه حسابداری عملیات بانکی بدون ربا - حسابداری عقود - با مشکلاتی روبرو هستند. با توجه به اینکه شما نیز در اصل حسابدار هستید، جا دارد که پرسشهای خود را با سؤالی در این باره آغاز کنیم. حسابداران با توجه به اصول متداول و استانداردهای حسابداری و رعایت میناق تعدیل کننده «رجحان محتوی بر شکل»

براساس تجزیه و تحلیلی که در عمل، از عملیات بانکی بدون ربا دارند، برای ثبت رویدادهای مالی مربوط، از روشهایی مانند روشهای حسابداری بانکداری سنتی پیروی می‌کنند. و معمولاً از این نظر تفاوت چندانی بین شیوه‌های بانکداری مورد نظر قابل نیستند.

سیف: من هم مایلیم این مسئله را بیشتر بررسی کنیم. عوامل گوناگونی در نتیجه گیری شما تأثیر دارد. از جمله اینکه بعضی به غلط چنین فکر می‌کنند که سیستم بانکی جدید همان بانکداری سابق است که ظاهراً آن عوض شده است. عامل دیگر نیز تغییر یکباره نظام بانکداری است که نتوانسته است به تغییر در کلیه مراحل و ارکان نظام بینجامد. مرحله اول این دگرگونی تغییری بود که در پایه نظری بانکداری روی داد و مرحله دوم آن تدوین قانون و تنظیم آیین نامه‌های اجرایی مربوط بود که بنا به تأیید صاحب نظران منطبق بر فقه اسلامی است. اما مسئله مورد نظر شما در مرحله اجرا مطرح می‌شود. در مرحله اجرا هم مجریان از دو گروه تشکیل می‌شوند: گروه اول کارکنان بانکها و گروه دوم مشتریان بانکها. در مورد کارکنان بانکها باید بگویم که در میان آنها کسانی هستند که ۲۰ و حتی ۲۵ سال با نظام بانکداری سابق کار کرده‌اند. اما به رغم آموزشهای زیادی که به آنان داده شده است، به نظر می‌رسد که باید دوره‌های تکمیلی نیز برای آنها برگزار شود تا هدفها و روشهای عملیاتی بانکداری بدون ربا برای آنان کاملاً روشن بشود و در این کار مهارت کافی به دست بیاورند. اما، حتی در صورت تحقق این کار، اگر مشتری که طرف دیگر عقود مختلف است، نسبت به اجرای دقیق عقود پایبند نباشد، اجرای کامل آیین نامه‌های مربوط امکانپذیر نخواهد بود. اگر مشتری پیش فاکتور جعلی به بانک ارائه می‌دهد، ربطی به آیین نامه‌های اجرای عملیات بانکی بدون ربا ندارد. البته کلیه اشکالات را مشتری به وجود نمی‌آورد، گاه بعضی از کارکنان بانکها به دلیل اینکه هنوز مهارت کافی برای اجرای عملیات بانکی بدون ربا به دست نیاورده‌اند؛ یا کافی نبود آموزشی که در این باره دیده‌اند، مشتری را به انجام

چنین کارهایی هدایت می‌کنند، البته در موارد بسیار نادری نیز ارتکاب این تقصیرها بدلیل تخلف و رعایت نکردن مقررات مربوط است که البته در صورت بروز چنین خلافتی، کسی که به انجام آن مبادرت می‌نماید تحت تعقیب قانون قرار می‌گیرد. منتها به نظر من اشکال اساسی را مشتری به وجود می‌آورد. عامل دیگری که در اجرا نشدن کامل عملیات بانکداری بدون ربا نقش دارد خود روشهای حسابداری و حسابرسی عملیات بانکی بدون ربا است. بهبود بخشیدن به این روشها مستلزم شناخت کاملتر سیستم بانکداری بدون رباست. در سیستم سابق، بانک وام می‌داد و بهره پولی را که به مشتری داده بود می‌گرفت و مبالغی را که مشتری باین عنوان به بانک می‌پرداخت به عنوان هزینه مالی در دفاتر خود ثبت می‌کرد در حالی که در نظام جدید سودی که بانکها از مشتری می‌گیرند بهره نیست، بلکه درآمد سهم شرکت بانک است. در عقد مشارکت مدنی اگر بانک و مشتری به نسبت ۳۰ و ۷۰ درصد باهم مشارکت کرده باشند، در جریان تکمیل پروژه، مشتری نمی‌تواند ۱۰۰ درصد هزینه‌های سرمایه گذاری را به حساب دارایی در جریان تکمیل منظور کند بلکه فقط به نسبت سهم خود، یعنی در مثال بالا ۷۰ درصد می‌تواند این کار را انجام دهد. اینها نمونه‌هایی از تغییراتی است که باید در روشهای حسابداری عملیات بانکی صورت بگیرد.

خستویی: کاملاً با شما موافقم. به نظر من هم مشارکت مدنی در واقع سرمایه گذاری مشترک (Joint Venture) است. منتها در چارچوب قانون مدنی؛ یک شرکت است و تمام ویژگیهای یک شرکت را هم دارد. اما توجه جدی و عمیق به این تغییرات نیاز به انگیزه کافی برای کارکنان بانکها دارد. با توجه کافی به ماهیت عقود، پیدا کردن روشهای حسابداری مربوط بسیار آسان است. برای مثال، معامله سلف خرید کالاست قبل از موعد تولید یا تحویل آن به خریدار. فروشنده در این معامله می‌تواند بگوید به دلیل اینکه شما - خریدار - قبل از موعد محصول مرا می‌خرید، به شما تخفیف می‌دهم. اما چون این تخفیف را سود تضمین شده می‌نامند که در مقابل سود قابل انتظار است، این



سود قابل انتظار برای بسیاری «نرخ» تلقی شده است.

سیف: گفته شما درست است و من این ضعف را می پذیرم و فکر می کنم تا زمانی که سرفصل هزینه مالی در دفتر مشتریان وجود دارد و حتی در ثبت رویه‌های مربوط به عقد مشارکت مدنی هم از آن استفاده می کند، این نارسایی از بین نمی رود. البته باید برای رفع این مشکل به صورت جدی اقدام کنیم. راه این کار هم این است که چون از میان سیزده چهارده عقدی که در بانکداری اسلامی پیشینی شده است، فقط هفت یا هشت عقد است که مورد استفاده قرار می گیرد و چون از میان این هفت هشت عقد هم سه چهار عقد رایجتر از بقیه است، باید روشهای حسابداری مربوط به آنها را تدوین کرده، به عنوان روشهای استاندارد معرفی کنیم.

خستویی: در زمان حاضر، در سازمان حسابرسی، گروهی از کارشناسان به کار روی این روشها سرگرمند. من هم با این گروه همکاری دارم. کار فعلی ما بررسی عقود مضاربه و مشارکت مدنی است.

سیف: اما در مورد مسئله ای که شما به آن اشاره کردید و گفتید عده ای سود قابل انتظار را نرخ تلقی می کنند، باید توضیح مختصری بدهم. البته می دانید که این نرخ را هم شورای پول و اعتبار تعیین و تصویب می کند. اما، این نرخ، نرخ قطعی نیست؛ نرخ است که شورای پول و اعتبار به عنوان حداقل سودآوری طرحهایی که تقاضای دریافت تسهیلات دارند، تعیین می کند. بنابراین اگر شورای پول و اعتبار نرخ سود اعطای تسهیلات سیستم بانکی را در بخش صنعت ۱۱ تا ۱۳ درصد تعیین می کند، به این معنی نیست که طرحهای سرمایه گذاری در بخش صنعت حتماً باید ۱۱ تا ۱۳ درصد بازده داشته باشد. بلکه بنابراین ضابطه آن طرحی در بانک برای اعطای تسهیلات پذیرفته می شود که براساس مطالعات انجام شده، حداقل ۱۱ تا ۱۳ درصد بازده داشته باشد. البته بعد از اجرای طرح بازدهی واقعی مشخص و مبنای تسهیم منافع مربوط خواهد شد. البته تعیین نرخ در بعضی عقود مجاز شناخته شده

است؛ مانند عقد فروش اقساطی، چنانکه اگر به موجب عقد فروش اقساطی، در بخش صنعت تسهیلات بدهیم، و نرخ سود را بین ۱۱ تا ۱۳ درصد تعیین کنیم، سود بانک از این مبلغ تجاوز نخواهد کرد. در حالی که، در مورد مشارکت مدنی و همچنین مضاربه، وضع به این گونه نیست.

شلیله: آقای سیف، اگر موافق باشید برگردیم به سؤال اول. من فکر می کنم آنچه شما به عنوان نارسایی روشهای مورد عمل فعلی حسابداری در زمینه ثبت رویه‌ها و گزارشگری معاملات مربوط به عقود از آن یاد کردید، دلایل دیگری داشته باشد. از جمله این که فرایند اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا درخواست، بررسی، تصویب و نظارت و سرانجام تسهیم منافع به دست آمده، مطابق پیشینی‌هایی که در قانون یاد شده پیشینی شده است، کامل نمی شود. به عنوان مثال، رابطه بین سپرده گذار و بانک منطبق بر رابطه امین یا وکیل نیست و بانک با همین عنوانها و جوه سپرده گذاران را در سرمایه گذاری یا تسهیلات مشخص به کار برد و سپرده گذار نیز در عایدات آن سهمین بشود، بلکه به طور کلی و سپرده گذار نیز در عایدات آن سهمین بشود، بلکه به طور کلی به جوه سپرده گذاران سود تضمین شده ای تعلق می گیرد که در همه حال و در تمام بانکها نیز یکسان است. از آن طرف هم که بانک بر اساس عقود مربوط، به مشتریان خود تسهیلات می دهد، باز، صرف نظر از تفاوتی که در تشریفات دریافت تسهیلات نسبت به بانکداری سنتی وجود دارد، اما وضع مشابه رابطه سپرده گذار و بانک است.

سیف: گفته شما درست است؛ چرا که ما هنوز به مرحله تکامل یافته و اجرای دقیق بانکداری بدون ربا نرسیده ایم. و علتش هم همان است که در پاسخ

پرسش اول شما ذکر کردم. بد نیست یادآور شوم که هنوز در بانکها بقایای معاملات قراردادهای وام و اعتباری که قبل از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا بسته شده و تسویه نشده، وجود دارد. هنوز مطالبات معوق مربوط به معاملات بانکداری ربایی وجود دارد و به این دلیل در زمان حاضر بازدهی منابع مالی به کار گرفته شده در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، سودی را که بانکها به سپرده گذاران می دهند، جبران نمی کند. حقیقت این است که در شرایط فعلی اگر بخواهیم طبق قانون درآمد حاصل از به کارگیری منابع تجهیز شده از طریق عقود را به نسبت سهم سپرده گذار و بانک بین آنان تقسیم کنیم، درصد سود سپرده گذار به سرمایه او در حدود ۷ تا ۸ درصد خواهد بود و چنانکه ملاحظه می کنید به میزان درخور توجهی از مبالغ پرداختی فعلی به سپرده گذاران که بین ۱۱ تا ۱۳ درصد سپرده آنهاست، کمتر است. یعنی آنکه در واقع در سالهای اخیر بانکها از محل درآمدها و منابع داخلی خود، به سپرده گذاران سو بسید می دهند، تا زمانی که کلیه مطالبات معوقی که از سیستم بانکداری سنتی باقیمانده است، وصول شود. مسئله دیگری که توضیح آن در اینجا ضروری به نظر می رسد، یادآوری بخشی از مقررات مربوط به عملیات بانکی بدون رباست. به موجب قانون، بانکها اجازه دارند که مبالغی را به عنوان کارمزد خدمات متنوعی که به مشتریان و از جمله به سپرده گذاران ارائه می دهند به خود تخصیص بدهند. اگر شما می بینید که سود تضمین شده سپرده های سرمایه گذاری به نسبت مدت آنها، متفاوت است به دلیل این است که کارمزدهای مربوط به هر یک از سپرده های سرمایه گذاری متفاوت است. خوشبختانه این تفاوت در عین حال سبب می شود که بانکها بتوانند با پرداخت سود بیشتر به سپرده های بلندمدت تر، منابع مانا تری فراهم آورند. البته وقتی که مطالبات معوق از نظام بانکداری سنتی وصول بشود، بازده سپرده های سپرده گذاران ناشی از بکارگیری آنها در عقود اسلامی قاعدتاً افزایش خواهد یافت و در آن شرایط سو بسید به سپرده گذار

ورق بزنید



مستلزم تحمل هزینه‌های گزاف ثبتی است و این مسئله سبب شده است که استفاده از این عقد خیلی رواج پیدا نکند. یا مشکلاتی مانند این. الان هزینه‌های ترهین ملک از هزینه تمبر سفته خیلی بیشتر است، در حالی که ملک یک وثیقه صددرصد معتبر است و سفته نسبت به ملک از جهت اعتبار در درجه دوم قرار دارد. البته این مشکل در حال حاضر به صورت جدی مطرح است و قرار است که درباره آن و مشکلات دیگر بررسی شود تا راه حل مناسبی پیدا بشود.

خستویی: آقای سیف به نظر شما، این محدودیتها و مشکلات سبب نمی‌شود که کسانی که به تسهیلات بانکی نیاز دارند به بازار سازمان نیافته پول روی بیاورند و مباحثه کاری رواج پیدا کند، بخصوص که این بازار بوروکراسی ساده‌ای دارد و فاقد تشریفات است.

سیف: من فکر نمی‌کنم در مقیاس کلان چنین کاری عملی باشد. بازار سازمان نیافته پول چنان توانایی ندارد که بتواند برای اجرای طرحها و پروژه‌ها سرمایه فراهم کند. البته در مقیاس کوچک این بازار وجود دارد. ما هم به دلایل متعدد و از جمله همین مسئله‌ای که شما به آن اشاره کردید، سعی داریم که مقررات و روشهای اعطای تسهیلات را ساده‌تر کنیم. و بررسیهایی هم که گفتم برای تعدیل وثیقه و رهنه در جریان است، در واقع همان سیاستهای ساده کردن کارها را دنبال می‌کند. اگر ما بتوانیم در مورد کاهش هزینه‌های ترهین اموال به نتیجه برسیم، در جهت ساده کردن کارها گام مؤثری برداشته‌ایم. بعلاوه باید توجه داشت که بانکها بجز جذب سپرده و اعطای تسهیلات، یک رشته خدمات دیگری مانند حواله وجهی از یک شهر یا محل به محل یا شهر دیگر را نیز انجام می‌دهند. بهبود بخشیدن به نحوه ارائه این خدمات نیز به میزان چشمگیری می‌تواند در جلب همکاری مردم با بانکها مؤثر باشد. متأسفانه بانکها در دهه‌دوازده سال گذشته در این زمینه پیشرفتی نداشته‌اند. اتادر یکی و دو سال اخیر به این ضعف توجه بیشتری شده و تحرکی جدی در این زمینه شروع شده است. کار مکانیزاسیون انجام عملیات بانکی آغاز شده و ایجاد

پرداخت نمی‌شود و سود دریافتی سپرده‌گذار متناسب با بازدهی واقعی سرمایه‌گذارهای انجام شده خواهد بود.

خستویی: سپرده‌گذاران در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا با گذاردن سپرده در بانک، بانک را وکیل می‌کنند که سپرده‌شان را در معاملات خاص (از طریق عقد مربوط) به کارگیرد و البته سپرده‌گذار پس از واريز سپرده خود در بانک دیگر دخالتی در اداره سپرده خود ندارد. اما بانک طبق مقررات موظف است که بخشی از این سپرده‌ها را به عنوان سپرده قانونی نزد بانک مرکزی بگذارد، که البته چنانکه اطلاع دارید، بازده آن پایین است و این خود سبب می‌شود که بازده سپرده سپرده‌گذاران نیز پایین باشد. به نظر شما این کار با استنباطی که سپرده‌گذار از بانک به عنوان وکیل خود، در اجرای قانون عملیات بدون ربا منافاتی ندارد؟

سیف: ببینید، توافق بانک و سپرده‌گذار در چارچوب مجموعه مقررات و قوانین مملکت انجام می‌شود که در مورد عملیات بانکی و اعطای تسهیلات، مقررات بانک مرکزی و مقررات مالیاتی به صورت خیلی جدی بر توافق ما تأثیر دارد و این مقررات به طور ضمنی، جزء لاینفک توافق بانکها و سپرده‌گذاران است.

خستویی: شما (خطاب به آقای سیف) در بخشی از این گفتگو اشاره کردید که تعداد عقود می‌تواند از ۱۲-۱۳ عقد متفاوت، به تعداد کمتری محدود شود و بیشتر در صحبت‌هایتان بر مشارکت مدنی، فروش اقساطی و مضایبه تأکید داشتید، ممکن است نظرتان را در این باره مطرح کنید.

سیف: خوب گرایش به محدود کردن تعداد عقود ناشی از تجربه‌ای است که در عمل از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا به دست آمده است. تجربه به ما نشان داده است که مشارکت مدنی کاربرد زیادی دارد، فروش اقساطی و مضایبه در بخش بازرگانی رواج در خور توجهی دارد و اجاره به شرط تملیک هم همین‌طور. ضمن اینکه عوامل دیگری که به نوع عقود هم مربوط نیست، بر میزان استفاده از هر عقدی تأثیر می‌گذارد. مثلاً اعطای تسهیلات بر اساس عقد اجاره به شرط تملیک

سیستمهای ارائه خدمات اعتباری هم مراحل آزمایشی خود را می‌گذرانند. اما در کنار این ضعف و نارسایی، به جرأت می‌توان گفت که بانکها در سالهای یاد شده در زمینه اعطای تسهیلات مطابق سیاستهای دولت موفق بوده‌اند و به هر صورت، به رغم انتقادی که بر روش کار آنها وجود دارد، اما اگر قرار بوده که مبالغ معینی تسهیلات به بخش صنعتی یا کشاورزی داده شود، این کار انجام شده است.

شلیله: میزان سود تضمین شده‌ای که بانکها در حال حاضر به سپرده‌گذاران می‌پردازند، میزان تورم را جبران نمی‌کند و ارزش پول سپرده‌گذار حفظ نمی‌شود.

سیف: حرف شما درست است. به همین دلیل هم بود که شورای پول و اعتبار مبالغ سود پرداختی به سپرده‌گذاران را تعدیل کرد. چون روشن بود در زمانی که نرخ تورم دو رقمی بود، سود پرداختی به

سپرده گذار معادل ۸ درصد هیچ چیز را جبران نمی‌کرد. و سپرده‌های مردم دست کم در حدود مابه‌التفاوت نرخ تورم و درصد سودی که دریافت می‌کردند، به اصطلاح دچار اتلاف مالیت می‌شد و ارزشش کاهش پیدا می‌کرد.

شلیله: نامناسب بودن کیفیت ارائه خدمات در بانکها به مشتریان، و حتی نامطلوب بودن برخورد با مراجعه کنندگان به بانکها، مسئله‌ای است که همه کسانی که با بانکها سروکار دارند از آن گله‌مندند. نظر شما در این باره چیست؟

سیف: چنانکه پیش از این هم در قسمتی از صحبت‌م اشاره کردم، در دهه‌سوداوزه سال گذشته در زمینه بهبود بخشیدن به کیفیت ارائه خدمات در بانکها به مشتریان کاری انجام نشده است. در حالی که در همین مدت حجم کار بانکها به میزان چشمگیری افزایش یافته و وظایف تازه‌ای هم به بانکها محول شده که اساساً کاربانکی نیست، مانند توزیع کوپن. در کنار این مشکلات کارکنان بانکها با مسائل اقتصادی خودشان هم روبرو بوده‌اند. نتیجه آنکه انگیزه آنها کاهش یافته است.

خوشبختانه در یکی - دو سال اخیر در این مورد هم اقداماتی از طرف سیستم بانکی صورت گرفته که تحرکی نسبی در کارها پدید آورده است، ولی به هیچ وجه جوابگوی نیازهای مشتریان یا مراجعه کنندگان به بانکها نیست. ما هم اعتقاد داریم که باید بانکها از این نظر سروسامان بهتری بگیرند و همکاران ما احساس بهتر و رضایت بیشتری از شرایط و محیط کار خودشان داشته باشند. ما امیدواریم که با بررسیهایی که انجام شده و اقداماتی که دارد صورت می‌گیرد، از جمله طرح کارانه که اجرای آن مراحل پایانی خود را پشت سر می‌گذارد، بتوانیم مشکلات خودمان را از این جهت حل کنیم. در این طرح پیشبینی شده است که بخشی از درآمد کارکنان بانک با میزان فعالیت آنان و کارایی شعبه یا قسمت مربوط ارتباط و تناسب داشته باشد. تأسیس شعب نمونه که شما نیز حتماً از طریق رسانه‌های همگانی با آنها آشنا شده‌اید، اقدام دیگری در این زمینه است. استفاده از کامپیوتر و سایر تجهیزات مانند ماشین پول شمار نیز

به این منظور پیشبینی شده و در اختیار شعب قرار گرفته است.

شلیله: بانکها به عنوان یکی از گروههای استفاده کننده از اطلاعات و گزارشهای مالی نزدیکترین ارتباط را با سیستمهای حسابداری مؤسسات اقتصادی دارند، نظر شما در مورد خدماتی که سیستمهای حسابداری به بانکها می‌دهند چیست.

سیف: ما هیچ تسهیلاتی در اختیار اشخاص - که بیشتر منظورم در اینجا مؤسسات اقتصادی است - قرار نمی‌دهیم، مگر آنکه گزارش مالی تأیید شده‌ای از وضعیت مؤسسه‌شان به ما بدهند. به عبارت دیگر گزارشهای مالی یکی از معتبرترین مبانی قضاوت ما در مورد وضعیت مالی متقاضیان تسهیلات و تصمیم در مورد اعطای تسهیلات به

دنباله میزگرد بانکداری

البته تصمیمگیری در این مورد از اختیارات دولت نیست و از مواد (نصوص) قانون اساسی است. و نمی‌شود بدون توجه به قانون اساسی در شرایط حاضر مسئله خصوصی کردن بانکها را مطرح کرد.

به نظر شما آیا الان شرایط برای این کار آماده است؟
فاطمی:

نظر من این است که هر زمان کنترل دولت بر جامعه به آن حد رسید که بتواند امور را به طور کامل و بخوبی نظارت کند، آن‌گاه می‌تواند مؤسسات مهم و اساسی مملکت را هم به دست بخش خصوصی بدهد که بهتر اداره بشود و دولت هم بر کار آنها نظارت کند. هر وقت هم که مثل اوایل انقلاب کنترل امور مشکل یا به طور نسبی ناممکن بود، چاره‌ای جز دخالت دولت نیست. در شرایط عادی و کلاً تثبیت شده شاید واگذاری سهام بانکها یا اجازه تأسیس بانک به بخش خصوصی امکان‌پذیر

آنهاست. بنابراین چنانچه سیستمهای حسابداری استاندارد و اصول متداول مربوط را بدرستی رعایت کنند، ما در بانکها تصمیمات واقع‌بینانه‌تری خواهیم گرفت و این خود به بهبود بخشیدن به شرایط اقتصادی کشور کمک خواهد کرد. البته طبیعی است که سیستم حسابداری کشور هم دستخوش مشکلات دهه قبل بوده است و بدیهی است که با توجه به تحولاتی که در تمامی ارکان کشور در حال شکل گرفتن است، جامعه حسابداری نیز در کار تحول بخشیدن و بالا بردن سطح علمی و کارایی خویش است.

شلیله: از همکاری شما در انجام این گفتگو سپاسگزاریم. ■

باشد. در زمان حاضر بانک جدیدی هم برای توسعه صادرات در شرف تأسیس است. منتها چون قانون اساسی اجازه ورود بخش خصوصی در بخش بانکی را نداده است، سرمایه این بانک را بانکهای دیگر تأمین می‌کنند، ولی در چارچوب مقررات یک بانک کاملاً خصوصی اداره خواهد شد. الان هم بانک مرکزی مؤسسات پولی و اعتباری خصوصی را تشویق می‌کند، اما بر طبق مقررات قانون پولی و بانکی این مؤسسات نمی‌توانند سپرده بگیرند. به هر حال در زمان حاضر سیاستهای کلی اداره بانکها به سمتی می‌رود که بانکها کمتر دولتی یا کمتر زیر تکالیف دولتی باشند و بیشتر آزادانه عمل کنند.

خستویی:
بار دیگر از قبول دعوت ما و از کوششی که در روشنگری مسایل جاری بانکداری فرمودید صمیمانه سپاسگزار می‌کنیم. ■



استادان ایرانی حسابداری در دانشگاه‌های امریکا*

علی فکرت که رئیس بخش حسابداری و استاد دانشگاه جرج تاون George Town در شهر واشنگتن دی. سی است، اعطا شده است و به رغم آنکه برابر اسامی یاد شده تعداد کسانی که به اخذ درجه دکتری نایل شده اند، بیش از ۲۷ نفر نیست، ایرانیان از موفقیت‌های بسیار چشمگیری برخوردارند، چنانکه در میان آنان سه نفر رئیس بخش حسابداری دانشگاه‌های مختلف هستند. مثلاً دکتر فرهاد سیمیار بیش از آنکه به ریاست مدرسه عالی حسابداری دانشگاه هاوایی منصوب شود، رئیس بخش حسابداری یکی از دانشگاه‌های معتبر کانادا بود که بزرگترین بخش حسابداری در آمریکای شمالی است. وی در آمریکا از محققان و مدیران لایق و با کفایت شمرده می‌شود و از احترام فراوانی برخوردار است. همچنین دکتر احمد حسینی نیز قبل از شروع به کار جدید خود، ریاست بخش حسابداری دانشگاه دیترویت را عهده‌دار بوده است.

برابر اطلاعات موجود استادان ایرانی در زمینه تحقیق و تدریس، در مقایسه با سایر همکاران خود از برتری نسبی برخوردارند و اینان بویژه از نظر تدریس از جمله بهترین معلمان حسابداری به شمار می‌روند، ضمن آنکه در زمینه تحقیق نیز ایرانیان از موفقیت‌های چشمگیری برخوردارند. مثلاً دکتر علی عبدالمحمدی از جمله سرشناس‌ترین محققان حسابداری شمرده می‌شود. ■

در راهنمای هسل بک** که در سال ۱۹۹۱ میلادی در آمریکا منتشر شده است، اسامی بیش از ۳۰۰۰ نفر استاد حسابداری که بیشتر آنها در آمریکای شمالی و اروپا مشغول تدریس و تحقیق هستند درج شده است. در این نشریه اسامی استادان یاد شده به ترتیب حروف الفبا و همچنین بر حسب بخش حسابداری دانشگاه‌های مربوط چاپ می‌شود و با استفاده از آن به آسانی می‌توان پی برد که محل کار هر یک کجاست و یا مثلاً در بخش حسابداری دانشگاه هاوارد چه کسانی و با چه مشخصاتی درس می‌دهند.

رشته حسابداری در آمریکا نیز رشته به نسبت جدیدی است. و اولین درجه دکتری آن در سال ۱۹۴۳ در دانشگاه میشیگان اعطا شده است. البته سالها پیش از این نظریه‌های مختلفی در زمینه حسابداری از سوی صاحبزنانی چون پاتن Paton و لیتنون Littleton ارائه شده است. ولی چنانکه می‌دانیم آنان دارای درجه اقتصاد هستند و نظریه‌های آن زمان بیشتر جنبه اقتصادی داشته است.

اسامی تعدادی از استادان ایرانی که در این شماره از نظر شما می‌گذرد از راهنمای یاد شده در بالا برگرفته شده است. و چنانکه از آن برمی‌آید اولین درجه دکتری حسابداری در میان ایرانیان به دکتر

* اطلاعات مضمون این نوشته توسط یکی از استادان حسابداری ایرانی در آمریکا برای حسابداری فرستاده شده است، که چون نام خود ایشان در فهرست اسامی ایرانی آمده است، خواسته‌اند از ذکر آن خودداری شود.

** Hassel back, James R., Accounting Faculty Directory, Prentice-Hall, 1991.



چنانکه استادان حسابداری ایرانی مایل باشند که اطلاعات مربوط به آنها در راهنمای حسابداری هسل یک درج شود، می توانند با دبیرخانه انجمن حسابداران مکاتبه یا تماس حاصل نمایند.

نام	مرتبه دانشگاهی	محل کار	سال اخذ درجه دکتری	از دانشگاه
دکتر علی عبدالمجیدی	استاد	Bentley College	۱۹۸۲	Indiana
دکتر رضا ماژین	استاد	California State University	۱۹۸۴	Indiana
دکتر علی پیوندی	استاد	California State University	۱۹۸۰	Missouri
دکتر رجایی کیانی	استاد	California State University	۱۹۷۵	Oklahoma
دکتر محمد سنگلجی	استاد	California State University	۱۹۷۵	Oklahoma
دکتر حسین شالچی	استاد	California State University	۱۹۸۱	Illinois
دکتر ر. ک. دوست	دانشیار	Clemson	۱۹۸۴	Georgia
دکتر محسن شریفی	استاد و رئیس بخش	Eastern Michigan University	۱۹۷۵	Louisiana State
دکتر فرهاد سیمیار	استاد و رئیس دانشکده حسابداری	University of Hawaii	۱۹۷۵	Southern California
دکتر علی فکرت	استاد و رئیس بخش حسابداری	George town University	۱۹۶۹	Indiana
دکتر عادل نوین	استاد یار	Kent State University	۱۹۸۲	Georgia
دکتر جلال سروش	دانشیار	Loyola College (Maryland)	۱۹۸۱	Mississippi
دکتر علی صداقت	استاد یار	Loyola College (Maryland)	۱۹۸۶	George Washington
دکتر ذبیح الله رضائی	دانشیار	Middle Tennessee State University	۱۹۸۵	Mississippi
دکتر احمد اعتباری	دانشیار	University of New Hampshire	۱۹۷۹	North Texas
دکتر صادق بزاز	استاد یار	Oaklan University	۱۹۸۵	Oklahoma
دکتر احمد حسینی	استاد	Sanoma State University	۱۹۸۱	Missouri
دکتر رضا اسپهبدی	دانشیار	Suffolk University	۱۹۸۰	Alabama
دکتر هیبت الله سامی	استاد یار	Temple University	۱۹۸۴	Louisiana State
دکتر نصر الله احدیت	استاد یار	Towson State University	۱۹۸۲	Arkansas
دکتر رسول تندکار	دانشیار	Virginia Commonwealth University	۱۹۸۰	North Texas
دکتر حسن اسپهبدی	دانشیار	Western Illinois University	۱۹۸۱	Alabama
دکتر پوران اسپهبدی	دانشیار	Western Illinois University	۱۹۸۱	Alabama
دکتر طاهره فروغی	-	-	۱۹۷۵	Oregon
دکتر محمد نمازی	-	شیراز-ایران	۱۹۸۳	Nebraska
دکتر علی تقفی	-	ایران	۱۹۷۹	Missouri
دکتر رضا شهابنگ	-	ایران	۱۹۷۰	Syracuse

بی سی سی آی شرکت سهامی جنایت با مسئولیت نامحدود...

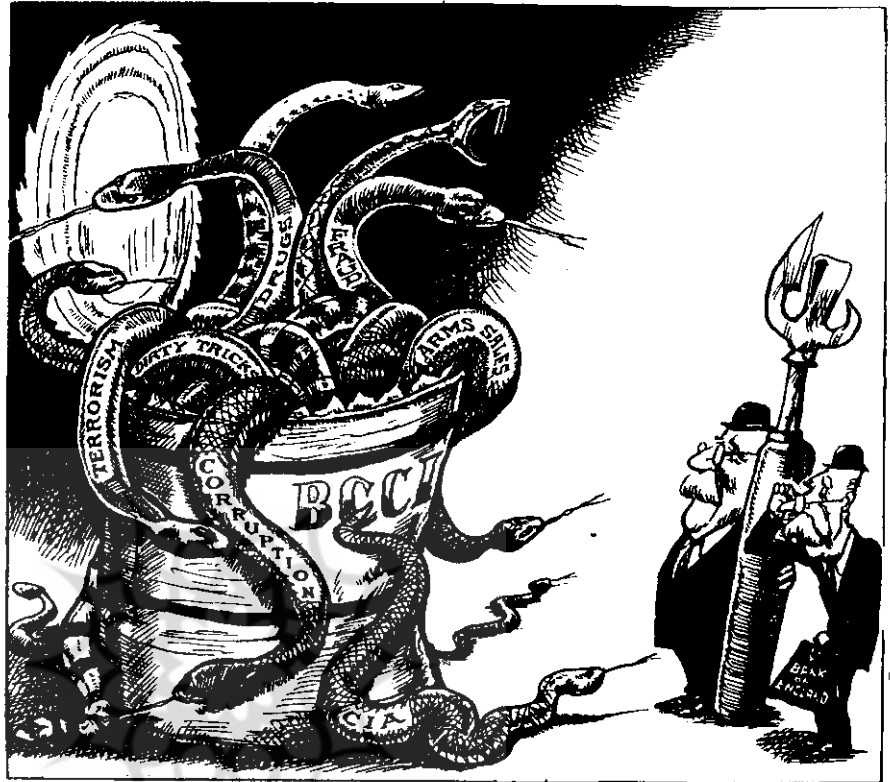
آمریکن اکسپرس است که ۳۰ میلیون دلار نزد بانک اعتبارات و تجارت بین المللی سپرده گذاری کرده است. یک احتمال دیگر، وجود رابطه بین بانک اعتبارات و تجارت بین المللی و مافیاست.

بستانکاران بانک تجارت و اعتبارات بین المللی می توانند نسبت به دو مسئله امیدوار باشند، یکی اینکه مدیران تصفیه مقداری کافی از داراییهای بانک را کشف کنند که بتوان به این وسیله بخشی چشمگیر از بدهیهای بانک را پرداخت کرد. و دوم اینکه شیخ زاید به گونه ای به کمک بانک بشتاند.

در ۳۰ ژوئیه یک دادگاه انگلیسی این امید را به سپرده گذاران داد که با تعویق تصفیه مالی بانک ممکن است گروهی به کمک بانک آیند. شیخ زاید ۴۳ میلیون لیره استرلینگ به عنوان کمک به بانک، برای پرداخت به سپرده گذاران انگلیسی پیشنهاد کرد و توافق نمود که به ۱۲۰۰ تن از کارکنان بانک در انگلستان چند هفته حقوق بپردازد در عوض قرار بود که دادگاه به وی اجازه دهد که با مدیر تصفیه بانک یعنی موسسه «تاش راس»، درباره تغییر ساخت بانک مذاکره کند.

اما چه نوع تغییر ساختی مورد نظر است؟ احتمال اینکه شیخ زاید میلیاردها دلار دیگر بدون چشم انداز بازده مناسب وارد بانک کند وجود ندارد. دو مشکل در این راه به چشم می خورد. یکی اینکه بانک مرکزی انگلستان و مقامات پولی کشورهای غربی جواز سپرده گیری بانک را تمدید نخواهند کرد و دیگر اینکه؛ حتی در صورت تمدید این جواز، نه تنها سپرده گذاران دوباره در این بانک سپرده گذاری نخواهند کرد بلکه در اولین فرصت سپرده های موجود خود را از بانک بیرون خواهند کشید.

ابوظبی می تواند بانک تجارت و اعتبارات بین المللی را به شکلی کوچک و محدودتر بازسازی کند. برخی از شعبه های بانک در پاکستان به کار خود ادامه می دهند و برخی از فعالتهای بانک در امارات متحده عربی تحت نام جدیدی ادامه دارد. اما بقای بانک به شکل محدودتر نمی تواند زیان سپرده گذاران را جبران کند. ●



کمیته کنگره در آمریکا نیز به بررسی عملیات بانک مشغولند.

دادگاه نیویورک اعلام کرده است که بی سی سی آی از زمان تأسیس در سال ۱۹۷۲، با اظهارات دروغ درباره شرایط مالی و پنهان کردن مشخصات مالکان خود، در حدود ۲۰ میلیارد دلار از سپرده گذاران و بستانکاران خویش گردآوری کرده است. بانک برخی از افراد خانواده های حاکم در خاورمیانه را به عنوان مالکان خود معرفی کرده یا بدروغ قدرت مالی خود را بیش از آنچه هست نشان داده است. علاوه بر این بانک برای پنهان کردن ۵ میلیارد دلار زیانهایش دست به معاملات غیرواقعی زده است.

تعطیل بانک تجارت و اعتبارات بین المللی موجب وارد آمدن زیان و آسیب به ۲۰ بانک مرکزی (اغلب در جهان سوم)، برخی از بانکهای آمریکایی، پاره ای از شهرداریهای انگلستان و بیش از یک میلیون سپرده گذار در سراسر جهان شده است، یکی از بانکهای آمریکایی زیان کسندنده بانک

رابطه با گروگان گرفتن یک دلال اتومبیل لبنانی تحت تعقیب است، صحت اظهارات او را در محل تردید فرار می دهد. اما رئیس بانک مرکزی انگلستان تا حدودی به ارتباطات فوق اشاره کرده است.

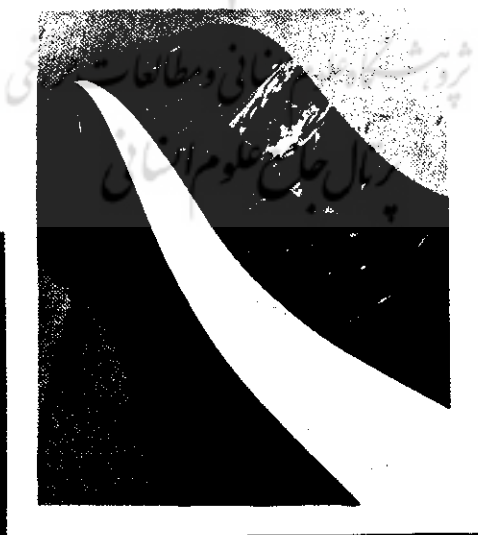
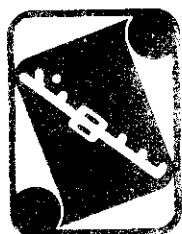
شایعات و قضایایی که در ماه گذشته راجع به این بانک بر سر زبانها افتاده تنها بخش کوچکی از ماجرا را تشکیل می دهد. تحقیقات وزارت دادگستری انگلستان تصویر کاملی از واقعه را به دست خواهد داد. دولت انگلستان که با رکود و بیکاری فزاینده ای روبروست بی تردید ترجیح می داد که چنین حادثه ای رخ نداده بود.

در ۲۹ ژوئیه دادگاه نیویورک بانک و شرکتهای وابسته به آن و دوتن از بنیانگذاران آن را به عنوان بزرگترین کلاهبرداری بانکی در تاریخ محکوم کرد. در همین روز بانک مرکزی آمریکا نیز بانک را متهم کرد که سه بانک آمریکایی را به شکل غیرقانونی کنترل می کند. و به همین علت این بانک را در حدود ۲۰۰ میلیون دلار جریمه کرد. علاوه بر تحقیقاتی که در انگلستان در حال انجام است، سه



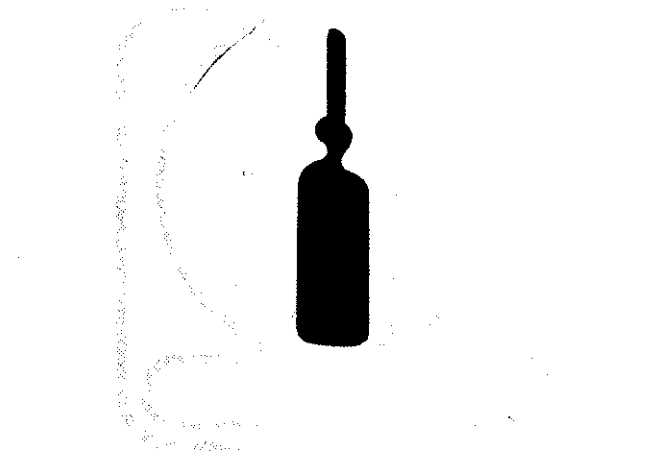
شرکت صنایع لاستیکی سهند

(سهامی عام)



بیش از ۳۰ سال تجربه
در صنعت لاستیک:

شرکت صنایع لاستیکی سهند
با بهره‌گیری از بهترین مواد
و تجهیزات مدرن، تولیدکننده
لاستیک‌های باکیفیت و متنوع
است. این شرکت با سابقه‌ای
زیاد در زمینه تولید لاستیک
تعمیراتی و صنعتی، توانسته
است تا به مشتریان خود خدمات
بهینه‌ای ارائه دهد.

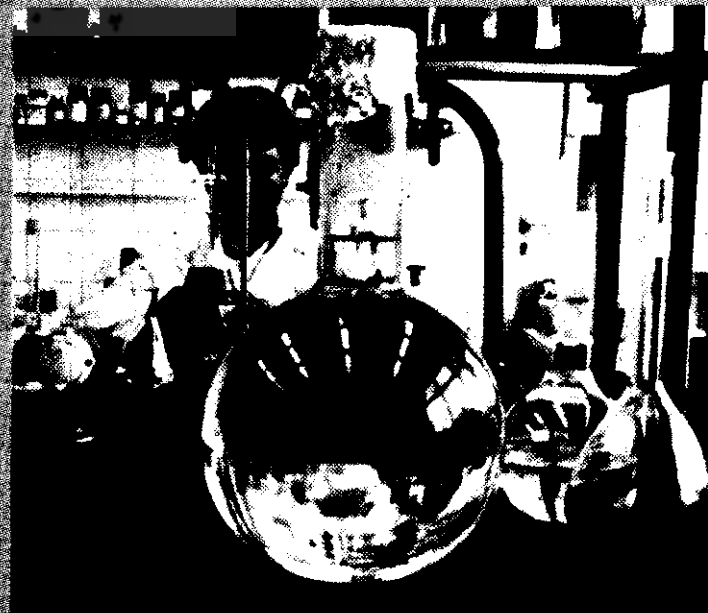


شرکت صنعتی

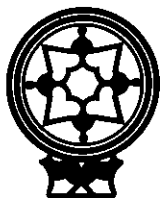


تاریخچه

- در سال ۱۳۶۹، با نام شرکت صنایع هورخست شروع به فعالیت کرد.
- در بهمن ماه ۱۳۵۹ تحت پوشش دولت قرار گرفت و در سال ۱۳۶۳ سهم شرکت هورخست آلمان نیز خریداری گردید و اداره شرکت به سازمان صنایع ملی ایران واگذار گردید.
- محصولات شرکت انواع دارو و انواع حساس و زینین می باشد تولید گارهای فریون و آرگون از جمله خدمات شرکت است. بسیاری صنایع نساجی و رنگ سازی و شویبلده به کسب و کار وابسته اند.
- شرکت تعداد ۳۰ درصد از سهام شرکتها بخش دارویی و بخشی از سهام شرکت های داروسازی و شرای نیز در شرکت سهامی گروه صنایع دارویی و شرکت صنایع دارویی شهید سلیمان اختصاص را در اختیار دارد.
- کارخانه در حدود ۱۴۰۰ متر مربع مساحت و واقع در ۱۰۰ متر مربع زمین ساخته شده و با ظرفیت کامل به کار مشغول است.



سهام شرکت صنعتی کیمیدارو (سهامی عام) در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و توسط سازمان صنایع ملی ایران به عموم مردم عرضه گردیده است.



کیمیدارو (سهامی عام)



کلونتر ۳ ساده آملی - بین سرویس روز کارخانه فیلین
 صندوق پستی: ۱۱۷۶۵/۱۱۸۶
 کد پستی: ۱۷۱۱۸
 تلفن: ۷۷۶۷۸۱ و ۷۷۵۱
 فکس: ۷۷۶۷۵۲ و ۷۷۶۷۵۱

ترازنامه شرکت صنعتی کیمیدارو (سهامی عام) (ارقام به ریال)

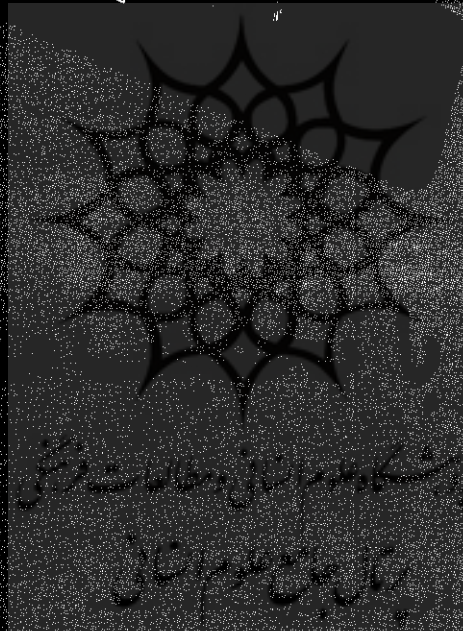
سال مالی	دارائیهای جاری	دارائیهای نامت	تاری دارائیهها	جمع
۱۳۶۷	۵,۸۸۶,۰۰۰,۰۰۰	۸۸۲,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۴۰,۰۰۰,۰۰۰	۷,۸۰۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۶۸	۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۲۱,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹,۰۲۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۶۹	۱۳,۷۷۸,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۵,۰۰۸,۰۰۰,۰۰۰

سال مالی	بدهیهای جاری	بدهیهای بلندمدت	سرمایه	جمع
۱۳۶۷	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۱۷۹,۰۰۰,۰۰۰	۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۳,۱۷۹,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۶۸	۸,۷۴۳,۰۰۰,۰۰۰	۱,۳۹۱,۰۰۰,۰۰۰	۲۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۱,۳۳۴,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۶۹	۱۲,۳۱۸,۰۰۰,۰۰۰	۳,۱۷۱,۰۰۰,۰۰۰	۲۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۵,۷۸۹,۰۰۰,۰۰۰

سرمایه در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۳۰

حساب سود و زیان شرکت صنعتی کیمیدارو (سهامی عام) (ارقام به ریال)

سال مالی	ارزودن زیان	بهره برداری	سود قبل از کسب
۱۳۶۷	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۶۸	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۶۹	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰



کامپیوتر با مشخصات

مشخصات کامپیوتر

IBM PS/1
PROCESSOR 80286-10 MHZ
1 MB RAM
1.44 MB F.D.D
MOUSE PORT,
2 BOTTOM MOUSE
COLOR VGA
KEY BOARD
IBM DOS 4.01
BASIC INTERPERATOR





نرم افزار همراه

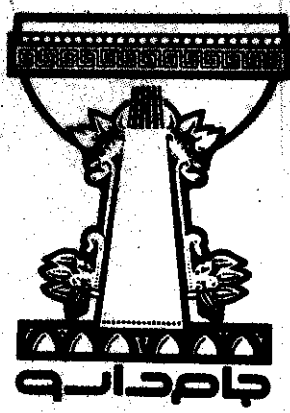
MICROSOFT WORKS

شامل برنامه های کاربردی:

**DATA BASE
WORD PROCESSOR
SPREAD SHEET
COMMUNICATION**

همچنین آموزش دهنده سخت افزار و
نرم افزار نیز ارائه می شود.





شرکت صنعتی جام دارو

(سهامی عام)

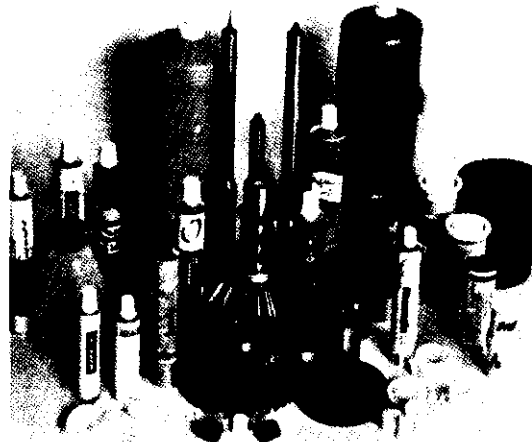
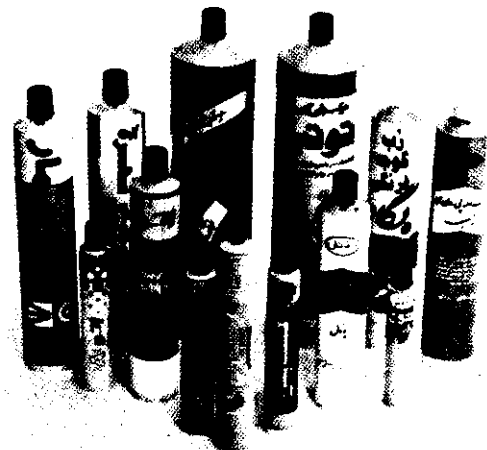


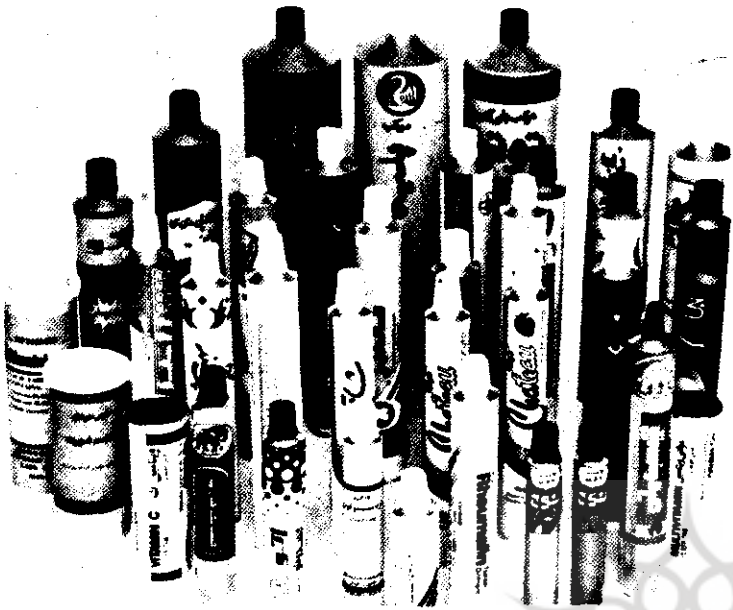
سازندهٔ محفظه و ظروف و قطعات پلاستیکی
آلومینیومی برای مصارف داروئی، بهداشتی
و صنعتی

پولک، محفظه

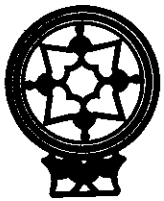
ظروف بادی و تزریقی، قطعات

آبکاری، قالبسازی، قطعه سازی

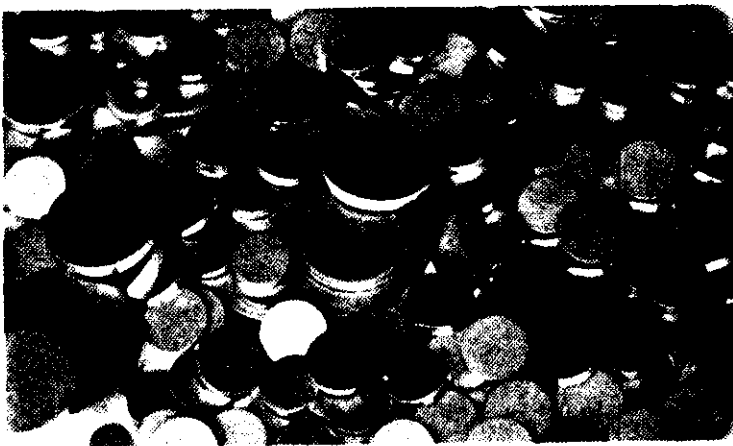
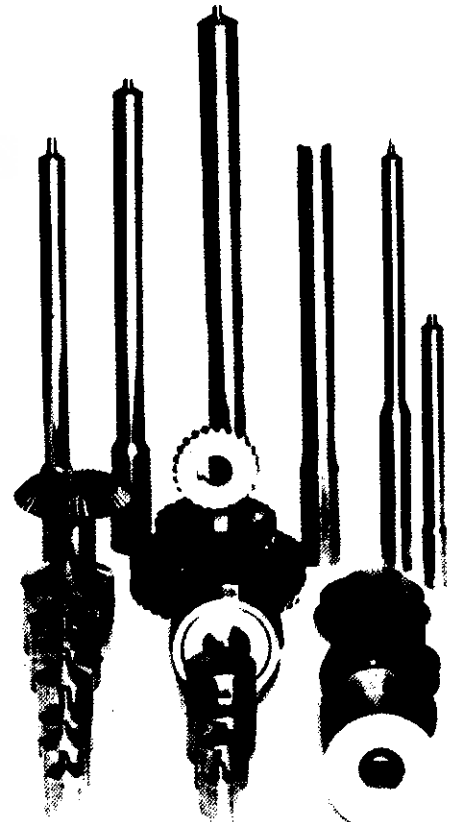




سهام شرکت صنعتی جام دارو (سهامی عام) در بورس
اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و توسط سازمان صنایع
ملی ایران به عموم مردم عرضه گردیده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



شرکت تولیدی لنت ترمز ایران

(سهامی عام)

اولین تولیدکننده لنت

ترمز خودروهایی سبک

و سنگین در خدمت

صنعت حمل و نقل

سهام شرکت تولیدی لنت ترمز ایران در بورس
اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و توسط سازمان
صنایع ملی ایران به عموم مردم عرضه گردیده
است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



● ۲۰ سال تجربه و مهارت در ساخت
انواع لنتهای صنعتی

کیلومتر ۹ جاده کرج
صندوق پستی ۷۸۱-۱۱۳۶۵
تلفن: ۲-۹۴۱۵۹۱ (۰۲۱)
۹۴۵۶۶۵-۹۴۲۴۲۰

نرم افزارهای مالی

سیستم کامل اشتراک مجله

نگهداری حساب مشترکان و ارسال حتمی و بموقع مجله‌ها برای تداوم امر فروش، اهمیت بسیار دارد. از طرفی چاپ نشانی روی پاکت در موقع فرستادن مجله کاری وقت گیر است و اگر به صورت دستی انجام گیرد معمولاً با اشتباه زیاد همراه خواهد بود. ضمناً در پایان سال مالی باید مشخص کرد چه میزان بدهی از این بابت وجود دارد.

نرم افزار «اشتراک مجله» از دید حسابداری و برای حل کلیه مشکلات موجود، توسط آقای علی اسدی (عضو قدیمی انجمن حسابداران خبره ایران) طراحی و روی کامپیوتر انجمن نصب شده و نیازهای ماهنامه «حسابدار» را بخوبی برآورده می‌سازد.

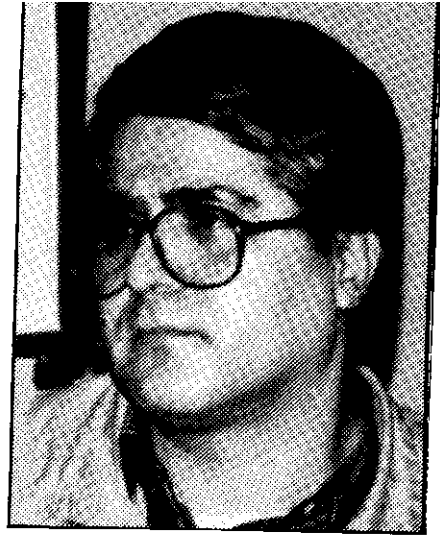
در این سیستم برای هر مشترک با توجه به انواع زیر، کد معینی اختصاص می‌یابد.

- مشترک عادی
- مشترک دانشجو
- مشترک رایگان
- عضو انجمن

از طرف دیگر ترتیب دریافت ماهنامه به راههای زیر معین می‌شود:

- ارسال با پست
- تحویل به صورت دستی - مستقیم
- ارسال به خارج از کشور
- کلیه اطلاعات مشترکان جدید و تعداد ماهنامه‌های درخواستی آنان و تغییرات در نشانی و سایر اطلاعات مربوط به مشترکان تا قبل از صدور برگه‌های نشانی، برای ماهنامه مورد نظر به کامپیوتر داده می‌شود و کامپیوتر با انجام همه محاسبات لازم و کنترل شماره ماهنامه برای تمام مشترکان، برگه‌های نشانی را چاپ می‌کند. امکان چاپ نشانی به صورت مستقیم روی پاکت نیز وجود دارد.
- ضمناً می‌توان کلیه اطلاعات را در تمام مراحل روی صفحه نمایش کامپیوتر ملاحظه کرد و در صورت نیاز و با کمک خود نرم افزار (که منوی کامل قسمتهای مختلف را در اختیار قرار می‌دهد) اطلاعات را اصلاح و تکمیل نمود.
- خروجی‌های سیستم غیر از برچسب نشانی مشترکان عبارت است از:

- لیست دریافت کنندگان آخرین نسخه ماهنامه - برای هرگونه تماس احتمالی
- لیست مشترکاتی که ماهنامه را شخصاً دریافت می‌کنند.
- لیست مشترکان مقیم خارج از کشور.
- لیست کامل مشخصات پرونده‌های مشترکان.
- اطلاعیه مربوط به مشترکان که در یک یا دو شماره آینده، مدت اشتراکشان پایان می‌یابد.
- لیست بدهی مجله به مشترکان در پایان سال مالی به تفکیک انواع نرخهای فروش، جهت تنظیم حسابهای نهایی.
- بخش امور مشترکان ماهنامه «حسابدار» که مدتهاست با این نرم افزار کار می‌کند، اعتقاد دارد که سیستم بسیار خوب عمل کرده و مشکلات اجرایی زیادی را گشوده است.
- علاقه‌مندان می‌توانند با قرار قبلی از سیستم نحوه کارکرد آن در محل انجمن و با حضور تهیه‌کننده، بازدید کنند. تهیه‌کننده قول انجام تغییرات بنا به میل مشتری را می‌دهد.
- انجمن و ماهنامه آرزوی بهترین موفقیتها را برای آقای علی اسدی دارند. ■



دکتر علی جهانخانی

کاربرد مدیریت مالی در بانکها

مقدمه:

● از زمانی که تدریس رشته «مدیریت مالی» در دانشگاههای ایران آغاز شده است، بررسی الگوهای مدیریت مالی در گروهی از مؤسسات اقتصادی که در زمینه بازرگانی و تولید فعالیت دارند، بیشتر از سایر زمینه های کاربرد این مقوله مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که کاربرد روشهای مدیریت مالی در بانکها، با توجه به فعالیت خاص این مؤسسات و همچنین گسترده بودن فعالیت آنها و تأثیری که تصمیمگیریهای مالی بر فعالیت هر بانک و بر اقتصاد کشور دارد، توجه جدی به بررسی کاربرد روشهای یاد شده در بانکها را ضروری می نماید. هدف این مقاله تشریح کاربرد روشهای مدیریت مالی در تنظیم امور مالی بانکهاست. ●

رتال جامع علوم انسانی

بانکها با فعالیت در این دو بازار باید بتوانند بازده مناسبی برای سرمایه های سهامداران خود به دست آورند.

قسمت اعظم منابع مالی بانکها را سپرده های جاری، پس اندازهای کوتاه مدت و بلندمدت مردم تشکیل می دهد که میزان آنها به نرخ سود یا بهره پرداختنی به پس اندازها و سپرده های مردم، کیفیت خدماتی که بانکها به مشتریان خود ارائه می دهند و نیز فعالیت بانکها در زمینه بازاریابی برای جلب سپرده ها بستگی دارد. بنابراین، بانکها با توجه به عوام سه گانه یاد شده می توانند روشهایی را برای

به طور کلی بانکها در دو بازار متفاوت فعالیت می کنند؛ یکی بازاری که اشخاص حقیقی و حقوقی وجوه اضافی خود را در آن عرضه می کنند (سپرده گذاران و پس اندازکنندگان) و بازار دیگری که نیازمندان به منابع مالی بیشتر، برای تأمین کمبودهای مالی خود به آن مراجعه می کنند (وامگیرندگان).

دستیابی به حجم مطلوب و مورد انتظار سپرده و سایر منابع مالی، با هزینه مناسب در پیش گیرند. دستیابی به این هدفها مستلزم به کار گرفتن اسلوبهای اصولی مدیریت مالی است. تصمیمگیریهایی مانند اینکه به هر مشتری چه میزان تسهیلات و با چه نرخ می توان اعطا کرد در چهارچوب الگوهای کاربرد مدیریت مالی انجام پذیر است. به عنوان مثال، هر بانک می تواند علاقه مند است منابع مالی خود را در اختیار متقاضیانی بگذارد که دارای اعتبار درخور توجهی باشند و از عهده بازپرداخت بموقع اقساط وامهای خود برآیند. اما چون کلیه متقاضیان وام از اعتبار



پژوهشگاه علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

کمتری بپردازند. به این ترتیب بانکها ناگزیرند ضمن توجه به انگیزه گروه اول برای سپرده گذاری، و با در نظر داشتن انتظار گروه دوم، فعالیتهای خود را با کارایی مطلوب به انجام رسانند و هدفهای صاحبان سهام بانک را برآورده سازند.

صاحبان سهام به طور کلی انتظار دارند بر ثروتشان که به صورت سرمایه در اختیار بانک قرار گرفته است، افزوده شود. بنابراین هدف نهایی هر بانک، همچون سایر مؤسسات اقتصادی، به حداکثر رساندن یا بیشینه کردن ثروت سهامداران با توجه به ورق بزنند

برای سهامداران بانک فراهم آورد. در عین حال بانکها باید در هر زمان ترکیب مناسبی از داراییها و بدهیهای خود داشته باشند، به نحوی که بتوانند در همان زمان خدمات قابل قبولی را به سپرده گذاران و وامگیرندگان بانک ارائه کنند. به عبارت دیگر بانکها در هر زمان باید بتوانند نیازهای متضاد سپرده گذاران و وامگیرندگان را برآورده سازند و خود نیز در وضع متعادلی قرار گیرند؛ چرا که سپرده گذاران انتظار دارند بابت سپرده های خود سود بالایی دریافت کنند و به عکس، متقاضیان تسهیلات بانکی سعی دارند تا حداکثر سود یا بهره

یکسانی برخوردار نیستند، بانکها در زمان تصمیمگیری برای اعطاء تسهیلات مالی، ناگزیر از پذیرفتن احتمال ضرر و زیان به نسبتهای متفاوت هستند. بنابراین بانک باید با در نظر گرفتن نرخهای رقابت پذیر سود و بهره در بازار سرمایه، و ضمن در نظر داشتن ضرر و زیانهای احتمالی یاد شده، چنانکه گفته شد به بازده مناسبی نیز برای منابع به کار گرفته شده دست پیدا کنند. بنابراین تفاوت بین نرخ سود دریافتی از وامگیرندگان و نرخ سود پرداختی به سپرده گذاران و هزینه های مربوط به تأمین مالی بانک، باید به آن اندازه باشد که بازده مناسبی را

کاربرد مدیریت مالی در بانکها

O : هزینه های عملیاتی بانک شامل حقوق و دستمزد، استهلاک ساختمان و...

T : مالیات

چون معمولاً هزینه استهلاک و سایر هزینه های غیر نقدی درصد کمی از هزینه های بانکها را تشکیل می دهد بنابراین سود خالص بانک تقریباً با خالص جریان نقدی بانک (B) برابر است.

در مورد نرخ بازده مورد انتظار سهامداران که با عنوان نرخ تنزیل در رابطه (۱) نشان داده شده است باید تأکید کرد که نرخ یاد شده با نرخ بهره بدون ریسک به اضافه صرف ریسک که متناسب با ریسک سرمایه گذاری در سهام بانک می باشد برابر است، یعنی؛

$$r = i + \pi$$

که π عبارت است از صرف ریسک و نرخ بهره بدون ریسک (ارزش زمانی پول).

میزان ریسک سهامداران و همچنین میزان صرف ریسک تابعی است از میزان ریسک نهفته در سرمایه گذاریها، وامها و تسهیلات اعطایی بانک (عدم اطمینان بانک نسبت به دریافت بموقع اقساط وام و تسهیلات اعطایی مالی) و ساختار مالی بانک (هرچه درصد سپرده ها و سایر بدهیهای بانک نسبت به کل منابع بیشتر باشد ریسک سهامداران بیشتر است). با جایگزین کردن رابطه های (۲) و (۳) در رابطه (۱) خواهیم داشت

$$W = \frac{R_1 - (C_1 + O_1 + T_1)}{(1 + i + \pi)_1} + \frac{R_2 - (C_2 + O_2 + T_2)}{(1 + i + \pi)_2} + \dots + \frac{RN - (CN + ON + TN)}{(1 + i + \pi)^n}$$

در این معادله، تأثیر متقابل متغیرها را می توانیم مشاهده کنیم. R نشاندهنده جریان نقدی حاصل از به کارگیری داراییهای بانک است (سود حاصل از (۱) تسهیلات مالی اعطایی (۲) سرمایه گذاری در اوراق بهادار و (۳) مشارکت در شرکتهای دیگر) و C نشاندهنده هزینه های مالی بانک (شامل سود یا بهره پرداختی به سپرده گذاران و سایر بستانکاران) و شامل هزینه های متغیر و ثابت عملیات است که تا

محدودبتهای محیطی است. اما هدف پیشینه کردن ثروت سهامداران که از راه پیشینه کردن منافع ناشی از فعالیتها و عملیات جاری بانک امکانپذیر است، هدفی است که باید به طور معمول در بلندمدت انتظار دستیابی به آن را داشت. اگر چه سهامداران بانکها اولین گروهی هستند که منابع مالی اولیه بانک را فراهم می آورند، اما در ضمن آخرین گروهی هم هستند که سهم سود خود را از بانک دریافت می کنند. به بیان دیگر بانکها ابتدا باید سود سپرده سپرده گذاران و احتمالاً مطالبات سایر بستانکاران را پردازند و چنانچه مقداری به عنوان سود بانک باقی ماند آن را به سهامداران تخصیص دهند یا پرداخت کنند.

پیشینه کردن ثروت سهامداران از طریق پیشینه کردن ارزش فعلی منافع آینده سهامداران امکانپذیر است که با رابطه زیر بیان می شود:

$$W = \frac{B_1}{(1+r)^1} + \frac{B_2}{(1+r)^2} + \dots + \frac{B_n}{(1+r)^n} \quad (1)$$

که در آن:

W : ثروت سهامداران (ارزش سهام شرکت)

B : خالص جریان نقدی که سهامداران در

زمان t دریافت می کنند.

r : نرخ تنزیل متناسب با ریسک عایدات آینده.

منافع سهامداران (B) نیز از رابطه زیر به دست می آید.

$$B = R - (c + o + T) \quad (2)$$

که در آن:

R : درآمد حاصل از وام و سرمایه گذاری بانک

C : هزینه های مالی بانک که بخش عمده آن

را بهره یا سود پرداختی به سپرده گذاران و بستانکاران تشکیل می دهد.

حدودی تابع طبیعت داراییها و بدهیهای بانک می باشد. مالیات بانک T تابعی است از سود بانک و نرخ مالیات. نرخ بهره بدون ریسک را بانک مرکزی و یا مکانیسم عرضه و تقاضا در بازار پولی تعیین می کند و همبستگی زیادی با R و C دارد. بنابر آنچه گفته شد هر نوع تصمیمی که مدیران بانکها می گیرند باید با توجه به تأثیر آن بر هر یک از متغیرهای فوق در زمان حاضر و سالهای آینده باشد و تصمیم صحیح آن است که منجر به افزایش ثروت سهامداران W گردد.

به عنوان مثال اگر مدیریت بانک تصمیم بگیرد که ۱۳٪ به سپرده های بانکی سود پرداخت کند و آن را با سود ۱۸٪ به مشتریان خود وام دهد، باید اثر این تصمیم را در O و T و π بررسی کند. چه بسا با وجود ۵٪ تفاوت در نرخهای فوق به لحاظ افزایشی که در O و T و π ایجاد می شود، ارزش سهام و ثروت سهامداران بانک کاهش یابد

برای نشان دادن کاربرد این مدل مالی در بانکها، از مثال عددی زیر کمک می گیریم و برای سادگی مطلب فرض می کنیم که حجم داراییهای بانک و نرخ بازده داراییها و هزینه های عملیاتی بانک ثابت باشد. در این صورت رابطه شماره (۱) به صورت

$$W = \frac{B}{r}$$

و رابطه شماره (۴) به شکل رابطه زیر خلاصه می شود:

$$W = \frac{R - (C + O + T)}{1 + i + \pi}$$

به عبارت دیگر ارزش بانک برابر خواهد بود با خالص جریان نقدی سهامداران تقسیم بر نرخ بازده مورد انتظار آنها. اگر فرض کنیم کل دارایی بانک فرضی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد که ۹۰۰۰۰۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال آن به شکل سپرده بانکی و ۱۰۰۰۰۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شکل سرمایه سهامداران باشد. مدیریت بانک باید دو نوع تصمیم بگیرد:

۱- داراییهای بانک را به چه نسبت بین سرمایه گذاریهای کم ریسک و با بازده کم (A_1) و سرمایه گذاریهای با ریسک زیاد و بازده بالا (A_2)

تقسیم کند.

۲- سپرده‌های بانکی را به چه شکل به دست آورد: چه میزان از آن به صورت سپرده‌های کم هزینه با ریسک زیاد (L_1) و چه مقدار به شکل سپرده‌های پرهزینه ولی کم ریسک (L_2) (مانند سپرده‌های کوتاه مدت با بهره کم و یا سپرده‌های ۵ ساله با بهره بالا).
برای سهولت مطلب فرض می‌کنیم اطلاعات زیر در دسترس مدیران بانک باشد:

کل دارایی = ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
کل بدهی = ۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال
سرمایه = ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال

نرخ بازده سرمایه‌گذاری کم ریسک $A_1 = 18\%$
نرخ بازده سرمایه‌گذاری پرریسک $A_2 = 30\%$
نرخ بهره سپرده کوتاه مدت $V = 7\%$
نرخ بهره سپرده بلندمدت $T = 13\%$
هزینه‌های عملیاتی = ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
نرخ مالیات 30%
نرخ بهره بدون ریسک 18%
صرف ریسک کم 4%
صرف ریسک متوسط 6%
صرف ریسک متوسط 10%

آثار مالی هر یک از تصمیمهای یاد شده در بالا در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. در حالت اول کل داراییها در سرمایه‌گذاری کم ریسک با نرخ بازده 18% به کار رفته و بدهی بانک کلاً از سپرده‌های کوتاه مدت با نرخ 7% تشکیل شده است. در این حالت جریان نقدی خالص سالانه B برابر با ۵۳,۶۰۰,۰۰۰ ریال و ثروت سهامداران معادل ۲,۲۳۳,۳۳۳,۳۳۳ ریال خواهد بود. در حالت دوم بانک ریسک بیشتری را پذیرفته و داراییها را به طور مساوی بین A_1 و A_2 تقسیم کرده است و کلاً از سپرده‌های کوتاه مدت (L_2) استفاده می‌کند. در این حالت (B) برابر با ۱,۰۱۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال و W برابر با ۲,۶۲۸,۵۷۱,۴۲۹ ریال خواهد بود و افزایش سودآوری به مراتب بیشتر از افزایش ریسک بوده و ثروت سهامداران افزایش می‌یابد:

جدول شماره ۱

(ارقام: ریال)

حالت ۱	حالت ۲	حالت ۳	حالت ۴
A ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
A -	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	-	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
L ۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰
L -	-	۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰
R ۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰
C ۶۳,۰۰۰,۰۰۰	۶۳,۰۰۰,۰۰۰	۸۱,۰۰۰,۰۰۰	۸۱,۰۰۰,۰۰۰
O ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
T ۱۳۴,۰۰۰,۰۰۰	۲۵۴,۰۰۰,۰۰۰	۹۸,۰۰۰,۰۰۰	۲۱۸,۰۰۰,۰۰۰
B ۵۳۶,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۱۶,۰۰۰,۰۰۰	۳۹۲,۰۰۰,۰۰۰	۸۷۲,۰۰۰,۰۰۰
i ۱۸%	۱۸%	۱۸%	۱۸%
π ۶%	۱۰%	۴%	۶%
r ۲%	۲۸%	۲۲%	۲۴%
w ۲,۲۳۳,۳۳۳,۳۳۳	۲,۶۲۸,۵۷۱,۴۲۹	۱,۷۸۱,۸۱۸,۱۸۰	۳,۶۳۳,۳۳۳,۳۳۳

زیادی روبرو نگشته‌اند و ارزش سهام بانک نیز به حداکثر رسیده است.
این مثال بر سه واقعیت مهم تأکید کرده است، اول اینکه تغییر در یک متغیر منجر به تغییر در متغیرهای دیگر می‌شود و مدیران بانکها باید بر آثار مرکب تصمیمات خود توجه داشته باشند. دوم اینکه چون میزان ریسک بر نرخ بازده مورد انتظار سهامداران تأثیر می‌گذارد، مدیران بانکها باید تأثیر تصمیمات خود را بر میزان ریسک داراییها و بدهیهای بانک مورد توجه قرار دهند و بالاخره این مثال نشان می‌دهد که مدل به حداکثر رساندن ثروت سهامداران می‌تواند راهنمای خوبی برای تصمیم‌گیرهای مدیران بانک باشد.

انواع تصمیمات مالی بانک:

تصمیمات مهم مالی بانکها را می‌توان به چهار زیر مجموعه تقسیم کرد.

- ۱- تصمیمات مربوط به تفاوت بین نرخ بازده سرمایه‌گذاری بانکها و نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران
- ۲- تصمیمات مربوط به کنترل هزینه‌های عملیاتی

ورق بزنید

در حالت سوم بانک کل داراییهای خود را در A_1 سرمایه‌گذاری کرده ولی سپرده‌هایش از ۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال سال از L_1 و ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از L_2 تشکیل می‌شود. در این حالت سود خالص بانک به مبلغ ۳۹۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال کاهش یافته ولی چون ریسک سهامداران کمتر شده است بازده مورد انتظار آنها نیز به سطح 22% کاهش یافته است و ثروت آنها معادل ۱,۷۸۱,۸۱۸,۱۸۰ ریال خواهد شد که به مراتب کمتر از حالت دوم است. به عبارت دیگر کاهش در سودآوری به مراتب بیشتر از کاهش در میزان ریسک سهامداران است و از این رو این تصمیمگیری به زیان سهامداران خواهد بود. در حالت چهارم بانک داراییهای خود را به صورت مساوی بین (A_1) و A_2 تقسیم کرده و سپرده‌های خود را به مبلغ ۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت کوتاه مدت و ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت بلندمدت دریافت کرده است. در این حالت سود سالانه بانک ۸۷۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال خواهد شد و ارزش سهام بانک بالغ بر ۲,۶۲۸,۵۷۱,۴۲۹ ریال می‌گردد که بیشتر از حالت قبلی است. به عبارت دیگر در این حالت بانک قسمتی از افزایش در ریسک سرمایه‌گذاری خود را با ریسک سپرده‌های بلندمدت جبران می‌کند و ضمن اینکه از سودآوری مطلوبی برخوردار می‌شود، سهامداران نیز با ریسک

کاربرد مدیریت مالی در بانکها

۳- تصمیمات مربوط به نقدینگی بانک
۴- تصمیمات مربوط به ساختار مالی بانک

۱- تصمیمات مربوط به نرخ سود

تصمیماتی که بانکها در مورد نرخ سود سپرده‌ها و وامها می‌گیرند بر میزان $R - C$ سال جاری و سالهای آینده تأثیر می‌گذارد. هر چه تفاوت بین این دو نرخ بیشتر باشد سودآوری بانک نیز بیشتر خواهد شد. در این جا لازم است به چند عامل محدود کننده توجه شود. اول اینکه مدیران بانکها اختیار کامل در مورد تعیین نرخ سود سپرده‌های مدت دار و تسهیلات بانک ندارند. این نرخها در کشورهای سرمایه‌داری در بازار پول و سرمایه تعیین می‌شود و تابع شرایط رقابتی است. در کشورهای دیگر تابع تصمیمات بانک مرکزی و سایر مراجع پولی و بانکی کشورهاست. مثلاً در ایران نرخ سود سپرده‌های مدت دار را بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌کند و کلیه بانکها باید از آن پیروی کنند. نرخ تسهیلات بانکی به وسیله شورای عالی پول و اعتبار تعیین و برای اجرا به بانکها ابلاغ می‌شود.

البته این بدان معنا نیست که مدیران بانکها در این زمینه‌ها نمی‌توانند تصمیمی بگیرند که بر سودآوری بانک اثر بگذارد. زیرا بانکها با اتخاذ روشها و سیاستهای مختلف می‌توانند ترکیب سپرده‌ها و وامهای اعطایی و میزان سرمایه‌گذاری‌های خود را طوری تعیین کنند که تفاوت بین نرخ بازده سرمایه و نرخ هزینه سرمایه به حداکثر برسد. به عنوان مثال یک بانک می‌تواند با استفاده از تبلیغات و تکنیکهای بازاریابی میزان سپرده‌های دیداری و کوتاه‌مدت خود را که دارای هزینه کمتری است افزایش داده از این طریق هزینه منابع مالی خود را کاهش دهد. همچنین می‌تواند با افزایش درصد تسهیلات اعطایی به بخش بازرگانی و خدمات نرخ بهره وامهای اعطایی خود را افزایش

دهد و یا با به کارگیری قسمتی از منابع خود در سرمایه‌گذاری در سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس، درصد بازده سرمایه‌گذاری را بیفزاید و موجبات افزایش سود بانک را فراهم آورد. برای تعیین اثر این گونه سیاستها بر ارزش سهام بانک باید افزایش در هزینه‌های عملیاتی (هزینه آگهی و تبلیغات، افزایش هزینه ناشی از افزایش تعداد شعب بانکها...) و افزایش در ریسک سهامداران را مدنظر قرار داد.

۲- تصمیمات مربوط به کنترل هزینه‌های عملیاتی

تحقیقات در سایر کشورها نشان داده است که یکی از دلایل زیاندهی و ورشکستگی بانکها بالا بودن هزینه‌های عملیاتی و سربار این بانکها بوده است. با توجه به اینکه قسمت عمده هزینه‌های عملیاتی بانکها ثابت است در دوره‌هایی که حجم فعالیت آنها کاهش می‌یابد با زیان سرسام‌آوری روبرو می‌شوند. تصمیمات مربوط به استفاده از کامپیوتر در عملیات بانکی و افزایش تعداد شعب بانکها در داخل و خارج از کشور و احداث ساختمانها و برجهای آسمان خراش در مناطق مرکزی و تجاری شهرهای بزرگ که هزینه سرسام‌آوری را دربر دارد از جمله این گونه تصمیمات است. مدیران بانکها قبل از چنین تصمیمگیریایی باید آثار افزایش هزینه‌های فوق را در دوران کساد اقتصادی بسنجند و در صورتی که افزایش هزینه‌های عملیاتی منجر به زیاندهی بانک در دوران رکود اقتصادی نشود، چنین تصمیماتی را بگیرند در این رابطه استفاده از تکنیک تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر برای این گونه تصمیمگیریها توصیه می‌شود.

۳- تصمیمات مربوط به نقدینگی بانک

یکی از تصمیمات مهم مالی در بانکها تصمیمات مربوط به حفظ نقدینگی بانک است. نقدینگی بانک تابعی از ترکیب دارایی و بدهیهای بانک است. هر بانکی باید قسمتی از داراییهای خود را به صورت نقد و شبه نقد نگهداری کند تا بتواند جوابگوی تقاضای سپرده‌گذاران برای دریافت سپرده‌های خود باشد. همچنین بالا بودن درصد

سپرده‌های دیداری و سپرده‌های کوتاه‌مدت موجب افزایش ریسک نقدینگی بانک می‌شود.

یک روش ساده مدیریت نقدینگی انطباق سررسید سپرده‌ها و تعهدات بانک با عمر داراییها و سرمایه‌گذاری بانک است. به عبارت دیگر اگر 30% از داراییهای بانک به صورت داراییهای بلندمدت است 30% از بدهیها و سرمایه نیز باید منابع مالی بلندمدت باشد. چنین روشی به بانک اطمینان می‌دهد که جوابگوی تقاضای سپرده‌گذاران و طلبکاران در موعد مقرر خواهد بود.

البته مدیریت نقدینگی در دنیای امروز پیچیده‌تر از این روش است. مدیریت نقدینگی در دنیای امروز، با توجه به جریان نقدی ورودی مورد انتظار، دسترسی به بازار سرمایه برای تبدیل به نقد کردن داراییهای بلندمدت، میزان ریسک وامهای اعطایی و میزان ریسک در شرایط تورم غیرمنتظره انجام می‌گیرد. به عنوان مثال یک بانک رو به رشد که پیش‌بینی می‌کند میزان سپرده‌های جدیدش در سالهای آینده بیشتر از میزان تعهدات سررسید شده باشد، می‌تواند بدون ترس از خطر نقدینگی اقدام به حداکثر نمودن $R - C$ در چند سال آینده کند.

۴- مدیریت سرمایه

حقوق سهامداران در یک بانک از تفاوت بین ارزش داراییها و ارزش بدهیها تعیین می‌شود. اگر میزان حقوق صاحبان خیلی بالا باشد سود هر سهم و نرخ بازده صاحبان سهام ممکن است در حد پایینی باشد. برعکس اگر حقوق صاحبان سهام در حد بسیار پایینی باشد ریسک مالی و ریسک ورشکستگی ممکن است کل سرمایه صاحبان سهام را به خطر اندازد. بنابراین تصمیمات مربوط به سطح سرمایه صاحبان سهام یکی از تصمیمات مهم بانک است.

از طرف دیگر میزان سرمایه بانک می‌تواند تعیین کننده حجم سپرده‌هایی باشد که قادر به پذیرفتن آن است و لذا در حجم داراییهای بانک اثر بسزایی دارد. میزان سرمایه بانک همچنین نشان‌دهنده پشتوانه سپرده‌گذاران بانک است. بعلاوه چون سرمایه یک منبع گرانقیمت مالی است بالا بودن حجم سرمایه، موجب کاهش نرخ بازده صاحبان سهام می‌شود. لذا مدیران بانکها باید با توجه به دو عامل ریسک و بازده سطح مطلوب حقوق صاحبان را تعیین کنند. ●

حسابداری تسهیلات بانکی در قالب بانکداری بدون ربا

نوشته: مسعود دادگر

از دیدگاه استفاده کنندگان

مقدمه

● تحول ایجاد شده در سیستم بانکی کشور و تصویب لایحه قانونی عملیات بانکی بدون ربا در شهریورماه سال ۱۳۶۲ موجب شد تسهیلات بانکی مختلفی که تا آن زمان ارائه می شد در چارچوب عملیات بانکی بدون ربا قرار گرفته و از طریق عقود اسلامی مختلف در اختیار متقاضیان قرار داده شود. در این مقاله سعی شده است به تسهیلات بانکی مختلف از دیدگاه حسابداری و به عنوان یکی از راههای تأمین منابع مالی، به اجمال پرداخته شود. ●

شده باید تعیین گردد. طبق ماده ۷ آیین نامه، بانکها از فروش محصولات تولیدی پیش خرید شده قبل از سررسید تحویل، منع شده اند و مطابق ماده ۸ آیین نامه، بانکها مکلفند محصولات تولیدی پیش خرید شده را پس از سررسید مدت معامله در اسرع وقت به فروش برسانند.

ورق بزنید

۱ - معاملات سلف

معاملات سلف طبق ماده یک آیین نامه معاملات سلف و مقررات موقت اجرایی آن عبارت است از پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین؛ و براساس بند «ه» از ماده ۵ این آیین نامه محل تحویل محصولات پیش خرید

حسابداری تسهیلات بانکی

چنانکه ملاحظه می شود، مواد اشاره شده همگی بر مبادله محصول بین بانکها و استفاده کننده از تسهیلات سلف تأکید دارند. عرف معمول در جامعه نیز همین تعریفها را از معاملات سلف ارائه می دهد. در حالی که امکان دارد اصلاً کالای موضوع قرارداد تولید نشود و بانک نیز به عنوان خریدار هیچگونه کنترلی بر این موضوع ندارد.

طبق ماده ۶ آیین نامه معاملات سلف و مقررات موقت اجرایی آن «بانکها در صورتی مجاز به پیش خرید محصولات تولیدی می باشند که زمان تحویل کل محصولات به بانک از زمان تاریخ انجام معامله حداکثر یک سال باشد».

در این قلمرو مشاهده شده است که در مواردی بانکها اقدام به تبدیل بدهی سنوات قبلی شرکتها در قالب معاملات سلف چند ساله کرده اند که قرارداد سلف مزبور هر ساله تجدید شده است و ضمن اینکه تمدید قرارداد جنبه صوری دارد، کالای پیش خرید شده نیز صرفاً جهت تکمیل قرارداد انتخاب شده است و اصولاً توان شرکت در تولید و تحویل کالا مدنظر قرار نگرفته است که موارد مذکور صحت قرارداد را حتی در شکل صوری، مورد تردید قرار می دهد.

حال با توجه به ماهیت معاملات سلف و وقوع کلیه شرایط آن، از دیدگاه حسابداری باید معاملات مزبور به شکل زیر در دفاتر متعکس شود:

الف) پس از انعقاد قرارداد سلف و دریافت وجه آن:

بدهکار	بستانکار	معادل
بانک	پیش دریافت فروش کالا	قیمت فروش سلف
ب) در سررسید و پس از تحویل محصول		
بدهکار	بستانکار	معادل
پیش دریافت فروش کالا	فروش	قیمت فروش سلف
تخفیف سلف	فروش	مايه التفاوت قیمت فروش نقدی و قیمت فروش سلف

با توجه به تعاریف فوق الذکر و روش انعکاس معاملات در دفاترهای حسابداری، مشخص می شود که استفاده کننده از تسهیلات بانکی سلف، تعهد تحویل محصول در محل و موعد مشخصی را بر عهده دارد و هزینه های ناشی از تغییر شرایط فوق از طرف بانک، بر عهده خود بانک است؛ یعنی اگر محل تحویل یا زمان تحویل از طرف بانک تغییر کرد، هزینه هایی از قبیل حمل و نقل اضافی و انبارداری به عهده بانک خواهد بود، یا در صورتی که فروش محصول بر عهده استفاده کننده از تسهیلات گذاشته شود، هزینه های توزیع و فروش به عهده بانک خواهد بود، در حالیکه در موارد بسیاری عملاً هیچیک از شرایط فوق اجراء نمی شود؛ یعنی نه تنها بانک اطمینانی از تولید محصول پیش خرید شده ندارد بلکه اصولاً کالایی مبادله نمی شود تا هزینه های ذکر شده معنی پیدا کند و عنوان معاملات سلف صرفاً به صورت معامله ای صوری جهت اعطای وام به وام گیرنده به کار می رود و وام گیرنده در مقابل وام اخذ

شده فقط متعهد به پرداخت اصل و سود تضمین شده در سررسید معین می باشد. لذا از دیدگاه حسابداری قراردادهای سلف در موارد یاد شده ماهیت اصلی خود را از دست داده و مانند یکی از عملیات بانکداری سنتی بشرح زیر در حسابها ثبت و هزینه مربوط بعنوان هزینه مالی تلقی می شود:

الف) هنگام دریافت تسهیلات سلف

بدهکار	بستانکار	معادل
بانک	تسهیلات بانکی پرداختی	وجه نقد دریافت شده
هزینه های سنوات آتی	تسهیلات بانکی پرداختی	کل سود تضمین شده

گفتنی است که وثیقه تسهیلات پرداختنی فوق، اوراق بهادار (سفته) است. که معادل ضربی از مبلغ قرارداد تعیین می شود و در اینجا از نحوه ثبت آن در دفاتر حسابداری و هزینه تمبر سفته های مربوط که به استفاده کننده از تسهیلات تحمیل می گردد، صرف نظر می شود.

ب) در پایان هر دوره مالی (در صورتی که سررسید در دوره مالی بعد باشد):

بدهکار	بستانکار	معادل
هزینه های مالی	هزینه های سنوات آتی	سود تضمین شده مربوط به دوره مالی

ج) زمان باز پرداخت تسهیلات:

بدهکار	بستانکار	معادل
تسهیلات بانکی پرداختی	تسهیلات بانکی	وام اخذ شده با ضافه سود تضمین شده
هزینه های مالی	هزینه های سنوات آتی	مانده پیش پرداخت

همانگونه که در بالا اشاره شد، در قرارداد اداهای سلف منعقد شده بین بانکها و اشخاص حقوقی یا حقیقی، بانکها هیچگونه کنترلی بر تولید کالای پیش خرید شده (موضوع قرارداد) و موارد مربوط به آن ندارند و منظور از انعقاد قرارداد صرفاً پرداخت وام و دریافت اصل و سود تضمین شده در سررسید است.

۲ - اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک، طبق ماده یک آیین نامه اجرایی مربوط، عقد اجاره ای است که در آن شرط شده باشد مستأجر در پایان مدت اجاره عین مستأجره را (در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد) مالک شود. بر اساس

مفاد ماده ۱۳ آیین نامه موقت اجرائی اجاره به شرط تملیک، بانکها موظفند در قرارداد شرط کنند که در پایان مدت اجاره و پس از پرداخت آخرین قسط مال الاجاره و با پس از پرداخت و تسویه کامل باقیمانده مال الاجاره (قبل از پایان مدت اجاره)، در صورتی که کلیه تعهدات دیگر مستأجر طبق قرارداد کاملاً انجام شده باشد، عین مستأجره به ملکیت مستأجر درآید.

مفاد مواد فوق و سایر مواد آیین نامه موقت اجرائی اجاره به شرط تملیک، منافاتی با تعریف اجاره به شرط تملیک، به عنوان یکی از راههای متداول تأمین منابع مالی ندارد. لذا بهای فروش کالا در اجاره به شرط تملیک به شرح زیر محاسبه می شود:

$$\begin{array}{r} \text{بهای خرید کالا} \\ \times \times \\ \hline \text{سود مورد نظر بانک} \\ \times \times \\ \hline \text{بهای فروش اجاره به شرط تملیک} \\ \times \times \\ \hline \hline \end{array}$$

همانگونه که از تعاریف ذکر شده در فوق برمی آید، تا زمانی که خریدار آخرین قسط اجاره به شرط تملیک را پرداخت نکرده است، کالای مورد اجاره از نظر حقوقی، متعلق به فروشنده (طرف دیگر قرارداد اجاره به شرط تملیک) است و این محدودیت باید در ثبت معامله مزبور در حسابها منعکس شود.

اجاره به شرط تملیک روشهای مختلفی دارد و ثبت آنها در دفاتر حسابداری نیز گوناگون است (برای اطلاع بیشتر به مقاله حسابداری اجاره بشرط تملیک، نشریه شماره ۷۸-۷۷ حسابدار مراجعه شود). بنابراین در این مقاله از ارائه روشهای گوناگون و چگونگی ثبت آنها در دفاتر حسابداری خودداری می شود و تنها، به طور خلاصه، به لزوم انجام ثبتهای زیر در دفاتر اکتفا می گردد:

الف - هنگام انعقاد عقد قرارداد اجاره به شرط تملیک:

بدهکار	بستانکار	معادل
اموال اجاره به شرط تملیک	بانک (فروشنده)	بهای فروش اموال توسط بانک

ب - زمان پرداخت اجاره تا اتمام موضوع قرارداد:

بدهکار	بستانکار	معادل
بانک (فروشنده)	بانک	مبلغ اجاره طبق قرارداد

ج - پس از اتمام اجاره و انتقال مالکیت:

بدهکار	بستانکار	معادل
اموال	اموال اجاره به شرط تملیک	بهای تمام شده اموال اجاره به شرط تملیک

قیمت تمام شده اموال مزبور مشخص باشد. ضمناً به منظور جایگزین کردن اموال فوق، در پایان عمر مفید آنها، باید مانند سایر اموال و برطبق قوانین مربوط، استهلاك محاسبه شود و در حساب استهلاك انباشته اموال اجاره به شرط تملیک منظور گردد. لازم به ذکر است که در صورتهای مالی نهایی، ارزش اموال اجاره به شرط تملیک به صورت خالص و پس از کسر استهلاك انباشته منعکس می شود. در پایان مدت قرارداد نیز پس از انتقال اموال اجاره به شرط تملیک به حساب اموال، استهلاك انباشته مربوط، به حساب استهلاك انباشته منتقل خواهد شد. اما در عمل و به صورت واقع، در بسیاری از این نوع معاملات، بانک به عنوان فروشنده کالا طی قرارداد اجاره به شرط تملیک، کالایی را به خریدار نمی فروشد و قرارداد تنظیم شده جنبه صوری دارد زیرا بانک بر اساس فاکتور با مدارک خرید کالای ارائه شده توسط متقاضی اقدام به انعقاد قرارداد و پرداخت وجه می کند و اصولاً در این قبیل موارد فاکتوری از طرف فروشنده اولیه کالا به نام بانک صادر نمی گردد، لذا فاکتور موجود نزد خریدار (متقاضی) به قیمت خرید نقدی بوده و متقاضی ناگزیر است تفاوت بهای نقدی و اجاره به شرط تملیک (سود اجاره به شرط تملیک از نظر بانک) را به صورت جداگانه در حسابها منعکس کند. حال با توجه به مطالب فوق، می پردازیم به آنچه در موارد یاد شده در عمل تحت نام اجاره به شرط تملیک به صورت تسهیلات بانکی در اختیار متقاضی قرار می گیرد. بانک بر نحوه استفاده از دارایی خریداری هیچگونه نظارتی ندارد و آنچه به عنوان وظیفه انجام می دهد، دریافت اقساط و سود تضمین شده مشخص تا پایان مدت بازپرداخت است، لذا این قبیل تسهیلات نیز از نظر حسابداری به صورت یکی از عملیات بانکداری سنتی شرح زیر در دفاتر منعکس و هزینه مربوط بعنوان هزینه مالی ثبت می شود:

الف - هنگام دریافت تسهیلات:

بدهکار	بستانکار	معادل
اموال	تسهیلات بانکی برداختنی	اصل مبلغ قرارداد
هزینه های سنوات آتی تسهیلات بانکی برداختنی		کل سود تضمین شده

ب - زمان بازپرداخت اقساط تا تسویه تسهیلات:

بدهکار	بستانکار	معادل
تسهیلات بانکی برداختنی بانک		اصل و سود تضمین شده
هزینه های مالی	هزینه های سنوات آتی	اقساط پرداخت شده
		سود تضمین شده هر قسط

با توجه به عملیات فوق مشاهده می شود که شرایط مختلف قرارداد به هیچ ترتیبی در دفاتر انعکاس نمی یابد و اساساً لزومی به انعکاس آنها و نگهداری حسابهای اختصاصی احساس نمی شود. لذا سود حاصل از قرارداد اجاره به

ورق بزیید

به این نکته باید اشاره کرد که هزینه های انجام شده ای که به خاطر افزایش عمر مفید اموال اجاره به شرط تملیک انجام می شود، مانند هزینه های تعمیرات اساسی، باید به حساب اموال اجاره به شرط تملیک مربوط منظور گردد تا

حسابداری تسهیلات بانکی

شرط تملیک به طور مجزا مشخص نیست و از این مهمتر در مورد داراییهایی است که نقل و انتقال آنها نیازی به انجام تشریفات خاص از قبیل ثبت اسناد مالکیت در محضر اسناد رسمی ندارد و استفاده کننده از تسهیلات اجاره به شرط تملیک می تواند دارایی خریداری شده را به فروش برساند و بانک نیز کنترلی بر این گونه امور ندارد.

۳ - معاملات مشارکت مدنی

مشارکت مدنی براساس ماده یک آیین نامه مشارکت مدنی و مقررات موقت اجرایی آن عبارت است از درآمیختن سرمایه نقدی و یا جنسی متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی متعدد به نحو مشاع، به منظور انتفاع، طبق قرارداد. براساس ماده ۳ آیین نامه پیشگفته، «مشارکت مدنی در صورتی شکل و تحقق خواهد یافت که شرکاء طبق قرارداد، سرمایه نقدی خود را به حساب مخصوصی که در بانک برای شرکت، افتتاح می گردد واریز نمایند و در صورتی که سرمایه جنسی باشد، طبق مقررات مشارکت مدنی این سرمایه به صورت مشاع درآمده باشد.» ماده ۴ آیین نامه مشارکت مدنی و مقررات موقت اجرایی آن می گوید: «مشارکت مدنی پس از اتمام موضوع شرکت، تصفیه حساب و مرتفع می شود.»

براساس ماده ۱۲ آیین نامه مزبور، بانکها موظفند بر نحوه اداره شرکت مدنی تا اتمام معامله و یا معاملات موضوع شرکت و تسویه حساب، طبق قرارداد، نظارت کافی به عمل آورند.

با توجه به آنچه در بالا گفته شد، در صورت تحقق تمامی شرایط قرارداد مشارکت مدنی، باید ثبتهای زیر در حسابهای متقاضی انجام شود:

الف - در صورتی که سرمایه دریافتی از بانک، نقدی باشد:
۱ - دریافت سهم بانک:

بدهکار	بستانکار	معادل
--------	----------	-------

بانک حساب جاری مشترک حساب مشترک مشارکت مدنی وجوه دریافتی از بانک
۲ - تخصیص سهم متقاضی:

بدهکار	بستانکار	معادل
--------	----------	-------

بانک حساب جاری مشترک بانک سهم متقاضی در مشارکت مدنی
ب - در صورتی که سرمایه غیر نقدی باشد:

سهم سرمایه غیر نقدی بانک و متقاضی، به مبلغ تقویم شده و به شرح زیر در دفاتر ثبت می شود:

۱ - هنگام دریافت سهم بانک:

بدهکار	بستانکار	معادل
--------	----------	-------

اموال یادارایی مشترک حساب مشترک مشارکت مدنی سهم بانک یا آورده غیر نقدی تقویم شده بانک

۲ - هنگام تخصیص سهم متقاضی

بدهکار	بستانکار	معادل
--------	----------	-------

اموال یادارایی مشترک اموال یادارایی مربوط سهم متقاضی، معادل آورده غیر نقدی تقویم شده متقاضی

ج - زمان استفاده از سرمایه حاصل از مشارکت مدنی که براساس تقاضای متقاضی و تأیید بانک می باشد، به شرح زیر در دفاتر ثبت می شود:

بدهکار	بستانکار	معادل
--------	----------	-------

بانک بانک حساب جاری مشترک مبلغ استفاده شده

د - پس از به کارگیری سرمایه حاصل از مشارکت مدنی تمامی عملیات تجاری یا تولیدی مربوط باید به تفکیک در حسابهای مربوط به حساب عملکرد و سود و زیان مشارکت مدنی، مانند حسابهای خرید مواد مشارکت مدنی، دستمزد مشارکت مدنی، سربار مشارکت مدنی و فروش مشارکت مدنی ثبت شود تا سود و زیان حاصل از مشارکت مدنی جداگانه مشخص شود. در پایان مدت قرارداد و پس از مشخص شدن میزان سود یا زیان حاصل از مشارکت، زمان تسویه فرامی رسد که به شرح زیر در دفاتر منعکس می شود:

بدهکار	بستانکار	معادل
--------	----------	-------

سودوزبان مشترک مشارکت مدنی حساب مشترک مشارکت مدنی سهم سود بانک

- هنگام پرداخت سهم بانک از مشارکت مدنی:

بدهکار	بستانکار	معادل
--------	----------	-------

حساب مشترک مشارکت بانک اصل و سود مربوط به سهم مدنی بانک از مشارکت مدنی

سودوزبان مشترک سودوزبان کل سهم سود متقاضی

مشارکت مدنی

ثبت آرتیکل های فوق در صورتی است که حاصل عملیات مشارکت مدنی به سود بینجامد و اگر نتیجه عملیات زیان باشد جای بدهکار و بستانکار در ستونهای مربوط تغییر می کند.

ولی در موارد بسیاری، در عمل به دلیل ثابت بودن میزان سود مورد انتظار و دریافتی بانک، اگر حاصل عملیات زیان یا سودی کمتر از سود پرداختی به بانک باشد، متقاضی باید مابه التفاوت را به حساب هزینه های مالی مشارکت منتقل کند که این امر در نظر نگرفتن اصول و مقررات معاملات مشارکت مدنی به حساب می آید.

حال با عنایت به اینکه یک حسابدار در برخورد با قرارداد مشارکت مدنی، به صورت یک اعتبار بانکی با سود تضمین شده ثابت و زمان باز پرداخت معین

با آن روبه روی می شود، ثبت تسهیلات دریافتی را به صورت زیر انجام می دهد:

الف - هنگام دریافت تسهیلات:

بدهکار	بستانکار	معادل
بانک	تسهیلات بانکی پرداختی مبلغ دریافتی	
هزینه های سنوات آتی	تسهیلات بانکی پرداختی سودتضمین شده	

ب - در پایان دوره مالی (در صورتیکه زمان باز پرداخت در دوره مالی بعد باشد):

بدهکار	بستانکار	معادل
هزینه های مالی	هزینه های سنوات آتی	سودتضمین شده دوره مالی

ج - هنگام باز پرداخت:

بدهکار	بستانکار	معادل
تسهیلات بانکی پرداختی	بانک	اصل و سودتضمین شده
هزینه های مالی	هزینه های سنوات آتی	سودتضمین شده منتهک نشده

توجه به نتهای فوق که در عمل در دفترهای متقاضی صورت می گیرد، نشان می دهد که قرارداد در موارد یاد شده صرفاً به منظور اعطای تسهیلات به متقاضی منعقد شده و عملیات مزبور نیز از نظر متقاضی، مشابه اعتبارات معمول بانکداری سنتی انجام شده است.

۴ - معاملات مضاربه

طبق ماده یک آیین نامه مضاربه و مقررات موقت اجرایی آن، مضاربه قرارداد تجاری است که بین دو طرف (بانک و شخص حقیقی یا حقوقی دیگر) برای اجرای امور تجاری بسته می شود. در این قرارداد بانک عهده دار تأمین تمام منابع (سرمایه) لازم و طرف دیگر عهده دار کار برای اجرای امور تجارت می شود. و براساس ماده ۸ آیین نامه پیشگفته «بانک بر مصرف منابع (سرمایه) و برگشت آن و همچنین عملیات اجرایی مضاربه طبق قرارداد مربوطه نظارت خواهد کرد.»

با توجه به مفاد مواد پیشگفته و سایر مواد آیین نامه مضاربه و مقررات موقت اجرایی آن، عامل (طرف عهده دار امور) باید در صورت اجرای مفاد آیین نامه و قرارداد، عملیات مربوط به مضاربه را به صورت زیر در دفترها ثبت کند:

الف - هنگام دریافت وجوه از مضارب (بانک):

بدهکار	بستانکار	معادل
بانک	مضارب	وجوه دریافت شده

ب - سود و زیان حاصل از عملیات تجاری مرتبط با قرارداد مضاربه باید

جداگانه در دفترها و در حساب سود و زیان مضاربه مشخص شود. پس از پایان مدت قرارداد یا عملیات تجاری مربوط، انعکاس آن در حسابها به صورت زیر خواهد بود.

یادآوری می شود که در مورد نگهداری جداگانه حساب سود و زیان مضاربه، باید حساب عملکرد مضاربه و کلیه حسابهای مربوط به آن، از قبیل حساب خرید مضاربه، هزینه های مضاربه، قیمت تمام شده مضاربه و فروش مضاربه نیز جداگانه نگهداری شود:

بدهکار	بستانکار	معادل
سود و زیان مضاربه	مضارب	سهم سود بانک

ج - زمان تسویه حساب و پرداخت به مضارب بابت تسهیلات استفاده شده:

بدهکار	بستانکار	معادل
مضارب	بانک	اصل مبلغ مضاربه و سهم سود بانک
سود و زیان کل	سود و زیان مضاربه	سهم سود عامل

ثبت های فوق با این فرض است که قرارداد مضاربه به سود بینجامد. ولی اگر عملیات مضاربه زیان به بار آورد جای ستونهای بدهکار و بستانکار تغییر می کند. باید به این نکته نیز اشاره شود که به علت ثابت بودن سود دریافتی توسط بانک، در صورتیکه حاصل مضاربه زیان یا سود کمتری از سود پرداختی به بانک باشد، مضارب باید مابه التفاوت مربوط را به حساب هزینه های مالی مضاربه منتقل کند که این امر نشانه خروج از اصول و ضوابط قرارداد مضاربه است.

چنان که مشاهده می شود انجام عملیات فوق در دفترهای حسابداری موکول به تحقق تمامی شرایط قرارداد است، در صورتی که از نظر حسابداری چنانچه کنترل های لازم از طرف بانک اجرا نشود و دریافت تسهیلات به صورت وام یا بهره ثابت و در قالب یکی از عملیات بانکی بدون ربا انجام پذیرد، قرارداد صوری بوده و به صورت زیر در حسابها ثبت می شود:

الف - زمان دریافت تسهیلات:

بدهکار	بستانکار	معادل
بانک	تسهیلات بانکی	مبلغ دریافتی طی قرارداد
هزینه های سنوات آتی	تسهیلات بانکی پرداختی	کل سودتضمین شده

ب - در پایان سال مالی (در صورتیکه زمان پایان قرارداد در سال مالی بعد باشد):

ورق بزنید

حسابداری تسهیلات بانکی

بدهکار	بستانکار	معادل
هزینه های مالی	هزینه های سنوات آتی	سهم سود تضمین شده مربوط به سال مالی

ج - زمان تسویه حساب و پرداخت به مضارب بابت تسهیلات استفاده شده:

بدهکار	بستانکار	معادل
تسهیلات بانکی	بانک	اصل مبلغ مضاربه و سود تضمین شده
پرداختی		سهم سود تضمین شده
هزینه های مالی	هزینه های سنوات آتی	سهم سود تضمین شده مربوط به سال مالی

انعکاس عملیات فوق در دفترهای حسابداری نشان می دهد که عمل مضاربه به صورت یکی از عملیات معمول بانکداری سنتی ثبت شده و دلایل و فراین نیز حکایت از صحت این امر دارند.

۵ - فروش اقساطی

آیین نامه موقت اجرایی فروش اقساطی، معاملات مربوط را به ۳ نوع، شامل فروش اقساطی مواد اولیه و لوازم بدکی و ابزار کار، فروش اقساطی وسایل، ماشین آلات و تأسیسات، و فروش مسکن تفکیک کرده است. در اینجا با توجه به بررسی نحوه ثبت معاملات مزبور در دفترها و مشابهت هر ۳ نوع از لحاظ ماهیت قرارداد، فروش اقساطی وسایل، ماشین آلات و تأسیسات به عنوان مبنای بررسی برگزیده شده است. براساس ماده یک آیین نامه مقررات موقت اجرایی فروش اقساطی وسایل، ماشین آلات و تأسیسات، وسایل، ماشین آلات و تأسیسات به آن دسته از کالاهایی اطلاق می شود که عمر مفید آن بیش از یک سال باشد و طبق ماده ۲ آیین نامه مزبور، بانکها می توانند؛ به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت استفاده در امور تولیدی و خدماتی، کالاهای موضوع ماده یک این آیین نامه را بنا به درخواست کتبی متقاضیان و تعهد آنها مبنی بر خرید کالاهای مورد درخواست، خریداری کنند و به صورت اقساطی به متقاضی بفروشند. ماده ۳ آیین نامه پیشگفته، قیمت فروش کالا را به شرح زیر تعیین می کند:

قیمت فروش کالاهای موضوع این آیین نامه با توجه به قیمت تمام شده تعیین خواهد شد. در هر حال سود بانک از ۸ تا ۱۲ درصد در سال، نسبت به قیمت تمام شده تجاوز نخواهد کرد.

با توجه به مفاد مواد پیشگفته، عملیات مربوط به قرارداد فروش اقساطی

باید به شرح زیر در دفاتر متقاضی منعکس شود:

الف - هنگام انعقاد قرارداد فروش اقساطی و واريز سهم بیش پرداخت خرید:

بدهکار	بستانکار	معادل
بیش پرداخت سرمایه ای	بانک	بیش پرداخت (سهم متقاضی)

ب - زمان دریافت تسهیلات فروش اقساطی (خرید اموال):

بدهکار	بستانکار	معادل
اموال فروش اقساطی	بانک (فروشنده)	تسهیلات دریافتی از بانک
اموال فروش اقساطی	بیش پرداخت سرمایه ای	بیش پرداخت (سهم متقاضی)

یادآوری می شود که اموال مزبور تا تسویه کامل تسهیلات فروش اقساطی در وثیقه بانک قرار دارد.

ج - هنگام پرداخت اقساط:

بدهکار	بستانکار	معادل
بانک (فروشنده)	بانک	مبلغ تعیین شده به عنوان یک قسط

د - در زمان تسویه حساب و پرداخت آخرین قسط و انتقال مالکیت علاوه بر ثبت مندرج در بند «ج» فوق، عمل زیر نیز در دفترها منعکس می شود:

بدهکار	بستانکار	معادل
اموال	اموال فروش اقساطی	قیمت تمام شده اموال خریداری

ثبت فوق نشاندهنده تسویه دین شرکت در مورد خرید اموال و رفع محدودیت در اعمال مالکیت نسبت به اموال است. حال باید دید آیا متقاضی در مدتی که اموال در وثیقه بانک است، در اعمال مالکیت از قبیل فروش یا تعویض اموال محدودیت دارد یا خیر؟

در اعمال مالکیت نسبت به اموالی که واگذاری حق مالکیت آنها مستلزم انجام تشریفات قانونی خاصی است، این محدودیت وجود دارد ولی در سایر موارد میزان محدودیت بستگی به میزان نظارت بانک دارد که در حال حاضر، این نظارت با توجه به ساختار تشکیلاتی بانکهای تجاری در حداقل ممکن است. ضمن اینکه در بیشتر موارد به دلیل صادر نشدن فاکتور از طرف فروشنده

۶ - جعاله

طبق ماده یک آیین نامه جعاله و مقررات موقت اجرایی آن، جعاله عبارت است از التزام شخص به ادای عوض (مبلغ) در مقابل عملی مشخص. در جعاله:

- الف - طرفی که عمل را انجام می دهد «عامل».
- ب - طرفی که تعهد پرداخت اجرت (کارمزد) را می کند «جاعل» (کارفرما).
- ج - مبلغ پرداختی به عامل، «جعل» (عوض) نامیده می شود.

طبق ماده ۲ آیین نامه مزبور «بانکها می توانند عملیات مجاز بانکی را از طریق جعاله انجام دهند». و براساس تبصره این ماده، بانکها موظفند در مواردی که برای عملیات مجاز بانکی، از طریق سایر عقود شرعی، نظیر مضاربه، مشارکت و غیره امکانپذیر است، از انجام به جعاله خودداری نمایند. مفاد مواد آیین نامه، نوع معاملات مربوط به تسهیلات جعاله را به طور واضح مشخص نکرده است و معلوم نیست که بانک، حتی به طور صوری چه نظارتی بر معامله دارد و چنین برمی آید که منظور بانک از تسهیلات جعاله، اعطای وام به صورتی غیر از اشکال ذکر شده قبلی بوده و انتظار دریافت اصل و سود تضمین شده در سررسید مقرر، مطلوب بانک می باشد، لذا از دیدگاه حسابداری این نوع تسهیلات نیز مانند سایر تسهیلات اعتباری متداول است و نتهای لازم در این مورد نیز مانند نتهای ذکر شده در سایر تسهیلات دریافتی در دفاتر حسابداری انجام می پذیرد.

به طور کلی در مورد هزینه های پرداختی تحت عنوان سود تضمین شده به بانکها، یادآوری می شود که وزارت امور اقتصادی و دارایی این هزینه ها را به عنوان هزینه های قابل قبول می پذیرد که این امر نیز بر هزینه مالی بودن سود تضمین شده پرداختی به بانکها، تأکید دارد. گذشته از این میزان حداقل سود ذکر شده در آیین نامه اجرایی عملیات بانکی بدون ربا، اخیراً به ۱۴ درصد تا ۲۵ درصد افزایش یافته است.

از آنچه در این نوشته به صورت اجمال نگاشته شد، نتیجه می شود که در بسیاری از موارد عملیات بانکی بدون ربا در ارتباط با اعطای تسهیلات به تولیدکنندگان و تجار، غالباً به عملیات اعتباری عادی تبدیل شده و از قراردادهای و سایر مدارک ردوبدل شده صرفاً به صورت صوری استفاده می شود. علت این امر، عمدتاً به ساختار سازمانی بانکها و عدم تخصص در امور مختلف مربوط می شود، و البته نیاز به اصلاح دارد. ●

اولیه به نام بانک و همچنین صادر نشدن فاکتور فروش از طرف بانک برای متقاضی و پرداخت بهای اموال مورد قرارداد از طرف بانک، فقط براساس مدارک ارائه شده توسط متقاضی، قیمت اموال خریداری شده از طرف متقاضی به بهای خرید نقدی و طبق مدارک خرید از فروشنده اول است و تفاوت قیمت نقدی و قیمت فروش اقساطی که ضریبی از قیمت نقدی است (سود تضمین شده فروش اقساطی) باید جداگانه در حسابها ثبت شود و قرارداد منعقد شده بین بانک و متقاضی نیز با این امر مغایرت دارد و صوری می نماید. لذا در صورت عدم نظارت کامل بانک و عدم رعایت کلیه مفاد مواد آیین نامه و قرارداد منعقد شده و اعطای تسهیلات از طرف بانک به متقاضی صرفاً با انتظار دریافت اصل و سود تضمین شده مورد نظر در سررسیدهای مقرر، تسهیلات دریافتی از دیدگاه حسابداری به شکل وام و به صورت یکی از عملیات بانکداری سنتی بشرح زیر در حسابها منعکس و هزینه مربوط بعنوان هزینه مالی تلقی می شود:

الف - هنگام دریافت تسهیلات:

بدهکار	بستانکار	معادل
بانک	تسهیلات بانکی	وجه دریافتی
هزینه های سنوات آتی	پرداختنی	از بانک
	تسهیلات بانکی	کل سود تضمین شده
	پرداختنی	

یادآوری می شود که نحوه مصرف تسهیلات دریافتی با توجه به ماهیت آن از نظر حسابداری، مورد نظر نیست و از چگونگی ثبت آن صرف نظر شده و به سایر موارد پرداخته می شود.

ب - زمان پرداخت اقساط تا آخرین قسط و تسویه:

بدهکار	بستانکار	معادل
تسهیلات بانکی	بانک	اصل و سود تضمین شده
پرداختنی		یک قسط
هزینه های مالی	هزینه های سنوات آتی	سهم سود تضمین شده
		یک قسط

چنانکه مشاهده می شود، ثبت عملیات فروش اقساطی از دیدگاه حسابداری مانند ثبت تسهیلات متداول بانکداری سنتی است. که این مسئله مانند سایر موارد به ماهیت واقعی تسهیلات بازمی گردد.



امتحانات سراسری انجمن حسابداران خبره امریکا

مقدمه قسمت سوم سؤالات

پس از چاپ قسمتهای اول و دوم سؤالات حسابداری امتحانات سراسری انجمن حسابداران خبره امریکا، اینک آخرین قسمت سؤالات حسابداری مرحله اول از نظر شما می‌گذرد. با توجه به اینکه پاسخهای رسیده از نظر شمار، در حدی نیست که پاسخ‌خواهی به روال گذشته لازم باشد، در این شماره از ماهنامه «حسابدار» پاسخ هر سه قسمت اولیه درج می‌شود تا علاقه‌مندان پاسخهای خود را به‌طور مستقیم مقایسه کنند.

از میان پاسخهای رسیده برای قسمت اول، آقایان غلامرضا حاتمی، عیسی علوی و منوچهر کمالی تفرشی بهترین امتیازها را کسب کرده‌اند ولی متأسفانه جواب کاملاً صحیح دریافت نشده است.

ضمناً چون برای شرکت در امتحانات فوق، دانستن زبان انگلیسی اهمیت بسیار دارد از شماره آینده، متن انگلیسی دنباله سؤالات را همراه پاسخ، چاپ خواهیم کرد.

«حسابدار»

قسمت سوم

●
وقت برآوردی
۴۵ تا ۵۵ دقیقه





در اول دسامبر ۱۹۸۸ شرکت بار محلی را جهت اداره کار خود به مبلغ ماهانه ۶۰/۰۰۰ دلار برای مدت ۵ سال اجاره کرد. از آن تاریخ بار مبلغ زیر را به موجر پرداخت:

- اجاره اولین ماه ۶۰/۰۰۰ دلار
- اجاره آخرین ماه ۶۰/۰۰۰ دلار
- سپرده جهت تضمین (قابل استرداد در پایان مدت اجاره) ۸۰/۰۰۰ دلار
- نصب دیوارهای حائل برای ایجاد فضاهای جدید ۳۶۰/۰۰۰ دلار

● هزینه شرکت بار بابت استفاده از این محل اداری در ماه دسامبر ۱۹۸۸ چقدر است؟

الف) ۶۰/۰۰۰ دلار (ب) ۶۶/۰۰۰ دلار
ج) ۱۲۶/۰۰۰ دلار (د) ۲۰۰/۰۰۰ دلار

۴۳

در سوم ژانویه ۱۹۸۶ شرکت فالک ۵۰۰ سهم عادی شرکت میلو را به مبلغ ۳۶/۰۰۰ دلار خرید. در دوم دسامبر ۱۹۸۸، فالک حق تقدم خرید ۵۰۰ سهم میلو را دریافت کرد که به موجب آن صاحب سهم، امتیاز خرید هر سهم را به مبلغ ۸۵ دلار به دست می آورد. قیمت بازار سهام میلو قبل از اعطای این امتیاز ۱۰۰ دلار بود که بلافاصله پس از آن به ۹۰ دلار رسید. فالک امتیاز خرید سهام خود را در سوم دسامبر ۱۹۸۸ به مبلغ هر امتیاز ۱۰ دلار فروخت.

● سود فالک از فروش امتیاز مذکور چقدر است؟

الف) صفر دلار (ب) ۱/۰۰۰ دلار
ج) ۱/۴۰۰ دلار (د) ۵/۰۰۰ دلار

۴۲

در هشتم آوریل ۱۹۸۷ شرکت دی از یک شرکت خارجی مستقل ورق بزنید





● قیمت تمام شده کالای فروخته شده برای سال ۱۹۸۸ کدام یک از ارقام زیر است؟

- الف) ۵۱۰/۰۰۰ دلار (ب) ۵۲۰/۰۰۰ دلار
- ج) ۵۳۰/۰۰۰ دلار (د) ۵۸۰/۰۰۰ دلار

۴۶

در اوایل ژانویه ۱۹۸۸ شرکت دارت موافقتنامه‌ای را امضاء کرد که بر اساس آن دارایی و خط تولید بخش «جی» Jay Division خود را به عنوان قسمتی از واحد تجاری شرکت به فروش رساند. معامله در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ قطعیت یافت و به انجام رسید. سود حاصل از واگذاری ۴۰۰/۰۰۰ دلار بود که در صورت وضعیت فروش منعکس شد. عملیات بخش در سال ۱۹۸۸، قبل از منظور کردن مالیات بردرآمد ۲۲۵/۰۰۰ دلار و در سال ۱۹۸۷، ۱۲۵/۰۰۰ دلار زیان بود. نرخ مالیات شرکت دارت در هر دو سال ۳۰ درصد بوده است.

● شرکت دارت در صورتحساب سود و زیان مقایسه‌ای سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ - به عنوان عملیات متوقف شده - چه مبلغی را باید به عنوان سود (زیان) گزارش کند؟

۱۹۸۷	۱۹۸۸
الف) ۸۷/۵۰۰ دلار	الف) ۱۲۲/۵۰۰ دلار
ب) صفر دلار	ب) ۱۲۲/۵۰۰ دلار
ج) ۸۷/۵۰۰ دلار	ج) ۱۵۷/۵۰۰ دلار
د) صفر دلار	د) ۱۵۷/۵۰۰ دلار

سئوالات ۴۷ و ۴۸ براساس اطلاعات زیر تنظیم شده است:
شرکت «ب» صورت تطبیقی سود ابرازی و درآمد مشمول مالیات خود برای سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ را به شرح زیر تهیه کرده است:

سود ابرازی قبل از وضع مالیات	۵۰۰/۰۰۰ دلار
درآمد مشمول مالیات	۳۰۰/۰۰۰ دلار
تفاوت	۲۰۰/۰۰۰ دلار

unaffiliated foreign company مقدار کالای به ارزش ۱۰/۰۰۰ واحد از پول رایج محلی آن شرکت خرید و صورتحساب را در تاریخ اول مارس ۱۹۸۸ که نرخ روز تسعیر ۰/۴۵ دلار بود پرداخت. در تاریخ ۸ آوریل ۱۹۸۷، نرخ تبدیل ۰/۶۰ دلار و در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷، ۰/۵۵ دلار بود. دلار بود.

● شرکت دی برای سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ سود این معامله را چه مبلغ باید گزارش کند؟

- الف) ۱/۵۰۰ دلار (ب) ۱/۰۰۰ دلار
- ج) ۵۰۰ دلار (د) صفر دلار

۴۴

شرکت تراست در تاریخ دوم ژانویه ۱۹۸۷ تعداد ۱۰/۰۰۰ سهم از سهام عادی شرکت لاتون را به مبلغ هر سهم ۷۰ دلار متضمن ۱ درصد بهره به عنوان سرمایه گذاری بلندمدت خرید. در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷ قیمت بازار هر سهم ۷۵ دلار بود. شرکت تراست در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ به علت نیاز به وجه نقد برای گردش عملیات جاری خود تمام ۱۰/۰۰۰ سهم لاتون را به مبلغ هر سهم ۱۰۰ دلار فروخت. نرخ مالیات بردرآمد تراست برای سال ۱۹۸۸، ۳۰ درصد بود.

● این شرکت برای سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، چه مبلغی را باید در صورتحساب سود و زیان خود به عنوان سود حاصل از این فروش گزارش کند؟

- الف) ۳۰۰/۰۰۰ دلار (ب) ۲۵۰/۰۰۰ دلار
- ج) ۲۱۰/۰۰۰ دلار (د) ۱۷۵/۰۰۰ دلار

۴۵

در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ اطلاعات زیر از دفاتر و مدارک شرکت میشا استخراج شده است:
موجودی کالای ساخته شده در ۸۸/۱/۱ ۱۲۰/۰۰۰ دلار
موجودی کالای ساخته شده در ۸۸/۱۲/۳۱ ۱۱۰/۰۰۰ دلار
بهای تمام شده کالای ساخته شده ۵۲۰/۰۰۰ دلار
زیان فروش تجهیزات کارخانه ۵۰/۰۰۰ دلار





۴۹

شرکت «هارپر» در ژوئن ۱۹۸۹ به علت اُفت بازار متحمل زیانی مستمر و دائم به مبلغ ۸۴۰/۰۰۰ دلار در موجودی کالای خود شد.

● این شرکت چه مبلغی از زیان موجودی را می باید در صورت حساب سود و زیان فصل — مربوط به سه ماهه منتهی به ژوئن ۱۹۸۹ — خود منظور کند؟

الف) ۲۱۰/۰۰۰ دلار (ب) ۲۸۰/۰۰۰ دلار
ج) ۴۲۰/۰۰۰ دلار (د) ۸۴۰/۰۰۰ دلار

۵۰

شرکت «لو» طی سال ۱۹۸۸ سودهای زیر را — پس از وضع مالیات مربوط — به دست آورده است:

سود معامله با ارز خارجی
حاصل کاهش عمده ارزش پول
سود حاصل از حذف [اخیر] بدهیهای لو
۱۷۵/۰۰۰ دلار
۲۵۰/۰۰۰ دلار

● شرکت «لو» در صورت حساب پیش از موعد ۱۹۸۸ خود چه مبلغی را باید به عنوان درآمد غیرمترقبه گزارش کند؟

الف) ۴۲۵/۰۰۰ دلار (ب) ۲۵۰/۰۰۰ دلار
ج) ۱۷۵/۰۰۰ دلار (د) صفر دلار

۵۱

شرکت «کار» در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ به منظور تهیه صورتهای مالی و نیز مالیات بردرآمد، روش ارزیابی موجودی کالای خود را از روش میانگین موزون به روش اولین صادره از اولین وارده تغییر داد، این تغییر روش موجب خواهد شد موجودیهای اول دوره در آغاز ژانویه ۱۹۸۸ به مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ دلار افزایش یابد.

● نرخ مالیات بردرآمد را ۳۰ درصد فرض می کنیم. اثر انباشته این تغییر روش حسابداری در گزارش سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ معادل کدام یک از مبالغ زیر خواهد بود؟
ورق بزنید

۵۰/۰۰۰ دلار

اجزای تفاوت:
بهره اوراق قرضه شهرداری
[حداقل استهلاک در صورتحسابهای مالی] مبلغی که
در صورتهای مالی کمتر از میزان مقرر در قانون، بابت
استهلاک منظور شده است

۱۵۰/۰۰۰ دلار

۲۰۰/۰۰۰ دلار

جمع اجزای تفاوت

شرکت «ب» جهت تنظیم صورتهای مالی خود در سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ بیانیه شماره ۹۶ FASB، حسابداری مالیات بردرآمد، را زودتر از تاریخ قابل اجرا به کار برد.

نرخ مالیات بردرآمد مورد عمل شرکت در سال ۱۹۸۸ ۳۰ درصد بوده است. تفاوت استهلاک به طور مساوی در سه سال آینده براساس نرخ مالیات مصوب به شرح زیر برگشت می شود.

سال	نرخ مالیات
۱۹۸۹	۳۰٪
۱۹۹۰	۲۵٪
۱۹۹۱	۲۵٪

۴۷

در صورت حساب سود و زیان سال ۱۹۸۸ شرکت «ب» حصه جاری ذخیره مالیات بردرآمد چقدر است؟

الف) ۱۵۰/۰۰۰ دلار (ب) ۱۲۵/۰۰۰ دلار
ج) ۹۰/۰۰۰ دلار (د) ۷۵/۰۰۰ دلار

۴۸

در صورت حساب سود و زیان سال ۱۹۸۸ شرکت «ب» حصه مالیات بردرآمد انتقالی چقدر است؟

الف) ۶۰/۰۰۰ دلار (ب) ۵۰/۰۰۰ دلار
ج) ۴۵/۰۰۰ دلار (د) ۴۰/۰۰۰ دلار

* Financial Accounting Standards Board





۵۲

الف) صفر دلار ب) ۲۱۰/۰۰۰ دلار
ج) ۴۹۰/۰۰۰ دلار د) ۷۰۰/۰۰۰ دلار

شرکت «آکر» در اول ژانویه ۱۹۸۷ ماشین به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ دلار خرید. قرار بود این ماشین به روش خط مستقیم و در عرض پنج سال، بدون محاسبه ارزش اسقاط مستهلک شود. به علت اشتباه دفترداری، در سال ۱۹۸۷، استهلاکی در صورتهای مالی شرکت بابت این ماشین منظور نشده است. در جریان تهیه صورتهای مالی ۱۹۸۸ شرکت این اشتباه کشف شد.

● هزینه استهلاک این ماشین در سال ۱۹۸۸ چقدر بوده است؟

الف) صفر دلار ب) ۴۰/۰۰۰ دلار
ج) ۵۰/۰۰۰ دلار د) ۸۰/۰۰۰ دلار

۵۳

شرکت «وست» در اول ژانویه ۱۹۸۷ کارخانه ای تولیدی را برای مدت ده سال اجاره کرد. حداقل پرداختهای اجاره در سال ۱۰۰/۰۰۰ دلار است. در یادداشتهای پیوست صورتهای مالی سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، چه مقدار از اجاره پرداختی سالهای بعدی می باید افشا شود؟

مبلغ اجاره برای دوره مربوط مبلغ اجاره برای دوره پس از آن

الف) ۱۰۰/۰۰۰ دلار	صفر دلار
ب) ۳۰۰/۰۰۰ دلار	۵۰۰/۰۰۰ دلار
ج) ۵۰۰/۰۰۰ دلار	۳۰۰/۰۰۰ دلار
د) ۵۰۰/۰۰۰ دلار	صفر دلار

۵۴

ترکیب سرمایه شرکت «جونز» به شرح زیر است:

است:

۳۱ دسامبر

۱۹۸۸	۱۹۸۷
۱۱۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰
۱۰/۰۰۰	۱۰/۰۰۰
۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰

سهام صادره:

سهام عادی

سهام ممتاز قابل تبدیل

اوراق قرضه ۸٪ قابل تبدیل

شرکت جونز طی سال ۱۹۸۸ به هر سهم ممتاز ۳ دلار سود پرداخت. سهام ممتاز به ۲۰/۰۰۰ سهم عادی تبدیل پذیر است و معادل سهام عادی محسوب می شود. اوراق قرضه ۸٪ به ۳۰/۰۰۰ سهم عادی تبدیل می شود ولی معادل سهام عادی محسوب نمی شود.

● سود خالص سال ۱۹۸۸، مبلغ ۸۵۰/۰۰۰ دلار است. نرخ مالیات بر درآمد را ۳۰٪ فرض می کنیم. سود کاهش یافته هر سهم در سال ۱۹۸۸ چقدر است؟

الف) ۵/۴۸ دلار ب) ۵/۶۶ دلار
ج) ۵/۸۱ دلار د) ۶/۲۶ دلار

۵۵

اطلاعات زیر در مورد دو شرکت فرعی وابسته به شرکت کورپ، قبل از بستن حسابها، از تراز آزمایشی تهیه شده در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، انتخاب شده است:

شرکت بنکس	شرکت ارم
بدهکار	بستانکار
دلار	دلار
—	۱۵۰/۰۰۰
۲۰۰/۰۰۰	—
—	۵۰/۰۰۰
کالای ارسالی برای بنکس	
کالای دریافتی از ارم	
سود کالای مبادله شده	
بین شرکتها	

اطلاعات دیگر در مورد موجودی کالا در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ به شرح زیر





۵۷

کالای به دست آمده
از سایر شرکتهای
کالای به دست آمده
از ازم

۲۵۰/۰۰۰ ۱۷۵/۰۰۰

— ۶۰/۰۰۰

اطلاعات زیر مربوط به شرکت تورن در سال تقویمی ۱۹۸۸ است:

سود خالص ۲۴۰/۰۰۰ دلار

سود پرداخت شده سهام عادی

۱۲۰/۰۰۰ دلار

سهام منتشر شده (بدون تغییر در طی سال) ۳۰۰/۰۰۰ سهم

قیمت بازار سهام عادی شرکت تورن در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ مبلغ ۱۲ دلار بود.

● موجودی کالای گزارش شده در ترانزنامه ترکیبی دو شرکت
فرعی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ چقدر است؟

الف) ۴۲۵/۰۰۰ دلار ب) ۴۳۵/۰۰۰ دلار
ج) ۴۷۰/۰۰۰ دلار د) ۴۸۵/۰۰۰ دلار

● تعیین کنید در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ نسبت قیمت به سود
چقدر است؟

الف) ۱۴۹/۶ ب) ۱۴۱۰
ج) ۱۴۱۵ د) ۱۴۳۰

۵۶

شرکت «هیت» در اول ژانویه ۱۹۸۸ یک طرح مالکیت سهام توسط
کارکنان ازوپ (ESOP) را به اجرا درآورد. معاملات مربوط به این طرح
در طول سال ۱۹۸۸ به شرح زیر بوده است:

● در اول آوریل ۱۹۸۸ هیت ۴۵/۰۰۰ دلار نقد و ۳۰۰۰ سهم از سهام
عادی ۱۰ دلاری خود را به ازوپ اختصاص داد. در این تاریخ قیمت این سهام
در بازار آزاد هر سهم ۱۸ دلار بود.

● در اول اکتبر ۱۹۸۸ ازوپ ۱۰۰/۰۰۰ دلار از بانک یونیون ناشنال وام
گرفت و ۶۰۰۰ سهم از سهام عادی هیت را از بازار آزاد به مبلغ هر سهم ۱۷
دلار خرید [سررسید بدهی] به بانک یک ساله و شامل ۱۰ درصد بهره
می باشد و به وسیله شرکت هیت تضمین شده است.

● در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۸، ازوپ براساس ضوابط طرح ۸۰۰۰ سهم از سهام
عادی هیت را بین کارکنان هیت توزیع کرد. در این تاریخ قیمت بازار این
سهام ۲۰ دلار بود.

۵۸

«جان هولت» صاحب ۵۰ درصد از سهام عادی شرکت «بارت» است.
وی در سال ۱۹۸۳ این سهام را به مبلغ ۲۵/۰۰۰ دلار خریده است در ۳۱
دسامبر ۱۹۸۸ معلوم شد که کلیه ۵۰٪ سهام هولت در شرکت بارت در بازار
روز ۱۸۵/۰۰۰ دلار ارزش دارد سود خالص انباشته شرکت بارت و سود سهام
نقدی اعلام شده برای پنج سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ به ترتیب
۳۰/۰۰۰ دلار ۳۰/۰۰۰ دلار است.

● در صورت حسابهای شخصی هولت راجع به وضعیت مالی وی در
۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ چه مبلغی می بایست به عنوان خالص
سرمایه گذاری در بارت گزارش شود؟

الف) ۲۵/۰۰۰ دلار ب) ۱۶۰/۰۰۰ دلار
ج) ۱۷۵/۰۰۰ دلار د) ۱۸۵/۰۰۰ دلار

● شرکت هیت در صورت حساب سود و زیان سال ۱۹۸۸ خود چه
مبلغی را باید تحت عنوان هزینه مزایا در ارتباط با طرح ازوپ
گزارش کند؟

الف) ۹۹/۰۰۰ دلار ب) ۱۵۵/۰۰۰ دلار
ج) ۱۹۹/۰۰۰ دلار د) ۲۵۹/۰۰۰ دلار

۵۹

اطلاعات مربوط به قیمت تمام شده کالای فروخته شده شرکت «برونو»

ورق بزنید

* Employee Stock ownership Plan





● شرکت کرافت برای سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ چه مبلغی را باید به عنوان درآمد حاصل از دادخواهی گزارش کند؟

برای سال ۱۹۸۸ به شرح زیر است:

تاریخی دلار	واحد	قیمت تمام شده
۱/۰۶۰/۰۰۰	۲۰/۰۰۰	۸۸/۱/۱ موجودی کالا در
۵/۵۸۰/۰۰۰	۹۰/۰۰۰	تولید طی سال ۱۹۸۸
۶/۶۴۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰	۸۸/۱۲/۳۱ موجودی کالا در
۲/۵۲۰/۰۰۰	۴۰/۰۰۰	قیمت تمام شده کالای فروخته شده
۴/۱۲۰/۰۰۰	۷۰/۰۰۰	

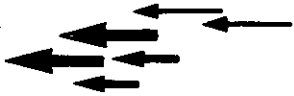
الف) ۷۵۰/۰۰۰ دلار ب) ۵۰۰/۰۰۰ دلار
ج) ۴۰۰/۰۰۰ دلار د) صفر دلار



برولو برآورد کرده است که [ارزش جاری] هر واحد از موجودی کالا در اول ژانویه ۱۹۸۸، مبلغ ۵۸ دلار و در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، مبلغ ۷۲ دلار بوده است.

● در اطلاعات تکمیلی، بیان شده براساس متوسط ارزشهای جاری قیمت تمام شده کالای فروخته شده برای سال ۱۹۸۸ چقدر است؟

پاسخ سؤالات



قسمتهای اول و دوم و سوم از مرحله ۱

الف) ۵/۰۴۰/۰۰۰ دلار ب) ۴/۵۵۰/۰۰۰ دلار
ج) ۴/۴۱۰/۰۰۰ دلار د) ۴/۰۶۰/۰۰۰ دلار

شرکت «کرافت» در ماه مه ۱۹۸۵ دادخواستی علیه شرکت «والتن» تنظیم کرد و تقاضای ۹۵۰/۰۰۰ دلار خسارت به علت نقض حق انحصاری خود نمود. دادگاه در نوامبر ۱۹۸۸ رأی داد که شرکت کرافت از بابت خسارت وارد شده مستحق دریافت ۷۵۰/۰۰۰ دلار غرامت است، اما انتظار نمی رود که حکم قطعی دادگاه به دنبال پژوهش خواهی والتن، قبل از سال ۱۹۹۰ صادر شود. مشاور حقوقی کرافت معتقد است که ادعای کرافت علیه والتن سرانجام با حدود ۴۰۰/۰۰۰ دلار تا ۵۵۰/۰۰۰ دلار به احتمال نزدیک به یقین ۵۰۰/۰۰۰ دلار به نتیجه خواهد رسید.





توضیح اینکه این پاسخها به صورت غیررسمی به وسیله کمیته برگزارکننده امتحانات پیشنهاد شده است و لزوماً نظر قطعی و نهایی انجمن حسابداران خبره آمریکا نیست.

شماره سؤال	پاسخ صحیح	شماره سؤال	پاسخ صحیح	شماره سؤال	پاسخ صحیح
۱	ج	۲۱	د	۴۱	ج
۲	الف	۲۲	د	۴۲	ب
۳	ج	۲۳	ج	۴۳	ب
۴	د	۲۴	ج	۴۴	الف
۵	ب	۲۵	ج	۴۵	ج
۶	ب	۲۶	ب	۴۶	الف
۷	الف	۲۷	ب	۴۷	ج
۸	د	۲۸	ب	۴۸	د
۹	الف	۲۹	ج	۴۹	د
۱۰	د	۳۰	الف	۵۰	ب
۱۱	الف	۳۱	ب	۵۱	ج
۱۲	الف	۳۲	الف	۵۲	ب
۱۳	الف	۳۳	ج	۵۳	ج
۱۴	ب	۳۴	ب	۵۴	ب
۱۵	د	۳۵	الف	۵۵	ج
۱۶	ج	۳۶	ب	۵۶	الف
۱۷	الف	۳۷	ج	۵۷	ج
۱۸	ج	۳۸	ب	۵۸	د
۱۹	د	۳۹	د	۵۹	ب
۲۰	الف	۴۰	د	۶۰	د



ماجراهای بنده



را که روشن کرد از کوره در رفتم. گفتم خوب خودت هیچی به فکر دیگران باش! (نمی دانم دانشگاه چقدر به او حقوق می دهد که در همه حال می تواند متانت استادیاش را حفظ کند!) به آرامی گفتم: تو را مریضی یا عصبانی! «بنده» در حال نشستن کلی عذرخواهی کردم و گفتم همه اش برای این است که شهرداری دفترم را بسته و قلمم را شکسته و خودم را ورشکسته کرده است.

«بنده» مشغول فکر و خیال بودم که دوست معلمم با دست های آلوده به گچ و پیمپ بزرگش وارد شد و پس از سلام و احوالپرسی به گرمی با من دست داد و نشست. «بنده» با بداخلاقی پرسیدم: این دانشگاه شما یک دستشویی ناقابل برای استادان خود ندارد که دستهایشان را بشویند؟ پیش

گفت: عیبی ندارد، اصولاً ایجاد دفتر حسابرسی در محل مسکونی کاری غیرقانونی بود. **«بنده» گفت:** کش ما حسابدارها هم مثل دکترها و وکلا و مهندسين مشور، نظامی، کانونی یا جامعه‌ای داشتیم و می‌توانستیم در مقابل شهرداری بایستیم و با قدرت تمام در محل مسکونی، دفتر کار داشته باشیم. **گفت:** خوب آنها کارشان مورد نیاز شدید جامعه است! **«بنده» گفت:** حتماً باید همه حسابرس‌ها از این حرفه بیرون بروند و آن وقت مجبور شوند از بنگلادش حسابرس وارد کنند تا معلوم شود این کار هم لازم است؟

گفت: اینها همه حرف است فعلاً پولی دست و پا کن و دفتر جدیدی بزَن و مشغول شو.

گفتم: خوب تو مقداری به من قرض بده. **گفت:** کوری عصاکش کوری دگر شود؟

«بنده» گفت: پس راه حلی نشان بده. **گفت:** مشکل تو در بانک حل می‌شود. وام بانکی، آن هم بدون ربا! ببینم تو اصلاً رابطه‌ای با بانک داری؟

«بنده» گفت: بله، البته فقط از «نوع سوم»! رابطه نوع اول سپرده‌گذاری است که به کار من نمی‌خورد چون پولی ندارم که سپرده کنم، رابطه نوع دوم هم وام‌گیری است که هر وقت پرسیدم گفتند کار تو خدماتی است و خدمات هم برای اقتصاد مضر است و به تو وام نمی‌دهیم، رابطه نوع سوم هم همان حساب جاری اجباری است، برای واگذاری چکهای ناچیز حق الزحمه که پیش از آنکه به دست خودم برسد با صدور یک برگ چک، تماماً از طریق بانک در اختیار طلبکارها قرار گیرد!

گفت: بانکها اینهمه سرویسهای مختلف می‌دهند، حساب در گردش، در چرخش، کارتی، مسافرتی، پس انداز، قرض الحسنه، سرمایه‌گذاری، مشارکت و غیره غیره. تازگیها هم نرخ سود کشاورزی، ساختمانی، تولیدی و خدماتی، را معلوم کرده‌اند. شاید حالا به خدمات هم وام بدهند.

خلاصه با اصرار این استاد بزرگوار رفتم به بانک ایشان. کاری هم نداریم که بیشتر شبیه نمایندگان کامپیوتر بود یا نبود و تازه مردم هم توی صف‌های طولانی ایستاده بودند یا نشسته بودند. رئیس شعبه هم خوشحالتانه یادش آمد که ۱۵ سال پیش شاگرد **«بنده»** بوده و خیلی ما را تحویل گرفت! (درست از آن نوع که یک بسته اسکناس پاره دوست ریالی تحویل تحویلدار بانک داده باشی!). بعد از حل و فصل امور اقتصادی مملکت! وارد اصل ماجرا شدیم و غرض از مزاحمت را به استحضار رساندیم.

رئیس شعبه فرمودند: البته کار شما تولیدی که نیست! مفید مفید هم که نیست! نوعی خدمات است، تازه از متخصصان ایرانی جذب شده از اروپا و آمریکا هم که نیستید و متأسفانه در تمام مدت جنگ تحمیلی و بیمارانه‌ها و مشکلات، از این مملکت تکان هم نخورده‌اید! اجاره به شرط تملیک چطور است؟ برای تهیه دفتر خیلی مناسب است، مگر نه؟

«بنده» گفت: بسیار عالی است! یعنی شما محلی را می‌خرید و اصل و فرعش را ۱۵ ساله به صورت اجاره از من می‌گیرید. با اینکه قسط آن خیلی سنگین است، به مالکیت آخرش می‌ارزد!

فرمودند: خیر ما کاری به خرید ملک نداریم شما ملک را پیدا می‌کنید، فقط باید طوری باشد که بتوانیم حدود یک میلیون تومان آن را از طریق بانک تأمین کنیم، بقیه را (حالا فرض کنیم هفت، هشت میلیون تومان) خودتان تأمین می‌کنید، ما هم روی یک میلیون تومان سهم بانک اجاره ناچیزی تعیین می‌کنیم.

«بنده» گفت: و بعد از ۱۵ سال که ملک در گروی شما است، **«بنده»** مالک ملک خودم می‌شوم! آخر رفیق عزیز، من اگر هفت، هشت میلیون تومان داشتم که نمی‌آمدم اینجا! قرض الحسنه چطور است؟ **گفتند:** اولاً قرض الحسنه به کسی داده می‌شود که محتاج باشد! ثانیاً مبلغ قرض الحسنه حداکثر هشتاد هزار تومان است ولی از حق نگذریم کارمزدش بسیار ناچیز است! بردد حسابرس‌ها می‌خورد!

«بنده» گفت: اولاً هشتاد هزار تومان به درد من نمی‌خورد ثانیاً کارمزد برای چه؟ مگر از محل قرض الحسنه مجانی مردم، وام نمی‌دهید؟ **گفتند:** اگر کارمزد نداشته باشد چطور می‌شود ماشین سواری و یخچال و پول نقد جایزه داد؟ و تازه برای جلب قرض الحسنه چطور می‌شود در روزنامه و صدا و سیما آگهی داد؟

دیدم پُری راه هم نمی‌گوید. یاد کسی افتادم که می‌گفت قصد دارد چند ورق آهن را خم کند و به هر کدام از آنها یک کمپرسور بچسباند و به اصطلاح چند یخچال درست کند، می‌گفت با بانک صحبت کرده که پول دو هزار یخچال را به اسم سلف یا اقساطی به او وام بدهند. پس حتماً راهی برای کار من هست. باید در کمال آرامش آن راه را پیدا کرد!

رئیس شعبه افکار مرا پاره کرده، فرمودند: چون معلم من بوده‌اید می‌دانم خیلی دردسر کشیده‌اید و

الان هم مستأصل شده‌اید، می‌خواهم کاری برایتان بکنم. تنها وسیله‌ای که به کار خدماتی شما می‌خورد، کامپیوتر است. شما یک پیش‌فاکتور کامپیوتر بیاورید، ما آن را نقد می‌خریم و بعد به صورت اقساطی به شما می‌فروشیم!

«بنده» عرض کردم: اولاً، **«بنده»** به کامپیوتر احتیاج ندارم. ثانیاً، جایی برای نگهداری آن ندارم و به قول یکی از دوستان، از سدبگر سوی، من وام می‌خواهم شما می‌فرمایید کامپیوتر بخر؟ دوست **«بنده»** آنجنان زد به پهلویم که هنوز کیبودیش خوب نشده است! یواشکی گفت مرد حسابی واقعاً که قرار نیست کامپیوتر بخری! وقتی بانک پول را به فروشنده پرداخت کرد، به فروشنده (که خیلی هم غریبه نیست) مراجعه کرده و اعلام انصراف می‌کنی. فروشنده هم به جای اینکه پول بانک را پس بدهد، اشتباهاً چک را در وجه تو می‌کشد! **«بنده»** با کمی خجالت ادامه دادم: البته کامپیوتر بسیار مهم است و در آینده بدون آن نمی‌شود زندگی کرد چه برسد به حسابرسی! روی چشم، فردا یک پیش‌فاکتور هفتصد هزار تومانی تقدیم می‌کنم! باشد؟

رئیس شعبه که احساس کرد کم کم دارد از شر **«بنده»** خلاص می‌شود گفت: یک وثیقه ملکی هم بیاورید. فکر می‌کنم برای هفتصد هزار تومان کامپیوتر! بتوانیم پانصد هزار تومان بپردازیم. نرخ سود ثابت برای خدمات هم که فقط ۲۴٪ است!

«بنده» گفت: شما مثل اینکه داخل باغ تشریف ندارید! وثیقه ملکی ام کجا بود؟ تازه ۲۴٪ سود ثابت را مگر می‌شود با درآمد حسابرسی پرداخت کرد!

رئیس شعبه فرمودند (البته پس از یک نگاه عمیق عاقل اندر سفیه): خوب این دیگر مشکل شماست. ما هر خدمتی می‌توانستیم ارائه کردیم!

«بنده» گفت: **«بنده»** از اول هم می‌دانستم که این مشکل **«بنده»** است و تازه لاینحل هم هست. شما به این دوست **«بنده»** بفرمائید! ایشان براساس موازین اقتصادی و مالی فکر می‌کنند بانک کارش این است که پس اندازهای زیادی را جمع کند و به آنها که احتیاج دارند وام بدهد! روبه دوست دانشمند **«بنده»** کرده و افزودم: زهی خیال باطل! ●

بحرانهای بانکی:

خطری برای اقتصاد آزاد

مقدمه

آزادسازی اقتصادی و فعالیتهای اقتصاد به وجود شبکه بانکی مستقلی نیازمند است که بتواند به کمک آن گردش منابع را به شکل بهینه درآورد. دستیابی به وضعیت بهینه در اقتصادهای در حال گذر کارچندان ساده‌ای نیست و در این راه، بارها وضعی به وجود می‌آید که سیستم بانکی به جای آن که راهگشای فعالیتهای واقعی باشد، خود دچار بحران می‌شود. احتمال بحران زدگی به ویژه در کشورهایی که سیستم بانکی تحت کنترل دولت قرار دارد بیشتر است. عوامل چندی در سیستم بانکی به بروز بحران می‌انجامد.

مقاله حاضر به بررسی عوامل بروز بحران در سیستم بانکی می‌پردازد و نتایج حاصل از این بحران را ارزیابی می‌کند. و در پایان راه‌حلهایی برای تقویت شبکه بانکی ارائه می‌کند.

ناهیده راغی

تنها به دلیل برخورداری از حمایت دولت، قادرند وامهای ارزاقیمت دریافت کنند یا از تسهیلاتی استفاده نمایند که در حالت عادی نمی‌توانند به آن تسهیلات دست یابند.

وامدهی براساس دستور عمل صادر شده از طرف دولت و مقامات غیر پولی در عمل از درجه خودمختاری و استقلال بانکهای کشور می‌کاهد و تلاش بانکها را در جهت بهینه‌سازی مجموعه اعتباراتشان بی اثر و یا کم اثر می‌سازد. وقتی تعدادی از مشتریان بزرگ بانکها را اشخاصی تشکیل می‌دهند که به میل بانک برگزیده نشده‌اند،

۱: نارساییهای اقتصادی

نقاط ضعف اقتصادی در بیشتر موارد مهمترین عامل بروز بحران در شبکه بانکی کشور است. این نارساییها می‌تواند به شکلهای زیر ظاهر شود:
اول: وامدهی به نرخ ترجیحی: ممکن است دولت به دلیل تمایل به اجرای برنامه‌های اقتصادی خود، بخشهایی از اقتصاد را در اولویت قرار دهد و از سیستم بانکی بخواهد وامهای ارزاقیمت در اختیار آن بخشها بگذارد. در مواردی، شرکتهای دولتی،

عوامل بحران در شبکه بانکی کشور

در حالت کلی مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، قانونی، سیاسی و اداری سبب پیدایش بحران در شبکه بانکی یک کشور می‌شود. در زیر مهمترین این عوامل بررسی می‌شود.

۲: نارساییهای مربوط به نظارت بر بانکها

در بررسی بسیاری از مواردی که بانکها با بحران مواجه می‌شوند، مشاهده می‌گردد که با قوانین بازرسی و نظارت بر بانکها بسیار ضعیف است یا آن که همین قوانین بدرستی اجرا نمی‌شود. در نتیجه، ضوابطی مانند کفایت سرمایه، طبقه بندی وامها و منابعی که بانکها باید برای جلوگیری از بحران ذخیره کنند، بدقت ارزیابی نمی‌گردد.

در مواردی، قوانین موجود برای بانکهایی که در داخل کشور ثبت می‌شوند سختگیرانه‌ای ویژه‌ای قائل می‌شود که در مورد بانکهای ثبت شده در خارج از کشور اعمال نمی‌شود. در این گونه موارد، قدرت رقابت بانکهای کشور یکسان نیست و برخی از بانکها در موقعیت رقابتی بهتری قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، دیده شده است که در قانون پولی و بانکی برخی از کشورها، حداقل نسبت سرمایه پرداخت شده به جمع سپرده‌های دیداری و مدت دار برای همه بانکهای کشور یکسان نیست.

در مواردی، تفاوت‌های قانونی بین بانکها از حد ضوابط مختلف برای بانکهای داخلی و خارجی نیز پا فراتر می‌گذارد و بانکهای دولتی و خصوصی را نیز در بر می‌گیرد. به عنوان مثال، چارچوب عملیاتی قانونی بانکهای دولتی تسهیلات به مراتب بیشتری را در اختیار آنها قرار می‌دهد.

نظارت بر جریان وامدهی بانکها و بررسی حسابهای معوق نیز از جمله اقداماتی است که می‌تواند درجه نزدیکی شبکه بانکی را به مرحله بحران نشان دهد. مقامات پولی باید بر چگونگی برخورد بانکها با مطالبات معوقشان از عموم، نظارت داشته باشند.

۳: نارساییهای مدیریتی

مدیریت بانکها باید شایستگی و درایت کافی داشته باشد تا بتواند داراییها و بدهیهای بانک را به شکل مطلوب درآورد. نارساییهای مدیریتی ممکن است به شکلهای زیر ظاهر شود:

اول: ارزیابی ناکافی یا نادرست طرحها: یکی از وظایف بانکها این است که از متقاضی وام و اعتبار بخواهند طرح مورد نظرش را به بانک ارائه

ورق بزنید

می‌شود، نرخ بهره‌ای متفاوت با وام دیگری داشته باشد که برای خرید مواد اولیه به همان بخش داده می‌شود. در مواردی نرخ بهره دریافتی بانکها از شرکتهای مختلف به نسبتهای بدهی آن شرکتهای ارتباط داده می‌شود و هر قدر که نسبت بدهی به سرمایه شرکت زیادتر باشد، نرخ بهره وام مدت دار اعطایی بانک، زیادتر خواهد شد.

تمایز بیش از حد انواع نرخهای بهره، حتی در صورت مثبت باقی ماندن کلیه انواع نرخهای بهره واقعی، می‌تواند برای بانکهای کشور بحران آفرین باشد. وقتی نرخهای بهره واقعی منفی شود، احتمال

دلیلی پیش نمی‌آید که بانکها بخواهند در جستجوی مشتریان کوچک تلاش کنند و به فعالیت جدی بپردازند. نکته در خور توجه این است که بانکها هرگز در جریان وامدهی‌های متکی به اولویتهای دولت، تصمیمی از دولت در برابر سوخت شدن احتمالی وامها دریافت نمی‌کنند. بنابراین، خطر وامدهی نادرست و در معرض بحران قرار گرفتن بانکها با وجود وامهای اجباری و دستوری افزایش می‌یابد.

بررسی وضع بانکهایی که در بحران گرفتار آمده‌اند نشان می‌دهد که یکی از بزرگترین علل بروز



بروز بحران بانکی افزایش می‌یابد.

انعطاف ناپذیری نرخهای بهره اعطایی به سپرده‌های دریافتی بانکها از مردم نیز ممکن است بانکهای کشور را به مرز بحران بکشاند. یکی از بزرگترین ویژگیهای این قبیل انعطاف ناپذیریها، ناسازگاری بنیادی نرخهای بهره انواع سپرده‌ها با نرخهای بهره انواع اعتبارات است. بارها دیده شده است که نرخهای بهره پرداختی به سپرده‌ها به مراتب از نرخهای ترجیحی دریافتی از وامها و اعتبارات ویژه زیادتر است. در این حالت، بانک از لحاظ مالی دچار مشکل می‌شود زیرا هزینه‌ای که باید از محل سایر وامها تامین شود آن قدر زیاد است که بانکها را وامی دارد منابع باقی مانده‌شان را به فعالیتهای پرخطرتر بکشاند تا شاید بازده مورد نیاز خود را به دست آورند.

بحران، اعطای مبالغ هنگفتی وامهای مختلف به نرخهای ارزان و ترجیحی یا به دستور دولت بوده است.

دوم: انعطاف ناپذیری و پیچیدگی روش محاسبه نرخ بهره. در بسیاری از کشورها انواع کنترلها بر نرخهای بهره اعمال می‌شود و وامهای مختلف با در نظر گرفتن سرسیدهایشان، بهره‌های متفاوتی دارند. تمایز بین نرخهای بهره تنها به سرسیدهای مختلف محدود نمی‌شود و دامنه آن به انواع وامها نیز می‌رسد. به عنوان مثال، ممکن است وامی که برای تأمین تنخواه گردان یک بخش داده

بحرانهای بانکی: خطری برای اقتصاد آزاد

فراتر رفته است. در چنین حالتی، بانک با بحران مالی روبه‌رو خواهد شد.

رفتار می‌شود که با فردی عادی که مرتکب تخلف رانندگی شده است.

۴: عدم اطمینان در مورد باز پرداخت بدهیها

در صورتی که کشور در وضعی قرار داشته باشد که صنایع آن ملی شود، یا صنایع ملی آن به بخش خصوصی واگذار گردد، آن‌گاه احتمال معوق ماندن بدهیهای صنعت به بانکها روبه افزایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، قرار گرفتن در وضعیت گذر و وجود عوامل برون‌زا می‌تواند در جریان باز پرداخت اقساط بدهیهای عمومی به بانکها اختلال ایجاد کند و در نهایت به بروز بحران بانکی بینجامد. نوسانات شدید نرخ ارز هم ممکن است عاملی برای بالا بردن احتمال سوخت شدن وامها باشد. در مواردی دیده شده است که بانکهای مرکزی برای جلوگیری از بالا رفتن خطر بحران بانکی صندوقهای ویژه‌ای برای پوشش دادن به مشتریان بانکها در برابر نوسانات ارزی ایجاد کرده‌اند.

مصائب طبیعی هم ممکن است عدم اطمینان از باز پرداخت شدن وامها را افزایش دهد. به عنوان مثال، اگر در منطقه‌ای زلزله حادث شود، به احتمال زیاد، اشخاصی که در آن منطقه از بانکها وام دریافت کرده‌اند، قادر به پرداخت بدهیهایشان در موعد مقرر نخواهند بود. ممکن است گفته شود که پیش‌بینی بلاهای طبیعی غیرممکن است. این نکته بدون تردید درست است، اما تنها با تکیه بر پیش‌بینی ناپذیر بودن این قبیل حوادث، نمی‌توان احتمال بروز آنها را نادیده گرفت. در هر صورت، سابقه تاریخی بروز بحرانهای طبیعی همیشه می‌تواند ارزیابیهای معقولتری را موجب شود.

۵: فقدان چارچوب قانونی لازم

بررسیها نشان می‌دهد که شاید در کلیه مواردی که بانکها با بحران مواجه شده‌اند، چارچوب قانونی فعالیتهای مالی دچار نارساییهای مشهود و بنیادی بوده است. در مواردی، نقل و انتقالات مالی تابع قوانین مدنی بوده است. به عنوان مثال، اگر چکی بینحل صادر شود، با صادر کننده چک همان‌گونه

کند تا آنها بتوانند تا حدودی از امکان باز پرداخت وام اطمینان حاصل کنند. وقتی ارزیابی طرحها بدرستی صورت نگیرد، برآورد سوددهی طرح به واقعیت نخواهد پیوست و امکان برگشت وام کاهش خواهد یافت.

در مسواری از اعطای وام، روابط بیش از ضوابط، ملاک پرداخت و ارزیابی مثبت طرحها می‌شود. اگر چنین قاعده‌ای در کشوری برقرار باشد، امکان سوخت شدن وامها و رویارویی شبکه بانکی با بحران، افزایش می‌یابد.

در برخی از کشورها، بانک مرکزی و مقامات پولی، ضوابط ویژه‌ای را برای ارزیابی طرحها مطرح می‌کنند. اگر این ضوابط با واقعیتی معین نشده باشد، سیستم بانکی به ناچار از آن تخلف خواهد کرد. در صورتی که مقررات وضع شده زیاده از حد باریک بینی به کار برد نیز، امکانات مدیریتی از بانکها سلب می‌شود.

دوم: عدم کفایت مدیریت بانکها در جمع‌آوری اقساط وامهای اعطایی: حسابداری وام و رسیدگی به نحوه جمع‌آوری اقساط وامهای اعطایی از جمله اموری است که مدیریت باید بدقت به آن بپردازد. در بسیاری از کشورها، مدیریت بانکها حتی آمار و صولیهای شعبه‌ها را بدرستی گردآوری نمی‌کنند. بنابراین هر بانک بدرستی نمی‌داند که در مجموع، وضعیت جمع‌آوری و وصول اقساط وامهای پرداختی اش چقدر است.

واگذار کردن موضوعاتی مثل جریان و صولیها به شعب بانکها و یک کاسه نکردن اطلاعات در مراحل اولیه، ممکن است وضعی را به بار آورد که مدیریت بانک به ناگاه متوجه شود حجم مطالبات مشکوک الوصول و سوخت شده‌اش از حد پذیرفتنی

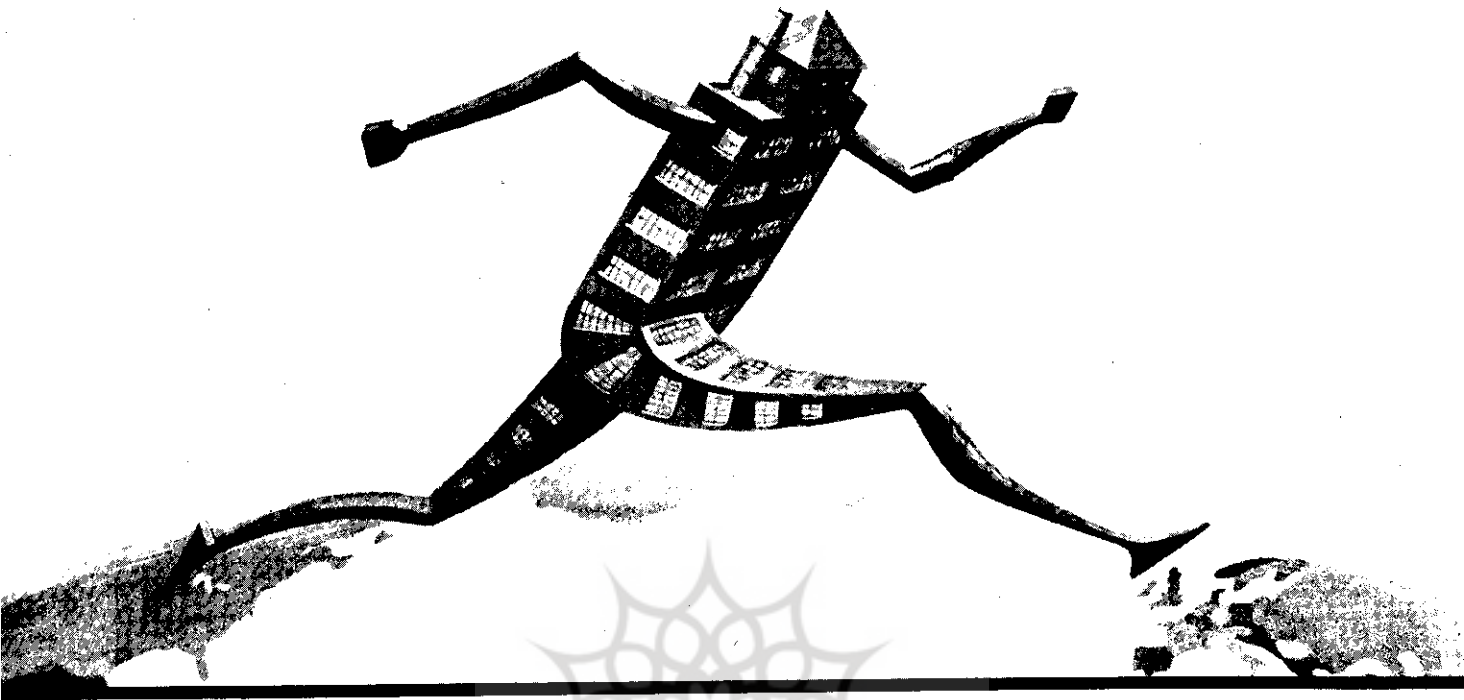
شرایط کلان اقتصاد و آشفته‌گی مالی

اگر آشفته‌گیهای مالی سیستم بانکی بدقت بررسی شود، بسادگی می‌توان دید که مدتها پیش از بروز بحران، شرایطی که در نهایت منجر به بحران می‌شود، وجود داشته است. با این حال، فرد از خود می‌پرسد، پس از چه فاصله زمانی بعد از بروز شرایط، خود بحران ظاهر می‌شود و چه عواملی در بروز آن دخالت دارد؟ از این نظر است که مطالعه وضعیت اقتصاد از دیدگاه کلان اهمیت می‌یابد.

نکته‌ای که در کلیه بحرانهای بانکی دیده می‌شود، وجود روند تضعیف در ارزش برابری پول ملی کشور است. مدتها پیش از آن که بحران بانکی ظاهر شود، پول کشور دم‌به‌دم کم ارزش‌تر می‌شود. به این ترتیب کسانی که وام خارجی دریافت کرده‌اند، هر روز باید مبالغ سنگینتری پول ملی بابت باز پرداخت اصل و بهره بدهیهایشان گردآوری کنند. بار بدهیها بر حسب پول ملی گاهی آنقدر سنگین می‌شود که بدهکاران را از باز پرداخت بدهیهایشان عاجز می‌سازد. هر زمان که درصد این قبیل بدهکاران روبه افزایش بگذارد، احتمال بروز بحران بانکی شدت می‌یابد.

یکی از شرایطی که وجود آن بروز بحران را محتمل‌تر می‌سازد، اجرای سیاستهای پولی و اعتباری انبساطی است. این وضع بویژه در مورد اقتصادهای در حال گذر در خور توجه است. صاحبان صنعت و دست‌اندرکاران در کشاورزی و تجارت، به این امید که وضع اقتصادی پس از عبور از دوره گذر روبه بهبود می‌گذارد، با وام‌گیری از سیستم بانکی به سرمایه‌گذاری می‌پردازند. اگر سیاستهای دوره گذر بیش از حد خوشبینانه باشد، سرخوردگی وام‌گیرندگان در نهایت با سوخت شدن بدهیها و در معرض بحران قرار گرفتن سیستم بانکی همراه می‌شود.

در مجموع، شاید نتوان کلیه حالات کلان اقتصادی را که به بروز بحران بانکی کمک می‌کند طبقه‌بندی کرد، اما می‌توان مدعی شد که وقتی سیاستهای کلان اقتصادی در رسیدن به هدفهای معین شده توفیق نیابند، تداوم نابسامانیها می‌تواند



برای سیستم بانکی بحران آفرین باشد.

نتایج بحرانهای بانکی

در هر بحران بانکی در اقتصادهای آزاد، مجموعه ای از عوامل دست به دست یکدیگر می دهد و مشکلات مالی پدید می آید. اگر بحران بخوبی کنترل شود، حاصل آن ممکن است وضعی باشد که در آن مردم اطمینانشان را به سیستم بانکی کشور از دست ندهند. در مواردی که بانکهای کشور دولتی باشند، بار تعدیل به طور عام بردوش دولت می افتد. در هر صورت، حاصل بحران بانکی هر چه باشد، هزینه های اقتصادی و اجتماعی آن نباید نادیده انگاشته شود. در زیر بررسی از این هزینه ها بررسی می شود.

اول- تأثیر بحران بانکی بر بودجه: هر قدر تعداد بانکهای دولتی بیشتر باشد، بار بحران بانکی بر بودجه دولت بیشتر خواهد بود، زیرا دولت باید آن قدر امکانات در اختیار این بانکها قرار دهد که آنها بتوانند تعهداتشان را اجرا کنند. به عبارت دیگر، دولت باید سرانجام به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، هزینه ناتوانی سیستم بانکی را در برآورده ساختن

تعهداتش برگردن بگیرد.

دولت مجبور است در هنگام بحران هزینه هر نوع وام و اعتبار ترجیحی را به شکل پرداخت مستقیم از بودجه به سیستم بانکی، بپذیرد. در حالت کلی، تأثیر بحران بانکی بر بودجه کشور تا حد زیادی به ساخت بودجه و درجه وابستگی سازمانی و سیاسی بانکها به دولت بستگی دارد.

دوم- تأثیر بحران بانکی بر قدرت رقابت بانکها: هر قدر درجه آسیب پذیری بانکها در جریان بحران بیشتر باشد، یعنی هر قدر درصد وامهای به بانکها بیشتر باشد، قدرت رقابت آنها کمتر خواهد بود. بانکهایی که در سالهای پیش از بحران توانسته اند سلامت خود را حفظ کنند، در جریان بحران با خطر کمتری روبه رومی شوند. البته این گفته بدان معنی نیست که این گونه بانکها به هیچ وجه در معرض بحران قرار نمی گیرند. در واقع، وقتی بحران بانکی بروز کند، دامنه آن حتی به بانکهایی که ساخت سالمی دارند، کشیده خواهد شد، زیرا رفتار عمومی نسبت به سیستم بانکی در وضعیت بحرانی، تغییر می کند و درجه بی اعتمادی نسبت به آن افزایش می یابد.

سوم- تأثیر بحران بر کنترل پولی: وقتی بحران بانکی بروز می کند، وجوهی که از محل فعالیتهای

سالم سیستم بانکی به بانکها برمی گردد نمی تواند بدرستی به مصارفی برسد که ایجاد تولید می کند. در مواردی، وامدهی اجباری برای حفظ ظاهر و جلوگیری از بروز بحران حاد در جریان پرداخت بدهیهای عموم به سیستم بانکی، ضرورت می یابد. در این چارچوب، کنترل جریان پولی بسیار دشوار می شود. نقش مقامات پولی در هدایت منابع مالی در دوره بحران بانکی بسیار پیچیده است و بارها دیده شده که اثربخشی سیاستها هم به مراتب محدودتر شده است.

چهارم- بحران بانکی و تخصیص منابع: به دلیل ملاحظاتی که در مورد وحشت از سوخت شدن عمومی بدهیها وجود دارد، بانکها هم می کوشند منابع خود را به گونه ای تخصیص دهند که مشتریان را در حد امکان قادر سازند تا بدهیهایشان را بپردازند. در این قالب، تخصیص منابع به شکل غیربینه ای صورت می پذیرد و ملاحظاتی از قبیل بارآوری وام و ارزش آن از لحاظ تولیدات و اشتغال ایجاد شده در مرحله دوم اهمیت قرار می گیرد.

راه حلهایی برای تقویت شبکه بانکی

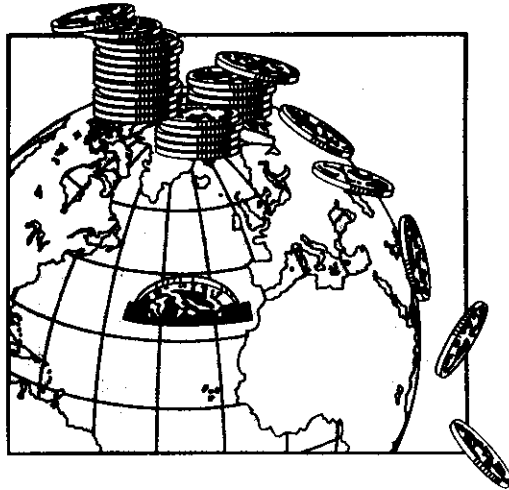
وقتی بحران بانکی بروز می کند، اظهار نگرانی

بقیه در صفحه ۱۶۸

افشا

در صورتهای مالی بانکها ۱





ترجمه و تلخیص: نریمان ایلخانی

مقدمه مترجم

● مطالب این مقاله با وضعیت صنعت بانکداری غربی (بویژه اروپایی) سازگاری بیشتری دارد، بنابراین به کار بردن واژه‌هایی مانند بهره در این مقاله از همین روست. با این حال بسیاری از مطالب آن می‌تواند در گزارشگری مالی بانکهای ایران به کار آید. به هر صورت این مقاله ضرورت افشای اطلاعات در صورتیهای مالی بانکها را بروشنی توضیح می‌دهد. به علاوه مفاد آن بیانگر نظر کمیته استانداردهای بین‌المللی^۲ و کمیته بازل^۳ نیز هست.

لازم به یادآوری است که در برگردان این مقاله، مواردی، از متن اصلی که با بانکداری ایران هیچگونه وجه مشترکی نداشت، و به جامعیت و اصالت مطلب آسیبی نمی‌رساند، حذف شده است. ●

بانک یا مؤسسه اعتباری نهادی اقتصادی است که از طریق دریافت سپرده یا وام به منظور اعطای وام و اعتبار یا سرمایه‌گذاری، دستیابی به سودی مناسب را دنبال می‌کند. بنابراین تعریف، مطالب این مقاله کلیه مؤسسات اقتصادی را که به نحوی به فعالیتهای یاد شده می‌پردازند، در بر می‌گیرد. حتی اگر بانک نامیده نشوند. با در نظر داشتن این نکته، در این مقاله بحثهای زیر بررسی می‌شود:

— ضرورت یکنواخت کردن استانداردهای گزارشگری بانکها.

— رهنمودهایی در مورد نحوه افشای اطلاعات ضروری در صورتیهای مالی بانکها.

افشای اطلاعات ضروری در صورتیهای مالی بانکها به دلیل جنبه ویژه فعالیت آنها و آثاری که نوع و میزان فعالیتهایشان به صورت مستقیم بر اقتصاد هر جامعه ای دارد، به طور معمول تحت تأثیر قوانین و مقرراتی است که در هر جامعه به وسیله قانونگذاران، دولتها و مراجع مربوط وضع می‌شود و اجرای آنها الزامی است و همچنین از عرفهای رایج و روشهای بازرگانی و چگونگی فعالیتهای اقتصادی آن جامعه تأثیر می‌پذیرد. با این حال، در زمان حاضر معدودی بیانییه در مورد گزارشگری مالی بانکها از طرف انجمنهای حرفه ای تدوین و ورق بزنید

1. Disclosures in Financial Statement of Banks: Text of IASC Discussion Paper on disclosures in financial Statements of banks.
2. International Accounting Standards Committee:
3. Basle Committee.

ابلاغ شده است، اما تاکنون روشهای یکنواخت برای افشا در صورتهای مالی و یادداشتهای پیوست به وجود نیامده است. یک احتمال در مورد وجود این وضعیت این است که هنوز دیدگاههای مشابه و نزدیک به هم در مورد میزان نیاز استفاده کنندگان از صورتهای مالی بانکهها یا در مورد قابلیت استفاده از اطلاعات افشا شده نیست.

به نظر می‌رسد در زمان حاضر توافقی حکمی میان کارگزاران امور مالی بانکهها برسر اینکه آیا بانکهها نیز باید استانداردهای عمومی گزارشگری را رعایت کنند یا نه، موجود نیست. به عنوان مثال می‌توان پرسید که: «به کار گرفتن روش حفظ اندوخته‌های مخفی بانکهها تا چه اندازه باید از سایر مؤسسات اقتصادی متمایز باشد». و سرانجام چنانچه قرار باشد که بانکهها نیز از استانداردهای عمومی گزارشگری مالی پیروی کنند، تفاوت محتوای فعالیتهای آنها، سؤال یاد شده را به کلیه موارد گزارشگری مالی آنها تسری خواهد داد.

در این مقاله فرم خاصی به عنوان نمونه برای تهیه و تنظیم و ارائه صورتهای مالی بانکهها پیشنهاد نمی‌شود، لیکن حداقل موارد افشا در آن مورد توجه قرار گرفته و نحوه افشای آنها پیشنهاد می‌شود. همچنین در ضمیمه پیوست تصویری کلی از برخی اطلاعات که لازم است افشا شود ارائه شده است. در کلیه این پیشنهادها فرض شده است که بانکهها نیز ملزم به رعایت استانداردهای بین‌المللی حسابداری هستند مگر آن که در مواردی بانکهها به تصریح از شمول آنها مستثنی شده باشند.

یادآوری می‌شود که به موجب استاندارد بین‌المللی شماره (۱)، «افشای روشهای حسابداری» و «افشای نحوه شناسایی و اندازه‌گیری درآمد» در مورد بانکهها نیز ضروری است تا آن که استفاده کنندگان از صورتهای مالی بانکهها از مبانی تهیه آن اطلاع داشته باشند.

یکی از مهمترین موارد افشا در ترازنامه بانکهها، نشان دادن میزان نقدینگی آنهاست؛ به نحوی که توانایی بازپرداخت بدهیها به درستی نشان داده شود و طبقه‌بندی اقلام نقد و داراییهای جاری به گونه‌ای باشد که میزان مخاطرات احتمالی مربوط را نمایش دهد. همچنین جمع خالص داراییها و بدهیها نیز بروشنی معلوم شود. البته اگر چه روشن است که تمام اطلاعات محتوایی و ویژگیهای وجوه نقد را در صورتهای مالی نمی‌توان نشان داد، با این حال تنظیم و طبقه‌بندی درست و واقعی آنها، می‌تواند اطلاعات گویا و مفیدی از صورتهای مالی را به استفاده کنندگان بدهد. در زیر به چند نمونه از انواع طبقه‌بندی اشاره شده است:

— طبقه‌بندی داراییها و بدهیها براساس ماهیت آنها:

یکی از متداولترین انواع طبقه‌بندی است که در آن داراییها و بدهیها را براساس قابلیت تبدیل شدن آنها به نقد و با در نظر گرفتن تاریخ سررسید بدهیها طبقه‌بندی می‌کنند.

— قرارداد داراییها و بدهیها در طبقات جاری، غیرجاری و اوراق بهادار: در این نوع

طبقه‌بندی علاوه بر تقسیم‌بندی داراییها و بدهیها به جاری و غیرجاری، هدفهای نگهداری آنها نیز مدنظر قرار می‌گیرد؛ به عنوان نمونه هدفهای خرید اوراق بهادار برحسب اینکه برای خرید و فروش یا سرمایه‌گذاری خریداری شده باشند در نظر گرفته می‌شود. این نوع طبقه‌بندی بیشتر به تأثیر اقتصادی هر دارایی و کارایی آن در راستای فعالیتهای بانکهها نظر دارد. با این حال با توجه به جنبه ویژه‌ی فعالیتهای بانکهها طبقه‌بندی «برحسب جاری یا غیرجاری» چندان مناسب نیست و حتی توصیه می‌شود در این مورد از رعایت اصول حسابداری اجتناب شود.

4. dealing Securities
5. Investment Securities

بسیاری از بانکها بین معاملات خود با بانکهای دیگر و با سایر اشخاص حقوقی و حقیقی، تفاوت قائل می‌شوند، که به نظر می‌رسد حفظ این تفاوت و در نظر گرفتن آن در طبقه بندی حسابها و نشان دادن آن در صورتهای مالی از اهمیت چشمگیری برخوردار است. البته باید در نظر داشت که تفکیک کردن حسابهای ترانزنامه ای بر این اساس در کلیه موارد عملی نیست.

اطلاعاتی نیز که در صورتهای مالی بانکها به کار گرفته می‌شوند به دلیل تفاوت محتوای آنها، با اصطلاحاتی که در صورتهای مالی مؤسسات اقتصادی تولیدی و بازرگانی به کار می‌رود، متفاوت است. به عنوان نمونه در زیر از برخی از این اصطلاحات یاد می‌شود:

اسکناس و مسکوک	نقد:
اوراق خزانه ^۷ و اوراق سپرده ^۸ .	اوراق بازار پول:
وامهای تجاری، وامهای اشخاص، اضافه برداشت، اجاره‌های عملیاتی و اعتباری دریافتی.	وام و پیش پرداختها:
سپرده‌های دیداری و مدت دار.	حساب سپرده گذاران:
پذیرش بانکی، سفته و برات.	پذیرشها و اسناد دریافتی:

به هر صورت نباید اقلام مهم صورتهای مالی با سایر اقلام در یک طبقه بندی قرار گیرند و پایاپای کردن اقلام دارایی و بدهی نیز فقط در صورتی که وجهه قانونی داشته باشد، امکانپذیر است.



یکی دیگر از روشهای افشای داراییها و بدهیها در صورتهای مالی، طبقه بندی آنها بر اساس زمان مصرف داراییها و زمان باز پرداخت بدهیها با در نظر گرفتن بهره پذیر بودن بدهیها در مقدارهای متفاوت است. این نوع طبقه بندی تا میزان درخور توجهی از سیاستهای مربوط به مدیریت نقدینگی بانک سرچشمه می‌گیرد. در عین حال از سیاستهای پولی و بانکی کشورهای مربوط نیز تأثیر می‌پذیرد. در برخی از کشورها امکان دستیابی به وجوه کوتاه مدت در جریان عادی فعالیت یا حتی در شرایط اضطراری از طریق بازار معاملات پولی یا بانک مرکزی آنها امکانپذیر است. در این صورت بانکها با ارائه اطلاعات لازم در این مورد می‌توانند زمینه ارزیابی استفاده کنندگان از صورتهای مالی خود را فراهم کنند. این شیوه طبقه بندی ممکن است نسبت به یکایک داراییها و بدهیها به کار گرفته شود و در عین حال می‌تواند متناسب با نوع خاص داراییها و بدهیهای هر بانک متفاوت باشد. به عنوان مثال ممکن است طبقه بندی زیر در مورد سپرده‌های یک بانک مناسب و در مورد بانک دیگر نامناسب باشد.



ورق بزنید

6. money market Paper
7. Treasury Paper
8. certificate of deposit.

به سر رسید روز کاری بعد	سپرده دیداری
: با سر رسید کمتر از هشت روز،	
: از هشت روز تا یک ماه،	
: از یک ماه تا سه ماه،	
: از سه ماه تا یک سال،	
: از یک سال تا پنج سال، و	
: پنج سال و بیشتر	

البته در حالتهاى متفاوت ممکن است برخی از دوره‌هاى تفکیک شده بالا در هم ادغام شوند و به گروههاى با سررسید کمتر از یک سال و بیشتر از یک سال طبقه‌بندی شوند. برای استفاده کنندگان از صورتهای مالی بانکها، اطلاع از انباشته شدن یا نشدن داراییهای بانک در یک جا و یا محدود شدن منابع تأمین مالی که ممکن است احتمال وقوع مخاطرات را افزایش دهد دارای اهمیت زیادی است.

صورتحساب سود و زیان

منابع عمده درآمد بانکها در جریان عادی فعالیتهای آنها عبارتند از: درآمد بهره، کارمزد و نتایج معاملات و مبادلات. مناسبترین اطلاعات مورد لزوم در این زمینه طبقه‌بندی درآمدها و ارائه آنها در صورتحساب سود و زیان برحسب انواع آنهاست و پایاپای کردن اقلام درآمد و هزینه مجاز نیست. و درآمدها و هزینه‌های بهره باید به‌طور جداگانه نشان داده شود. نظر به اینکه خالص درآمد بهره تابعی است از نرخ بهره مبالغ وامهای اخذ شده و پرداخت شده، ارائه اطلاعات بیشتر در این زمینه شامل افزایش میانگین نرخ بهره و حجم داراییها که برای بانک درآمدزا می‌باشد و همچنین افزایش میانگین حجم بدهیهایی که بانک برای آنها بهره پرداخت می‌کند، توصیه می‌شود.

یکی دیگر از مهمترین اطلاعاتی که باید از طریق صورتهای مالی افشا شود، مبانی و نحوه احتساب ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول و گردش آن طی دوره مالی است. افشای این اطلاعات از جهت ارائه تأثیر ذخایر یاد شده بر نتایج عملیات و همچنین بافت مالی بانکها ضروری است.

به‌طور معمول همیشه مبالغ عمده‌ای مربوط به اشخاص، مؤسسات اقتصادی و صندوقهای بازنشستگی نزد بانکها نگهداری می‌شود که اداره آنها به عهده بانکهاست و در بیشتر موارد در چارچوب قراردادهای مربوط نگهداری می‌شود و البته در برخی موارد نیز مستند به قرارداد نیست و در این صورت عرف و مقررات معمول تجاری بر روابط میان بانک و طرف قرارداد حاکم نیست. به‌رحال در صورت وجود قرارداد میان بانک و طرف آن، وجوه مذکور را نمی‌توان دارایی بانک به حساب آورد و با این عنوان آن را در ترازنامه نشان داد. اما در صورتی که میزان این گونه وجوه چشمگیر و نسبت به سایر مانده‌ها با اهمیت باشد، باید صورت عملیات مربوط به این فعالیتهای در یادداشتهای همراه صورتهای مالی نمایش داده شود. چه در صورت اهمال بانک در انجام وظایف مربوط به اداره این وجوه، زیانهای احتمالی درخور توجهی به بانک وارد خواهد آمد.

تعهدات

بانکها در جریان عادی فعالیتهای خود، تعهدات گوناگونی را می‌پذیرند که برخی از آنها برگشت‌پذیر و بعضی برگشت‌ناپذیر است. استفاده کنندگان از صورتهای مالی بانکها به کسب اطلاع، بویژه در مورد تعهدات بازگشت‌ناپذیر علاقه‌مندند و این علاقه‌مندی به دلیل زیانهای نهفته‌ای است که ممکن است به صورت ذاتی در تعهدات برگشت‌ناپذیر وجود داشته باشد. این علاقه‌مندی همچنین به دلیل آثار بااهمیتی است که تعهدات یاد شده می‌تواند بر میزان نقدینگی و توانایی بازپرداخت بدهی بانکها داشته باشد. بنابراین دلایل، بانکها باید در مورد اطلاعات مربوط به قراردادهایی که وثیقه‌نارند و اطلاعات مربوط به ضمانتنامه‌ها و اعتبارات اسنادی گشایش شده، تعهدات برگشت‌ناپذیر و همچنین اعتباراتی که فسخ آنها در اختیار بانک نیست و در صورت فسخ، سبب ایجاد هزینه و زیان برای بانک خواهد بود، افشای لازم را انجام دهند. همچنین زمانی که اطلاعات مربوط به ضمانتنامه‌ها افشا می‌شود، ارائه برخی اطلاعات در مورد ماهیت ضمانتنامه‌های صادر شده نیز مفید خواهد بود.

- تضمینهای معوق^{۱۲}
- اوراق قرضه و وامهای تبدیل شدنی به سرمایه^{۱۳}
- وامهای شرکا^{۱۴}
- حقوق صاحبان سهام

اقلام صورتحساب سود و زیان

- درآمد بهره
- هزینه بهره
- کارمزد
- نتایج معاملات سهام تجاری و اوراق قرضه
- سود یا زیان سرمایه گذاریها
- خالص افزایش یا کاهش بابت ذخیره زیان وامها
- هزینه های پرسنلی
- مالیات بردرآمد.



- 12. acceptances outstanding
- 13. capital notes and debentures
- 14. Subordinated loans

شرایط اقتصادی و مقررات بانکی برخی کشورها، نگهداری اندوخته های آزاد را بدون اینکه در صورتهای مالی افشا شوند، مجاز دانسته است. چنین اندوخته هایی به طور معمول برای جبران زیانهای احتمالی وامها در نظر گرفته می شود تا از محل آن زیانهای غیر متعارف بدون افشای مبالغ آنها جبران شود. در همین حال، چنین اندوخته هایی موجب نامتعادل شدن درآمدهای گزارش شده در صورتهای مالی می گردد، ضمن آنکه حقوق صاحبان سهام را نیز در پرده ای از ابهام قرار می دهد. به هر حال چنانچه بدهیها بیش از میزان واقعی آنها و داراییها نیز کمتر از میزان واقعی در صورتهای مالی نشان داده شوند و یا اینکه مبالغی برای مخاطرات نامشخص اندوخته شود، صورتهای مالی مربوط نمی تواند وضعیت مالی و نتایج عملیات بانکی را که دست به چنین اقداماتی زده است به نحو مطلوب منعکس کند.

در برخی از کشورها، روشهای مناسبی برای دستیابی به اطمینان کافی در مورد مخاطرات احتمالی پیشبینی شده است و آن ایجاد اندوخته احتیاطی است، که در بخش حقوق صاحبان سهام طبقه بندی و منعکس می شود و از محل سود خالص هرسال تأمین می گردد.

افشای اطلاعات خاص در صورتهای مالی بانکها موارد زیر را در بر می گیرد:

اقلام ترازنامه:

- وجوه نقد
- موجودی نزد بانک مرکزی.
- اوراق قرضه
- اسناد و بروات دریافتی
- اوراق سهام تجاری: منظور ارزش روز این اوراق است در شرایطی که با ارزشی که در ازای آنها در ترازنامه منعکس می شود متفاوت باشد.
- اوراق سهام ویژه سرمایه گذاری؛ در صورتی که ارزش روز آن در بورس اوراق بهادار با ارزش آن در ترازنامه متفاوت باشد.
- وامها و پیش پرداختها
- زمین و ساختمان در صورتی که برای فروش نگهداری شده باشد.
- سرمایه گذاری در شرکتهای وابسته
- ساختمان بانک و تأسیسات
- بدهی بابت تضمین مشتریان^{۱۱}
- حساب با سپرده گذاران
- اسناد پرداختی
- مالیات

۱۰. undisclosed reserves چنان اندوخته هایی در نظام بانکی ایران متداول نیست و اما در نظامهای بانکی برخی از کشورها رایج و معمول است و کاربرد آن بیشتر برای حفظ اعتبار بانکها در جامعه و احتراز از پرداخت سود سهام های متفاوت و متغیر می باشد.

11. Customer's acceptance liabilities



۱۷۳۳۰-۴/۳۰ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۸ با اکثریت آراء (۷ نفر) چنین نظر داده است که مالیات سود سهام مربوط به سهامداری است که طبق مصوبه ارکان صلاحیتدار شرکت، سود سهام به آنان تعلق می‌گیرد و اشخاص حقوقی نیز مکلفند لیست سهامداران را در تاریخ مجمع عمومی به حوزه ذیربط بفرستند. ●

تسلیم اظهارنامه و اسناد و مدارک در دوران معافیت مالیاتی

طبق تبصره ماده ۱۹۳ ق.م.م: «عدم تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان در دوره معافیت، موجب عدم استفاده از معافیت مقرر، در سال مربوط خواهد شد».

دفتر فنی مالیاتی، مورد ابهام در مورد شمول تبصره فوق نسبت به برخی از مؤدیان مالیاتی را به شرح زیر مطرح نموده است: اشخاص مذکور در ماده ۲ و تبصره‌های ۱ تا ۳ آن (اشخاصی که مشمول مالیات نیستند: نظیر وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و هلال احمر و صندوقهای بازنشستگی و موقوفات عام) مشمولین تبصره ماده ۶ (معافیت دو ساله املاکی که بعد از تصویب ق.م.م پروانه ساختمان می‌گیرند)، تبصره ۲ ماده ۱۱ (معافیت مالکانی که تنها محل سکونت خود را خالی نگاه می‌دارند)، تبصره‌های ۲ و ۴ ماده ۱۶ (معافیت مالکانی که برای فروش اراضی بایر خود به وزارت مسکن پیشنهاد فروش نمایند و معافیت مالیاتی اراضی بایر شرکتهای دولتی و شرکتهای تعاونی مسکن و سفارتخانه‌ها)، تبصره ۲ ماده ۴۸ (معافیت نمبر مالیاتی سهام شرکتهای تعاونی) و ماده ۸۱ (معافیت مالیاتی درآمد حاصل از کلیه فعالیتهای کشاورزی).

هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی طی رأی شماره ۴۴۶۲-۴/۳۰ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۷ این گونه تصمیم گرفته است:

اخبار مالیاتی

تهیه و تنظیم: مجید میراسکندری

تجدید ارزیابی دارایی بانکها و معافیت مالیاتی

طبق ماده واحد «قانون معافیت مالیاتی درآمد حاصل از تجدید ارزیابی دارایی بانکهای کشور» مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۴ مجلس شورای اسلامی، بانکهای کشور فقط برای یک بار از پرداخت مالیات مربوط معاف شده بودند از طرفی ماده ۱۷۳ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ (که از اول سال ۱۳۶۸ قابل اجراست)، کلیه قوانین و مقررات مغایر را ملغی کرده است.

در نتیجه چنین به نظر می‌رسد که ماده واحد معافیت بانکها تنها از ۲۴ آبان تا آخر سال ۱۳۶۷ قابلیت اجرا داشته است.

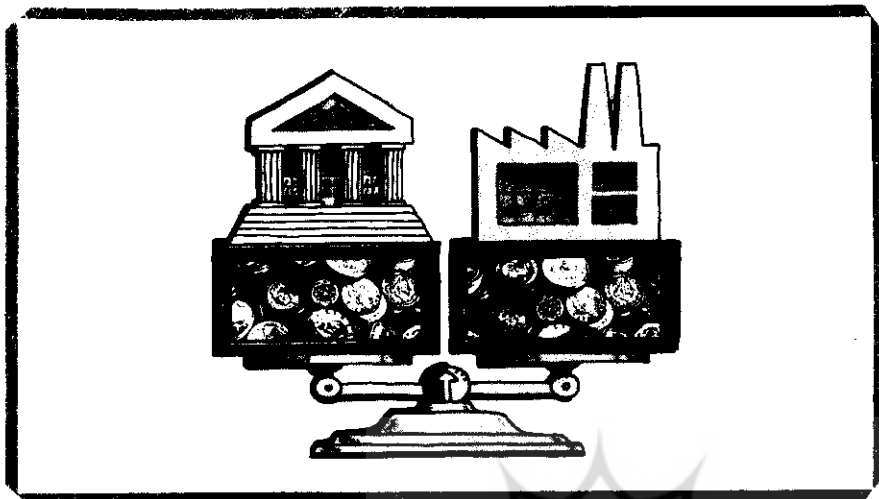
در این مورد، هیئت عمومی شورای مالیاتی بر اساس رأی شماره ۱۷۰۵۲-۴/۳۰ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۱ به اتفاق آراء چنین نظر داده است

که چون تاریخ تصویب ماده واحد مورد بحث (۱۳۶۷/۸/۲۴) مؤخر بر تاریخ تصویب قانون جدید مالیاتها (اسفند ۱۳۶۶) بوده است، لذا قانون مالیاتها نمی‌تواند ناسخ ماده واحد مربوط به معافیت مالیاتی بانکها در این مورد باشد و حکم موضوع ماده واحد مذکور به قوت خود باقی است.

مالیات سود سهام در آخر سال مالی یا در تاریخ مجمع عمومی

دفتر فنی مالیاتی با عنایت به اعلامیه بانک مرکزی در مورد نقل و انتقال سهام در بورس تهران بین دو تاریخ آخر سال مالی و تشکیل مجمع عمومی عادی صاحبان سهام، خواستار روشن شدن وضع مالیاتی مؤدی در اجرای بند «د» ماده ۱۰۵ شده است.

شورای عالی مالیاتی بر اساس رأی شماره



۱- با اکثریت آراء (۷ نفر)، حکم تبصره ماده ۱۹۳ تنها شامل کارخانه داران و اشخاص حقوقی بابت معافیتهای مقرر در فصل اول باب چهارم (از ماده ۱۳۲ تا ۱۴۶ ق.م.م در خصوص معافیت مالیاتی صنایع جدید) است و به سایر معافیتهای از جمله کشاورزی تسری نخواهد داشت.

۲- به اتفاق آراء (۹ نفر)، عدم ارائه اسناد و املاک و دفاتر از طرف مؤدیان ذیربط، در صورتی که اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان در موعد مقرر تسلیم شده باشد، موجب عدم استفاده از معافیت نخواهد بود. ●

چگونگی ارزیابی حقوق استیجاری متوفی

نظریه وجود ابهام در صدر و ذیل ماده ۳۲ ق.م.م در مورد مآخذ ارزیابی حقوق استیجاری عرصه ملک موقوفه متوفی (ارزش معاملاتی یا ارزش روز)، هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی به اتفاق آراء طبق رأی شماره ۴۹۱۶-۳۰/۴/۱۳۷۰ مقرر کرد در این خصوص، ارزش معاملاتی ملاک محاسبه قرار گیرد. ●

معافیت مالیاتی در شرایط نداشتن محل سکونت در ایران

به علت وجود نظرهای مختلف در مورد شمول معافیت موضوع ماده ۵۷ ق.م.م (معافیت اشخاص حقیقی که درآمدی غیر از درآمد اجاره ندارند تا میزان ۲۵ هزار ریال برای مجردها و ۵۰ هزار ریال برای متأهلین در ماه) در مورد کسانی که محل سکونتی در ایران ندارند، شورای عالی مالیاتی طبق رأی شماره ۵۴۶۱-۳۰/۴/۱۳۷۰ با

اکثریت آراء (۷ نفر) مقرر کرد نداشتن محل سکونت در ایران موجب عدم استفاده از معافیت نخواهد بود. ●

تمبر وکالتنامه های خرید و فروش سهام در بورس

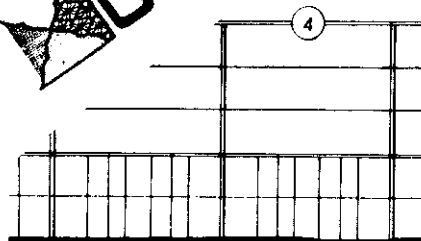
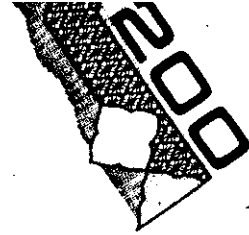
شورای عالی مالیاتی طبق رأی شماره ۴۹۵۳-۳۰/۴/۷۰ مورخ ۷۰/۴/۵ و با عنایت به مواد ۴۶ و ۴۷ ق.م.م (حق تمبر اسناد تجاری و بیمه و بانکی)، به اتفاق آراء مقرر داشت نظریه اینکه وکالتنامه های خرید و فروش سهام جزء هیچیک از اوراق و اسناد و قراردادهای مذکور در فصل پنجم ق.م.م (حق تمبر) نیستند، بنابراین مشمول اخذ حق تمبر نمی باشند. ●

کلیه فعالیتهای کشاورزی تا سال ۱۳۷۲ معاف از مالیات است

ماده ۸۱ ق.م.م کلیه فعالیتهای کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل را

تا پایان سال ۱۳۷۲ معاف می داند. چون در خصوص شمول فعالیتهای مرغداری و پرورش طیور و میگو و کرم ابریشم سؤالات و ابهاماتی مطرح شده بود، موضوع در هیئت عمومی شورای عالی مطرح شد و هیئت طبق رأی شماره ۵۴۹۱-۳۰/۴/۱۳۷۰ اعلام کرد با توجه به آیین نامه اجرایی لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی مصوبه ۱۳۵۹/۲/۳۱ شورای انقلاب که فعالیت کشاورزی را بهره برداری از آب و زمین به منظور تولید محصولات گیاهی و حیوانی می داند، کلیه فعالیتهای پیشگفته نیز مشمول معافیت کشاورزی است. ●





ارزیابی نظام بانکداری در ایران



نیرمان ایلخانی

همین تفاوت، عیناً در مورد وسایل، روشها و معیارهای اندازه گیری یا سنجش عملکرد سیستمهای اقتصادی و اجتماعی، نسبت به سیستمهای فیزیکی نیز مصداق دارد. به عنوان مثال، ارزیابی پیشرفت تحصیلی دو دانش آموز را در نظر بگیرید که برای یکی امتحان پایان سال و برای دیگری پرسشهای اتفاقی که در کلاس از او می شود، ملاک ارزیابی قرار گیرد و اندازه گیری کمیت پیشرفت هر دو نیز با معیار نمره های بین صفر تا بیست انجام شود. چنانکه در این مثال روشن است، به رغم یکسان بودن تقریبی روش ارزیابی و معیار اندازه گیری پیشرفت تحصیلی هر دو دانش آموز، نمرات اختصاص داده شده به هر یک، بسختی ممکن است بیانگر ارزیابی یکنواخت و ملاک مقایسه آن دو با یکدیگر باشد.

به هر صورت در موازاتی که تعیین بهترین شرایط یک سیستم، یا داشتن معیاری برای اندازه گیری عملکرد آن سیستم عملی نباشد، ارزیابی آن به آسانی ممکن نیست؛ علاوه قضاوتهایی که از این راه به دست داده می شود، از اعتبار کافی برخوردار نخواهد بود.

ارزیابی سیستم بانکداری بدون زنا نیز که اکنون هشت سال از اجرای آن در کشور ما می گذرد، به دلیل آنکه تاکنون الگوی تجربه شده و منسجمی برای آن وجود نداشته است، با دشواریهای بسیاری روبروست. از این رو، در این مقاله که هدف آن ارزیابی سیستم بانکداری کنونی کشور است، مبنای ارزیابی بر خصوصاتی که در زیر بر شمرده می شود و به نظر نگارنده ویژگی بانکداری بدون ریاست گذاشته شده و از معیارهای عام ارزیابی سیستمهای بانکداری استفاده نشده است.

برای سیستم بانکداری کنونی ما ویژگیهای زیر را می توان در نظر گرفت:

- ۱ - با توجه به حرمت ربا در اسلام نظام بانکداری مربوط به گونه ای طراحی و اجرا شده که در آن بهره پول وجود نداشته باشد.
- ۲ - نظام بانکی در هر حال باید پاسخگوی نیازهای جامعه به فعالیتهای و کاربری یک سیستم

وسيله يا روشی برای اندازه گیری آن (دماسنج) ضروری است. نداشتن معیار و وسیله یاد شده یا هر یک از آنها سبب می شود که سنجش عملکرد سیستم حرارتی بدن امکان پذیر نگردد. به هر حال ارزیابی عملکرد سیستم حرارتی بدن در مقایسه با بسیاری از سیستمها ساده به نظر می رسد، حال آنکه در مورد همه سیستمها به آسانی صورت نمی گیرد و پیچیدگیهای به نسبت متفاوتی دارد. از این نظر سیستمهای فیزیکی به دلیل امکان سود جستن از روش شناسی علوم تجربی به نسبت ساده تر است و با دقت بیشتری ارزیابی می شود ولی سنجش عملکرد سیستمهای اجتماعی و اقتصادی به نسبت دشوار است. به طوری که شاید تعیین بهترین شرایط یا شرایط استاندارد در مورد سیستمهای فیزیکی عملی باشد، اما تعیین همین شرایط در مورد سیستمهای اقتصادی و اجتماعی اگر نه غیر عملی، دست کم بسیار پیچیده است و به هر حال با همان دقتی که در سیستمهای فیزیکی به کار می رود، ناممکن است.

یکی از روشهای معمول ارزیابی عملکرد سیستمهای مختلف، مقایسه این عملکردها در شرایط عادی با عملکرد پیش بینی شده در شرایط ایده آل یا بهترین شرایط ممکن است. به عنوان مثال عملکرد سیستم حرارتی بدن آدمی باید در بهترین شرایط درجه حرارت بدن را در حدود ۳۷ درجه سانتیگراد ثابت نگه دارد و روشن است چنانکه درجه حرارت بدن هر اندازه بیشتر یا کمتر از این باشد، در هر دو صورت می توان گفت که سیستم حرارتی بدن بدرستی کار نمی کند. البته برای دستیابی به قضاوت درست، آگاهی از میزان درجه حرارت بدن در بهترین شرایط (۳۷ درجه سانتیگراد) و داشتن

بانکی که از نظر اقتصادی کارآمد است باشد. با توجه به این توضیحات می‌توان عملکرد نظام بانکی بدون ربا را در پیرامون دو محور فوق بررسی کرد. در مورد محور اول، بحث بیشتر جنبه نظری خواهد داشت و در مورد محور دوم می‌توان عملکرد سیستم بانکی ایران را با دیگر کشورها، بویژه آنها که کارایی بیشتر و بالاتری دارند، سنجید.

ویژگیهای اساسی نظام بانکی اسلامی

در اسلام گرفتن بهره و معاملات ربوی، حرام و غیرشرعی محسوب می‌شود و نسبت به این امر حساسیت زیادی وجود دارد، تا آنجا که در قرآن مجید رباخواری به کرات مورد نکوهش قرار گرفته و معادل خوردن گوشت برادر و مردار قلمداد شده است. در مقابل، اعطای وام بدون بهره معروف به قرض الحسنه، امری بسیار والا و معادل دادن قرض به ایند منان تلقی شده است. در مقابل این لطف بزرگ وام دهنده، وام گیرنده نیز از نظر اخلاقی تمهیداتی را که در زیر شرح داده شده بر ذمه می‌گیرد:

— وام گیرنده باید بکوشد دین بر ذمه خود را در زمان مورد توافق و یا اولین فرصت ممکن پرداخت کند. البته در این مورد وام دهنده نیز نباید فشار زیادی به وام گیرنده وارد آورد.

— ارجح است وام گیرنده مبلغی بیش از اصل وام به وام دهنده بپردازد.

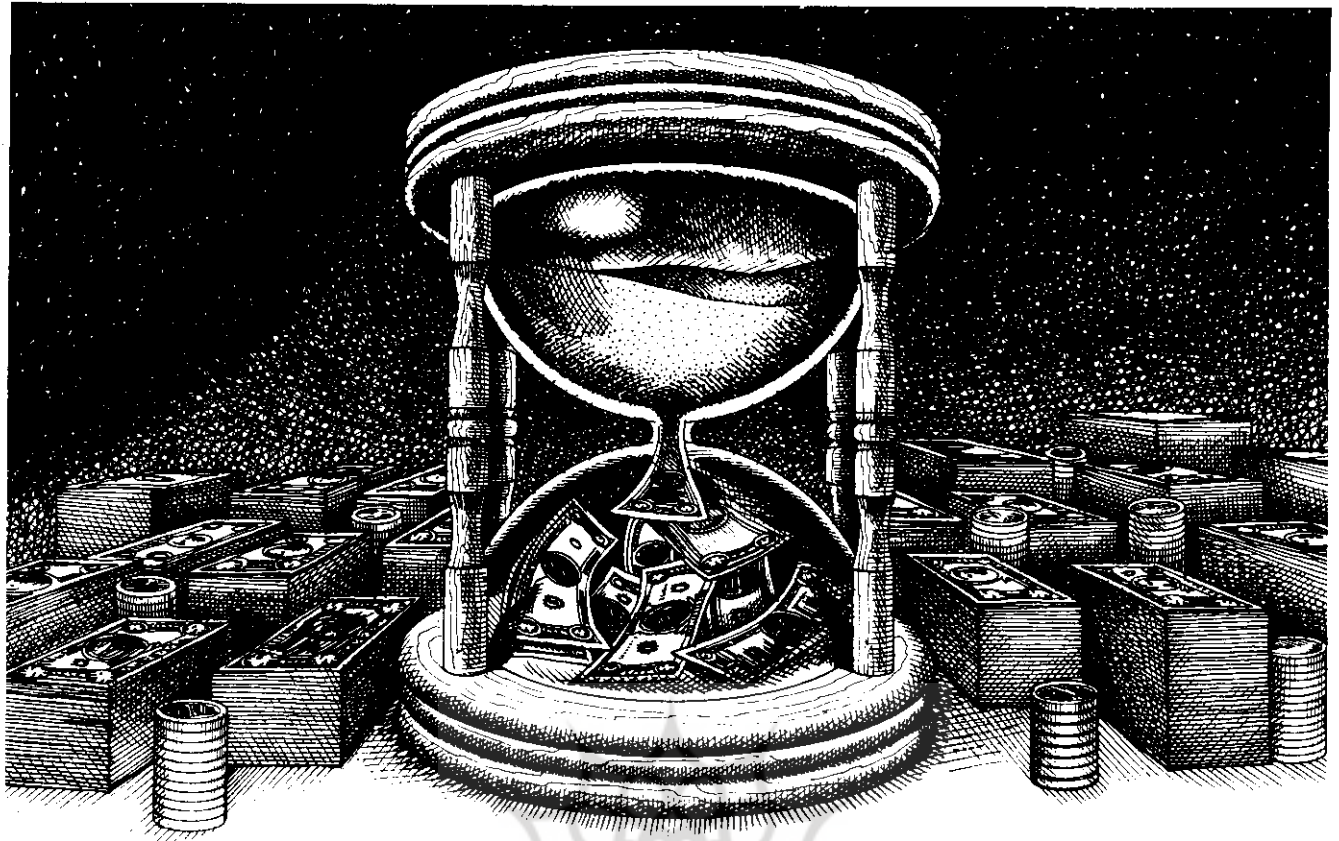
— معاملات ربایی بین افراد نزدیک و هم خانواده بدون اشکال است.*

با در نظر گرفتن این مطالب و ضوابط دیگری که در اسلام برای معاملات مختلف پیشبینی شده است می‌توان نتیجه گرفت که:

ورق بزنید

* کتاب تحریر الوسیله کتاب مکاسب... القول فی الربا... مسئله شماره ۹
«بین پدر و پسر و بین زوجین و بین مسلمان و کافر حرمی (گیرنده مسلمان) باشد ربا نیست ولی اگر پرداخت کننده مسلمان باشد ربا است بین مسلمان و اهل ذمه ربا هست».





اعطای قرض الحسنه و استفاده از آن تنها به عنوان یکی از خیرات و حسنات در جامعه مطرح شده است، نه به عنوان یک فعالیت اقتصادی.

– اخذ وام برای فعالیتهای اقتصادی، ترجیحاً از طریق نوعی شراکت میان وام دهنده و وام گیرنده امکانپذیر است.

– هرگونه پرداخت اضافه بر اصل از سوی وام گیرنده به وام دهنده در صورتی که وام گیرنده نسبت به آن رضا و رغبت داشته باشد مغایر اصول شرعی نیست.

– حرمت بهره در مورد ارزش پولی است که وام دهنده اعطاء کرده است نه لزوماً در مورد مبلغ ریالی پول.

نگرفتن و نپرداختن بهره، دلیل آن نیست که در محاسبات مربوط به سرمایه گذاری و تعیین اولویت انواع مختلف سرمایه گذاری نباید سود در نظر گرفته شود. در بیشتر اوقات، حتی بدون در نظر گرفتن تورم و یا با فرض تورم صفر، ارزش پول امروز برای اشخاص و یا برای اقتصاد به طور کلی، با ارزش آن در آینده متفاوت است. ممکن است اشخاص حقیقی در آینده، توان و امکانات استفاده از نقدینگی کنونی خود را از دست بدهند؛ برای کل اقتصاد نیز سرمایه گذاری امروز در صورتی دارای مطلوبیت و صرفه اقتصادی خواهد بود که در آینده

بازده مناسبی به همراه داشته باشد در هر صورت باز یافت سرمایه گذاری امروز مطمئناً با ریسک همراه است. بنابراین برای دست زدن به سرمایه گذاری باید انتظار بازگشت میزان بیشتری از اصل مبلغ سرمایه گذاری اولیه را داشته باشیم.

عملکرد سیستم کنونی در مقایسه با ضوابط اسلامی

بررسی عملکرد سیستم کنونی بانکداری ایران، به جهت انطباق آن با ضوابط و معیارهای شرعی نتایج زیر را به دست می دهد. اصولاً فعالیت بانکها دارای دو جنبه مختلف است: جنبه اول جلب سپرده و وجوه مازاد مردم و سرمایه گذاری آن از طریق اعطای تسهیلات و جنبه دوم ارائه یک رشته خدمات به اشخاص و دریافت حق الزحمه در برابر آن. حق الزحمه ای که به این صورت دریافت می شود یا ممکن است ثابت باشد و یا به تبعیت از زمان تغییر کند. در این صورت، اگرچه حق الزحمه با توجه به نرخهای رایج و احتمالاً برحسب زمان محاسبه می شود ولی لزوماً نمی توان به آن عنوان بهره داد. در زمان حاضر در نظام بانکی اشخاص به صورت زیر می توانند سپرده گذاری کنند. با افتتاح حساب

جاری (که از تسهیلات پرداخت به وسیله چک برخوردار می شوند) و سپرده گذاری در حساب قرض الحسنه و یا سپرده سرمایه گذاری. طبق مقررات به سپرده قرض الحسنه سودی تعلق نمی گیرد ولی جوایزی داده می شود که ممکن است در خورتوجه باشد. در حالیکه به سپرده های سرمایه گذاری سود تعلق می گیرد که عموماً میزان آن نزد بانکهای مختلف ثابت است و اگرچه به سود این سرمایه گذاریها عنوان علی الحساب داده می شود اما این ارقام علی الحساب پس از چندی به خودی خود قطعی می شود. این خود نشان می دهد که رابطه ای بین سود پرداختی به سپرده گذاران و عملکرد بانک و یا سودآوری پروژه های بانک برقرار نیست. از سویی دیگر بانک در پروژه هایی که سرمایه گذاری کرده و با ضوابط مختلف تسهیلات بانکی می دهد، عملاً به دریافت سهم سود ثابتی بسنده می کند و در زیان احتمالی آن و یا سهم سودی متناسب با عملکرد نهایی پروژه دخالت ندارد.

بانک عملاً به عنوان کارگزار دولت نیز عمل می کند. در این مورد، بانک مرکزی و سایر مراجع باید بر کار بانک اشراف داشته باشند. بانک مرکزی علاوه بر آنکه سپرده قانونی دریافت می کند (که می توان این امر را در آغاز، به نوعی بیمه اصل سپرده مردم تعبیر و توجیه کرد) در تعیین نرخ سودی که به

سپرده گذاران پرداخت می‌شود، و نیز در سهمیه بندی اعتباراتی که به مشتریان بانک اعطا می‌گردد، نرخ سودی که از مشتریان می‌باید گرفته شود و تصمیمات اساسی دیگری نقش دارد. پیگیری این قبیل سیاستها در عمل باعث شده که بانک آن طور که باید و شاید، باز یافت کافی به سپرده گذاران اعطا نکند. بویژه آنکه این سهم سود در بسیاری از سالهای گذشته حتی کمتر از نرخ تورم بوده است یعنی اگر سپرده گذار به جای سپردن وجوه خود نزد بانک آن را به کالا تبدیل می‌کرد بازده بیشتری عایدش می‌شد، و در حقیقت، در مقابل سپردن نقدینگی خود در بانک، به جای سود زبان کرده است. در مقابل، کسانی هم که از تسهیلات بانک استفاده کرده‌اند، سهم سودی که به بانک پرداخته‌اند که کمتر از رقم تورم بوده است. پس در حقیقت بابت وامی که از سیستم بانکی دریافت داشته‌اند، با در نظر گرفتن ارزش پول در بلندمدت، مبلغی کمتر از اصل وام دریافتی به بانک پرداخت می‌کنند. این کیفیت تقاضا برای وام را بسیار افزایش داده است و مقامات بانکی نیز بر اساس ضوابطی که لزوماً در برگیرنده تمامی جوانب اقتصادی امر نبوده است، تقاضاهای دریافتی را اولویت بندی کرده‌اند. همه این علتهای باعث شده نظام بانکی نتواند در تمامی زمینه‌ها پاسخگوی نیازهای اقتصادی جامعه باشد و مردم به سوی بازار دیگری که به موازات سیستم بانکی تشکیل شده روی آور گردند.

مقایسه سیستم کنونی با سیستم بانکی در سایر کشورها

در مقایسه سیستم بانکداری کنونی رایج در ایران با سیستم‌های بانکداری در سایر کشورها مغایرت‌های عمده‌ای مشاهده می‌شود که در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

۱ - حجم بالای نقدینگی

بانکها عموماً از حجم بالای نقدینگی برخوردارند. یعنی منابع پولی سرشاری در اختیار دارند که بظاهر از آنها استفاده کافی به عمل نمی‌آید. تأثیری که این مسئله ایجاد می‌کند نتیجه نقش دوگانه سیستم بانکی است. زیرا از یک طرف بانک وکیل و کارگزار سپرده گذاران خویش است و

باید سعی کند حداکثر سود را برای آنان به دست آورد. و از سویی دیگر سیستم بانکی عامل و کارگزار دولت است و در این چارچوب، در مسیر اهداف دولت گام برمی‌دارد. یکی از این هدفها کنترل حجم پول است. به عبارت دیگر اگر حجم پول در گردش بیش از مبالغ مورد نیاز جامعه باشد دولت تمایل خواهد داشت که در کاهش آن بکوشد. به این ترتیب اگر بانک بخواهد در این مورد نقش کارگزار را داشته باشد، نسبت به جمع آوری نقدینگی خواهد کوشید، و سعی خواهد کرد آن را از جریان خارج کرده و نزد خود بلوکه نماید. علت این امر کسر بودجه‌های متوالی دولت است، یعنی به عبارت دیگر در سالهای گذشته، به علت جنگ و عوامل دیگر، دولت همه ساله کسر بودجه داشته و هزینه‌هایش بیش از درآمدش بوده است. در نتیجه به میزان کسر بودجه خود از امکانات اعتباری بانک استفاده کرده و با دست به انتشار اسکناس زده است. اگر فرض شود کل اسکناسی که به این ترتیب منتشر می‌شود در دسترس عموم قرار گیرد، به علت آنکه به همین میزان کالای مصرفی در اختیار مردم نیست و در بازار کمبود وجود دارد، تورم پدید می‌آید و قیمتها به بالا صعود می‌کند. یکی از راههای کنترل این امر یعنی پایین نگه داشتن رشد قیمتها، کاستن از حجم نقدینگی است. کاستن از حجم نقدینگی عموماً از طریق دریافت مالیات و با تدبیرهای پولی امکانپذیر است. برای جبران کسر بودجه نیز تعدیل مالیات و با کاهش هزینه‌ها لازم است. با این حال چنانچه این امکانات در دسترس نباشد، می‌توان از طریق اعمال سیاستهای پولی در مورد جذب نقدینگی اضافی اقدام کرد.

جذب نقدینگی از طریق انتشار اوراق قرضه امکانپذیر است. در این مورد دولت ملزم می‌شود تا زمانی که نسبت به باز خرید این اوراق اقدام نکرده، سود آنها را بپردازد این امر باعث می‌شود که همچون هر قرض دیگری، دولت مجبور باشد در آینده هم اصل و هم فرع آن را پرداخت کند، که این برای دولت هزینه‌زا خواهد بود. به هر حال برگزیدن این روش به علت مبیانت آن با احکام اسلام و مغایرت آن با سیستمهای دولت، در حال حاضر مورد توجه قرار ندارد.

یکی از سیاستهای دولت در این مورد، محدود کردن امکانات بانکها برای در جریان انداختن وجوه است. این امر با انتشار اسکناسهایی با ارزش کم،

اخذ سپرده قانونی بیشتر، از بانکها توسط بانک مرکزی، محدود کردن حجم اعتباراتی که سیستم بانکی می‌تواند بدهد، و حتی گسیل داشتن پاره‌ای از طرحهای سرمایه‌ای که برای بانک، اقتصادی به نظر نمی‌آمده به سوی شبکه بانکی انجام شده است. در نتیجه جمیع این سیاستها، وجوه موجود نزد بانک انباشته شده و در نتیجه حجمی که به عنوان اعتبارات اعطایی قابلیت کسب درآمد برای بانک را دارد کاسته شده است. مثلاً فرض شود اگر بانک تنها از نیمی از سپرده‌های دریافتی از مردم استفاده کند نرخ سود دریافتی از گیرندگان اعتبار حداقل دوبرابر نرخ سودی باشد که به سپرده گذاران اعطاء می‌شود تا به این ترتیب حداقل بانک فاقد زبان بویژه باشد.

بی توجهی به سهم سرمایه گذار

در نظام بانکداری بدون ربا، سپرده گذاران عملاً در انجام پروژه‌ها و یا اعطای وامهای بانکی با بانک به مشارکت می‌پردازند. قاعده‌تاً این مشارکت نیز می‌باید با توجه به ضوابط قانونی و اصول اسلامی تنظیم شده باشد، اما به علت پاره‌ای مشکلات اجرایی، در دستیابی به اهداف خاص خود با مشکل همراه است.

بانک زمانی که برای مشتریان خود تسهیلات مالی فراهم می‌آورد، اگر چه طبق قرارداد می‌باید در سود و زیان آن شریک باشد، ولی عملاً تنها به دریافت سود مشخصی بسنده می‌کند و دیگر در زیان آن دخالتی ندارد. توجیه بانک نیز بر این اساس استوار است که سهم سود بانک نزد مشتری بیمه می‌شود تا به این ترتیب زبانی متوجه بانک نشود. چنانچه نفس بیمه نزد گیرنده تسهیلات را منطقی بدانیم، یعنی بپذیریم که فرضاً برای بانکی با امکانات گسترده، منطقی است که بتواند زیان حاصل در سرمایه گذاری خود را نزد یکی از مشتریان خویش، که بعضاً امکانات محدودی نیز دارند بیمه کند، به طریق اولی سپرده گذاران نزد بانکها نیز باید بتوانند سپرده خود را بیمه نمایند. این امر، زمانی که بانکها بخشی از وجوه خود را نزد بانک مرکزی اندوخته می‌کنند، حداقل از نظر تئوری به خاطر اطمینان از حفظ و بیمه اصل سپرده است. لذا بنا بر همین منطقی که گیرنده تسهیلات می‌تواند سهم ورق بزند

ارزیابی نظام بانکداری در ایران

بانک از سود سپرده را بیمه کند، بانک نیز مطمئناً خواهد توانست سهم سپرده گذاران را اصل سپرده، و سود آن را بیمه نماید.

در حال حاضر بانک وجوه دریافتی از سپرده گذاران را همانند وجوه خود صرف انجام معاملات بانکی می‌کند و سپس سود حاصل از این معاملات را تقسیم کرده، سهم سپرده گذاران را می‌پردازد و پس از کسر هزینه‌های بانک، مابقی، سود خالص بانک را تشکیل می‌دهد. اگرچه در انجام این گونه معاملات بانک سهم سپرده گذاران را کم و بیش با نرخهای از پیش تعیین شده‌ای که دولت وضع می‌کند می‌پردازد و بین بانکها از این بابت رقابت وجود ندارد با این حال سپرده گذاران در زمان حاضر با آگاهی از این نحوه عمل بانک نسبت به مشارکت با آنها اقدام می‌کنند. ضمناً بانک در اجرای سیاستهای دولت دست به اقداماتی می‌زند که لزوماً منافع سپرده گذاران را دربر ندارد و یا در حد امکان حفظ نمی‌کند. فرضاً بانک ممکن است از محل سپرده سپرده گذاران نسبت به سرمایه گذاری در پروژه‌هایی اقدام کند که سود کمی دارد، لیکن از نظر ملی و اقتصادی برای مملکت مفید است. اگرچه این اقدام به خودی خود درست و اصولی است لیکن شاید برخی سپرده گذاران به این امر رضایت نداشته باشند که بانک از محل وجوهی که نزدش به امانت گذاشته شده تا حداکثر بازده را به دست آورد، دست به چنین اقدامی بزند. این قبیل مسائل، و نیز این واقعیت که بانک مجری سیاستهای دولت است، یعنی می‌باید اهدافی فراتر از کسب حداکثر سود را دنبال کند باعث می‌شود که سیاستی را در پیش گیرد که با تئوری اولیه نظام بانکداری اسلامی متفاوت باشد. یعنی اگر فرضاً سپرده گذاری با هدف کسب حداکثر سود وجوه خود را به طور امانت به بانک بسپارد ولی از جهتی دیگر بانک روی پروژه‌هایی سرمایه گذاری کند که از ابتدا می‌داند که بازده درخور توجهی ندارد و یا مثلاً براساس معیوز دولت، به پاره‌ای از بخشهای اقتصادی از قبیل صنعت و کشاورزی با نرخهایی پایینتر از معمول وام داده است، این امر به ما نشان می‌دهد که منافع سپرده گذار حداقل براساس تئوری نظام بانکداری حفظ نشده است.

اگر بانک را به عنوان ابزاری در اختیار دولت برای اجرای سیاستهای پولی آن بگیریم، می‌باید این مهم به نحوی انجام شود که اولاً به حسن اعتماد مردم نسبت به سیستم بانکی لطمه نخورد و ثانیاً اهداف عالی اسلامی جامعه عمل پیوشد. اگر قرار باشد که مثلاً سود سپرده مردم کمتر از نرخ تورم باشد، این مسئله باعث می‌شود که مردم رفته رفته از سیستم بانکی سلب اعتماد کنند و وجوه خود را در مجرای دیگری که بعضاً مشکل آفرین هم هستند به جریان اندازند. این گونه فعل و انفعالها، اگر مغایرت صریحی با اهداف نظام بانکداری هم نداشته باشد نمی‌توان پذیرفت که با نظامی صحیح و منطقی انطباق دارد و از نظر موازین شرعی فاقد اشکال است.

به منظور رفع این مشکل می‌توان پیشنهاد کرد که بانکها به جای آنکه سپرده گذاران را با نسبت نامعلومی در کل سود حاصل از معاملات خود سهم و شریک بدانند، به صورت کارگزار عمل کنند و در هنگام اخذ سپرده از سپرده گذاران اعلام کنند که مثلاً چند درصد از درآمد حاصل از به کار انداختن این سپرده را به عنوان سهم خود بانک برداشت می‌کنند و بقیه را به صاحبان سپرده باز پس می‌دهد. به این ترتیب بانکها با سپرده‌ها به صورت وجوه اداره شده برخورد خواهند کرد. [به عنوان مثال، بانک می‌تواند اعلام کند که بابت خدماتی که ارائه می‌دهد به میزان ۲۵٪ از درآمد حاصل از سرمایه گذاری در پروژه‌ها را برداشت خواهد کرد. لذا با فرض آنکه ۵۰٪ از سپرده‌های دریافتی از مشتریان بابت سپرده قانونی نزد بانک مرکزی برداشت شده و یا نزد بانک به جریان نرفته، باقی می‌ماند برای آنکه سپرده گذار فرضاً ۱۲٪ سود کسب کند، می‌باید وجوه مذکور در پروژه‌هایی سرمایه گذاری شود که ۳۲٪ باز یافت دارند.]

حجم بالای دارایی غیر جاری

حجم چشمگیری از منابع سیستم بانکی به صورت داراییهای ثابت درمی‌آید. پس از قانون ملی شدن بانکها، بانکهای مختلف در هم ادغام شدند و چند بانک نسبتاً بزرگ تشکیل شد. در پی این تحول، بانکهای عمده به تجدید سازمان و حذف شعب غیرکارا اقدام کردند که در نتیجه شعبه‌های زیادی از سیستم بانکی خارج شدند که محل آنها همچنان در گوشه و کنار شهردون استفاده اصولی باقی مانده است. بانکها پس از اجرای قانون حفاظت و

بند «ج» آن، در سهام تعداد زیادی شرکت سهامی شده‌اند. پاره‌ای از وامهای بانکی که پرداخت نشده باقی مانده بود به اجرا گذاشته شده و مورد رهنه آن به تملک بانک درآمده است. به علت وجود تورم در کل اقتصاد، تمایل بیشتر مردم به حفظ و نگهداری داراییهای غیر نقدی در مقابل دارایی پولی بوده است. همین مسائل باعث شده که بانکها دارای حجم چشمگیری از اموال به شکل زمین، ساختمان، ماشین آلات و سهام کارخانجات گردند. این امر اگرچه سود بانک را در پی دارد، لیکن زیانهای نیز به دنبال خواهد داشت. خارج کردن حجم درخور ملاحظه‌ای از سرمایه‌ها از بازار، خود باعث تشدید تورم می‌شود. یعنی حجم ثابتی از پول به دنبال کالای کمتری روان است و لذا فشار بابت افزایش بها به وجود خواهد آمد. حجم چشمگیری از منابع بانک به صورت دارایی ثابت درآمده که اگر چه به علت تورم ارزش آن منابع حفظ می‌شود لیکن از گردش در سیستم بانکی خارج شده و سودی را که می‌توانست از این راه به دست آورد از کف می‌دهد. حجم مهمی از منابع بانک که به صورت دارایی ثابت درآمده است، محتاج تجدید ارزیابی است تا بتواند سود هرسال و به تبع آن سهم سپرده گذاران را مشخص کند. و این امر انجام نگرفته است.

با توجه به قوانین و مقررات متداول بانکی، بانکها از نگهداری داراییهای ثابتی که در اثر تملک رهنه به دست آمده، منع شده‌اند. در این مورد نه تنها می‌باید به علل پیشگفته توجه کرد، بلکه عدم ارائه رهنه به بازار باعث می‌شود بر سوء استفاده‌های احتمالی و یا ناکاراییها سرپوش گذاشته شود. به عنوان مثال، اگر مورد رهنه یک وام، فرضاً معادل نصف آن وام ارزش داشته باشد و به تملک بانک درآید، و فرضاً پس از ۱۰ سال به فروش برسد و در این ۱۰ سال، تورم همه قیمتها را ۱۰ برابر کرده باشد، مورد رهنه به ۵ برابر وام اولیه به فروش خواهد رسید و از این بابت سود درخور توجهی عاید بانک خواهد شد، در صورتی که در واقع زیان چشمگیری داشته که در اثر تورم بر روی آن سرپوش گذاشته شده است.

ناکارایی سیستم هنگام تعلل مشتری

یکی دیگر از مواردی که سیستم بانکی ایران در مقایسه با سایر کشورها دچار ناکارایی است نحوه برخورد با مشتری در هنگامی است که مشتری از

دنباله پیدایش بانکداری در ایران

به دو منطقه نفوذ، تمام کوشش‌ها را نقش بر آب کرد. تا آنکه در دومین سال سلطنتی رضاشاه لایحه قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران تقدیم مجلس شد و در جلسه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ به تصویب نهایی رسید.

پس از آنکه در ۱۶ آبان ماه ۱۳۰۶ قانون «اجازه استخدام متخصصین بانکی از اتباع سوئیس با آلمان» به تصویب مجلس شورای ملی رسید دکتر کورت لنین بلات،* که سابقاً ریاست بانک اعتبارات صفویه را به عهده داشت به خدمت بانک دعوت و به ریاست آن گمارده شد. در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۰۷ اعلان تشکیل رسمی بانک از طرف وزیر مالیه و رئیس بانک صادر و منتشر گردید.

بدین ترتیب بانک ملی ایران با سرمایه ای ناچیز (بیست میلیون ریال که هشت میلیون ریال آن برداخت شده بود) به وجود آمد. ●

۱۳۷۰/۶/۲۰

ه سفرنامه اوژن فلائند به ایران، ترجمه محمدصادقی

* Kurt. Linden bladt

دنباله

قانون عملیات بانکداری بدون ربا

با فرض تضمین سود، بانک از نگاهداری یک رشته حسابهای بیمورد خودداری می‌کند و همان کاری را انجام می‌دهد که نهایتاً ناچار است انجام دهد. به اعتقاد نگارنده مضاربه و مشارکت مدنی دو شیوه مناسب در به کارگیری سرمایه بانکها و ایجاد امکان برای مؤسسات اقتصادی متقاضی سرمایه است و می‌تواند سود معقولی نیز برای بانکها به وجود آورد، ضمن اینکه با ارزشهای اسلامی نیز منطبق است. ولی بدون ایجاد سیستم نظارتی کامل در بانکها و ایجاد فرهنگ مشارکت در مؤسسات اقتصادی، تحقق عملی این دو مکانیسم غیرممکن خواهد بود و شاید بهترین بود که ابتدا این عملیات در یک بانک تخصصی، در حوزه‌ای محدود عملی می‌شد و تدریجاً گسترش می‌یافت. ●

تهران - شهریورماه ۱۳۷۰

فرارسید. انقلاب مشروطیت توقعات و آرزوهای طبقه روشنفکرپیشرو جامعه را به طیف وسیعی از مردم سرایت داده بود. رنگین‌کمانی از خواستهای ملی در فضای سیاسی به درخشش درآمده بود. خواستهای روشن اندیشان پشتوانه ملی یافته بود و نیرومندان مطرح می‌شد، پس راه عملی برای اجرا طلب می‌کرد. متفکران نه تنها دردها و کمبودها و خرابیها را نشان می‌دادند، بلکه به دنبال چاره، طرحهای عملی درمی‌انداختند و از تجربیات ملل پیشرفته سود می‌جستند.

قطعه زیر اثر ملک الشعرای بهار زبان حال روشنفکران و نمایندگان شایسته ملت بود:

زبس گفتند...

زبس گفتند ایران بی حساب است
زبس گفتند ایرانی خراب است
زبس گفتند این ملت فضول است
زبس گفتند این ملت جهول است
کنون پرگشت گوش ما از این ساز
دگر نبود اثر در هیچ آواز
چو درش گویی و درمان‌نگویی
یقین می‌دان تو عزرائیل اویی

و بدین ترتیب هنگامی که دولت از مجلس شورای ملی اجازه استقراض خارجی خواست احساسات ملی که از وامهای گذشته رفتار بانکهای بیگانه در تحقیر و استثمار این ملت جریحه دار بود به هیجان آمد و نمایندگان ملت در تاریخ ۲۵ آذر ۱۲۸۵ (نهم زیقعه ۱۳۲۴ قمری) ضمن مخالفت با استقراض خارجی تأسیس یک بانک ملی را خواستار شدند. پس از آنکه جمعی از بازرگانان و صرافان تعهد مشارکت کردند و اجازه تشکیل بانک صادر شد اعلان آن در تاریخ ۹ آذر ۱۲۸۵ منتشر گردید.

خیر تشکیل بانک ملی با سرمایه ۱۵ میلیون تومان (۳۰ کرون) با استقبال مردم روبرو شد در پی آن فرمان سلطنتی دایر بر اعطای امتیازات گوناگون به مدت ۱۱۰ سال به بانک ملی صادر گردید اما تغییر ناگهانی وضع سیاسی و انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ بین دو دولت روسیه و انگلستان دایره تقسیم ایران

اجرای تعهدات سر باز می‌زند. در گذشته که بانکها وام صنعتی و یا انواع تسهیلات را در اختیار مشتریان قرار می‌دادند و آنان از اجرای تعهدات به دلایل مختلف ابا می‌کردند، تنها راه چاره به اجرا گذاشتن قرارداد وام در نهایت تملک مورد رهنه و یا وثیقه وام بوده است. این امر گرچه در ظاهر اصولی و ساده می‌نماید، ولی در عمل نیازمند صرف وقت و هزینه چشمگیری است. از اینها گذشته تملک مورد وثیقه عموماً به توقف کارخانه منجر می‌شود که پیامدهای ناگوار این امر از نظر اجتماعی و اقتصادی روشن است. به منظور رفع این مشکل، در قبل از انقلاب از قانون حمایت از صنایع و با ایجاد یک هیئت امناء برای اداره کارخانه مورد وثیقه استفاده می‌شد. در بعد از انقلاب نیز قانون حفاظت، بویژه بند «ج» آن عملاً جایگزین این مورد شد. جا دارد در این باره قوانین تجاری بازنگری شود و در موارد تعلل وامگیرنده در بازپرداخت وام تحت ضوابطی مختلف اقدام شود. می‌توان در قراردادهای وام این مسئله را گنجانده. همچنین می‌توان از طریق استفاده مجدد از قانون حفاظت و توسعه صنایع و با قانون حمایت از صنایع و با قوانین مشابه، هنگامی که وامگیرنده از اجرای تعهدات سر باز می‌زند مسئولیت اداره کارخانه (یا شرکت) را از صاحبان اولیه و هیئت مدیره منتخب آنان منفک کرد و هماهنگ با نظارت بانک وام‌دهنده و احتمالاً دیگر بستانکاران، گروهی مأمور اداره شرکت شوند تا منافعشان در شرکت به خطر نیفتد. ●

تسلیت

با کمال تأسف باخبر شدیم، آقای محمد رضا سجادی که از ده سال پیش عضو انجمن حسابداران خیره ایران بودند، به رحمت ایزدی پیوسته‌اند. این مصیبت را به همکاران و خانواده محترم ایشان تسلیت می‌گوئیم.